

تکمیل محاصره نظامی با محاصره اقتصادی؛

تسلیم یا فروپاشی
جمهوری اسلامی!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند

تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند

تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

تسلیت

دوست عزیزمان، یار بسیاری از ایرانیان لندن،
توفیق ممتاز که در طول زندگیش در راستای ثبت
کارهای ادبی و هنری و تولید پوسترهای تبلیغاتی
هنری خدمات ارزنده‌ای کرد، درگذشت. از صمیم
دل فقدان **توفیق** را به شریک و همراه زندگیش،
سوسن حیدری، فرزندان سام و سارا و خواهرش
عادلہ ممتاز و دوست هنرمندم، روزنامه نگار متعهد
تقی مختار، برادر توفیق، و همسرش شهره عاصمی،
تسلیت می‌گویم.
کارت‌های زیبای نروزی **توفیق** که هر سال می‌فرستاد
جایشان خالی خواهد بود. یادش همیشه زنده.

بهروز به‌نژاد - لندن

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب **«سوریه: چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلیان)»**

برای نخستین بار ایراد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دولت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ایمیل یا **کیهان لندن** ads@kayhan.london
یا انتشارات سائراب و سوپر هرز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا
به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سر دبیری:

editorial@kayhan.london



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.

Web: www.pirnia.com



E-mail: pirnia@pirnia.com



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG

Tel: 0044 (0)20 3633 3684

e-mail:

info@kayhan.london

ads@kayhan.london

editorial@kayhan.london

www.kayhan.london

www.kayhanlife.com

سال چهل و سوم

کیهان شماره ۲۰۴۲ (۵۷۶)

۳۰ مرداد تا ۵ شهریور ۱۴۰۵

۲۱ تا ۲۷ اوت ۲۰۲۶



کیمسان

فهرست مطالب

۴	سر مقاله - سر کوب حداکثری با اسم رمز «نفوذ» / روشنک آسترکی
۴-۵	تیر هفته - تکمیل محاصره نظامی با محاصره اقتصادی: تسلیم یافروپاشی جمهوری اسلامی! ... /
۵	ایستادگی «ایران شاهنشاهی» در آخرین جنگ کلاسیک قرن ... / فرید خلیفی
۶-۷	سی ان ان: ترامپ با صدور دستور قطع مذاکره با جمهوری اسلامی، تغییری اساسی در پیش ... /
۷	آکسیوس: دولت ترامپ برای تماس با فرماندهان سپاه از کانال بارزانی استفاده کرد ... /
۸	اورشلیم پست: چرا جمهوری اسلامی به اسرائیل حمله نمی کند؟ ... /
۹	ترامپ و گزیننه های فشار اقتصادی بیشتر علیه جمهوری اسلامی ... /
۱۰	شیرین عبادی: دستور سوء قصد به جان فوآد پاشایی از تهران صادر شده است ... /
۱۱	تصحیح اظهارات پوتین ... / خیراندیش (احمد/حرار)
۱۲-۱۳	گذار از طوفان - خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی / بخش (۷) ... /
۱۴	وزیر خزانهداری آمریکا: «تاکتیک های بی سابقه اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته ... /
۱۴-۱۵	شیفتگان جمهوری اسلامی: مرگ ایدئولوژی های ناسیونالیستی و چپگر ... / احازم صاغیه (الشرق الاوسط)
۱۶-۱۷	مذاکره یا تروریست ها: خشونت سازی شکلاتی ... / فرد صابری
۱۷	وحشت رژیم ایران از تحولات در عراق و لبنان ... / اعلی حماده (النهار)
۱۸-۱۹	ترامپ بر سر دوراهی: تشدید فشار اقتصادی بر رژیم ایران یا بازگشت به دام ... / راغده درغام (النهار)
۱۹	دونالد ترامپ: شدیدترین عملیات اقتصادی علیه جمهوری اسلامی آغاز شده است ... /
۲۰-۲۱	امنیت جهان در گرو امنیت تنگه هرمز است ... / اهدی الحسینی (الشرق الاوسط)
۲۱	ملت ایران قباله هم در برابر بدخواهان پیروز شده اند ... / فرید خلیفی
۲۱	این هم سهم قوه قضاییه! ... / بهنام محمدی
۲۲	کشف یک انبار سلاح متعلق به حماس و حزب الله توسط اسرائیل ... /
۲۳	کیهان لایف: به فوآد پاشایی هشدار داده شده بود که ممکن است هدف حمله قرار گیرد ... /
۲۴	جمهوری اسلامی: آمادگی «کاملاً تهاجمی» داریم! اگر عمان دخالت کند، بیمارانشان می کنیم! ... /
۲۵	آرایش جدید اجرایی در قوه قضاییه: جایجایی همزمان ۹ مدیر ارشد توسط محسنی اژه ای ... /
۲۶	هشدار وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به دولت فرانسه در مورد «دخالت» و «نفوذ» ... /
۲۶	فرمانده ارتش جمهوری اسلامی: هر کسی یک نیروی آمریکایی را بکشد ۳ هزار دلار جایزه می گیرد ... /
۲۷	ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی: از وضعیت سه خلبان نیروی هوایی اسیر شده در قطر ... /
۲۸-۲۹	موج واکنش ها به مصوبه مجلس شورای اسلامی درباره «نفوذ» برای تشدید سرکوب جامعه ... /
۲۹	جمهوری اسلامی شهرام صادقی، از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ را «اعدام» کرد ... /
۳۰	کشتار و تروریسم: کارت نامزدی جمهوری اسلامی در کمیته حقوق بشر سازمان ملل ... /
۳۱	مصوبه مجلس شورای اسلامی: شش ماه تا دو سال زندان برای صاحبان بارسانه های آمریکایی ... /
۳۲	دیدار کوئینر و نتانیاهو در اورشلیم درباره وضعیت غزه ... /
۳۲-۳۳	مقام ارشد پیشین در وزارت خزانهداری آمریکا: صادرات نفت ایران تقریباً به صفر رسیده است ... /
۳۳	عضو «کمیسیون امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی: فرانسه در جمع آوری اطلاعات و اجرای طرح های ... /
۳۴	روسیه بار سال تسلیحات از دریای کاسپین در حال ترمیم زرادخانه موشکی - پهبادی جمهوری اسلامی است ... /
۳۵	تهدید نظامی مقامات جمهوری اسلامی در مقابل جنگ اقتصادی آمریکا ... /
۳۶	«کودک آزادی جنسی» در صدر پرونده های حقوقی «انجمن حمایت از حقوق کودکان» ... /
۳۷	از سر کوب اعتراضات دی ۴۰۴ تا جنگ: جامعه ایران دچار «مهاجرت ذهنی و اجتماعی» شده است ... /
۳۸-۳۹	رئیس کل بانک مرکزی «توقف صادرات نفت ایران» را تأیید کرد ... /
۳۹	برگزاری تجمع «سهشنبه های نه به اعدام» مقابل دفتر نخست وزیری بریتانیا ... /
۴۰-۴۱	موج دیگری از افزایش قیمت دارو: قیمت آنتی بیوتیک ها بطور میانگین ۱۲۰ درصد گران تر شدند ... /
۴۱-۴۲	از اعتراض به حجاب اجباری تا بیمارستان روانی: بهای سنگین نافرمانی «آهودریایی» ... /
۴۳	افزایش بی خاصیت رقم وام مسکن: کارشناسان می گویند قدرت خرید را افزایش نمی دهد! ... /
۴۴	هزینه «سید معیشت» دو برابر شد: هشدار درباره سال سخت اقتصاد ایران ... /
۴۵	رقم مورد نیاز برای حداقل های زندگی ماهانه ۹۰ میلیون تومان؛ دستمزد کارگران ۲۵ میلیون تومان! ... /
۴۶-۴۷	تردید درباره «تاب آوری» نظام بانکی جمهوری اسلامی ... /
۴۷-۴۸	زمستان با بحران عمیق کمبود گاز فرامی رسد! ... /
۴۸-۴۹	اقتصاد ایران در لبه پرتگاه: وزیر جهاد کشاورزی: جنگ با شدت ادامه دارد ... /
۵۰-۵۱	تحلیل بار کمبود بنزین به تنگدستان با قطع سهمیه سوخت اتومبیل های فرسوده ... /
۵۱	در گذشت توفیق ممتاز حامی پیگیر فعالیت های فرهنگی و هنری ... / احمد وحدت خواه
۵۲-۵۳	یک عضو اتاق بازرگانی: ایران در صورت تشدید محاصره دریایی فقط سه ماه دوام می آورد ... /
۵۳	جمهوری اسلامی آراین حسینی از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ را اعدام کرد ... /
۵۴	آلودگی نفتی در سواحل قشم و هنگام: از مردم و جنگل «حرا» تالاک پشت های پوزه عقابی ... /
۵۵	سهم عملکرد دولت در گرانی مواد غذایی و کوچک شدن سفره های مردم ... /
۵۶-۵۸	سوگ سرودشاعران: حضور در آینه ی پریشان تاریخ ... / محمود کویر
۵۸-۵۹	نمایش آثار راشین خیر به هنرمندان نقاش و تصویرگران آشنای ایرانی، درواشنگتن ولس آنجلس ... اکتی یگری
۶۰	۱۵ سال زندان، مجازات عکاسی از «دستاوردهای» جمهوری اسلامی! ... /
۶۱	بحران کمبود بنزین؛ هزینه نا کارآمدی جمهوری اسلامی را مردم خواهند داد ... /
۶۲-۶۳	خبرهای کوتاه ... /
۶۴	پشت جلد - عکس هفته / تنگه هرمز



بازنشر
بازنشر

تکمیل محاصره نظامی با محاصره اقتصادی؛ تسلیم یا فروپاشی جمهوری اسلامی!



● -همزمان با محاصره دریایی، فشار اقتصادی بر داخل ایران تشدید شده و کمبود بنزین، گازوئیل و کالاهای اساسی، همراه با افزایش شدید قیمت‌ها و کاهش درآمدها، نگرانی حکومت از شکل‌گیری موج تازه اعتراض‌های مردمی را افزایش داده است. کارشناسان معتقدند پاییز و زمستان سختی در انتظار حکومت خواهد بود. دوران دشواری که همزمان امید را نیز در دل مردم شعله‌ور نگه می‌دارد.

صادرات پیش از بسته شدن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی است.

تراشیدن صخره‌ها

منابع غیررسمی گزارش دادند که تیم‌های مهندسی آمریکا با تجهیزات ویژه در حال «تراشیدن صخره‌ها» در مسیری هستند که در قلمرو عمان قرار دارد تا راهرو جدید برای ترانزیت نفت‌ها وسیع‌تر شود. برخی تحلیلگران معتقدند این پروژه می‌تواند در عمل «کارت هرمز» را از دست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رژیم ایران خارج کند. یک منبع نظامی به کیهان لندن می‌گوید: «قبلاً سپاه و ارتش آسان‌تر کشتی‌ها را در مسیر جنوبی تنگه در عمان هدف قرار می‌دادند، اما با انهدام رادارها و سایت‌های موشکی و پهپادی در نوار ساحلی، توان عملیاتی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای هدف‌گیری کشتی‌ها به شدت کاهش پیدا کرده است، ضمن اینکه با حضور نظامی گشتی‌های آمریکایی در آن نواحی و رصد ۲۴ ساعته، مین‌پاشی هم برای جمهوری اسلامی دشوار شده است.» مقامات آمریکایی می‌گویند چون نیروهای جمهوری اسلامی تا حد زیادی «نابینا» شده‌اند، پهپادها و موشک‌های کروزر را به صورت کلی به سمت مناطقی که احتمال می‌دهند کشتی‌ها در آنجا در حال عبور باشند، شلیک می‌کنند.

اینهمه در حالیست که به نظر می‌رسد تنگه هرمز برای جمهوری اسلامی آخرین اهرم چانه‌زنی به شمار می‌رفت.

اوضاع وخیم تنگه هرمز کشتی‌های مرتبط با چین

مهل ۶۰ روزه ایالات متحده به جمهوری اسلامی برای رسیدن به یک «توافق نهایی» به پایان رسیده و دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا رسماً اعلام کرد مرحله جدیدی از «عملیات اقتصادی» شدید و بی‌سابقه را علیه رژیم ایران به اجرا گذاشته است.

مقامات تهران می‌گویند عملیات اقتصادی در واقع اعتراف به شکست آمریکا در رویارویی نظامی است، اما دونالد ترامپ و مقام‌های آمریکایی براین باورند که با اجرای طرح جدید، جمهوری اسلامی با تسلیم می‌شود یا فرو می‌پاشد. ترامپ ادعا کرده که کنترل کامل تنگه هرمز در دست آمریکا است. ارتش این کشور در یک عملیات مخفی یک راهرو دریایی برای تردد از تنگه هرمز ایجاد کرده تا روزانه میلیون‌ها بشکه نفت را جابجا کند؛ اقدامی که یک موفقیت قابل توجه محسوب می‌شود. کشتی‌ها هنگام عبور از این راهرو با توجه به فاصله‌ای که از خط ساحلی و آب‌های ایران دارند، با تهدید کمتری روبرو هستند و همزمان پدافند و ناوهای آمریکایی آنها را اسکورت می‌کنند.

این عملیات که طی چند هفته گذشته در جریان بوده، یک موفقیت برای آمریکا محسوب می‌شود، زیرا بر اساس گزارش منابع بین‌المللی در هر شبانه‌روز ۱۵ تا ۲۰ نفتکش از طریق مسیر جنوبی در امتداد سواحل عمان وارد تنگه و از آن خارج می‌شوند.

این وضعیت، در ثبات بهای نفت کمک بیشتری به آمریکا می‌کند، با این حال روزانه حدود ۱۰ میلیون بشکه نفت از این تنگه عبور می‌کند، که معادل حدود نیمی از حجم

سرکوب حداکثری با اسم رمز «نفوذ»

«مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی دشمن و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه در کشور» نام طرحی است که کلیات آن این هفته در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. این طرح اگر چه ظاهراً علیه «دشمن» تدوین شده اما در عمل شهروندان ایران را به اشکال مختلف هدف سرکوب‌های شدید امنیتی و قضایی قرار می‌دهد.

طرح «مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی دشمن و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه در کشور» دامنه گسترده‌ای از جرم‌انگاری علیه شهروندان را پیش‌بینی کرده که محدودیت‌های زیادی برای روند عادی زندگی آنان ایجاد می‌کند. ارتباط با رسانه‌ها و نهادهای



خارجی، همکاری علمی و ارتباط با دانشگاه‌های خارج از ایران، سفرهای علمی و حتی تفریحی، هرگونه ارتباط شهروندان با سفارتخانه‌ها، دریافت حمایت‌های مالی خارجی، فعالیت و همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) و شمار دیگری از فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، مواردی هستند که بر اساس این طرح می‌توانند سبب پرونده‌سازی علیه شهروندان شوند.

به بیان دیگر، این طرح در عمل همه را متهم به مشارکت و همکاری با پروژه «نفوذ» دشمن می‌داند، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود! این طرح به راحتی به نهادهای امنیتی و قضایی حکومت اجازه می‌دهد به بهانه‌های واهی علیه شهروندان اعلام جرم کرده و آنها را به مجازات‌های جدی حتی اعدام محکوم کنند.

محدودیت‌ها و سرکوب‌های شگفت‌آور پیش‌بینی شده در این طرح صدای «خودی»‌ها را هم درآورده است. برخی مقامات حکومت این طرح را مغایر با قوانین جمهوری اسلامی و حتی مغایر با «احکام شرعی» ارزیابی کرده و برخی دیگر گنجاندن عبارات موهوم در این طرح را سبب عدم تصویب آن در شورای نگهبان و اجرائی نبودن آن ارزیابی کرده‌اند.

اینهمه در حالیست که آنچه تحت عنوان «نفوذ» در سال‌های گذشته وارد زبان سیاسی جمهوری اسلامی شده، «نفوذ» به ساختار حکومت و خودفروشی مقامات خود نظام، حتی دارندگان اصلی قدرت، است و نه مردم عادی!

درواقع این طرح به روشنی چیزی جز تداوم راهکار همیشگی جمهوری اسلامی برای بقای خود نیست: سرکوب مردم! از ابتدای پیروزی انقلاب ۵۷ و روی کار آمدن جمهوری اسلامی، سرکوب همواره ابزاری فراگیر برای تثبیت قدرت بوده است. دامنه سرکوب نیز از حذف مخالفان و رقبای سیاسی تا کنترل ابعاد زندگی اجتماعی و حتی خصوصی شهروندان گسترده بوده است.

اکنون که مشروعیت جمهوری اسلامی نزد مردم ایران بر باد رفته است و شهروندان، از چهار گوشه ایران، پس از چند دوره اعتراضات سراسری، و به ویژه اعتراضات دی ۴۰۴، فاصله عمیق و پرنشدنی خود را با حکومت فریاد زده‌اند، و در آنسو نیز رژیم در شش ماه گذشته و در جریان جنگ با آمریکا به شکننده‌ترین وضعیت ممکن سقوط کرده، مقامات باقیمانده به دنبال راهکاری برای استمرار حکومت هستند.

اگر فرمول اصلاح‌طلبان ادامه پروژه‌های «جنگ نرم» با افکار عمومی و نمایش «امتیازدهی» به شهروندان با «سرکوب زیرپوستی» است، فرمول بخش دیگری از نظام «سرکوب حداکثری و علنی» و ایجاد شرایط «خفقان آمیخته به هراس‌آفرینی» است. با اینهمه نگاهی به تاریخ نشان می‌دهد حکومت‌های تمامیت‌خواه محکوم به سقوط هستند و سرکوب صرفاً سبب افزایش خشم عمومی و تقویت ظرفیت همبستگی مردم در برابر چنین رژیم‌هایی است.

ایستادگی «ایران شاهنشاهی» در آخرین جنگ کلاسیک قرن



کند. در نبردی نابرابر، ایران، کشوری که خود اندکی پیشتر توسط جمهوری اسلامی به واقع اشغال شده بود، با تجهیزات نظامی ایران شاهنشاهی و نیروهای آموزش دیده و مینپرست دوران پهلوی توانست در برابر ائتلافی بزرگ ایستادگی کند و باقی ماند.

فرید خلیفی - زمانی که محمدرضا شاه پهلوی کاتالوگهای تجهیزات نظامی مدرن جهان را ورق می‌زد تا بهترین‌ها را برای ارتش شاهنشاهی ایران انتخاب کند و سفارش دهد، کمتر کسی فکر می‌کرد روزی ایران تا لبه پرتگاه پیش رود و در برابر ائتلافی بزرگ از کشورهای منطقه مقاومت

با ادامه محاصره دریایی بنادر ایران، کمبود بنزین و گازوئیل و کمبود کالاهای اساسی در کشور به یک وضعیت در حال انفجار تبدیل شده است. قیمت‌ها به شدت بالا رفته و درآمدها کاهش قابل توجهی یافته است. حکومت می‌گوید هدف از این فشارها به زانو در آوردن نظام است و دشمن قصد دارد مردم را به خیابان بکشاند.

از مواضع و اظهارات مقام‌های جمهوری اسلامی پیداست دو نگرانی عمده آنها را درگیر کرده است: ۱) عملیات زمینی آمریکا همزمان با محاصره اقتصادی و ۲) خیزش مجدد مردم؛ از این رو با تمام قوا برای مقابله با این دو تهدید در دست به کار شدند.

گزارش‌های میدانی حاکی از آن است حکومت برای جبران کمبود نیرو ناشی از تلفات جنگ و ریزش‌های اقدام به مسلح کردن نیروهای داوطلب موسوم به «مردم پایه» کرده است. داوطلبانی که آموزش کافی ندارند اما سلاح‌هایی نظیر کلاشینکف و دوش‌پرتاب و تیربار به دست آنها داده‌اند در بیابان‌ها سنگرگیری کنند.

در داخل شهرها نیز برای تقویت ماشین سرکوب تا جایی کمبود نیرو زیاد شده که منابع مطلع می‌گویند ماموران و سربازان پلیس راهور (راهنمایی رانندگی) را هم مسلح کردند تا ایست‌های بازرسی شبانه کنار بسیج و نیروی انتظامی مستقر باشد.

اینکه خشم مردم ناشی از نارضایتی عمومی و حس انتقام چه زمانی لبریز شود مشخص نیست، اما کارشناسان معتقدند پاییز و زمستان سختی در انتظار حکومت خواهد بود. دوران دشواری که همزمان امید را نیز در دل مردم شعله‌ور نگه می‌دارد.

را نیز سرگردان کرده است. محاصره دریایی بنادر ایران به زیان چینی‌ها شده زیرا دریافت نفت ارزان زیر قیمت بازار از ایران تقریباً مختل شده است. عملیات مخفی دریایی تحت رهبری آمریکا یکی از دردناک‌ترین پیامدهای جنگ را کاهش داده است: اختلال در عرضه نفت که باعث جهش قیمت نفت خام می‌شد. ناظران می‌گویند اگرچه میزان نفتی که از تنگه هرمز خارج می‌شود هنوز کمتر از سطح پیش از بسته شدن آن است، اما این روند جایگزین تأثیر محسوسی بر عرضه جهانی نفت داشته است.

«کارگروه ویژه» عملیات

پایگاه خبری آکسیوس گزارش داد، یک «کارگروه ویژه» عملیات مربوط به تنگه هرمز از مقرر ارتش آمریکا در «فورت براگ» واقع در کارولینای شمالی هدایت می‌شود. این کارگروه با شرکای منطقه‌ای در کشورهای حوزه خلیج فارس هماهنگ است و هر روز فهرستی از کشتی‌هایی تهیه می‌کند که از خلیج فارس، از طریق تنگه هرمز، وارد دریای عرب می‌شوند. همچنین فهرستی از نفتکش‌های خالی اجاره‌شده تهیه می‌شود که از دریای عرب، از طریق تنگه، وارد بنادر کشورهای خلیج فارس می‌شوند تا نفت بیشتری بارگیری کنند.

هر شب، کشتی‌ها در یک بازه زمانی مشخص و در قالب یک صف بزرگ در مسیر خروج و در یک بازه زمانی جداگانه در قالب یک صف بزرگ در مسیر ورود حرکت می‌کنند. کشتی‌ها سپس بر اساس دستورالعمل‌های ارتش آمریکا از مسیر جنوبی تنگه عبور می‌کنند. نیروی هوایی آمریکا نیز جنگنده‌هایی را برای مقابله با موشک‌های کروز و پهپادهای ایرانی در منطقه مستقر کرده است.

عملیات اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی

دونالد ترامپ ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ در پیامی دوباره مقامات جمهوری اسلامی را «دیوانه» خواند و گفت که «به آخر خط رسیده‌اند.» او عملیات اقتصادی علیه حکومت ایران





دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

سی‌ان‌ان: ترامپ با صدور دستور قطع مذاکره با جمهوری اسلامی، تغییری اساسی در پیش گرفته است

است. ما گفتگوهایی بسیار مثبت و فعال داریم.» مقامات دولت آمریکا سه‌شنبه ۱۸ اوت اعلام کردند که دستور ترامپ به تیم مذاکره‌کننده‌اش برای توقف مذاکرات با جمهوری اسلامی صادر شده است. جی. دی. ونس معاون اول رئیس جمهور و استیو ویتکاف و جرد کوشنر فرستادگان ویژه او، چهره‌های اصلی تیم مذاکره‌کننده ترامپ با جمهوری اسلامی هستند.

با اینهمه به گفته این مقامات، ترامپ همچنان از اینکه تهران حاضر نیست در برابر خواسته‌های او کوتاه بیاید ناراضی است. او می‌خواهد تا زمانی که رهبران جمهوری اسلامی نشانه تازه‌ای از آمادگی برای دستیابی به توافق مورد نظرش نشان نداده‌اند، از ورود دوباره به مذاکرات خودداری کند.

در این میان، مقامات جمهوری اسلامی بارها اعلام کرده‌اند که ادعای انجام مذاکرات مستقیم با ایالات متحده صحت ندارد. ترامپ پیشتر از این تکذیب‌ها ابراز خشم کرده و گفته بود تهران در حال بازی دادن طرف مقابل است و مقام‌های جمهوری اسلامی در گفتگوهای خصوصی اشتیاق زیادی برای رسیدن به توافق نشان می‌دهند.

در همین حال، سی‌ان‌ان به نقل از افراد آگاه افزوده، ترامپ از شکل گرفتن توافقی که جمهوری اسلامی می‌کشد با عمان درباره مدیریت تردد در تنگه هرمز به دست آورد نیز ناخشنود شده است. با اینکه عمان دهه‌هاست شریک استراتژیک آمریکاست، ترامپ این هفته حتی تهدید کرد این کشور حاشیه خلیج فارس را در صورت مخالفت با نظر واشنگتن بمباران خواهد کرد.

او دوشنبه ۲۶ مرداد در دفتر کاخ سفید به خبرنگاران گفت: «فکر نمی‌کنم رفتار خیلی خوبی داشتند، اما خیلی راحت می‌توانیم با آنها برخورد کنیم؛ درست همانطور که با دیگران برخورد می‌کنیم.»

دو کشور ایران و عمان هر دو در امتداد تنگه هرمز ساحل دارند و بر اساس توضیح مقامات منطقه‌ای، طبق توافق مورد بحث، کنترل تردد کشتی‌هایی که وارد

علاوه بر این، به گفته یک منبع آگاه، مقامات کاخ سفید اخیراً به متحدان سیاسی خود گفته‌اند که در حال تغییر استراتژی این کشور هستند و از سیاست «هرچه سریع‌تر حکومت ایران را درهم بکوبید» به استراتژی «به مرور آنها را خفه کنید» تغییر مسیر می‌دهند.

ترامپ خود نیز سه‌شنبه ۲۷ مرداد بجای آنکه مانند گذشته بگوید که مذاکرات به خوبی پیش می‌رود و توافق تازه‌ای در آستانه دستیابی است، اعلام کرد که در حال حاضر اساساً هیچ دیپلماسی یا مذاکره‌ای در جریان نیست.

او در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «هیچ مذاکره‌ای با جمهوری اسلامی در جریان نیست و هیچ مذاکره‌ای برنامه‌ریزی نشده است. محاصره دریایی با تمام قدرت همچنان برقرار است و تنگه هرمز باز و فعال است. همه مین‌های دریایی جمع‌آوری یا منفجر شده‌اند. از توجه شما به این موضوع متشکرم!»

این در حالیست که تردد در تنگه هرمز همچنان بسیار محدود است و کشتی‌هایی که از این آبراه کلیدی عبور می‌کنند، همچنان هدف حملات جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند.

با این حال، به نوشته سی‌ان‌ان، «ترامپ که از بن‌بست تلاش‌ها برای بازگشایی این آبراه سرخورده شده و همزمان با پرسش‌های فزاینده درباره هزینه‌هایی روبروست که این جنگ نامحبوب بر ارتش آمریکا تحمیل کرده، اکنون سخن از آن می‌گوید که آماده است تا حدی از این درگیری فاصله بگیرد.»

یک روز پیش از انتشار پیام اخیر ترامپ در شبکه‌های اجتماعی، کوشنر در جریان سفر به خاورمیانه ارزیابی خوش‌بینانه‌تری از مذاکرات ارائه کرده بود. او در مصاحبه‌ای با فاکس‌نیوز گفت که مذاکره آمریکا و جمهوری اسلامی «احتمالاً گسترده‌تر از هر زمان دیگری» است.

کوشنر افزود که تیم مذاکره‌کننده آمریکا با افراد مختلفی در داخل حکومت ایران در تماس است. او گفت: «آنها به شکلی بسیار جدی در حال تعامل هستند و این کاملاً مثبت

● شبکه خبری سی‌ان‌ان سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ در گزارشی نوشت که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا با صدور دستور قطع هرگونه مذاکره با جمهوری اسلامی، تغییری اساسی در سیاست خود در ارتباط با رژیم ایران در پیش گرفته است.

● به گفته یک منبع آگاه، مقامات کاخ سفید اخیراً به متحدان سیاسی خود گفته‌اند که در حال تغییر استراتژی این کشور هستند و از سیاست «هرچه سریع‌تر حکومت ایران را درهم بکوبید» به استراتژی «به مرور آنها را خفه کنید» تغییر مسیر می‌دهند.

● دونالد ترامپ: «هیچ مذاکره‌ای با جمهوری اسلامی در جریان نیست و هیچ مذاکره‌ای برنامه‌ریزی نشده است. محاصره دریایی با تمام قدرت همچنان برقرار است و تنگه هرمز باز و فعال است. همه مین‌های دریایی جمع‌آوری یا منفجر شده‌اند.»

● دونالد ترامپ روز سه‌شنبه نقشه‌ای از تنگه هرمز در شبکه‌های اجتماعی خود منتشر کرد که روی آن نوشته شده: «قلعرو ایالات متحده»؛ پیامی که نشانه‌ای از خروج نظامی آمریکا از منطقه به این زودی‌ها به دست می‌دهد.

شبکه خبری سی‌ان‌ان سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ در گزارشی نوشت که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا با صدور دستور قطع هرگونه مذاکره با جمهوری اسلامی، تغییری اساسی در سیاست خود در ارتباط با رژیم ایران در پیش گرفته است.

بر اساس این گزارش، ترامپ پس از آنکه هفته‌ها تلاش کرد با ابراز خوش‌بینی، تحولات مثبتی در رابطه با حکومت ایران را به واقعیت تبدیل کند اما این تلاش او چندان موفق نبوده و اکنون به نظر می‌رسد او رویکرد تازه‌ای در پیش گرفته است.

سی‌ان‌ان به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد که ترامپ به فرستادگان ارشد دولت خود دستور داده است گفتگوها با جمهوری اسلامی را متوقف کنند.

آکسیوس: دولت ترامپ برای تماس با فرماندهان سپاه از کانال بارزانی استفاده کرد

برت مک‌گورک مشاور پیشین خاورمیانه در دولت‌های مختلف آمریکا، به آکسیوس می‌گوید: «نچيروان بارزانی یک میانجی عملگراست. در سراسر منطقه مورد احترام است. تقریباً همه را در تهران و واشنگتن می‌شناسد و در یک لحظه بحرانی، شما به چنین فردی زنگ می‌زنید.»

آکسیوس در توضیح زمینه این تماس پنهانی نوشته است که جنگ، ساختار قدرت در ایران را درگروان کرده است. به نوشته این رسانه، کشته شدن علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی و چند مقام ارشد سیاسی، همراه با ۴۰ روز درگیری پس از آن، نفوذ سپاه را در تصمیم‌گیری‌های امنیت ملی و سیاست خارجی افزایش داد.

این گزارش همچنین می‌گوید ابهام درباره وضعیت جسمانی مجتبی خامنه‌ای رهبر جدید جمهوری اسلامی، در هفته‌های نخست جنگ و غیبت او از انتظار عمومی، قدرت فرماندهان سپاه را بیشتر کرد.

آکسیوس در ادامه می‌نویسد، پس از آتش‌بس و «یادداشت

● پایگاه خبری آکسیوس به نقل از سه منبع مطلع گزارش داد دولت ترامپ برای ایجاد یک کانال ارتباطی محرمانه با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از نچيروان بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق استفاده کرده است.

● به گفته منابع آکسیوس، نچيروان بارزانی از اعتماد همزمان مقام‌های آمریکایی و رهبران سپاه برخوردار است. وی در دوران جنگ ایران و عراق در ایران زندگی کرده و در دانشگاه تهران درس خوانده است. او فارسی را روان صحبت می‌کند و به گفته یکی از منابع آکسیوس، با شمار زیادی از مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی، از جمله چهره‌های اصلی سپاه، رابطه شخصی دارد.

● تولسی گابارد مدیر وقت اطلاعات ملی آمریکا با نچيروان بارزانی تماس گرفت. دو منبع مطلع به آکسیوس گفته‌اند، گابارد به بارزانی اطلاع داد که دولت ترامپ فکر می‌کند او می‌تواند برای تماس با احمد وحیدی فرمانده سپاه پاسداران کمک کند.



سفر بارزانی به تهران برای شرکت در مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای

تفاهم اسلام‌آباد»، آمریکا و جمهوری اسلامی تلاش کردند برای پایان جنگ مذاکره کنند.

در اوایل ماه مه، تصور در کاخ سفید این بود که به توافق با جمهوری اسلامی نزدیک شده است، اما پاسخ تهران بیش از ۱۰ روز به تأخیر افتاد. به نوشته آکسیوس، مذاکره‌کنندگان آمریکایی کم‌کم به این جمع‌بندی رسیدند که محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، شاید اختیار نهایی برای توافق ندارند و ممکن است از سوی سپاه کنار زده یا محدود شده باشند. اما در همان مقطع تولسی گابارد مدیر وقت اطلاعات ملی آمریکا، با نچيروان بارزانی تماس گرفت.

دو منبع مطلع به آکسیوس گفته‌اند، گابارد به بارزانی اطلاع داد که دولت ترامپ فکر می‌کند او می‌تواند برای تماس با احمد وحیدی فرمانده سپاه کمک کند.

به گفته یکی از منابع، گابارد روشن کرد که این تماس با تأیید دونالد ترامپ و جی. دی. ونس انجام می‌شود.

او به بارزانی گفت که کاخ سفید می‌خواهد بداند آیا وحیدی و فرماندهی سپاه با آنچه قالیباف و عراقچی مذاکره کرده‌اند همراه هستند یا دیدگاه‌ها و خواست‌های دیگری دارند.

پایگاه خبری آکسیوس به نقل از سه منبع مطلع گزارش داد دولت ترامپ برای ایجاد یک کانال ارتباطی محرمانه با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از نچيروان بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق استفاده کرده است.

بر اساس گزارش «آکسیوس»، مذاکره‌کنندگان آمریکایی در میانه ماه مه (اردیبهشت ۷ خرداد) با یک مشکل اصلی روبرو شدند: آنها نمی‌دانستند نمایندگان جمهوری اسلامی که در مذاکرات حاضر بودند واقعا از جانب ساختار قدرتمند سپاه اختیار دارند یا نه. همین تردید باعث شد مقام‌های دولت ترامپ تصمیم بگیرند از مسیر رسمی مذاکرات عبور کنند و مستقیماً با فرماندهی سپاه تماس بگیرند.

بر اساس این گزارش، نچيروان بارزانی برای این ماموریت انتخاب شد؛ چون به گفته منابع آکسیوس، او از اعتماد همزمان مقام‌های آمریکایی و رهبران سپاه برخوردار است.

آکسیوس توضیح داد، بارزانی در دوران جنگ ایران و عراق در ایران زندگی کرده و در دانشگاه تهران درس خوانده است. او فارسی را روان صحبت می‌کند و به گفته یکی از منابع این رسانه، با شمار زیادی از مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی، از جمله چهره‌های اصلی سپاه، رابطه شخصی دارد.

→ خلیج فارس می‌شوند یا از آن خارج می‌شوند، میان دو کشور تقسیم خواهد شد.

در کاخ سفید اما این نگرانی وجود دارد که این طرح با اینکه هنوز نهایی نشده است، بتواند کنترل جمهوری اسلامی را بر این آبراه بین‌المللی تثبیت کند. برخی مقامات معتقدند عمان در جریان مذاکرات، بجای ایفای نقش یک شریک بی‌طرف، جانب جمهوری اسلامی را بیش از آمریکا گرفته است.

یکی از پیشنهادهایی که ترامپ و مقامات ارشد آمریکایی با آن مخالفت می‌کنند، دریافت هزینه از کشتی‌هایی است که قصد عبور از این تنگه را دارند. ترامپ اصرار کرده است که هیچ عوارض یا پرداخت دیگری نباید مجاز باشد، اما برخی نسخه‌های توافق که جریان داشته‌اند، هزینه‌هایی را تحت عنوان حفاظت از محیط زیست یا تأمین امنیت در نظر گرفته‌اند که می‌بایست توسط مالکان کشتی‌های تجاری پرداخت شود.

این با تصویری که ترامپ از نحوه فعالیت این آبراه دارد مطابقت ندارد. او خواهان توافقی است که وضعیت تنگه را به شرایط پیش از جنگ بازگرداند؛ زمانی که تردد بدون محدودیت از این آبراه بین‌المللی جریان داشت. دولت او بارها گفته است که اجازه دادن به هر کشوری برای اعمال کنترل بر تنگه، زمینه‌ای خطرناک ایجاد خواهد کرد.

آزادی تردد در تنگه هرمز اکنون به مشکل اصلی جنگ تبدیل شده است؛ هرچند ترامپ این هفته تأکید کرد که هدف اصلی او همچنان جلوگیری از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای است.

به گفته مقامات آمریکایی، انتظار می‌رود ایالات متحده به زودی تحریم‌های تازه و سنگینی علیه حکومت ایران اعمال کند؛ اقدامی که ممکن است همین هفته انجام شود. مقامات نظامی، از جمله پیت هگست وزیر جنگ گفته‌اند نیروهای آمریکایی در منطقه آماده‌اند محاصره بنادر ایران را برای مدتی نامحدود ادامه دهند.

با این حال مقامات جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند که صبر آنها در مقابل محاصره دریایی بی‌پایان نیست و در صورت تداوم این وضعیت «آبادی کاملاً تهاجمی» دارند.

ترامپ و تیم او معتقدند فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی سرانجام آن را وادار خواهد کرد شرایط وی برای پایان دادن به جنگ را بپذیرد. اما مقامات جمهوری اسلامی نیز به نوبه خود معتقدند ترامپ برای خروج از جنگ تحت فشار سیاسی قرار دارد و همین برداشت متقابل به بن‌بست کنونی منجر شده است.

فشارهای نظامی بر ترامپ برای مذاکره بر سر راهی جهت خروج از جنگ نیز افزایش یافته است. استقراری طولانی و کم‌سابقه تجهیزات و نیروهای نظامی آمریکا در منطقه، از جمله ناو هواپیمابر «یواس‌اس آبراهام لینکلن»، به دلیل فشار و فرسایشی که بر کشتی‌ها و ملوانان مستقر در آنها وارد شده، مورد توجه و انتقاد قرار گرفته است. ترامپ نیز اذعان کرده که پس از شش ماه جنگ، ذخایر پیشرفته‌ترین مهمات آمریکا در سطحی که او می‌خواهد قرار ندارد.

با وجود این، ترامپ تا کنون در برابر درخواست‌های فزاینده جمهوریخواهان برای پیدا کردن راهی جهت خروج از جنگ مقاومت و تأکید کرده که برای پایان دادن به درگیری با محدودیت زمانی روبرو نیست.

در چنین شرایطی، دونالد ترامپ روز سه‌شنبه نقشه‌ای از تنگه هرمز در شبکه‌های اجتماعی خود منتشر کرد که روی آن نوشته شده: «قلعرو ایالات متحده»؛ پیامی که نشانه‌ای از خروج نظامی آمریکا از منطقه به این زودی‌ها به دست نمی‌دهد.

اورشلیم پست: چرا جمهوری اسلامی به اسرائیل حمله نمی‌کند؟



مصلی تهران / تیرماه ۱۴۰۵، مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای

می‌توان تنگه هرمز را نادیده گرفت

تنگه هرمز، به دلیل تهدید پهنادهای جمهوری اسلامی، تنها با استفاده از نیروی هوایی و دریایی می‌تواند به اندازه کافی محافظت شود.

هزینه ساخت هر فروند پهپاد «شاهد ۱۳۶»- سپاه پاسداران بین ۲۰ هزار تا ۳۵ هزار دلار است. جمهوری اسلامی هزاران فروند از آنها در اختیار دارد. ایران کشور بسیار بزرگی است؛ مساحت آن یک و نیم برابر کالیفرنیاست. این پهپادها می‌توانند هر جایی باشند. ممکن است در زیر زمین، در شکاف‌ها یا در میان کوه‌ها پنهان شده باشند.

شکست پهپادها با شکار مار

نویسنده در ادامه می‌پرسد: چگونه می‌توان پهپادهای جمهوری اسلامی را شکست داد؟ و پاسخ داده: «با پهپادهای خودمان؛ اما به همان شیوه‌ای که اسرائیلی‌ها عمل کرده‌اند. این کار به یک عملیات نظامی بزرگ نیاز ندارد، بلکه نیازمند عملیاتی کوچکتر برای هدف قرار دادن زمامداران کنونی رژیم است.»

در این میان، از یک چیز می‌توان مطمئن بود: این استراتژی موفق خواهد شد. این را اسرائیل پیشتر ثابت کرده. به همین دلیل است که حکومت ایران به اسرائیل حمله نمی‌کند.

اگر رهبران جمهوری اسلامی دریابند که ادامه دادن مسیر آخرالزمانی آنها به قیمت جان خودشان تمام خواهد شد، دیگر نمی‌توانند و نخواهند توانست این مسیر را ادامه دهند.

آنها از آرزوی رسیدن به ۷۲ حوری سخن می‌گویند که البته بلوف می‌زنند، اما آمریکا می‌تواند ۷۲ «ویرجینیایی» به آنها بدهد: جنگجویان جوان آمریکایی با ستون فقراتی از جنس توماس جفرسون، بنجامین فرانکلین و آبراهام لینکلن، که از پیشرفته‌ترین فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی برای هدف قرار دادن این «شیاطین» استفاده می‌کنند.

مایک ایوانس در پایان می‌نویسد، وادار کردن آنها به احساس خطر و فشار تا زمانی که حقیقت را ببینند، به صبر و زمان نیاز دارد. اما در نهایت، رژیم «نازی اسلامی» می‌تواند شکست بخورد. و زمانی که این اتفاق بیفتد، مردم ایران همچون شیر برای پس گرفتن کشورشان قیام خواهند کرد.

در بخشی از این مقاله آمده، هرچند که دونالد ترامپ با حملات رسانه‌ای روبرو شده که ادعا می‌کنند وی شکست خورده اما آنچه دونالد ترامپ در جنگ با رژیم ایران به دست آورده، شکست‌انگیز است؛ ستون فقرات هسته‌ای جمهوری اسلامی درهم شکسته و ماشین جنگی آن از هم پاشیده است. مرحله بعدی جنگ لزوماً نباید یک عملیات نظامی بزرگ باشد. برعکس، آمریکا بزرگترین ذخیره پهپادهای پیشرفته جهان را در اختیار دارد، اما باید تولید آنها را تا ۱۰ برابر افزایش دهد.

تنها قدرت باقیمانده جمهوری اسلامی پهپادهایش هستند که می‌کند تعداد بیشتری از پهپادهای فیبر نوری را از طریق سوریه و عراق به حزب‌الله قاچاق کرده و با آنها به پایگاه‌های آمریکا از جمله در کویت و اردن حمله کند.

میدان نبرد جدید: پهپادها و جنگ سایبری

در جریان عملیات «غرش شیران» و «خشم حماسی»، اسرائیل همزمان بزرگترین حمله سایبری تاریخ را اجرا کرد و دسترسی رژیم ایران به اینترنت را به حدود چهار درصد ظرفیت عادی کاهش داد و یک مه‌آلودگی دیجیتال سراسری ایجاد کرد که خدمات دولتی، رسانه‌ها، انرژی و زیرساخت‌ها را مختل کرد. همه این اقدامات برای پیشبرد و پشتیبانی از حملات نظامی هماهنگ شده بود؛ از جمله هک تلویزیون دولتی و ایجاد اختلال در جی‌پی‌اس.

آمریکا باید همین استراتژی بلندمدت را در قبال جمهوری اسلامی اتخاذ کند. رژیم ایران به استفاده از پهپادهای خود ادامه خواهد داد، زیرا تعداد آنها زیاد است و به خوبی می‌توان آنها را مخفی کرد و هزینه تولیدشان نیز پایین است. پهپادهای FPV تنها حدود ۳۰۰ دلار قیمت دارند و حزب‌الله آنها را با چاپگر سه‌بعدی تولید می‌کند. این پهپادها به مرگبارترین سلاح علیه نیروهای اسرائیلی در لبنان تبدیل شده‌اند.

پیت هگست وزیر جنگ آمریکا برنامه‌ای برای برتری پهپادی آغاز کرده و خواستار استقرار بیش از ۳۰۰ هزار پهپاد کوچک بکطرفه تهاجمی در نیروهای مسلح ایالات متحده تا سال ۲۰۲۸ شده است. ارتش آمریکا نیز اعلام کرده که قصد دارد تعداد پهپادهای خود را به یک میلیون فروند برساند.

● مایک ایوانس تحلیلگر سیاسی در مقاله‌ای تحلیلی که ۲۱ مرداد ۱۴۰۵ در «اورشلیم پست» منتشر شد، به دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا پیشنهاد داد برای تسلیم کردن جمهوری اسلامی در جنگ، همان راهی را برود که اسرائیل رفت: کشتن رهبران رژیم.

● به باور نویسنده، علت اینکه رژیم ایران به اسرائیل حمله نمی‌کند، این است که «اسرائیل عمدتاً از طریق جنگ پهپادی، زمامداران ارشد حکومت را هدف قرار داده است... سر مار را قطع کرده و از تکثیر مارها جلوگیری کرده است.»

● مایک ایوانس می‌نویسد، وادار کردن مقامات جمهوری اسلامی به احساس خطر و فشار تا زمانی که حقیقت را ببینند، به صبر و زمان نیاز دارد. اما در نهایت، رژیم «نازی اسلامی» می‌تواند شکست بخورد. و زمانی که این اتفاق بیفتد، مردم ایران همچون شیر برای پس گرفتن کشورشان قیام خواهند کرد.

مایک ایوانس تحلیلگر سیاسی در مقاله‌ای تحلیلی که ۲۱ مرداد ۱۴۰۵ در «اورشلیم پست» منتشر شد، به دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا پیشنهاد داد برای تسلیم کردن جمهوری اسلامی در جنگ، همان راهی را برود که اسرائیل رفت: کشتن رهبران رژیم. در مقدمه این مقاله با اشاره به شروط جمهوری اسلامی برای بازگشایی تنگه هرمز آمده، رژیم ۴۶ سال است که با «شیطان بزرگ»، آمریکا، و «شیطان کوچک»، اسرائیل، در حال جنگ است.

نویسنده در آغاز توضیح می‌دهد، قدرتمندترین استراتژی جمهوری اسلامی ایران استفاده از نیروهای نیابتی و پهپادها بوده است. اکنون نیروهای نیابتی در وضعیت احتضار قرار دارند، اما پهپادهای آن همچنان فعال‌اند. جمهوری اسلامی با استفاده از این پهپادها می‌تواند منطقه خلیج فارس را بی‌ثبات نگه دارد و به پایگاه‌های آمریکا حمله کند؛ این در حالیست که آمریکا و اسرائیل بیش از ۹۰ درصد این موشک‌ها را خنثی کرده‌اند.

او تأکید می‌کند: «مباران پل‌ها و نیروگاه‌های برق راه حل نیست. این اقدامات فقط به مردم ایران آسیب خواهد زد؛ مردمی که خواهان آزادی هستند.»

چرا رژیم ایران به اسرائیل حمله نمی‌کند؟

ایوانس می‌گوید، برای درک آنچه در حال وقوع است، باید یک سؤال ساده پرسید: چرا جمهوری اسلامی به اسرائیل حمله نمی‌کند؟ پاسخ این است که اسرائیل یکی از نخستین جنگ‌های واقعی پهپادی را که در آن یک قدرت بزرگ درگیر بود، تجربه و اجرا کرد. اما مؤثرترین اقدام اسرائیل، هدف قرار دادن رهبران حکومت ایران بود، از جمله رضی موسوی مسئول پشتیبانی سپاه قدس در سوریه، محمد رضا زاهدی فرمانده نیروی قدس سپاه در لبنان و سوریه، علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، علی لاریجانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی»، غلامرضا سلیمانی فرمانده بسیج؛ علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه و ده‌ها، و شاید صدها، مقام و فرمانده دیگر رژیم.

به باور نویسنده علت اینکه حکومت ایران به اسرائیل حمله نمی‌کند، این است که «اسرائیل عمدتاً از طریق جنگ پهپادی، رهبران ارشد حکومت را هدف قرار داده است... سر مار را قطع کرده و از تکثیر مارها جلوگیری کرده است.» ترامپ ماشین جنگی جمهوری اسلامی را از کار انداخته است

ترامپ و گزینه‌های فشار اقتصادی بیشتر علیه جمهوری اسلامی



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

تحریم‌ها و جمع‌آوری درآمد برای تأمین هزینه‌های جنگ در خدمت رژیم تهران هستند. وزارت خزانه‌داری آمریکا اخیراً شرکت‌هایی را تحریم کرده که برای تبدیل درآمد نفتی جمهوری اسلامی به واردات به وجود آمده بودند. برت اریکسون مدیر اصلی Obsidian Risk Advisors این سیاست را به «گرفتن موش» تشبیه کرده که هیچ تأثیری در تغییر رفتار رژیم ایران ندارد زیرا جمهوری اسلامی به سادگی نهادهای جدیدی را جایگزین آنها می‌کند.

محاصره‌ی زمینی

برخی مقامات آمریکایی و اسرائیلی ایده‌ی محاصره‌ی زمینی را مطرح کرده‌اند که نیازمند همکاری همسایگان ایران از جمله عراق، ترکیه، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، ارمنستان و آذربایجان است. دولت دونالد ترامپ روابط مختلفی با این کشورها دارد. بجز افغانستان که مرز کوهستانی و دشوار برای کنترل دارد، ترامپ ممکن است بر پاکستان که اخیراً خواستار خط سوآپ ارزی ده‌میلیارد دلاری از خزانه‌داری آمریکا شده و ترکیه که خواهان بازگشت به برنامه جنگ‌های F۳۵ آمریکاست نفوذ داشته باشد.

تعرفه‌های ثانویه

دونالد ترامپ بارها تهدید به اعمال تعرفه بر کالاهای کشورهایی کرده که با جمهوری اسلامی تجارت می‌کنند؛ هرچند دیوان عالی آمریکا مبنای قانونی چنین مالیات‌هایی را لغو کرده است. مجلس سنا هفته گذشته لایحه تحریم‌های گسترده (طرح سناتور لیندزی گراهام) علیه روسیه را تصویب کرد که شامل تحریم‌های تازه علیه جمهوری اسلامی و اعطای اختیارات تعرفه‌ای جدید به رئیس جمهور آمریکا می‌شود.

این لایحه هنوز باید در مجلس نمایندگان آمریکا تصویب شود که با توجه به نگرانی‌های دموکرات‌ها، درباره‌ی اجرای مقررات تعرفه‌ای توسط دونالد ترامپ، ممکن است مشکل‌آفرین باشد.

پالایشگاه‌های مستقل چین که به «Teapot» معروف هستند، حدود یک چهارم ظرفیت پالایشگاهی این کشور را تشکیل می‌دهند و اغلب با حاشیه‌ی سود کم یا حتی منفی فعالیت می‌کنند. چین بیش از ۸۰ درصد نفت صادراتی جمهوری اسلامی را خریداری می‌کند و بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۵ شرکت تحلیلی کپلر، بخش عمده‌ای از این تجارت توسط این پالایشگاه‌های مستقل جذب می‌شود. تحریم‌های ثانویه می‌تواند آنها را هدف قرار دهد، هرچند این پالایشگاه‌ها به دلیل ارتباط محدود با سیستم مالی آمریکا تا حدی مقاوم هستند. تحریم‌های قبلی آمریکا باعث شده پالایشگاه‌های مستقل بزرگتر از خرید نفت جمهوری اسلامی خودداری کنند.

تحریم بانک‌های چینی

خزانه‌داری آمریکا پیشتر تحریم‌های ثانویه را بر نهادهای کوچکتر مستقر در چین و هنگ‌کنگ اعمال کرده که متهم به پرداخت میلیاردها دلار از فروش نفت جمهوری اسلامی و کمک به تأمین سلاح بوده‌اند. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده به دو بانک بزرگتر چینی هشدار داده که در صورت انتقال وجوه ایرانی از طریق سیستم‌های‌شان ممکن است با تحریم ثانویه روبرو شوند، اما هنوز آنها را تحریم نکرده است.

هدف قراردادن این بانک‌ها که مقامات آمریکایی نام آنها را علنی نکرده‌اند، می‌تواند اثر بازدارنده‌ای بر مؤسسات مالی بزرگتر داشته باشد، اگرچه کارشناسان هشدار می‌دهند که ممکن است باعث اقداماتی تلافی‌جویانه از سوی پکن شود. مقامات دولت ترامپ در سال گذشته تلاش کرده‌اند تنش‌ها با چین را پیش از نشست مورد انتظار ترامپ و شی جین‌پینگ کاهش دهند.

سیاست «موش گرفتن»

آمریکا می‌تواند تحریم آندسته از افراد و نهادهای وابسته به جمهوری اسلامی و همچنین نهادهای کمکی در چین و خلیج فارس را ادامه دهد که در دورزدن

● کارشناسان معتقدند، گزینه‌های مختلف دیگری در فشار اقتصادی بیشتر مورد نظر دولت ترامپ در مقابل جمهوری اسلامی می‌توانند به کار گرفته شوند.

● چین بیش از ۸۰ درصد نفت صادراتی جمهوری اسلامی را خریداری می‌کند و بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۵ شرکت تحلیلی کپلر، بخش عمده‌ای از این تجارت توسط پالایشگاه‌های مستقل موسوم به «قوری» جذب می‌شود. تحریم‌های ثانویه می‌تواند آنها را هدف قرار دهد.

● خزانه‌داری آمریکا پیشتر تحریم‌های ثانویه را بر نهادهای کوچکتر مستقر در چین و هنگ‌کنگ اعمال کرده که متهم به پرداخت میلیاردها دلار از فروش نفت جمهوری اسلامی و کمک به تأمین سلاح بوده‌اند. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده به دو بانک بزرگتر چینی هشدار داده که در صورت انتقال وجوه ایرانی از طریق سیستم‌های‌شان ممکن است با تحریم ثانویه روبرو شوند، اما هنوز آنها را تحریم نکرده است.

اظهارات اخیر دونالد ترامپ مبنی بر فشار اقتصادی بیشتر علیه جمهوری اسلامی یک روز پس از آن مطرح شد که وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد واشنگتن انجام اقداماتی را علیه رژیم ایران در نظر دارد که «تا کنون دیده نشده است».

رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا روز جمعه ۱۴ اوت اعلام کرد که جمهوری اسلامی را از نظر اقتصادی به شدت تحت فشار قرار خواهد داد. اظهارات دونالد ترامپ یک روز پس از آن مطرح شد که اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا ابراز داشت که واشنگتن به زودی و احتمالاً از هفته آینده، اقداماتی علیه بقایای جمهوری اسلامی اعمال خواهد کرد که «تا کنون دیده نشده است».

بنا بر گزارشی که خبرگزاری رویترز منتشر کرده، علاوه بر تحریم‌های تجاری و توقیف دارایی‌ها و محدودیت‌های دیگر که اتحادیه اروپا و سازمان ملل به دلیل نقض حقوق بشر و حمایت از گروه‌های نیابتی مسلح و همچنین برنامه‌ی هسته‌ای از چند دهه پیش علیه جمهوری اسلامی اعمال کرده‌اند، از آغاز جنگ با جمهوری اسلامی در فوریه ۲۰۲۶، واشنگتن نیز تحریم‌های گسترده‌ی دیگری را در حوزه‌های دریایی، انرژی و مالی وضع کرده و محاصره‌ی دریایی را نیز به آنها افزوده است.

طبق داده‌های دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC)، از آغاز دور دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ، بیش از هزار فرد، کشتی و هواپیمای وابسته به جمهوری اسلامی تحریم شده‌اند. اقدامات اخیر شامل هدف قرار دادن ناوگان نفتی در سایه جمهوری اسلامی، بیمه‌گذاران کشتیرانی، نهادها و افرادی که به کسب سلاح توسط حکومت ایران کمک می‌کنند، و همچنین صرافی‌های دیجیتال بوده که منجر به مسدود شدن حدود ۵۰۰ میلیون دلار ارز دیجیتال مرتبط با جمهوری اسلامی شده است.

کارشناسان معتقدند، گزینه‌های مختلف دیگری در فشار اقتصادی بیشتر مورد نظر دولت ترامپ در مقابل جمهوری اسلامی می‌توانند به کار گرفته شوند.

تحریم پالایشگاه‌های مستقل چینی معروف به «قوری»

شیرین عبادی: دستور سوء قصد به جان فوآد پاشایی از تهران صادر شده است



فوآد پاشایی دبیرکل «حزب مشروطه ایران- لیبرال دموکرات»

تروریسم دولتی جمهوری اسلامی اگر هزینه‌ای متناسب با آنچه انجام می‌دهد نپردازد، متوقف نخواهد شد. اگر همان رویه‌ای که در چهار دهه گذشته با جمهوری اسلامی در پیش گرفته شده ادامه پیدا کند، مخالفان ایرانی تنها قربانیان آن نخواهند بود. هربار که یک دولت خارجی اجازه می‌یابد در خاک یک دموکراسی برای قتل انسان برنامه‌ریزی کند، حاکمیت و امنیت همان کشور نیز هدف قرار گرفته است. غرب نمی‌تواند از یکسو اسناد ترور، آدم‌ربایی، شبکه‌های جنایی و سرکوب فرامرزی جمهوری اسلامی را منتشر کند و از سوی دیگر چنان رفتار کند که گویی با یک حکومت عادی روبروست.

مماشات با تروریسم دولتی، تروریسم را مهار نمی‌کند؛ آن را جسورتر می‌کند.

تلخی سوء قصد به فوآد پاشایی فقط در این نیست که جان یک مخالف جمهوری اسلامی هدف قرار گرفته است. بسیاری از قربانیان ترورهای فرامرزی جمهوری اسلامی، تمام عمر سیاسی خود را صرف مبارزه برای ایرانی کرده‌اند که در آن گلوله و طناب دار و آدم‌ربایی ابزار حل اختلاف سیاسی نباشد. امروز نیز کسی در آمریکا هدف قرار گرفته که برای ایرانی دور از استبداد، ترور و جنایت مبارزه کرده است. فوآد پاشایی را به سرسختی در مبارزه برای آزادی ایران، و به کردار و گفتار نیک می‌شناسیم.

برای آقای فوآد پاشایی آرزوی سلامتی و بهبودی کامل دارم و امیدوارم عاملان و آمران این سوء قصد هرچه سریع‌تر شناسایی و در برابر عدالت قرار گیرند. و بیش از هر چیز آرزو می‌کنم روزی نه چندان دور، سایه این استبداد و ماشین قتل و ترورش از سر ایران و ایرانیان در سراسر جهان برچیده شود.

ایران باید سرزمین زندگی باشد؛ نه حکومتی که مرگ را تا آنسوی اقیانوس‌ها به دنبال مخالفانش می‌فرستد.

شمالی را محکوم کردند. حتی دولت استرالیا اعلام کرده جمهوری اسلامی برای انجام عملیات خشونت‌آمیز در خاک آن کشور از شبکه‌های تبهکار استفاده کرده است.

پس پرسش دیگر این نیست که جمهوری اسلامی ترور فرامرزی می‌کند یا نه! پرسش این است که جهان پس از بیش از چهار دهه ترور، قتل، مپ‌گذاری، آدم‌ربایی و ارباب مخالفان، دقیقاً چه زمانی می‌خواهد برای متوقف کردن این ماشین آدم‌کشی تصمیم جدی بگیرد؟

زمانی کشورهای همسایه‌ی ایران را «حیاط خلوت جمهوری اسلامی» می‌خواندند؛ امروز دیگر این حیاط خلوت مرز ندارد. از اروپا تا کانادا، از ایالات متحده تا استرالیا، دستگاه‌های امنیتی خود این کشورها از عملیات و تهدیدهای وابسته به جمهوری اسلامی سخن می‌گویند. تهران فهمیده برای کشتن مخالفش لازم نیست ارتش بفرستد! می‌تواند به سادگی از یک شبکه تبهکار استفاده کند، پول جابجا کند و واسطه استخدام کند.

در داخل کشور زندان، شکنجه و اعدام؛ در خارج از کشور تعقیب، تهدید، آدم‌ربایی و ترور. با این همه سابقه، هنوز باید پرسید چرا شبکه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی از فضای باز کشورهای دموکراتیک برای فعالیت خود بهره می‌برند؟ پرونده‌های قضایی پیشین نشان داده‌اند که حکومت حتی از پوشش‌های دیپلماتیک برای عملیات خود استفاده کرده است. اسدالله اسدی را فراموش نکرده‌ایم.

تحقیقات و پرونده‌های متعدد نشان داده‌اند که جمهوری اسلامی برای عملیات خارجی خود بطور گسترده از واسطه‌ها و شبکه‌های جنایی استفاده می‌کند؛ روشی که هم جابجایی پول را پنهان می‌کند و هم فاصله‌ی ظاهری میان آمر و عامل جنایت می‌سازد. تا چه زمانی باید این شبکه‌ها آزادانه رشد کنند و بعد از هر سوء قصد، تازه درباره منشأ آن تحقیق شود؟!

● سوء قصد به جان فوآد پاشایی دبیرکل «حزب مشروطه ایران- لیبرال دموکرات» با واکنش‌های مختلف از سوی شخصیت‌های سیاسی روبرو شده است. فوآد پاشایی دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ در لس‌آنجلس توسط افراد ناشناس مورد حمله قرار گرفت و به بیمارستان منتقل شد. شیرین عبادی حقوق‌دان و برنده جایزه صلح نوبل، جمهوری اسلامی را عامل اصلی ترور فعالان سیاسی دانست و در بیانیه‌ای که منتشر کرده، این پرسش را مطرح ساخته است: «تا چه زمانی باید شبکه‌های تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی آزادانه رشد کنند؟»

● شیرین عبادی در این بیانیه از جمله نوشته است: «با شناختی که از عملکرد و منش آقای پاشایی و در سوی دیگر، از سابقه طولانی و خونبار جمهوری اسلامی در برخورد با مخالفانش داریم، تردیدی وجود ندارد که این یک سوء قصد سیاسی بوده، عاملان آن مزدوران جمهوری اسلامی بوده‌اند و دستور آن از تهران صادر شده است.»

● «تلخی سوء قصد به فوآد پاشایی فقط در این نیست که جان یک مخالف جمهوری اسلامی هدف قرار گرفته است. بسیاری از قربانیان ترورهای فرامرزی جمهوری اسلامی، تمام عمر سیاسی خود را صرف مبارزه برای ایرانی کرده‌اند که در آن گلوله و طناب دار و آدم‌ربایی ابزار حل اختلاف سیاسی نباشد. امروز نیز کسی در آمریکا هدف قرار گرفته که برای ایرانی دور از استبداد، ترور و جنایت مبارزه کرده است. فوآد پاشایی را به سرسختی در مبارزه برای آزادی ایران، و به کردار و گفتار نیک می‌شناسیم.»

سوء قصد به جان فوآد پاشایی دبیرکل «حزب مشروطه ایران- لیبرال دموکرات» با واکنش‌های مختلف از سوی شخصیت‌های سیاسی روبرو شده است. فوآد پاشایی دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ در لس‌آنجلس توسط افراد ناشناس مورد حمله قرار گرفت و به بیمارستان منتقل شد. شیرین عبادی حقوق‌دان و برنده جایزه صلح نوبل، جمهوری اسلامی را عامل اصلی ترور فعالان سیاسی دانست و در بیانیه‌ای که منتشر کرده، این پرسش را مطرح ساخته است: «تا چه زمانی باید شبکه‌های تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی آزادانه رشد کنند؟»

در این بیانیه با عنوان «ترور در قلب آمریکا؛ جمهوری اسلامی تا کجا باید پیش برود تا جهان بیدار شود؟» آمده است: «متأسفانه شب گذشته مطلع شدم آقای فوآد پاشایی، مبارز سرسخت آزادیخواه و دبیرکل حزب مشروطه ایران، در لس‌آنجلس مورد سوء قصد قرار گرفته و در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شده است. با شناختی که از عملکرد و منش آقای پاشایی و در سوی دیگر، از سابقه طولانی و خونبار جمهوری اسلامی در برخورد با مخالفانش داریم، تردیدی وجود ندارد که این یک سوء قصد سیاسی بوده، عاملان آن مزدوران جمهوری اسلامی بوده‌اند و دستور آن از تهران صادر شده است.

رسانه‌ها، دادگاه‌ها و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی کشورهای غربی سال‌هاست نسبت به تروریسم فرامرزی جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند. در سال ۲۰۲۵ چهارده کشور غربی در بیانیه‌ای مشترک، تلاش سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی برای «کشتن، ربودن و آزار» افراد در اروپا و آمریکای

تصحیح اظهارات پوتین

(کیهان لندن شماره ۱۲۳۶ - آذر ماه ۱۳۸۷)

خیراندیشی (احمدحارار)

بازنشر



پیوستن به گروه ۸ و سازمان تجارت جهانی، با گشودن دروازه‌ها به سوی سرمایه و تکنولوژی غربی، روسیه را از زمین بلند کرد و اصلاً قصد آن ندارد که با سر گرفتن جنگ سرد، تجربه تلخ گذشته را تکرار کند. جنگ سرد را گذاشته است به عهده پیروان اسلام ناب محمدی و سربازان جان بر کف امام زمان که حتی برای جنگ گرم نیز آماده‌اند و هزینه آن را می‌پردازند.

خرج که از کیسه باران بود
سرور دنیا شدن آسان بود

روسیه، تا متحدان به این خوبی و نازنینی در تهران دارد، چه نیاز دارد به درگیر شدن در جنگ سرد؟ دوستی، البته دو جانبه است. روسیه، صف اول جبهه را در جنگ با آمریکا به متحد ایرانی خود می‌سپارد و متقابلاً از پشت جبهه، ایران را در زورآزمایی با آمریکا حمایت می‌کند: شرکت تضامنی مرغ و خوک.

مرغی و خوکی با هم دوست شدند. مرغ به خوک پیشنهاد کرد برای محکم کردن اساس دوستی و منتفع شدن از برکات آن، شرکتی تشکیل دهند و املت ژامبون به بازار پر خریدار عرضه کنند.

خوک پرسید چه طور؟
مرغ گفت: تخم از من، ژامبون از تو!

داشت، و علاوه بر تجربه، زیرکی و هوشمندی، که اشتباه گذشتگان را تکرار نکند. او نمی‌خواست شاهد فروپاشی باز هم بیشتر امپراتوری باشد. برعکس، می‌خواست امپراتوری از هم‌پاشیده را بازسازی کند و به جایگاهی بازگرداند که از دست داده بود. برای رسیدن به هدف، راهی را برگزید که حریف به وی آموخته بود.

دو نفر زد و خورد می‌کردند. یکی از آنها کچل بود، دیگری زلف داشت. وسط دعوا، آن که زلف داشت دست برد به طرف کله کچل که موی او را بگیرد، چیزی به دست نیاورد. کچل گفت خوب شد که یادم آوردی، چنگ زد، موی حریف را چسبید و ول نکرد.

در اواخر جنگ سرد، آمریکایی‌ها که جنگ ویت‌نام را باخته بودند مثل همین حالا با فشار افکار عمومی روبرو بودند و دولت، برای فرستادن سرباز و تخصیص بودجه‌های هنگفت برای نبرد با کمونیست‌ها در مضیقه قرار داشت. راهی که برگزید شرکت دادن «کشورهای دوست» در این امر خیر بود. مثلاً سرکوب شورشیان «ظفار» در عمان با کمک مالی و نظامی ایران یا راندن شوروی از افغانستان با تقویت «جهادگران» به وسیله امدادهای مالی عربستان و حمایت لجستیک پاکستان.

«اسلام انقلابی» یکی از سلاحهایی بود که در مراحل پایانی جنگ سرد علیه کمونیسم به کار گرفته شد. حالا همان را «مسکو» در اختیار گرفته است و علیه حریف آمریکایی به کار می‌برد. پوتین، با گذاشتن دست دوستی در دست آمریکا، با

در گزارش خبرگزاری از قول ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور قبلی و نخست‌وزیر فعلی و رئیس جمهور بعدی روسیه آمده بود که روسیه تمایلی به بازگشت به دوره جنگ سرد ندارد.

ظاهراً اشتباهی در ترجمه رخ داده و عبارت صحیح و دقیق این بوده است که روسیه احتیاجی به بازگشت به دوران جنگ سرد ندارد.

جنگ سرد، به صورتی که در دهه ۴۰ آغاز شد و در دهه ۹۰ به پایان رسید هزینه زیادی برای روسیه شوروی در بر داشت. اتحاد جماهیر شوروی برای حفظ سرزمین‌هایی که در جنگ دوم جهانی متصرف شده بود و افزودن بر آن، ناگزیر بود ارتش خود را تقویت کند. ناگزیر بود دستگاه تبلیغاتی خود را توسعه دهد. ناگزیر بود «احزاب برادر» را در کشورهای مختلف تغذیه کند. ناگزیر بود به کوبا اسلحه برساند. به افغانستان لشکر بکشد. به آنگولا سرباز بفرستد. به ویت‌کنگ‌ها در ویت‌نام، به خم‌های سرخ در کامبوج، به چریک‌های انقلابی در آمریکای لاتین یاری دهد و همه اینها خرج داشت. خرج سنگین. علاوه بر آن، روسیه را مستقیماً با «جهان آزاد» درگیر می‌ساخت. مجبور بود دور خودش «دیوار آهنین» بکشد و دروازه‌ها را به روی سرمایه خارجی ببندد و مجموع این هزینه‌های سنگین بود که به باخت بزرگ منتهی شد.

«پوتین»، این پرورش‌یافته دستگاه اطلاعاتی اتحاد جماهیر شوروی در دوران جنگ سرد، به اندازه کافی تجربه

فلانم به سبیل استالین که ما را به این روز انداخت!

نیمه‌های شب با صدای گلنگدن از خواب پریدیم و به اسارت قره پایاها درآمدیم
جریان حوادث، ما را مثل توپ فوتبال به این طرف و آن طرف می‌کشید و قدرت تصمیم‌گیری نداشتیم

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آبان‌ماه ۱۳۸۲ تا اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۳ - از شماره‌های ۹۸۰ تا ۱۰۰۲)

گذار از طوفان

خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با
حمید احمدی (۷)

انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران - برلین

زربخت - مجازاتشان به حبس ابد تقلیل یافت. زربخت در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ آزادی خود را باز یافت و اکنون، در هشتاد و سه سالگی از خاطرات خود سخن می‌گوید.

گزیده‌ای از خاطرات مرتضی زربخت را در صفحه خاطرات و تاریخ می‌خوانید...

بارزانی بالای این کامیون نشسته بودند. يك نفر از کامیون پیاده شد که با ارتشبار آشنا درآمد. نام او کاکا صالح بود. او سرپرست آن گروه تفنگچی بود. سلام و علیکی کرد و گفت، کجا می‌روید؟ ارتشبار گفت، می‌رویم به رضایه. گفت، آنجا سیل خون راه افتاده. آزادوطن، صدر فرقه را در رضایه تکه تکه کردند. شما این مسیر را نروید. خیلی خطرناک است. در این مسیر گیر می‌افتید و همه شما را می‌کشند. گفتیم، پس چه کار بکنیم؟ گفت، برگردید به نقده. فعلاً نقده محل امنی است. حکومت نقده در دست ماست. فعلاً بروید به نقده تا ببینید چه می‌شود. ما هم قبول کردیم. چون چاره دیگری نداشتیم. در واقع، حوادث ما را مثل توپ فوتبال این ور و آن ور می‌کشید. قادر به تصمیم‌گیری نبودیم و در آن برهه زمان، هیچ اراده‌ای از خود نداشتیم. در يك منطقه غریب افتاده بودیم و نمی‌دانستیم چه بکنیم. به هر حال، سوار آن کامیون شدیم و به نقده آمدیم.

آن شب، در نقده در قهوه‌خانه‌ای اقامت کردیم. در اینجا، حکومت در دست بارزانی‌ها بود. در قهوه‌خانه سفارش چای دادیم. خسته و مرده، وضع من و عزت علی‌اصغری خیلی وخیم بود. از بوکان تا مهاباد، روی این پیت‌های بنزین نشسته بودیم. این پیت‌ها نشتی داشت و تمام نشیمنگاه‌مان را زخم کرده بود. این زخمها در حین راه رفتن چسبندگی پیدا کرده بود به طوری که نمی‌توانستیم راه برویم. ساعت هشت و نیم شب بود. شنیدیم که جارچی، جار می‌زند: «حکم، حکم» حکم شیخ محمد صدیق بارزانی است. حکومت، حکومت نظامی است. از ساعت ۹ شب به بعد، عبور و مرور ممنوع است.

البته به زبان کردی جار می‌زد. با شنیدن صدای جارچی که در حکم بلندگوی امروز بود، احساس ایمنی کردیم و از فرط خستگی، روی سکوی قهوه‌خانه به خواب رفتیم.

اسیر قره پایاها

احمدی: در این منطقه فقط ایل بارزانی بود؟

زربخت: خیر. ایل دیگری هم در این منطقه سکنی داشتند که ترك تبار بودند از دوره افشار یا دوره

بازگشت. در سال ۱۳۲۳ به عضویت سازمان نظامی حزب توده درآمد. در سال ۱۳۲۵ به اتفاق ستوان یکم علی جودی، با دو هوپیمای جنگی راهی تبریز شدند و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوستند.

پس از سقوط فرقه دموکرات و فرار رهبران فرقه به آن سوی مرز، زربخش و ۹ افسر فراری دیگر رهسپار کردستان عراق شدند و با ملامصطفی بارزانی پیوند همکاری بستند. در جنگی که بین بارزانیها و ارتش مجهز ایران رخ داد، شرکت کردند و شکست خوردند. پس از آن به خاک عراق پناه بردند و به مدت سه سال در عراق زندانی بودند و در فروردین ۱۳۲۹ به ایران تحویل داده شدند.

در دادگاه بدوی نظامی، هر شش تن به اعدام محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام درباره یکی از آنها - ابوالحسن تفرشیان - ابرام شد و چهار نفر - از جمله مرتضی

«گذار از طوفان» تازه‌ترین کار ناخدا دکتر حمید احمدی در ضبط خاطرات چهره‌های سرشناس نظامی و سیاسی جنبش چپ در ایران عصر پهلوی است.

این کتاب، خاطرات مرتضی زربخت سروان خلبان نیروی هوایی را در دهه ۲۰ به شیوه گفت و شنود منعکس می‌کند. مرتضی زربخت از افسرانی است که در جوانی به سازمان نظامی حزب توده پیوست و بدین سان قدم در راه يك زندگی پر تلاطم گذاشت.

متولد سال ۱۳۰۰ در تهران، زربخت در سال ۱۳۱۹ (آخرین سال سلطنت رضاشاه) در رشته هوایی دانشکده افسری ثبت نام کرد. در مهرماه ۱۳۲۱ (زمان اشغال ایران به‌وسیله قوای متفقین) با درجه ستوان دوم به‌عنوان افسر دیده‌بان فارغ‌التحصیل شد و به هنگ هوایی اصفهان انتقال یافت. سال بعد، برای گذراندن دوره خلبانی به تهران

احمدی: مقصد بعدی شما از مهاباد به کجا بود؟

زربخت: تصمیم گرفتیم از مهاباد به رضایه برویم. در این موقع، به کلی از وضعیت رضایه بی‌خبریم و نمی‌دانیم که در آنجا کشت و کشتار و خونریزی است و اگر پایمان به آنجا برسد، ما را تکه تکه می‌کنند.

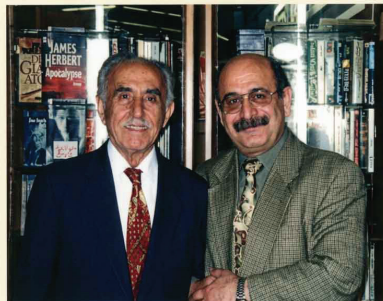
وقتی آن روز از نزد قاضی محمد آمدیم بیرون و رسیدیم به میدان مهاباد، رفیقمان محمود توکلی گفت، فلانم به سبیل استالین که ما را به این روز انداخت. همه ما از حرف محمود توکلی یکه خوردیم و هر شش نفر به او اعتراض کردیم. ما به استالین اعتقاد داشتیم و او را پیشوا و مظهر همه چیزمان می‌دانستیم. گفتیم، چه گفتی محمود؟! او هم بدینگونه پاسخ داد: استالین آمد و حکومتی را تشکیل داد. يك فرقه‌ای را درست کرد و همه ما را به اینجا کشاند. يك ملتی را ول کردند و يك شبه رفتند پشت رود ارس. البته، ما خیلی یکه خوردیم. هنوز اعتقادمان پابرجا بود و دست نخورده و می‌گفتیم، حتماً مصلحت این طور ایجاب می‌کرد. احمدی : این انتقاد نشان می‌دهد که محمود توکلی اعتقاد سابقش را از دست داد و یا لاقلاً باورش چون گذشته نبود؟

زربخت: محمود دیگر اعتقادش شکسته شده بود ولی بعد از آن دیگر به روی خود نمی‌آورد. وقتی دید که همه ما مثل گذشته روی اعتقادات خود ایستاده‌ایم، دیگر مقابله نمی‌کرد. او در همان دوره آوارگی و یا زندان عراق، یادمان نیست، جریان کامبخش را برایمان گفت.

احمدی: جریان لو دادن گروه ارانی موسوم به ۵۳ نفر؟ زربخت: بله، او گفت، کامبخش به ۵۳ نفر خیانت کرد و آنها را لو داده و در چنگ پلیس انداخت. باورمان نمی‌شد. روی اعتقادی که داشتیم، باورمان نمی‌شد. این گونه اعتقادات جزمی چیزی است که به این سادگی از مغز آدم بیرون نمی‌آید. باید تجربه کنید. قدم به قدم تا پای برید. توکلی آدم مخصوصی بود که خیلی زود به اصطلاح دوزاریش افتاده بود.

احمدی: توکلی کسی بود که بدون نام مؤلف کتاب زیراکسی «تحلیلی بر خط مشی حزب توده» در حدود ۵۰۰

گذار از طوفان



دو نسل از افسران سازمان نظامی

صفحه در سال ۱۳۳۹ نوشت و به صورت تایپ شده در خارج کشور در قطع جیبی منتشر شد. نوشته‌ای تحقیقی که در زمان خودش در سطح دانش طیف روشنفکران سیاسی ایران، در سطح بالایی قرار می‌گرفت.

زربخت: بعداً راجع به توکلی و موضع‌گیری و اندیشه او در جریان محاکمات در دادگاه، صحبت خواهیم کرد.

بله، ما از مهاباد راه افتادیم به طرف رضایه. ظهر شد و به يك قهوه‌خانه‌ای رسیدیم. الان اسم آن محل یادمان نیست. در آنجا ناهار خوردیم. چند نفر از کردهای سوار آمدند و گفتند، بایاید شما را ببریم نزد رئیس ایل‌مان سید طاهرا. او از شما نگهداری خواهد کرد تا اوضاع روشن بشود. شك کردیم، مبادا ما را ببرند و خلع سلاح بکنند. آنان از قیافه‌هایمان فهمیدند که ما آدمهای محلی نیستیم. در همین موقع، يك کامیون باری از طرف رضایه رسید و جلوی آن قهوه‌خانه نگه داشت. يك عده کردهای مسلح

سربازی آمده بودند. در فرقه دو شکل پرسنل داشت. يك عده فدایی‌ها بودند که داوطلب بودند، عده دیگری هم در چارچوب نظام وظیفه بودند. رئیس نظام وظیفه آنجا هم سرهنگ شفایی از افسران قیام خراسان بود.

عزیمت ملامصطفی به تهران

عصر همان روز که تفرشیان و ملامصطفی و واحدهایشان وارد نقده شده بودند، سرهنگ غفاری به نمایندگی از جانب سرتیپ همایونی فرمانده ارتش منطقه برای مذاکره با ژنرال ملا مصطفی وارد نقده شد و از او دعوت کرد تا برای مذاکره با مقامات حکومتی به تهران بیاید. ملامصطفی به همراه سرهنگ میرحاج و سرهنگ عزت عبدالعزیز از افسران کرد عراق با سرهنگ غفاری ملاقات کردند.

احمدی: میرحاج عضو حزب کمونیست عراق بود؟

زربخت: بله، میرحاج عضو حزب کمونیست عراق (هیوای کردستان) بود. اینان در واقع مشاورین ملامصطفی بودند که از ارتش عراق به نیروهای ملامصطفی پیوسته بودند.

احمدی: هدف حکومت مرکزی از این دعوت، در واقع، اغتنام وقت بود. به نظر می‌رسد در آن مقطع آمادگی لازم

پرسید، چرا اینان را توقیف کردید؟ بخشدار به تته پته افتاد و گفت، می‌خواستیم آنان را حفاظت کنیم تا تعدی به آنان نشود. گفتیم، چه حفاظتی؟ هر چه دار و ندارمان بود، گرفتید. اسلحه‌های ما را گرفتید و ما را خلع سلاح کردید. به او پرخاش کردیم. خلاصه، طپانچه‌ها، پول و وسایلمان را پس دادند. خبررسانی به موقع آن جوان آسوری، موجب نجات جانمان شد. این سومین بار بود که بارزانی‌ها در آن شرایط و اوضاع که بر منطقه حاکم بود، جان ما افسران بی‌تجربه را در این سرزمین ناآشنا که زبان مردمش را نمی‌فهمیدیم، نجات داده بودند.

از منزل بخشدار به اتفاق علی محمد صدیق به نزد پدرش آمدم. شیخ محمد صدیق برادر ملا مصطفی فرمانده واحد نقده بود. ما در آنجا ماندیم. برای ناهار ما را به منزل رئیس شهربانی نقده که از قره پاپاخ‌ها بود، فرستاد. رفتم به منزل رئیس شهربانی و در آنجا کرسی گذاشته بودند، زیر کرسی نشستیم و ناهار را در آنجا خوردیم. دو سه شب در آنجا ماندیم تا این که تفرشیان، رئیس دانا و دیباغ‌زاده با توپ و واحدهایشان که در معیت ملامصطفی بودند، وارد نقده شدند.

احمدی: چرا آنان اینهمه تأخیر کرده بودند؟

دیگر و شاید هم از دوران صفویه در این منطقه مستقر شده بودند یعنی تخته قاپویشان کردند و به این محل تبعیدشان کرده بودند به نام ایل قره پاپاخ. يك ایل ترك تبار بود در وسط کردستان.

ما با این تصور که این منطقه کاملاً امن و در اختیار بارزانی‌ها است، با خیال راحت خوابیدیم و بین خودمان نوبت چی هم نگذاشتیم.

نیمه‌های شب بود که به صدای گلنگدن تفنگها و با فرمان «بریا!» از خواب پریدیم. دیدیم چند نفر کرد هستند. البته بعد متوجه شدیم که آنان کرد نبودند و فقط سربندشان کردی بود. تفنگدارها به سوی ما نشانه رفتند و فرمان دستها بالا، تکان نخورید صادر کردند! یکی از آنان پیش آمد، کلت‌هایمان را گرفت و بعد گفتند بیفتید جلو! برف به شدت می‌بارید. پشت سرهم ما را قطار کردند و به عنوان اسیر به مسجد نقده بردند. تفنگچی‌ان قره پاپاخ به نگهداری از ما پرداختند و گفتند، شما زندانی هستید. صبح تکلیفات معلوم می‌شود. زیلوی مسجد را روی خودمان کشیدیم و خوابیدیم.

احمدی: آن نامه قاضی محمد که به سران ایل نوشته شده بود و شما را به عنوان یاران خود معرفی کرد، در اینجا کارساز نبود؟

زربخت: اینان، ایل قره پاپاخ بودند و کرد نبودند. اینان آمده بودند که ما را دستگیر کنند و تحویل دولت بدهند. یکی از آنان مدال ۲۱ آذر را به سینه‌اش چسبانده بود.

احمدی: مگر در آن مدت يك سال که حکومت قاضی محمد در کردستان برقرار بود، اینان با حکومت قاضی محمد همراهی و همکاری نمی‌کردند؟

زربخت: در آن يك سال با حکومت قاضی محمد بودند و با فرقه دموکرات کردستان همکاری می‌کردند ولی حالا که ورق برگشته بود، رفته بودند به طرف همکاری با حکومت مرکزی. رئیس این ایل قره پاپاخ در آن يك سال، درجه سرهنگی در فرقه دموکرات کردستان داشت به نام سرهنگ تقی برچالو و حالا شده بود طرفدار حکومت مرکزی.

بله، صبح آن روز، ما را پشت سر هم قطار کردند و در معیت آن تفنگچی‌های محافظ — از ایل قره پاپاخ‌های نقده — از کوچه‌های قصبه به خانه بخشدار نقده بردند. بخشدار، امیر فلاح قره پاپاخ بود که اکنون «لقمه چربی» به چنگ آورده بود تا به «کفاره» همکاری يك سالش با حکومت خودمختار، تحویل ارتش شاهنشاهی بدهد و نشان و مدال بگیرد. اکثر رؤسای عشایر کردستان اینجوری بودند. یعنی نگاه می‌کردند که باد از کدام سو می‌وزد.

وقتی به خانه بخشدار رسیدیم، در دهلیز بیرونی خانه بخشدار همه ما را بازرسی کردند و پول و ساعت و قلم، خلاصه دار و ندارمان را گرفتند و گفتند، پمانید تا بخشدار صبحانه‌اش را بخورد و بعد شما را به جای امنی می‌فرستد! در بین راه که ما را از مسجد به منزل بخشدار می‌بردند، به يك جوان آسوری برخوردیم به نام میکائیل که قبلاً بعضی از رفقای ما را می‌شناخت. پرسید، کجا می‌برندتان؟ گفتیم، دیشب هنگام خواب در قهوه‌خانه دستگیرمان کرده‌اند و اینک ما را پیش بخشدار می‌برند.

آن جوان آسوری رفت و بلافاصله جریان دستگیری‌مان را به شیخ محمد صدیق، برادر ملا مصطفی خبر داد. در همین موقع که در منزل بخشدار ما را به درون دخمه‌ای نگهداشته بودند، علی محمد صدیق پسر شیخ محمد صدیق با دو تفنگچی وارد منزل بخشدار شدند و رفتند به طبقه بالا سروقت بخشدار.

يك مرتبه دیدیم که صحنه عوض شد و ما را به اتاق پذیرایی بخشدار بردند. علی محمد صدیق از بخشدار



احمد قوام (قوام السلطنه) نخست وزیر به اتفاق ژنرال شوارتسکف و سرتیپ ضرابی رئیس شهربانی کل کشور

برای رویارویی با بارزانی‌ها را نداشتند. لذا، می‌خواستند با گذشت زمان، این آمادگی را برای سرکوب آنان فراهم بکنند. به نظر شما این طور نیست؟

زربخت: درست است. غرض ارتش از این دعوت، اغتنام فرصت برای تمرکز قوا و آماده شدن به جهت سرکوبی قطعی بارزانی‌ها بود. البته بارزانی‌ها هم این نیت را دریافته بودند. آنها هم در پی اغتنام وقت بودند. چون زنان و کودکانشان دست و پاگیر بودند و می‌خواستند زمستان را به نحوی سپری کنند.

ژنرال ملامصطفی پس از کسب موافقت شیخ احمد، برادر بزرگتر خود که رئیس صوری و رهبر روحانی قبیله بود، به اتفاق سرهنگ میرحاج عقراوی و سرهنگ عزت عبدالعزیز و در معیت سرهنگ غفاری برای ملاقات با شاه و گفتگو با نخست وزیر احمد قوام (قوام السلطنه) و رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش به تهران رفت.

زربخت: اینان زیر فرماندهی ملامصطفی از سقز که راه افتاده بودند، در بین راه برف زیادی باریده بود، توپ‌هایشان توی گل گیر کرده بود. توپ‌ها را با قاطر حمل می‌کردند. مدتی طول کشیده بود تا توانسته بودند توپ‌ها را از این منطقه بیاورند. علت تأخیرشان این بود. تفرشیان فرمانده توپ‌ها با آن روش صحیحی که داشت، سربازان واحد خود را راضی کرده بود که تا مه‌ایاد و نقده با آنان بیایند و در آنجا، آنان را از خدمت سربازی مرخص کنند و بروند نزد خانواده‌هایشان. آنان، سربازان وظیفه بودند. تفرشیان در نقده به هر یک از سربازان واحد خود مبلغی خرجی راه داد و آنان را روانه خانه‌هایشان کرد و يك کاغذی هم به عنوان پایان خدمت به آنان داد.

احمدی: اینان سرباز وظیفه در رابطه با فرقه دموکرات آذربایجان بودند؟

زربخت: بله، سربازان وظیفه که در تبریز به خدمت

وزیر خزانه داری آمریکا:

«تاکتیک‌های بی‌سابقه

اقتصادی» علیه

جمهوری اسلامی به

کار گرفته خواهد شد

● به گزارش خبرگزاری سی‌ان‌بی‌سی، روز پنجشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۵ منابع آمریکایی گزارش دادند که وزارت خزانه‌داری آمریکا قصد دارد از تاکتیک‌های اقتصادی‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کند که «هرگز سابقه نداشته است».

● اسکات بسنت در مصاحبه‌ای با «نیوزمکس» بدون ارائه جزئیات بیشتر، گفت: «این اقدامات ترکیبی از انزوای اقتصادی خواهد بود که جهان تا کنون نمونه آن را ندیده است. ادامه محاصره در تنگه هرمز مانع ورود یا خروج هر چیزی از بنادر ایران خواهد شد».

بدون ارائه جزئیات بیشتر، گفت: «این اقدامات ترکیبی از انزوای اقتصادی خواهد بود که جهان تا کنون نمونه آن را ندیده است. ادامه محاصره در تنگه هرمز مانع ورود یا خروج هر چیزی از بنادر ایران خواهد شد».

پیت هگست به خبرنگاران گفت که نیروی دریایی آمریکا محافظت از کشتی‌ها را همانطور که تا کنون انجام داده، همچنان انجام خواهد داد و آنها را به تناوب وارد منطقه و از آن خارج خواهد کرد.

رسانه‌ها گزارش داده‌اند که ناو هواپیمابر آمریکایی «یواس اس جرج واشنگتن» برای جایگزینی ناو «یواس اس آبراهام لینکلن» در حرکت است؛ ناوی که بیش از ۲۵۰ روز است در خاورمیانه مستقر شده و قرار بود مأموریت آن در ماه مه پایان یابد و اکنون گزارش‌هایی درباره شرایط نامناسب آن منتشر شده است. هگست در همین رابطه به خبرنگاران گفت، گزارش‌های مربوط به شرایط نامناسب در لینکلن، از جمله کمبود مواد غذایی، کاهش روحیه خدمه و حتی تلاش برخی ملوانان برای پریدن به دریا، «کاملاً تحریف شده» است.

پس از اظهارات هگست، مایک لوین نماینده دموکرات کالیفرنیا، در شبکه ایکس اعلام کرد نامه‌ای به هگست و هانگ کائو، سرپرست وزارت نیروی دریایی آمریکا، ارسال کرده و نگرانی جدی خود را درباره شرایط حاکم بر ناو لینکلن ابراز کرده است.

در این نامه از جمله آمده است: «گزارش‌هایی که از سوی خانواده‌های نظامیان و نزدیکان آنها درباره شرایط موجود



اسکات بسنت وزیر خزانه داری آمریکا

● اقدامات بی‌سابقه همزمان با محاصره نظامی اعمال‌شده از سوی واشنگتن انجام خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری سی‌ان‌بی‌سی، روز پنجشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۵ منابع آمریکایی اعلام کردند که وزارت خزانه‌داری آمریکا قصد دارد از تاکتیک‌های اقتصادی‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کند که «هرگز سابقه نداشته است».

به گفته اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا، واشنگتن اقدامات اقتصادی «بی‌سابقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران» اعمال خواهد کرد. این اقدامات همزمان با محاصره نظامی اعمال‌شده از سوی واشنگتن انجام خواهد شد.

پیت هگست وزیر جنگ آمریکا نیز گفت که ایالات متحده می‌تواند محاصره دریایی جمهوری اسلامی ایران را «برای مدت نامحدود» ادامه دهد.

در همین ارتباط، بسنت در مصاحبه‌ای با «نیوزمکس»

شیفتگان

جمهوری اسلامی؛

مرگ ایدئولوژی‌های

ناسیونالیستی و

چیگرا

● انتظار می‌رود یک چیگرای واقعی و همچنین یک ملی‌گرای واقعی عرب، نتواند نظامی را تحمل کند که آنها را سرکوب کرده و قدرت را بطور انحصاری در دست گرفته و آیین‌ها و اندیشه‌های کهنه و قرون وسطایی را بر جامعه و شهروندان تحمیل می‌کند؛ نظامی که با زنان نیز به شکلی رفتار می‌کند که برای هر انسان معاصر، پیش از آنکه چیگرا یا ملی‌گرا یا هر چیز دیگری باشد، نفرت‌انگیز است. اما...

● در حقیقت، رویکرد پیوسته به «نیروهای ضدامپریالیسم و ضدصهیونیسم» و کنار گذاشتن همه مسائل و آرمان‌ها در راه فقط این «آرمان»، از هرگونه اندیشه‌ی روشنگرانه و مترقی بی‌بهره است. آنهم در حالی که همین نیروهای «ضدامپریالیست و ضدصهیونیست» در حال کشتار ملی‌گرایان و چیگرایان هستند و با کشتار آنان، سرکوب، فقر، تاریکی و «ویرانگری زیبا» را گسترش می‌دهند.

● البته یک ملی‌گرا یا چیگرا حق دارد آمریکا و اسرائیل را دوست نداشته باشد و الگوی سیاسی و اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس، اردن یا هر کشور عربی دیگری را نیز جذاب نداند. اما آنچه قابل توجه است اینست که وقتی این ضدیت در میان حاملانش به حد ذوب شدن در سیاست‌های جمهوری اسلامی می‌رسد، دیگر نیازی به عقایدی نیست این «ملی‌گرایان» و «چیگرایان» مدعی پایبندی به آنها هستند! عقایدی که ظاهراً علت اصلی موجودیت سیاسی آنان محسوب می‌شود!

● این رویکرد سابقه‌ای طولانی دارد و بارها تجربه شده است. سرکوب و حملاتی که در جهان عرب علیه این نوع ملی‌گرایان و چیگرایان صورت گرفت، گواه این مسئله است؛ سرکوبی که نه از سوی «امپریالیسم و صهیونیسم»، بلکه اتفاقاً از سوی «نظام‌های ضدامپریالیست و ضدصهیونیست» علیه آنها صورت گرفتند. هیچ جریانی بیش از بعثی‌ها و ناصری‌ها، عرب‌های ملی‌گرا و کمونیست را نکشت؛ و هیچ جریانی نیز بیش از کمونیست‌ها ملی‌گرایان و بعثی‌ها را به قتل نرساند!

● چنین رفتاری درواقع نشان‌دهنده نوعی ناامیدی حاملان عقاید ناسیونالیستی و چپ از کارآمدی عقایدشان است؛ زیرا می‌بینند نسل‌های جوان آنها را ترک می‌کنند و مسیرهای دیگری را در پیش می‌گیرند.

حازم صاغیه (الشرق الاوسط) - اگر وابستگی‌های مذهبی را کنار بگذاریم، با یک فضای ایدئولوژیک روبرو می‌شویم که در آن بیشتر شیفتگان رژیم جمهوری اسلامی را پان‌عرب‌ها (ناسیونالیست‌های ناصری و بعثی) و جریان‌های مختلف چپ را می‌بینیم و وقتی دلیل این شیفتگی به رژیم

واقعیت این است که این رویکرد سابقه‌ای طولانی دارد و بارها تجربه شده است. سرکوب و حملاتی که در جهان عرب علیه این نوع ملی‌گرایان و چپ‌گرایان صورت گرفت، گواه این مسئله است؛ سرکوبی که نه از سوی «امپریالیسم و صهیونیسم»، بلکه اتفاقاً از سوی «نظام‌های ضدامپریالیست و ضدصهیونیست» علیه آنها صورت گرفتند؛ نظام‌هایی که از این جنبه شباهت زیادی به نظام کنونی ایران دارند.

حزب بعث، که همزمان پان‌عرب و سوسیالیست بود، همان حزبی بود که صلیح عادلانه را از میان برداشت.



دستگاه‌های امنیتی دوران جمال عبدالناصر بودند که فرج‌الله حلو و شهیدی عطیه شافعی را کشتند. جعفر نمیری، که در آن زمان ناصری بود، عبدالخالق محجوب و الشفیع احمد الشیخ را اعدام کرد؛ افرادی که از برجسته‌ترین رهبران کمونیست عرب در قرن گذشته بودند.

همچنین هیچ جریانی بیش از بعثی‌ها و ناصری‌ها، عرب‌های ملی‌گرا و کمونیست را نکشت؛ و هیچ جریانی نیز بیش از کمونیست‌ها ملی‌گرایان و بعثی‌ها را به قتل نرساند! به احتمال زیاد، چنین رفتاری نشان‌دهنده نوعی ناامیدی حاملان عقاید ناسیونالیستی و چپ از کارآمدی عقایدشان است؛ زیرا می‌بینند نسل‌های جوان آنها را ترک می‌کنند و مسیرهای دیگری را در پیش می‌گیرند. بنابراین، تنها به دنبال آن هستند که تحت حفاظت یک «فرشته نگهبان» [امثال جمهوری اسلامی ضدامپریالیست و ضدصهیونیست] قرار گیرند؛ فرشته‌ای که در واپسین خواب آنان، هنوز گهواره‌شان را تکان دهد.

*منبع: روزنامه الشرق الأوسط

*نویسنده: حازم صاغیه نویسنده لبنانی فعالیت روزنامه‌نگاری خود را در سال ۱۹۷۴ در روزنامه «السفیر» آغاز کرد و سپس از سال ۱۹۸۹ در روزنامه «الحیات» نوشت. وی از اواسط سال ۲۰۱۹ در روزنامه «الشرق الاوسط» می‌نویسد.

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

انفرادی، به اعلام وفاداری به دین حکومت و محکوم کردن تمام چیزهایی پرداخت که پیش از دوره «تواب‌سازی» در زندان‌های جمهوری اسلامی خوانده، نوشته و اندیشیده بود. این سرکوب «رفقای» سازمان فداییان خلق را نیز دربر گرفت؛ کسانی که به مناطق کردنشین شمال پناه برده بودند تا از آنجا با نظام مبارزه کنند و بعدها هرکدام از آنان که کشته نشده بودند، به اروپا گریختند.

انتظار می‌رود یک چپ‌گرای واقعی و همچنین یک ملی‌گرای واقعی عرب، نتواند نظامی را تحمل کند که آنها

تهران را از آنان می‌پرسم، در پاسخ می‌گویند: «چون با اسرائیل و آمریکا می‌جنگد!»

در اینجا، ملاحظات بزرگی که حاملانشان نباید آنها را کنار بگذارند، به سرعت ناپدید می‌شوند. یک ناسیونالیست عرب بر اساس باور خود، باید از آسیب‌هایی که رژیم ایران در حال حاضر به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و اردن وارد می‌کند، متأثر شود؛ حملاتی که فرودگاه‌ها، هتل‌ها، مجتمع‌های مسکونی و مراکز اقتصادی، اداری و دولتی را هدف قرار داده‌اند. اما این ناسیونالیست بجای آن، از کسانی که این آسیب‌ها را وارد می‌کنند حمایت و اقداماتشان را تأیید می‌کند!

همچنین نقش تفرقه‌جویانه و تجزیه‌کننده جمهوری اسلامی ایران در یمن، مانع‌تراشی آن در برابر تشکیل دولت در لبنان و قرار گرفتن کشوری به بزرگی و اهمیت عراق در حوزه نفوذ نظامی، سیاسی و اقتصادی تهران، هیچ اعتراضی از سوی عرب‌های ناسیونالیست (ناصری و بعثی سوری) بر نمی‌انگیزد.

در ریشه‌یابی این موضع نیز نمی‌توان مکتبی را که حافظ اسد با ایستادن در کنار رژیم ایران در جنگ ایران و عراق بنیان گذاشت و آن را با عنوان «ملی‌گرایی» توصیف می‌کرد، فراموش کرد؛ آنهم بدون اینکه ماجرای «ایران‌گیت» آنان را به اندکی تأمل و بازنگری وادارد.

در اینجا باید وقایع و داده‌های دیگری را نیز که یادآوری‌شان به ناسیونالیست‌های عرب مفید است، به خاطر آورد؛ از جمله رنج ایرانی‌های عرب در خوزستان که حتی شیعه بودن اکثریت آنان نیز نتوانسته برایشان امتیازی ایجاد کند. به حاشیه رانده شدن اقتصادی ساکنان این مناطق جنوبی سرشار از نفت و گاز، و بنادر مشرف بر خلیج فارس که طبق آمار ایران به فقیرترین مردم این سرزمین پهناور تبدیل شده‌اند، برای پان‌عرب‌های مدافع جمهوری اسلامی مهم نیست.

در سال ۲۰۲۱ نیز اعتراضات گسترده‌ای که به «قیام تشنگان» معروف شد، در پی انتقال آب رودخانه‌ها شکل گرفت؛ انتقالی که تأثیر منفی بر محیط زیست، کشاورزی و شرایط زندگی گذاشت. این وضعیت، شامل دیگر محدودیت‌های فرهنگی و آموزش زبان عربی و همچنین بازداشت‌های گسترده شهروندان ایرانی عرب که خواهان برخی حقوق فرهنگی در چارچوب تمامیت ارضی کشورشان ایران بودند نیز می‌شود؛ روندی که از اعتراضات سال ۲۰۰۵ آغاز شد و از آن زمان تا کنون پیوسته شدت گرفته است.

اینها مسائلی نیستند که یک ملی‌گرای واقعی عرب که معتقد به دفاع از عرب‌ها و سرزمین میهنی آنها در هر جای جهان است، بتواند نادیده بگیرد؛ همانطور که یک چپ‌گرا نیز نباید نابودی حزب کمونیست ایران، یعنی حزب توده، و دیگر جریان‌های چپ در ایران توسط جمهوری اسلامی را فراموش کند.

نورالدین کیانوری، دبیرکل حزب توده، یکی از کسانی بود که تلویزیون رژیم ایران او را پس از شکنجه در حالی که گریه می‌کرد و عذرخواهی می‌کرد، به نمایش گذاشت؛ او مجبور شد به «جاسوسی» برای اتحاد جماهیر شوروی اعتراف کند و همزمان حزب خود و مارکسیسم-لنینیسم را بطور کامل محکوم کند.

احسان طبری، برجسته‌ترین متفکر این حزب نیز در نتیجه شکنجه‌های جسمی و روانی و ماه‌ها نگهداری در سلول



مذاکره با تروریست‌ها؛ خشنودسازی شکلاتی



برای گروه‌های افراطی ایجاد کرد که دیر یا زود دامن غرب را خواهد گرفت.

در سوریه، فراهم کردن فضا، با کمک اردوغان در ترکیه و به‌وسیله غرب، برای چهره‌هایی مانند جولانی و گروه‌های وابسته به او، خطر اسلامیزه شدن بیشتر منطقه را افزایش می‌دهد. در اوکراین نیز مذاکرات با دولت وحشت پوتین نتیجه‌ای نداشت.

این اشتباهات نهایتاً می‌تواند به گسترش نفوذ اسلامگرایی رادیکال در جهان منجر شوند و تمدن غرب را مستقیماً تهدید کنند. طالبان و گروه‌های مشابه آن، نه شریکانی صلح‌طلب، بلکه حامل ایدئولوژی‌ای هستند که آزادی، حقوق زنان و پول‌رایسم را رد می‌کند.

در مورد جمهوری اسلامی نیز دقیقاً همین است. جهان غرب با تکرار سیاست‌های شکست‌خورده و دادن جایزه‌های شکلاتی، در انتظار نتایج واهی از مذاکره با این رژیم تروریستی، فقط و فقط چرخ‌گوشت کشتار و تروریسم را تقویت می‌کند؛ چرخ‌گوشتی که، به گفته رئیس‌جمهور ترامپ، در دو روز ۵۲ هزار ایرانی را کشته است!

هر دور مذاکره که انجام شود، برای سرکوب، غنی‌سازی بیشتر و نفوذ در جوامع غربی به‌دنبال بازسازی خود از طریق خرید زمان است. نگاهی به تأثیر این سیاست‌ها در خود غرب بیندازید: در کوچه‌ها و خیابان‌های لندن، نیویورک و میشیگان، یهودی‌ستیزی و قانون‌گریزی به یک هنجار تبدیل شده است.

تظاهرات‌هایی با حمایت افرادی مانند حسن پایکر که آشکارا شعارهای حذف‌گرایانه سر می‌دهند، دیگر پدیده‌ای حاشیه‌ای نیستند. نگاهی به مینه‌سوتا و خیابان‌ها اروپا بیندازید که به بهانه تأسیس کشور فلسطین به

تاریخ پر از درس‌هایی است که نشان می‌دهد مذاکره با دیکتاتورها و تروریست‌ها چگونه به فاجعه ختم می‌شود. مذاکرات با صدام حسین در دهه ۱۹۹۰ و پس از آن، نتوانست جاه‌طلبی‌های او را مهار کند؛ او به برنامه تسلیحاتی و سرکوب داخلی ادامه داد تا اینکه سرانجام با زور نظامی متوقف شد. قذافی نیز پس از مذاکرات و توافق‌هایی که غرب را به آرامش کاذب فرو برد، همچنان حامی گروه‌های تروریستی باقی ماند و رژیمش فقط با انقلاب و مداخله فروپاشید. مشهورترین مثال اما مذاکرات نویل چمبرلین با آدولف هیتلر در مونیخ ۱۹۳۸ است. سیاست «آرام‌سازی» (Appeasement) با دادن امتیاز به هیتلر، نه تنها جنگ را به تأخیر نینداخت، بلکه آن را اجتناب‌ناپذیرتر و خونبارتر کرد. هیتلر قوی‌تر شد، جاه‌طلبی‌اش افزایش یافت و اروپا بهای سنگینی پرداخت.

چند وقتی است که آمریکا و برخی هم‌پیمانانش همین اشتباه تاریخی را تکرار می‌کنند: مذاکره با تروریست‌ها. نتیجه چه بوده است؟ جمهوری اسلامی جسورتر شده است. شبکه ترور خود را در خاورمیانه گسترده‌تر کرده، از حزب‌الله و حماس گرفته تا گروه‌های نیابتی در یمن و عراق، و همزمان برنامه موشکی و پهپادی خود را با سرعت بیشتری پیش برده است. امتیازات دیپلماتیک و اقتصادی که گاهی به بهانه «دیپلماسی» داده شده، منابع بیشتری برای این رژیم فراهم کرده تا ماشین ترور و سرکوب داخلی را با حذف مخالفان از طریق اعدام به بهانه‌ی وضعیت جنگی گسترش دهد.

در افغانستان، سوریه و روسیه نیز همین الگو تکرار شده است. تحویل افغانستان به طالبان پس از دو دهه حضور نظامی، نه‌تنها ثبات به همراه نیاورد، بلکه پناهگاهی امن

هیچ خبری در مذاکره با تروریست وجود ندارد. اگر آنها قرار بود معقول و منطقی باشند، هرگز دست به ترور نمی‌زدند. ترور ابزار کسانی است که قواعد بازی متمدانه را رد کرده‌اند و می‌خواهند با ایجاد ترس و خونریزی، خواسته‌های خود را تحمیل کنند. مذاکره با چنین افرادی، نه تنها مشروعیت به آنها می‌بخشد، بلکه پیام روشنی ارسال می‌کند: خشونت نتیجه می‌دهد.

هر امتیازی که به تروریست‌ها داده شود، آنها را قوی‌تر می‌کند و انگیزه‌ی ادامه و تشدید تروریسم را افزایش می‌دهد. وقتی یک گروه تروریستی می‌بیند که با گروگان‌گیری، مپ‌گذاری یا حملات موشکی می‌تواند امتیاز بگیرد، چرا باید دست از این روش بردارد؟

جهان غرب با تکرار سیاست‌های شکست‌خورده و دادن جایزه‌های شکلاتی، در انتظار نتایج واهی از مذاکره با این رژیم تروریستی، فقط و فقط چرخ‌گوشت کشتار و تروریسم را تقویت می‌کند؛ چرخ‌گوشتی که، به گفته رئیس‌جمهور ترامپ، در دو روز ۵۲ هزار ایرانی را کشته است!

چین و روسیه که پشت بسیاری از این حکومت‌های تروریستی ایستاده‌اند، تماشاگران بی‌طرف نیستند. وقتی غرب با مذاکرات بی‌ثمر و امتیازدهی، خود را تضعیف کند و در برابر چالش‌ها عقب‌نشینی کند، آنها قطعاً برنده خواهند شد. نفوذ اقتصادی، نظامی و سیاسی‌شان در خلاء قدرت غرب گسترش می‌یابد و نظم جهانی را به نفع خود شکل می‌دهند. شکست غرب در برابر تروریسم دولتی، پیروزی رقبای استراتژیک آن است.

عده‌ای به بهانه کشته شدن سربازان یا بالا رفتن قیمت بنزین استدلال می‌کنند که باید با تروریست‌ها مذاکره کرد، دقیقاً معنای واقعی تسلیم و باخت جنگ است؛ آن هم بدون حتی تلاش جدی برای پیروزی.

ایدئولوژی مارکسیست-اسلامیست، آفت تمدن و ارزش‌های غربی هستند. اگر این کشتی ارزش‌های دموکراسی به گل بنشیند هزینه‌ی آن را مردمی که صدها سال برای دموکراسی جنگیده‌اند، پرداخت خواهند کرد و همه با هم غرق خواهند شد.

فرد صابری - زمانی در آمریکا عبارتی رایج بود: «با تروریست‌ها مذاکره نمی‌کنیم». این شعار صرفاً یک موضع اخلاقی نبود؛ راه‌بردی عمیق و حساب‌شده بود. هیچ خبری در مذاکره با تروریست وجود ندارد. اگر آنها قرار بود معقول و منطقی باشند، هرگز دست به ترور نمی‌زدند. ترور ابزار کسانی است که قواعد بازی متمدانه را رد کرده‌اند و می‌خواهند با ایجاد ترس و خونریزی، خواسته‌های خود را تحمیل کنند. مذاکره با چنین افرادی، نه تنها مشروعیت به آنها می‌بخشد، بلکه پیام روشنی ارسال می‌کند: خشونت نتیجه می‌دهد.

مذاکره اساساً محل دادوستد است. هر امتیازی که به تروریست‌ها داده شود، آنها را قوی‌تر می‌کند و انگیزه‌ی ادامه و تشدید تروریسم را افزایش می‌دهد. وقتی یک گروه تروریستی می‌بیند که با گروگان‌گیری، مپ‌گذاری یا حملات موشکی می‌تواند امتیاز بگیرد، چرا باید دست از این روش بردارد؟ این منطق ساده اما قدرتمند، پایه همان سیاست قدیمی آمریکا بود که اکنون در برخی محافل فراموش شده است.

وحشت رژیم ایران از تحولات در عراق و لبنان



طرح از کیهان لندن ©KayhanLondon

و فساد نجومی داخلی را تغذیه کند؛ فسادى که در درجه نخست در دست بازوهای نیابتی و وابسته به رژیم ایران و رهبران آنها متمرکز است.

به این ترتیب، سخنان فرمانده نیروی قدس اهمیت زیادی دارد؛ زیرا او به نقشه منطقه نگاه می‌کند و متوجه می‌شود که «کلمه رمز» تغییر آن، «خلع سلاح شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی» از لبنان تا عراق و همچنین خلع سلاح گروه‌های مسلح همسو با نظام ایران در نوار غزه است.

البته گروه حوثی‌ها شرایط و زمینه متفاوتی دارند که تا زمانی که یک ائتلاف عربی-اسلامی-بین‌المللی برای آغاز کارزاری با هدف شکست آنها و بازگرداندنشان به اندازه و جایگاه طبیعی خود در کوهستان‌های مناطق شمالی استان صعدة تشکیل نشود، تغییر چندانی نخواهد کرد.

در لبنان اکنون روشن شده است که تنها راه خروج از بحران دوگانه داخلی و خارجی، پیش از هر چیز و در درجه نخست، خلع سلاح «حزب‌الله»، پایان دادن به نقش و فعالیت‌های امنیتی و نظامی آن، چه در داخل و چه در خارج، و تبدیل آن به یک حزب سیاسی-اجتماعی است. این تنها راه حلی است که لبنان را از چرخه جنگ‌های بی‌پایان خارج خواهد کرد. همچنین تنها راه برای حفظ حداقل وحدت لبنان است. اگر روند دولت برای انحصار سلاح شکست بخورد، لبنان به «لبنان‌های» متعدد تبدیل خواهد شد. در هر حال، اگر حزب‌الله به تصمیمات و احکام نهادهای قانونی تمکین نکند، عملاً در حال سرمایه‌گذاری روی جنگ، مرگ، ویرانی و آوارگی بلندمدت خواهد بود!

ایران همان ایران است و لبنان همان لبنان، اما سیاست‌های رژیم ایران در منطقه، نسخه‌ای ایده‌آل برای خودکشی جمعی است؛ مسیری که حزب‌الله و حلقه محدود پیرامون آن در لبنان به سوی آن حرکت می‌کنند.

*منبع: روزنامه لبنانی النهار

*نویسنده: علی حماده

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● از قآنی که چندی پیش به عراق سفر کرده بود، نقل شده که او از رهبری رسمی عراق خواسته است بررسی پرونده انحصار سلاح در دست دولت را به تعویق بیندازد و گفته: «اجرای انحصار سلاح در شرایط کنونی، خنجر زدن از پشت به جمهوری اسلامی ایران تلقی خواهد شد.»

● این سفر قآنی به عراق در نتیجه وضعیتی سرشار از هراس و نگرانی در میان زمامداران ایران انجام شد. او به نقشه منطقه نگاه می‌کند و متوجه می‌شود که «کلمه رمز» تغییر آن، «خلع سلاح شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی» از لبنان تا عراق و همچنین خلع سلاح گروه‌های مسلح همسو با نظام ایران در نوار غزه است.

● در لبنان، اگر حزب‌الله به تصمیمات و احکام نهادهای قانونی تمکین نکند، عملاً در حال سرمایه‌گذاری روی جنگ، مرگ، ویرانی و آوارگی بلندمدت خواهد بود! ایران همان ایران است و لبنان همان لبنان، اما سیاست‌های رژیم ایران در منطقه، نسخه‌ای ایده‌آل برای خودکشی جمعی است؛ مسیری که حزب‌الله و حلقه محدود پیرامون آن در لبنان نیز به سوی آن حرکت می‌کنند.

علی حماده (النهار) - اسماعیل قآنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که چند روز پیش از عراق دیدن کرد، درباره روند «انحصار سلاح در دست دولت» عراق گفته است که این روند «راه کنترل اسلحه را به گروه‌های وابسته به ایران در کشورهای دیگر نیز باز خواهد کرد». همچنین از قآنی نقل شده که او از رهبری رسمی عراق خواسته است بررسی پرونده انحصار سلاح در دست دولت را به تعویق بیندازد و گفته: «اجرای انحصار سلاح در شرایط کنونی، خنجر زدن از پشت به جمهوری اسلامی ایران تلقی خواهد شد.»

قآنی طی روزهای گذشته در عراق حضور یافت تا با رهبران گروه‌های وابسته به رژیم ایران در این کشور دیدار کند و درباره نحوه برخورد جمعی این گروه‌ها با تصمیم دولت برای «انحصار سلاح» گفتگو نماید. روشن است که دولت کنونی عراق، مانند دولت پیشین، عمدتاً از ائتلاف «چارچوب هماهنگی» شکل گرفته است؛ ائتلافی که بازوی پارلمانی «حشد الشعبی» به شمار می‌رود و شامل شبه‌نظامیانی است که بازوهای مسلح جمهوری اسلامی را در این کشور تشکیل می‌دهند.

سفر قآنی به عراق در نتیجه وضعیتی سرشار از هراس و نگرانی در میان زمامداران ایران انجام شد؛ آنهم در شرایطی که آمریکایی‌ها با اعمال «وتو» مانع تکمیل روند تشکیل دولت و پر کردن پست‌های وزارتی خالی با انتصاباتی شدند که گفته می‌شود تعیین نیز شده بودند. در نتیجه، دولت عراق همچنان ناقص باقی مانده؛ به دلیل همان «وتوی» آمریکا که از نظر مالی، به ویژه در زمینه منابع و امور مالی دولت که مستقیماً از طریق وزارت خزانه‌داری آمریکا نظارت می‌شود، وزن اساسی در معادله سیاسی عراق دارد.

بنابراین بغداد نمی‌تواند با واشنگتن وارد رویارویی شود. از سوی دیگر، تهران که به تعبیر رایج عراقی «خبرات عراق را می‌مکد»، هیچ منفعتی در درگیری عراق و آمریکا ندارد؛ به ویژه در زمانی که جمهوری اسلامی برای کاهش بحران اقتصادی و مالی خود به هر «سنت» نیاز دارد. و چه کشوری بهتر از عراق برای ادامه ایفای نقش انتقال دلار یا به عبارتی «گاو شیرده» که همزمان منابع مالی رژیم ایران

یهودی ستیزی از نوع نازی‌ها می‌پردازند و دولت‌های غربی در مواجهه با آن دچار تردید شده‌اند! اما این فقط به یهودی‌ستیزی ختم نمی‌شود.

این روند، پایه‌های تمدن غرب را می‌خورد؛ ارزش‌هایی مانند آزادی بیان، برابری قانون، سکولاریسم و حقوق فردی. فکر می‌کنید نتیجه‌ای از بین رفتن تمدن غرب چیست؟ فرو رفتن دوباره در قرون وسطا. بازگشت به تاریکی، خرافات، سرکوب و زندگی غارنشینی مدرن؛ جایی که قدرت از آن کسی است که بیشتر بترساند و بیشتر بکشد. یک مثال بارز آن پیشنهاد انتخاب جمهوری اسلامی به‌عنوان مسئول حقوق بشر در سازمان ملل است! نظامی که مشروعیتی در خود ایران ندارد و در تظاهرات میلیونی نزدیک به صد هزار نفر را تیرباران کرده و هر روز جوانان معترض را در ملاء عام اعدام می‌کند! این سیاست دقیقاً شبیه به این روایت است که صاحبخانه پلیس را خبر کند و پلیس بجای دستگیری دزد، صاحبخانه را دستگیر و با دزد به گفتگو و مباحثات بپردازد! بی‌دلیل نیست که مردم ایران احساس سرخوردگی از عده‌ای از سیاستمداران آمریکا و غرب می‌کنند.

در عین حال، چین و روسیه که پشت بسیاری از این حکومت‌های تروریستی ایستاده‌اند، تماشاگران بی‌طرف نیستند. وقتی غرب با مذاکرات بی‌ثمر و امتیازدهی، خود را تضعیف کند و در برابر چالش‌ها عقب‌نشینی کند، آنها قطعاً برنده خواهند شد. نفوذ اقتصادی، نظامی و سیاسی‌شان در خلاء قدرت غرب گسترش می‌یابد و نظم جهانی را به نفع خود شکل می‌دهند. شکست غرب در برابر تروریسم دولتی، پیروزی رقابتی استراتژیک آن است.

سخن پایانی

عده‌ای به بهانه کشته شدن سربازان یا بالا رفتن قیمت بنزین استدلال می‌کنند که باید با تروریست‌ها مذاکره کرد، دقیقاً معنای واقعی تسلیم و باخت جنگ است؛ آن هم بدون حتی تلاش جدی برای پیروزی. این منطق، جنگ را قبل از شروع می‌بازد. تروریست‌ها و حامیان‌شان فقط زبان قدرت را می‌فهمند. مذاکره با تروریست‌ها تشویق به ادامه خشونت است. تاریخ نشان داده که عقب‌نشینی در برابر شر، آن را بزرگتر می‌کند. غرب اگر می‌خواهد تمدن خود را حفظ کند، باید به اصل قدیمی بازگردد و به ارزش‌های بنیادین دموکراسی که هزاران خون برای بنا نهادن آن ریخته شده بازگردد؛ نه مذاکره با تروریست‌هایی که با سوءاستفاده از آزادی جوامع غربی، مانند حمله‌ی سیستم دفاعی بدن به‌خودش ایفای نقش می‌کنند.

از مردم آزادیخواهی حمایت کند که میلیونی در ایران برای ارزش‌های تمدنی به‌پاخاسته‌اند و طرفدار واقعی ارزش‌های دموکراتیک و سکولار غربی هستند. وگرنه هر امتیاز، هر گفتگوی نمایشی و هر امیدواری و رفع تحریمی فقط چرخ گوشت کشتار در ایران را تقویت می‌کند و البته این هزینه به ساختارهای دموکراتیک کشورهای غربی نیز خواهد رسید. برخورد پر قدرت با اراده و قاطعیت، نه امتیازدهی و رفع تحریم‌های موقت، راه مهار تروریسم است.

ایدئولوژی مارکسیست-اسلامیست، آفت تمدن و ارزش‌های غربی هستند. اگر این کشتی ارزش‌های دموکراسی به گل بنشیند هزینه‌ی آن را مردمی که صدها سال برای دموکراسی جنگیده‌اند، پرداخت خواهند کرد و همه با هم غرق خواهند شد.

منبع: تایمز اسرائیل

نویسنده: فرد صابری

تنظیم: کیهان لندن

ترامپ بر سر دوراهی: تشدید فشار اقتصادی بر رژیم ایران یا بازگشت به دام مذاکره و توافق؟!



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

روش‌های غیرسنتی حکومت ایران برای دور زدن نظام مالی است؛ از جمله ارزهای دیجیتال، شبکه‌های واسطه، شرکت‌ها و مجموعه‌های پوششی. هدف فقط افزودن نام‌های جدید به فهرست تحریم‌ها نیست، بلکه کاهش توانایی رژیم ایران برای جابجایی و دسترسی به منابع مالی و استفاده از آنها برای تأمین مالی دولت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شبکه‌های خارجی آنهاست.

البته چین دشوارترین آزمون خواهد بود. فشار بیش از حد آمریکا بر چین هزینه‌های استراتژیک سنگینی در روابط واشنگتن و پکن خواهد داشت، اما کنار گذاشتن چین از این معادله، بخش مهمی از استراتژی خفقان اقتصادی را بی‌اثر می‌کند. پیامی که قرار است به پکن منتقل شود اینست که ادامه نجات اقتصادی حکومت ایران دیگر از رویارویی آمریکا و چین جدا نیست؛ به ویژه پس از آنکه تهران حاضر نشد چیزی را که ترامپ برای توجیه بازگشت به مذاکرات نیاز دارد، در اختیار او قرار دهد.

مهم‌تر از تحریم‌ها، ادامه محاصره دریایی بنادر ایران است. هرگونه شکاف در این محاصره به نفع استراتژی سپاه پاسداران در تنگه هرمز خواهد بود. هرگونه آمادگی آمریکا برای رفع محاصره، در تهران به عنوان نشانه‌ای از موفقیت جمهوری اسلامی در گروگان گرفتن اقتصاد جهانی از طریق تنگه هرمز و وادار کردن رئیس جمهور آمریکا به عقب‌نشینی تلقی خواهد شد. بنابراین، رفع محاصره در برابر وعده‌های رژیم ایران، بار دیگر همان اهرمی را به آن بازمی‌گرداند که واشنگتن تلاش می‌کند از آن سلب کند.

جمهوری اسلامی در جایگاه یک پیرومند که قادر به تحمیل شروط خود باشد قرار ندارد، اما ثابت کرده است که توانایی ایجاد اختلال و جلوگیری از تبدیل برتری نظامی آمریکا به یک پیروزی سیاسی را دارد. تناقض اینجاست که جنگی که در ابتدا برای تنگه هرمز آغاز نشده بود، اکنون سرنوشت‌اش به این تنگه گره خورده است؛ در حالی که موضوعاتی که اساساً رویارویی برای حل آنها آغاز شده بود، به تعویق افتاده‌اند.

● در هفته اخیر، کفه ترازو از تیم طرفدار توافق به سمت تیم امنیت ملی ایالات متحده سنگین‌تر شده و در کنار آن، یک استراتژی مبتنی بر فشار حداکثری اقتصادی و نظامی شکل گرفته است؛ در حالی که دیپلماسی همچنان به عنوان ابزاری فرعی باقی می‌ماند و نه راهی برای فرار از تصمیم نهایی.

● حرکت ناو هواپیمابر «جرج واشنگتن» به سمت خاورمیانه برای جایگزینی «آبراهام لینکلن» بیانگر اینست که پنتاگون برای کاهش تنش و خروج از درگیری آماده نمی‌شود. اعلام هگست درباره توانایی نیروی دریایی آمریکا برای حفظ محاصره دریایی ایران برای مدتی نامحدود، نشان می‌دهد که ابزار نظامی در خدمت خفه کردن اقتصاد رژیم قرار گرفته است. بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا نیز وعده اقدامات اقتصادی بی‌سابقه‌ای داده است. اینها نشانه‌های مدیریت پایان جنگ نیستند، بلکه تلاشی برای تغییر شرایط و قواعد آن هستند.

● مهم‌تر از تحریم‌ها، ادامه محاصره دریایی بنادر ایران است. هرگونه شکاف در این محاصره به نفع استراتژی سپاه پاسداران در تنگه هرمز خواهد بود. هرگونه آمادگی آمریکا برای رفع محاصره، در تهران به عنوان نشانه‌ای از موفقیت جمهوری اسلامی در گروگان گرفتن اقتصاد جهانی از طریق تنگه هرمز و وادار کردن رئیس جمهور آمریکا به عقب‌نشینی تلقی خواهد شد. بنابراین، رفع محاصره در برابر وعده‌های رژیم ایران، بار دیگر همان اهرمی را به آن بازمی‌گرداند که واشنگتن تلاش می‌کند از آن سلب کند.

● جنگی که در ابتدا برای تنگه هرمز آغاز نشده بود، اکنون سرنوشت‌اش به این تنگه گره خورده است؛ در حالی که موضوعاتی که اساساً رویارویی برای حل آنها آغاز شده بود، به تعویق افتاده‌اند.

راغده درغام (التهار) - با فرارسیدن اواسط ماه اوت، استراتژی دولت دونالد ترامپ در مورد جنگ با جمهوری اسلامی وارد مرحله تازه‌ای از نوسان شده است؛ مرحله‌ای که اینبار میزان نفوذ جناح‌های رقیب برای متقاعد کردن رئیس جمهوری آمریکا به انجام یک اقدام مشخص، تعیین‌کننده است.

در هفته اخیر، کفه ترازو از تیم طرفدار توافق به سمت تیم امنیت ملی ایالات متحده سنگین‌تر شده و در کنار آن، یک استراتژی مبتنی بر فشار حداکثری اقتصادی و نظامی شکل گرفته است؛ در حالی که دیپلماسی همچنان به عنوان ابزاری فرعی باقی می‌ماند و نه راهی برای فرار از تصمیم نهایی.

نقش تیمی که هفته گذشته ترامپ را به «اعلام پیروزی» و یافتن راهی برای خروج از جنگ از طریق تفاهم‌نامه‌های مبهم با رژیم ایران سوق می‌داد که ممکن است محرمانه یا بنا بر شرایط حتی نوعی تسلیم باشد، کاهش یافته است. استیو ویتکاف، جرد کوشنر و جی. دی. ونس معاون وی تلاش کردند ترامپ را متقاعد کنند که دیپلماسی می‌تواند او را از تنگنای جمهوری اسلامی خارج کند. البته تهران نیز خود به تضعیف این تیم کمک کرد؛ زیرا از ارائه امتیاز خودداری کرد و عملاً اصرار داشت این ترامپ است که باید رفتار خود را تغییر دهد، نه جمهوری اسلامی ایران!

پیت هگست وزیر جنگ ایالات متحده که نهادهای نظامی و تیم امنیت ملی را نمایندگی می‌کند بار دیگر به صحنه بازگشته؛ همان تیمی که مارکو روبریو وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی نیز در آن حضور دارند. تحول مهم جدید، ورود قدرتمندانه اسکاوت بسنت، وزیر خزانه‌داری، به این جناح است. آمادگی نظامی اکنون با آمادگی اقتصادی همراه شده است؛ هدف آن عبور از تحریم‌های سنتی و حرکت به سوی یک استراتژی برای انزوا و خفقان مالی رژیم ایران است؛ استراتژی‌ای که می‌تواند دردناک‌ترین فشار اقتصادی علیه جمهوری اسلامی از زمان آغاز جنگ باشد.

حرکت ناو هواپیمابر «جرج واشنگتن» به سمت خاورمیانه برای جایگزینی «آبراهام لینکلن» بیانگر اینست که پنتاگون برای کاهش تنش و خروج از درگیری آماده نمی‌شود. اعلام هگست درباره توانایی نیروی دریایی آمریکا برای حفظ محاصره دریایی ایران برای مدتی نامحدود، نشان می‌دهد که ابزار نظامی در خدمت خفه کردن اقتصاد رژیم قرار گرفته است. بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا نیز وعده اقدامات اقتصادی بی‌سابقه‌ای داده است. اینها نشانه‌های مدیریت پایان جنگ نیستند، بلکه تلاشی برای تغییر شرایط و قواعد آن هستند.

بسنت از پشتوانه قانونی مناسبی برای پیشبرد این سیاست برخوردار است. سنای آمریکا با اکثریتی چشمگیر طرح تحریم‌های مرتبط با نام «لیندزی گراهام» علیه دولت‌های روسیه و ایران را تصویب کرده است و اکنون این طرح در انتظار آرای مجلس نمایندگان است. اهمیت این طرح تنها به ایران محدود نمی‌شود، بلکه کشورها و نهادهایی را نیز در بر می‌گیرد که مسیرهای مالی و تجاری رژیم ایران را تأمین می‌کنند. جمهوری خلق چین در قلب این معادله قرار دارد؛ نه فقط به دلیل روابط اقتصادی‌اش با جمهوری اسلامی، بلکه از این جهت که فشار بر چین، تحریم‌های آمریکا را از محاصره مستقیم ایران به محاصره مسیرهای فرار از تحریم تبدیل می‌کند.

طرح اقتصادی گسترده‌تر همچنین در پی هدف قرار دادن

دونالد ترامپ: شدیدترین عملیات اقتصادی علیه جمهوری اسلامی آغاز شده است



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

روبرو خواهد شد. قاچاق نفت، خطوط سوآپ، انتقال پول نقد، صرافی‌ها، ثبت کشتی‌ها، شرکت‌های پوششی، همه اینها باید همین حالا متوقف شوند. خودتان می‌دانید چه کسانی هستید!

در بخش دیگری از این پیام رئیس جمهوری ایالات متحده آمده است: «این یک روز دی اقتصادی (ECONOMIC D-DAY) خواهد بود و ما به همه متحدانمان نیاز داریم که در کنار ایالات متحده آمریکا بایستند تا تهدیدات [رژیم] ایران را منزوی کرده و شکست دهند. این دیوانه‌ها به آخر خط رسیده‌اند و این اقدامات تاریخی، آنها و توانایی‌شان برای گسترش ترور در سراسر جهان را فلج خواهد کرد. ایران هرگز سلاح هسته‌ای نخواهد داشت.»

منظور ترامپ از «D-Day» روز ششم ژوئن ۱۹۴۴ (۱۶ خرداد ۱۳۲۳) روزیست که نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم عملیات عظیم نورماندی (Operation Overlord) را علیه آلمان نازی در سواحل شمال فرانسه آغاز کردند و پایان جنگ و شکست رژیم هیتلری را در یک سال بعد رقم زدند.

جمهوری اسلامی روی نوسان و تردید او حساب باز کرده است. تیم طرفدار توافقی بر تمایل ترامپ به اعلام یک پیروزی سریع حساب می‌کند. تیم امنیت ملی نیز بر توانایی او برای اینبار مقاومت در برابر هر دو سوسه حساب باز کرده است. آزمون واقعی نه در تعداد تحریم‌های جدید است و نه در تعداد ناوهای هواپیمابر. آزمون این است که آیا ترامپ فشار اقتصادی و نظامی را به یک استراتژی منسجم تبدیل خواهد کرد، یا بار دیگر به سپاه پاسداران فرصتی را می‌دهد که برای تبدیل مذاکرات به ابزاری، نه جهت فرسایش جمهوری اسلامی بلکه برای فرسایش آمریکا، نیاز دارد.

*منبع: روزنامه لبنانی النهار

*نویسنده: راغده درغام تحلیلگر لبنانی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● پس از شکست «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» و با پایان مهلت دو ماهه به جمهوری اسلامی برای رسیدن به یک «توافق نهایی»، دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد که «شدیدترین عملیات اقتصادی» که تا کنون در مقابل هر کشوری انجام شده، علیه جمهوری اسلامی آغاز شده است.

● ترامپ در پیامی که ۱۹ اوت (۲۸ مرداد) از طریق شبکه‌های اجتماعی منتشر شد گفت: «هیچکس بیش از من به جمهوری اسلامی ایران فرصت بزرگی برای رسیدن به یک توافق نداده است. به طرز فاجعه‌بار برای خودشان، نتوانستند از آن استفاده کنند. بنابراین امروز اعلام می‌کنم که کوبنده‌ترین عملیات اقتصادی که تا کنون علیه هر کشوری انجام شده است، آغاز خواهد شد!»

پس از شکست «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» و با پایان مهلت دو ماهه به جمهوری اسلامی برای رسیدن به یک «توافق نهایی»، دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد که «شدیدترین عملیات اقتصادی» که تا کنون در مقابل هر کشوری انجام شده، علیه جمهوری اسلامی آغاز شده است.

ترامپ در پیامی که ۱۹ اوت (۲۸ مرداد) از طریق شبکه‌های اجتماعی منتشر شد گفت: «هیچکس بیش از من به جمهوری اسلامی ایران فرصت بزرگی برای رسیدن به یک توافق نداده است. به طرز فاجعه‌بار برای خودشان، نتوانستند از آن استفاده کنند. بنابراین امروز اعلام می‌کنم که کوبنده‌ترین عملیات اقتصادی که تا کنون علیه هر کشوری انجام شده است، آغاز خواهد شد!»

او تهدید کرد: «این، جنگ اقتصادی و انزوا در مقیاسی بی‌سابقه خواهد بود». ترامپ سپس تکرار کرد: «نیروی دریایی جمهوری اسلامی از بین رفته، نیروی هوایی آنها نابود شده، کارخانه‌های نظامی‌شان اکنون به تلی از خاک تبدیل شده، پولشان بی‌ارزش است و کشورشان به مویی بند است.»

رئیس جمهوری آمریکا همچنین اعلام کرد: «هر کشوری که به مؤسسات مالی، کسب و کارها، فرودگاه‌ها یا نهادهای دولتی خود اجازه دهد هر نوع راه نجاتی برای ایران فراهم کنند، خود با پیامدهای اقتصادی عظیمی

نقش اسکاات بسنت فراتر از وزارت خزانه‌داری رفته است. مأموریت او فراهم کردن راه خروج ترامپ از مذاکراتی است که برای او پیروزی به همراه نداشته و تبدیل عقب‌نشینی از مذاکرات به یک استراتژی فشار است؛ استراتژی‌ای که رئیس جمهور بتواند آن را به عنوان تصمیمی از موضع قدرت، و نه اعتراف به شکست، ارائه کند.

کشورهای خلیج فارس ترجیح می‌دهند بجای یک جنگ نظامی جدید و ویرانگر، فشار و خفگی اقتصادی علیه جمهوری اسلامی اعمال شود؛ این موضع قابل درک است. اما آنها تصمیم‌گیرنده سیاست آمریکا نیستند. دونالد ترامپ تصمیم‌گیرنده نهایی درباره ادامه یا رفع محاصره، گسترش یا کاهش فشارها و استفاده یا عدم استفاده از قدرت نظامی است. او نمی‌تواند برای مدت طولانی پشت توصیه‌ها یا مخالفت‌های متحدان و یا وعده‌های میانجی‌ها پنهان شود.

حکومت ایران احتمالاً اعلام خواهد کرد که آماده از سر گرفتن مذاکرات است. ممکن است تلاش کند تفاهم‌نامه‌ای را که تیم ویتکاف-کوشنر-ونس روی آن سرمایه‌گذاری کرده بود، دوباره زنده کند. مشکل اینجاست که این تفاهم‌نامه اکنون بیشتر به یک دام برای ترامپ شبیه شده است؛ زیرا به تهران اجازه می‌دهد بدون کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای، موشک‌ها، پهپادها و نیروهای نیابتی خود، زمان را مدیریت کند، در حالی که گشایش نسبی تنگه هرمز را به عنوان یک امتیاز استراتژیک عرضه می‌کند.

در این میان، نبرد جمهوری اسلامی فقط دیپلماتیک نیست. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عراق، لبنان و یمن برای حفظ جغرافیای نفوذی که طی دهه‌ها ایجاد کرده نیز مبارزه می‌کند. در عراق، نیروی قدس بر گروه‌های مسلح به عنوان ابزاری برای نفوذ و تصمیم‌گیری سیاسی اصرار دارد و در برابر تلاش‌های دولت عراق برای بازگرداندن حاکمیت خود و بازسازی روابط آن با کشورهای عربی، از جمله عربستان سعودی سنگ‌اندازی می‌کند. شبه‌نظامیان عراقی وابسته به تهران جزئی فرعی از استراتژی رژیم ایران نیستند، بلکه یکی از خطوط دفاعی از خود نظام محسوب می‌شوند.

در لبنان، نبرد مستقیم‌تر است. سپاه پاسداران و حزب‌الله تلاش می‌کنند مانع تحقق اصل انحصار سلاح در دست دولت شوند و مسیری را که می‌تواند به تثبیت حاکمیت ملی در لبنان و مذاکره با اسرائیل با میانجیگری آمریکا و حمایت اعراب و اروپا منجر شود، ناکام بگذارند. باقی ماندن حزب‌الله در تونل‌ها لزوماً آن را نجات نمی‌دهد؛ بلکه ممکن است آن را به سرنوشتی شبیه آنچه حوثی‌ها با آن مواجه‌اند سوق دهد؛ یعنی زمانی که یک نیروی نیابتی از ابزار نفوذ به وسیله‌ای برای فرسایش و سپس سوختی برای رویارویی تبدیل می‌شود.

یمن خطرناک‌ترین آزمون است. حوثی‌ها زرادخانه‌ای از جمهوری اسلامی در اختیار دارند که قادر است کشتیرانی در باب‌المندب در دریای سرخ را تهدید کند و به تازگی نیز بار دیگر توانایی خود برای حمله به کشتی‌ها نشان داده‌اند. موفقیت حوثی‌ها در بستن یا مختل کردن گسترده این تنگه، دولت ترامپ را با تصمیمی مواجه خواهد کرد که تحریم‌ها قادر به پاسخگویی به آن نیستند؛ آیا آمریکا از قدرت نظامی خود برای باز نگه داشتن این مسیر استفاده می‌کند یا اجازه می‌دهد رژیم ایران تجربه هرمز را در باب‌المندب نیز تکرار کند؟ در اینجا این تصور که دیپلماسی به تنهایی می‌تواند رویارویی را مدیریت کند، فرو می‌ریزد. کارنامه تیم ویتکاف و کوشنر در ارتباط با ایران، غزه و اوکراین دلیل قانع‌کننده‌ای ارائه نمی‌دهد که توافقی جزئی بتوانند راه حل‌های استراتژیک ایجاد کنند. سفر مورد انتظار کوشنر به اسرائیل و مصر رسماً بر غزه متمرکز خواهد بود، اما اسرائیل طبیعتاً به دنبال اطلاع از مسیری است که ترامپ در مرحله بعدی جنگ با حکومت ایران انتخاب خواهد کرد.

زمان از جنبه مسائل داخلی نیز بر رئیس جمهور آمریکا فشار می‌آورد. بازگشت کنگره پس از تعطیلات تابستانی، جنگ، هزینه‌های آن و سیاست در مورد ایران را دوباره به مرکز نبرد سیاسی خواهد آورد؛ در حالی که انتخابات میان‌دوره‌ای نیز نزدیک می‌شود و جمهوریخواهان به یک استراتژی نیاز دارند که بتوان آن را برای رأی‌دهندگان آمریکایی توضیح داد. تصویر دولتی دچار اختلاف و رئیس جمهوری که میان قاطعیت و دام توافقی در نوسان است، به یک بار سیاسی تبدیل شده و دیگر صرفاً مشکلی در سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده نیست.

امروز کفه کسانی که در چند ماه آینده انتظار توافقی واقعی با رژیم ایران را ندارند، سنگین‌تر است. از این رو،

امنیت جهان در گرو امنیت تنگه هرمز است



ممکن است از نظر نظامی ناچیز به نظر برسد، اما از نظر اقتصادی بسیار مهم است.

نگاه شرکت‌های بیمه مانند فرماندهان نظامی به این مسئله نیست. حفاظت از ۹۸ کشتی از هر ۱۰۰ کشتی می‌تواند از نظر نظامی موفقیتی بزرگ محسوب شود، اما احتمال هدف قرار گرفتن فقط دو کشتی کافیست تا هزینه‌های بیمه افزایش یابد یا شرکت‌های کشتیرانی از عبور از این منطقه خودداری کنند.

بنابراین جمهوری اسلامی حتی با اینکه بخش بزرگی از توانمندی‌های نظامی خود را از دست داده ولی هنوز می‌تواند بر جریان تجارت جهانی تأثیر منفی بگذارد و نیازی ندارد کنترل کامل تنگه را در دست بگیرد و یا همچنین لازم نیست ده‌ها کشتی را غرق کند تا به هدف خود که اخلاص در تجارت جهانی است برسد بلکه کافیست توانایی تهدید یک کشتی را حفظ کند تا ترس و نگرانی از حمله به کشتی‌ها همچنان پابرجای بماند.

می‌توان پایگاه‌ها، سکوها، موشکی و مراکز فرماندهی جمهوری اسلامی را نابود کرد، اما نظارت بر همه نقاط سواحل ایران و جلوگیری از رسیدن هر قایق کوچک، پهلپاد یا موشک به یک کشتی بسیار دشوار است. اینجاست که قضیه‌ی تنگه هرمز از یک مشکل نظامی به یک مسئله اقتصادی و سیاسی بین‌المللی تبدیل می‌شود.

همچنین میان ماهیت اهداف آمریکا و اسرائیل نیز تفاوت وجود دارد. اسرائیل حکومت ایران را تهدیدی بلندمدت علیه موجودیت خود می‌داند و بر همین اساس، رویکردش بر حمله به توانمندی‌های آن استوار است از جمله پس از اینکه بازسازی شوند زیرا نابودی تأسیسات در امروز مانع تلاش رژیم ایران برای بازسازی آنها در فردا نمی‌شود.

اما آمریکا به دنبال نتیجه متفاوتی است. واشنگتن قصد دارد حضور نظامی خود را در خاورمیانه کاهش دهد و توجه بیشتری را به رقابت با چین در شرق آسیا معطوف سازد. بنابراین به رژیم ایران نیاز دارد که آنقدر ضعیف باشد که نیروهای آمریکایی مجبور نشوند برای جنگی جدید به منطقه بازگردند. به این ترتیب، عملیات نظامی

هدی الحسینی (الشرق الاوسط) - تنگه هرمز همچنان همان گره‌ای است که قدرت نظامی به تنهایی نتوانسته آن را باز کند؛ زیرا پس از چند ماه جنگ بین ایالت متحده و جمهوری اسلامی اکنون مشخص شده که تصویر نظامی با تصویر سیاسی تفاوت زیادی دارد.

به گفته یک ناظر نظامی آمریکایی، ایالت متحده و متحدانش در نابودی توانمندی‌های نظامی رژیم ایران به نتایج بزرگی دست یافته‌اند. نیروهای دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ضربات سنگینی متحمل شده‌اند و سامانه‌های پدافند هوایی، کارخانه‌های تولید موشک و پهلپاد نیز هدف قرار گرفته‌اند. اما پرسش اینست که آیا اینهمه لزوماً به موفقیت سیاسی و استراتژیک نیز منتهی می‌شود؟

این ناظر نظامی آمریکایی معتقد است، مشکل اصلی همینجاست. می‌توان تعداد زیادی از اهداف را نابود کرد، اما این به معنای رسیدن به نتیجه مطلوب نیست. هدف آمریکا تنها تضعیف نظامی رژیم ایران نیست، بلکه شامل وادار کردن آن به تغییر رفتار، کنار گذاشتن جاه‌طلبی‌های هسته‌ای و متوقف کردن تهدید کشتیرانی در تنگه هرمز نیز می‌شود. در اینجا تنگه هرمز دشوارترین گره این جنگ به شمار می‌رود.

این آبراه بین‌المللی تنها یک مسیر دریایی نیست که بتوان با قدرت نظامی آن را باز کرد و سپس تضمین کرد که باز نیز باقی بماند؛ زیرا موقعیت جغرافیایی سبب برتری ایران در این تنگه است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. این گذرگاه باریک و آب در بخش‌هایی از آن کم‌عمق است در حالی که رفت و آمد کشتی‌ها بسیار متراکم است. همچنین سواحل ایران و مناطق کوهستانی اطراف، موقعیت‌هایی مناسب برای شلیک موشک و پرتاب پهلپاد یا حملات دیگر به کشتی‌ها فراهم می‌کنند. به همین دلیل، این ناظر نظامی معتقد است که کنترل کامل تنگه تقریباً غیرممکن است. نیروهای آمریکایی می‌توانند از شمار بسیاری از کشتی‌های عبوری محافظت کنند و شاید مانع ۹۸ درصد حملات شوند، اما مشکل در همان دو درصد باقیمانده است. این میزان

● به گفته یک ناظر نظامی آمریکایی، ایالت متحده و متحدانش در نابودی توانمندی‌های نظامی رژیم ایران به نتایج بزرگی دست یافته‌اند. نیروهای دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ضربات سنگینی متحمل شده‌اند و سامانه‌های پدافند هوایی، کارخانه‌های تولید موشک و پهلپاد نیز هدف قرار گرفته‌اند. اما پرسش اینست که آیا اینهمه لزوماً به موفقیت سیاسی و استراتژیک نیز منتهی می‌شود؟

● این آبراه بین‌المللی تنها یک مسیر دریایی نیست که بتوان با قدرت نظامی آن را باز کرد و سپس تضمین کرد که باز نیز باقی بماند؛ زیرا موقعیت جغرافیایی سبب برتری ایران در این تنگه است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. نیروهای آمریکایی می‌توانند از شمار بسیاری از کشتی‌های عبوری محافظت کنند و شاید مانع ۹۸ درصد حملات شوند، اما مشکل در همان دو درصد باقیمانده است. این میزان ممکن است از نظر نظامی ناچیز به نظر برسد، اما از نظر اقتصادی بسیار مهم است.

● نگاه شرکت‌های بیمه مانند فرماندهان نظامی به این مسئله نیست. حفاظت از ۹۸ کشتی از هر ۱۰۰ کشتی می‌تواند از نظر نظامی موفقیتی بزرگ محسوب شود، اما احتمال هدف قرار گرفتن فقط دو کشتی کافیست تا هزینه‌های بیمه افزایش یابد یا شرکت‌های کشتیرانی از عبور از این منطقه خودداری کنند.

● واشنگتن قصد دارد حضور نظامی خود را در خاورمیانه کاهش دهد و توجه بیشتری را به رقابت با چین در شرق آسیا معطوف سازد. بنابراین به رژیم ایران نیاز دارد که آنقدر ضعیف باشد که نیروهای آمریکایی مجبور نشوند برای جنگی جدید به منطقه بازگردند.

● موفقیت نظامی را با تعداد اهدافی که نابود شده‌اند، می‌سنجند؛ اما موفقیت استراتژیک با آنچه پس از آن اتفاق می‌افتد اندازه‌گیری می‌شود. در حال حاضر، ناظران آمریکایی معتقدند فاصله میان این دو همچنان زیاد است. قدرت نظامی توانسته بسیاری از اهداف را نابود کند، اما هنوز راهی پیدا نکرده که این برتری نظامی را به پایانی روشن برای جنگ تبدیل کند.

ملت ایران قبلاً هم در برابر بدخواهان پیروز شده‌اند



و آن را به سود خود بر سر کار نگهدارند. ماه امرداد اما سالگرد پیروزی ملت ایران در برابر چنین تلاش‌هایی است که پیشتر هشت سال برای پیروزی عراق صدام حسین و از بین بردن یکپارچگی ایران از هیچ کمکی به وی دریغ نمی‌کرد.

فرید خلیفی - امرداد ۱۴۰۵ خورشیدی ملت ایران در شرايطی درگیر جنگی تاریخی با جمهوری اسلامی هستند که محافل سیاسی نه چندان ضعیف در منطقه و جهان تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند تا به رژیمی که در ضعیف‌ترین وضعیت خود بسر می‌برد جان دوباره داده

این هم سهم قوه قضاییه!

اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، گفته همه ما کارگزاران در قوای دیگر، مکلف به کمک و مساعدت به دولت هستیم. این در حالیست که مهمترین وظیفه‌ای که قوه قضاییه در چند ماه گذشته برای خود تعریف کرده و با تمام ساختارش در حال انجام آن بوده، اعدام زندانیان اعتراضات سراسری ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ بوده است.



© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

→ حتی شاید تحقق این هدف را دشوارتر کرده باشد؛ حملاتی که فرماندهی رژیم ایران را هدف قرار دادند و مراکز تصمیم‌گیری را تضعیف کردند. اما این موفقیت نظامی همزمان مشکل دیگری را ایجاد کرده است: با چه کسی می‌توان مذاکره کرد؟ و چه کسی در داخل رژیم می‌تواند تصمیم به توقف حملات علیه کشتیرانی در تنگه هرمز بگیرد و اجرای آن را تضمین کند؟

اینجا یک تناقض نیز آشکار می‌شود. قدرت نظامی می‌تواند طرف مقابل را تضعیف کند، اما تضعیف بیش از حد او ممکن است مذاکره با وی را دشوارتر سازد. اگر دیگر رهبری وجود نداشته باشد که بتواند تصمیم خود را به اجرا بگذارد، استفاده از فشار نظامی برای گرفتن امتیازات سیاسی دشوار خواهد شد.

جنگ همچنین هزینه‌هایی برای نیروهای آمریکایی به همراه دارد. ناظران نظامی هشدار می‌دهند که شدت عملیات هوایی و دریایی از سطحی که نیروها بتوانند برای مدت طولانی آن را حفظ کنند، فراتر رفته است. هواپیماها به تعمیر و نگهداری، کشتی‌ها به تعمیرات و مهمات به جایگزین نیاز دارند. این عملیات ممکن است در سال‌های آینده بر آمادگی نیروهای هوایی و دریایی آمریکا تأثیر بگذارد؛ به ویژه اگر همچنان نیاز به حضور نظامی گسترده در اطراف خلیج فارس و تنگه هرمز وجود داشته باشد.

در مقابل، جنگ توانایی نیروهای آمریکایی برای اجرای عملیات‌های پیچیده را نیز نشان داد؛ از جمله نجات یکی از خدمه یک هواپیمای آمریکایی که بر فراز ایران سرنگون شده بود. این عملیات به هماهنگی میان هواپیماها، هلیکوپترها و نیروها در منطقه‌ای بسیار خطرناک نیاز داشت. موفقیت در این عملیات نجات، از نظر نظامی و سیاسی اهمیت زیادی داشت. اسیر شدن یک نظامی آمریکایی و ظاهر شدن او در تلویزیون جمهوری اسلامی می‌توانست به ابزاری برای اعمال فشار بر واشنگتن تبدیل شود. اما این موضوع نیز پرسش مهم‌تر را تغییر نمی‌دهد: جنگ چگونه پایان خواهد یافت؟

پس از تمام حملات و خسارات، رژیم ایران همچنان قادر است از جغرافیای کشور به نفع خود استفاده کند. تنگه هرمز این معضل را به خوبی نشان می‌دهد: آمریکا می‌تواند کشتی‌ها، هواپیماها و موشک‌ها را نابود کند، اما نمی‌تواند موقعیت جغرافیایی ایران را تغییر دهد. از این رو، تهران برای پیروزی نظامی به معنای سنتی آن نیازی به توانایی‌هایی که آمریکا از آنها برخوردار است ندارد؛ بلکه کافیت توانایی محدود خود را برای تهدید کشتیرانی حفظ کند تا هزینه‌های بیمه بالا بمانند، و شرکت‌های کشتیرانی نگران باشند و اقتصاد جهانی همچنان تحت فشار قرار گیرد. از این دیدگاه، نبرد بر سر تنگه هرمز با دیگر عرصه‌های جنگ تفاوت دارد. ناظر نظامی آمریکایی که با او گفتگو داشتم می‌گوید، موفقیت نظامی را با تعداد اهدافی که نابود شده‌اند، می‌سنجند؛ اما موفقیت استراتژیک با آنچه پس از آن اتفاق می‌افتد اندازه‌گیری می‌شود. در حال حاضر، ناظران آمریکایی معتقدند فاصله میان این دو همچنان زیاد است. قدرت نظامی توانسته بسیاری از اهداف را نابود کند، اما هنوز راهی پیدا نکرده که این برتری نظامی را به پایانی روشن برای جنگ تبدیل کند؛ به ویژه تا زمانی که رژیم ایران بتواند تنگه هرمز را به نقطه فشاری تبدیل کند که نادیده گرفتن آن دشوار باشد.

*منبع: الشرق الاوسط

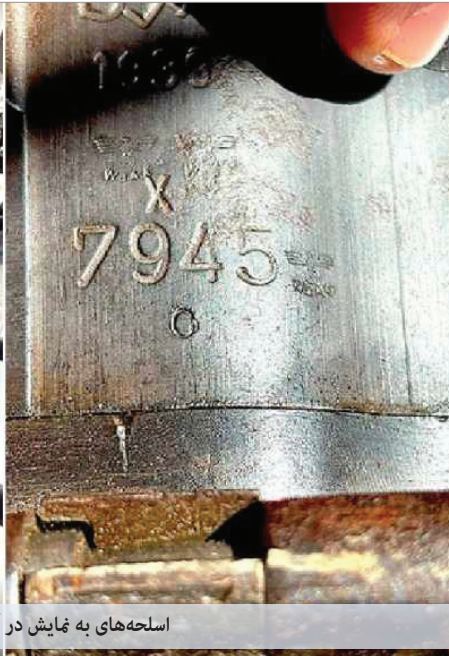
*نویسنده: هدی الحسینی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

کشف یک انبار سلاح متعلق به حماس و حزب الله توسط اسرائیل؛ فاکس نیوز: سلاح‌ها ساخت ایران، چین، روسیه و اتریش هستند



آسلحه‌های به نمایش در آمده توسط ارتش اسرائیل



آسلحه‌های به نمایش در آمده توسط ارتش اسرائیل

منحرف کردن نیروهای ارتش اسرائیل به کار می‌رفته‌اند. ده‌ها توپ تولید رژیم ایران نیز در روستاهای جنوب لبنان (پایگاه اصلی حزب الله) ضبط شد؛ در بسیاری از خانه‌ها این توپ‌ها از پنجره‌ها بیرون آمده بودند. یکی از توپ‌ها ساخت روسیه بود. همچنین انبار کشف شده پر از تفنگ‌های خودکار AK روسی و انواع مختلف آن بود. نسخه‌های جدیدتر این سلاح نیز در جنوب لبنان کشف شده‌اند. در کنار تسلیحات نظامی و تهاجمی می‌بایست یونیفرم‌های حرفه‌ای ساخت سوریه، چین و لبنان، کلاه‌های ایمنی، جلیقه‌های ضدگلوله و کیت‌های پزشکی را نیز افزود. از جهاد اسلامی فلسطین هم موشک‌هایی ضبط شد که به عنوان «ماکت‌های تبلیغاتی» در رژه علیه اسرائیل در غزه استفاده می‌شدند.

جمهوری اسلامی تا زمان بشار اسد از سوریه به‌عنوان یک «بارانداز» برای رساندن سلاح به تروریست‌های حماس و حزب الله از طریق هوایی و حتی مرزهای زمینی از طریق عراق بهره می‌برد. با سقوط بشار اسد این امکان دیگر برای جمهوری اسلامی فراهم نیست. در عین حال، حزب الله و حماس تروریست‌های خود را در مناطق مسکونی و سازه‌های غیرنظامی از جمله بیمارستان‌ها، مدارس و مساجد پنهان می‌کنند. سرهنگ شارون- کتار در توضیح حضور اسرائیل در لبنان می‌گوید: «حتی پس از توافقی که با ارتش و دولت لبنان داشتیم، وقتی دوباره وارد این کشور شدیم، همچنان این تجهیزات را پیدا می‌کردیم. این یعنی اگر ما کار پاکسازی لبنان را از نیروهای نظامی که غیرنظامیان ما را هدف قرار می‌دهند انجام ندهیم، هیچکس دیگری این کار را انجام نمی‌دهد.»

یک مقام وزارت خارجه آمریکا اخیراً به فاکس نیوز گفته است که تلاش تحت رهبری آمریکا برای خلع سلاح حزب الله توسط دولت لبنان و خروج مرحله‌ای نیروهای ارتش اسرائیل از جنوب لبنان ادامه خواهد داشت. دور بعدی مذاکرات بین اسرائیل و دولت لبنان برای خلع سلاح حزب الله، اوایل سپتامبر در رم پایتخت ایتالیا برگزار خواهد شد.

با قدرت تخریب بالا استفاده کرده‌اند. فناوری‌های موسوم به «دومنظوره»ی تجهیزاتی که می‌توانند هم برای اهداف غیرنظامی و هم نظامی استفاده شوند بخش مهمی از توانمندی حماس و حزب الله را تشکیل می‌دهد. برای نمونه، موتورسیکلت‌های مصری ساخت Halawa Motors که در حمله‌ی تروریستی هفتم اکتبر در اسرائیل ضبط شدند، برای گروگانگیری استفاده شده بودند. گروه تروریستی حماس در آن روز بیش از ۱۲۰۰ نفر (از جمله بیش از ۴۰ شهروند آمریکایی) را کشت و بیشتر از ۲۵۰ نفر را به گروگان گرفت. همچنین در میان این وسایل نقلیه، ATVها یا کوادباک‌های چهار چرخ کوچک (تک یا دونفره) هم دیده می‌شود. این موتورها طوری تغییر یافته‌اند که بتوانند شش موشک ضدتانک را حمل کنند. کوادباک‌ها به دلیل سبکی با وجود لاستیک‌های پهن و عاجدار و قابلیت حرکت در تپه و مسیرهای دشوار، برای کمین و کنترل جاده‌ها در جنوب لبنان استفاده شده‌اند. سرهنگ شارون- کتار توضیح می‌دهد: «می‌توانید روی تپه‌ای شنی بنشینید و جاده‌ای را که از زیر آن می‌گذرد کنترل کنید. با شش موشک ضدتانک تقریباً هر وسیله‌ای را متوقف می‌کنید! ATVها در کوهستان‌های جنوب لبنان برای حزب الله بسیار مفید بوده‌اند.»

ارتش اسرائیل همچنین تفنگ‌های خودکار جدیدتر روسی، از جمله انواع کلاشنیکف را در جنوب لبنان کشف کرده است. شارون- کتار گفت: «تفنگ‌های تک‌تیر سبک، برخی ساخت ایران و برخی ساخت روسیه، در میان حزب الله و حماس بسیار رایج هستند.»

مقامات نظامی اسرائیل همچنین تسلیحات تولیدشده در ایران و یک نمونه ایرانی از تفنگ تک‌تیر «اشتایر» اتریشی را نیز به نمایش گذاشته‌اند. صدها خمپاره‌ی تولید جمهوری اسلامی در لبنان و شمار زیادی پهپاد (از جمله پهپادهای تجزیه‌کننده/ Decay Drones) نیز ضبط شده‌اند؛ برخی از پهپادهای حزب الله فقط برای «ایجاد سر و صدا» و

● ارتش اسرائیل در پایگاه «تزرفین» مجموعه گسترده‌ای از تسلیحات ضبط شده از حماس و حزب الله را به نمایش گذاشته که بخش عمده‌ای از آنها را جمهوری اسلامی ایران در اختیار این گروه‌ها قرار داده است.

● شبکه «فاکس نیوز» ۲۴ مرداد ۱۴۰۵ در گزارشی به قلم بنجامین وینتال نوشت، تسلیحات کشف شده از شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی شامل خمپاره، توپ، تفنگ‌های تک‌تیر و پرتابگرهای ضدتانک ساخت ایران و همچنین تسلیحات ساخت روسیه، چین، اتریش و کشورهای دیگر هستند.

● یکی از سلاح‌هایی که ارتش اسرائیل آن را به نمایش گذاشته یک مسلسل ام‌جی-۳۴ ساخت آلمان متعلق به دوران جنگ جهانی دوم است. روی بدنه این سلاح صلیب شکسته «آلمان نازی» مربوط به دوران رژیم هیتلری حک شده است. -حماس و حزب الله که هر دو از سوی آمریکا سازمان‌های تروریستی شناخته می‌شوند، از روش‌های پیشرفته‌ای برای تبدیل وسایل نقلیه به سلاح‌های تهاجمی با قدرت تخریب بالا استفاده کرده‌اند. فناوری‌های موسوم به «دومنظوره»ی تجهیزاتی که می‌توانند هم برای اهداف غیرنظامی و هم نظامی استفاده شوند بخش مهمی از توانمندی حماس و حزب الله را تشکیل می‌دهد.

ارتش اسرائیل در پایگاه «تزرفین» مجموعه گسترده‌ای از تسلیحات ضبط شده از حماس و حزب الله را به نمایش گذاشته که بخش عمده‌ای از آنها را جمهوری اسلامی ایران در اختیار این گروه‌ها قرار داده است. شبکه «فاکس نیوز» ۲۴ مرداد ۱۴۰۵ در گزارشی به قلم بنجامین وینتال نوشت، تسلیحات کشف شده از شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی شامل خمپاره، توپ، تفنگ‌های تک‌تیر و پرتابگرهای ضدتانک ساخت ایران و همچنین تسلیحات ساخت روسیه، چین، اتریش و کشورهای دیگر هستند. یکی از سلاح‌هایی که ارتش اسرائیل آن را به نمایش گذاشته یک مسلسل ام‌جی-۳۴ ساخت آلمان متعلق به دوران جنگ جهانی دوم است. روی بدنه این سلاح صلیب شکسته «آلمان نازی» مربوط به دوران رژیم هیتلری حک شده است.

برای یک فرد عادی، تشخیص نشان کوچک صلیب شکسته نازی روی یک مسلسل آلمانی MG 34 متعلق به دوران جنگ جهانی دوم کار بسیار دشواری است اما برای سرهنگ دوم بازنشسته ایدان شارون- کتار، فرمانده واحد تخلیه تجهیزات به‌غنیمت‌گرفته‌شده ارتش اسرائیل، شناسایی چنین سلاحی کاری معمول است. شارون- کتار در همین ارتباط گفت که مسلسل آلمانی MG 34 دارای «نشان عقابی است که یک صلیب شکسته را حمل که روی آن حک شده حمل می‌کند». او به فاکس نیوز دیجیتال گفت، این مسلسل مربوط به دوران نازی‌ها برای «تبلیغات یا تقویت روحیه» تروریست‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی در لبنان مورد استفاده قرار گرفته است. یک قبضه سلاح جنگی دیگر متعلق به دوران نازی‌ها، MP 44 است که با نام StG 44 نیز شناخته می‌شود و پیشتر از گروه حزب الله ضبط شده بود. حماس و حزب الله که هر دو از سوی آمریکا به عنوان سازمان‌های تروریستی شناخته می‌شوند، از روش‌های پیشرفته‌ای برای تبدیل وسایل نقلیه به سلاح‌های تهاجمی

کیهان لایف: به فوآد پاشایی هشدار داده شده بود که ممکن است هدف حمله قرار گیرد

می‌سازد. تا چه زمانی باید این شبکه‌ها آزادانه رشد کنند و بعد از هر سوء قصد، تازه درباره منشأ آن تحقیق شود؟! شیرین عبادی اضافه کرده: «تلخی سوء قصد به فوآد پاشایی فقط در این نیست که جان یک مخالف جمهوری اسلامی هدف قرار گرفته است. بسیاری از قربانیان ترورهای فرامرز جمهوری اسلامی، تمام عمر سیاسی خود را صرف مبارزه برای ایرانی کرده‌اند که در آن گلوله و طناب دار و آدم‌ربایی ابزار حل اختلاف سیاسی نباشد. امروز نیز کسی در آمریکا هدف قرار گرفته که برای ایرانی دور از استبداد، ترور و جنایت مبارزه کرده است. فوآد پاشایی را به سرسختی در مبارزه برای آزادی ایران، و به کردار و گفتار نیک می‌شناسیم.»

عبادی ضمن آرزوی بهبودی کامل برای فوآد پاشایی، نوشته است: «امیدوارم عاملان و آمران این سوء قصد هرچه سریع‌تر شناسایی و در برابر عدالت قرار گیرند. و بیش از هر چیز آرزو می‌کنم روزی نه چندان دور، سایه این استبداد و ماشین قتل و ترورش از سر ایران و ایرانیان در سراسر جهان برچیده شود.» چگونگی و شرایط وقوع این حمله، با توجه به نقش برجسته فوآد پاشایی در میان نیروهای سیاسی ایرانی در تبعید و نیز نگرانی‌های دیرینه درباره تهدید و خشونت علیه مخالفان جمهوری اسلامی در خارج کشور، توجه ویژه‌ای برانگیخته است. لس‌آنجلس و جنوب کالیفرنیا میزبان یکی از بزرگترین جوامع ایرانی در خارج کشور هستند و طی چند دهه گذشته به یکی از مهمترین کانون‌های رسانه‌های فارسی‌زبان، تشکلهای سیاسی و کنشگران مخالف جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند.

«حزب مشروطه ایران» که در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳ خورشیدی) به ابتکار داریوش همایون، روزنامه‌نگار، سیاستمدار و نظریه‌پرداز برجسته، در تبعید بنیان نهاده شد، یکی از باسابقه‌ترین تشکلهای سیاسی در جریان پادشاهی‌خواه ایران به شمار می‌رود و در ایالات متحده و کشورهای اروپایی دارای شاخه و تشکیلات است.

این حزب از دموکراسی سکولار و حکومت مشروطه دفاع می‌کند و خواهان بازگشت نظام پادشاهی مشروطه با نقش محوری شاهزاده رضا پهلوی است.

داریوش همایون که پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در دوران پادشاهی محمدرضا شاه پهلوی وزیر اطلاعات و جهانگردی بود، در تبعید لحظه‌ای از فعالیت سیاسی دست برنداشت و به یکی از اندیشمندان جریان‌ساز و تأثیرگذار سیاسی و از چهره‌های شاخص مخالف جمهوری اسلامی تبدیل شد. علاوه بر واکنش شاهزاده رضا پهلوی و شیرین عبادی، سوء قصد به جان فوآد پاشایی با ابراز نگرانی برخی کنشگران و چهره‌های سیاسی و مدنی ایرانی در خارج کشور روبرو شد. از جمله نازنین بنیادی بازیگر ایرانی‌تبار بریتانیایی و مدافع حقوق بشر و از سفیران سازمان عفو بین‌الملل در بریتانیا، با ابراز «وحشت و نگرانی عمیق» از این حمله، در شبکه اجتماعی «ایکس»، پاشایی را «مردی مهربان و شریف که عمیقاً ایران را دوست دارد» توصیف نموده و ابراز امیدواری کرده که «عاملان این حمله به دست عدالت سپرده شوند.»

تحقیقات مقامات مسئول درباره این حمله همچنان ادامه دارد و تا کنون هیچ اطلاعاتی درباره هویت عامل یا عاملان این سوء قصد منتشر نشده است.



فوآد پاشایی دبیرکل حزب مشروطه ایران / لیبرال دموکرات

با اشاره به آنچه «سابقه طولانی و خونین» جمهوری اسلامی در هدف قرار دادن مخالفان خود خوانده، تأکید کرده که به باور او این حمله با انگیزه سیاسی صورت گرفته و فرمان آن از تهران صادر شده است.

عبادی گفته: «دیگر پرسش این نیست که آیا جمهوری اسلامی به تروریسم فرامرز دست می‌زند یا نه؟ پرسش این است که پس از بیش از چهار دهه ترور، کشتار، مپ‌گذاری، آدم‌ربایی و ارباب مخالفان، جهان دقیقاً چه زمانی تصمیم خواهد گرفت برای متوقف ساختن این ماشین کشتار، اقدامی جدی و قاطع انجام دهد؟»

او افزوده: «با شناختی که از عملکرد و منش آقای پاشایی و در سوی دیگر، از سابقه طولانی و خونبار جمهوری اسلامی در برخورد با مخالفانش داریم، تردیدی وجود ندارد که این یک سوء قصد سیاسی بوده، عاملان آن مزدوران جمهوری اسلامی بوده‌اند و دستور آن از تهران صادر شده است.»

شیرین عبادی همچنین از فوآد پاشایی به عنوان فردی یاد کرده که زندگی سیاسی خود را وقف «ایرانی‌رها از استبداد، تروریسم و جنایت» کرده است. وی نوشته: «ایران باید سرزمین زندگی باشد، نه حکومتی که برای تعقیب مخالفان خود، مرگ را به آنسوی اقیانوس‌ها می‌فرستد. در داخل کشور زندان، شکنجه و اعدام؛ در خارج از کشور تعقیب، تهدید، آدم‌ربایی و ترور. با این همه سابقه، هنوز باید پرسید چرا شبکه‌های برون مرزی جمهوری اسلامی از فضای باز کشورهای دموکراتیک برای فعالیت خود بهره می‌برند؟ پرونده‌های قضایی پیشین نشان داده‌اند که حکومت حتی از پوشش‌های دیپلماتیک برای عملیات خود استفاده کرده است. اسدالله اسدی را فراموش نکرده‌ایم. تحقیقات و پرونده‌های متعدد نشان داده‌اند که جمهوری اسلامی برای عملیات خارجی خود بطور گسترده از واسطه‌ها و شبکه‌های جنایی استفاده می‌کند؛ روشی که هم جابجایی پول را پنهان می‌کند و هم فاصله‌ای ظاهری میان آمر و عامل جنایت

فوآد پاشایی مبارز آزادیخواه در پی حمله‌ای در لس‌آنجلس به شدت مجروح و در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد. حدود دو هفته پیش از این رویداد، به پاشایی هشدار داده شده بود که ممکن است هدف حمله قرار گیرد و به وی توصیه شده بود برای حفظ امنیت خود تدابیر حفاظتی بیشتری اتخاذ کند.

دفتر ارتباطات شاهزاده رضا پهلوی: «ما از پلیس و مقام‌های مسئول لس‌آنجلس می‌خواهیم با انجام تحقیقاتی دقیق، جامع و شفاف، حقیقت و تمامی ابعاد این حادثه را روشن سازند.»

شیرین عبادی حقوقدان: «ایران باید سرزمین زندگی باشد؛ نه حکومتی که مرگ را تا آنسوی اقیانوس‌ها به دنبال مخالفانش می‌فرستد.»

فوآد پاشایی دبیرکل «حزب مشروطه ایران» (لیبرال - دموکرات)، روز ۲۶ مردادماه در پی حمله‌ای در منزل مسکونی خود در لس‌آنجلس به شدت مجروح شد. حمله‌ای که این تشکل سیاسی در تبعید از آن به عنوان «سوء قصد» به جان وی یاد کرده است.

پاشایی پس از این حمله به بیمارستان انتقال یافت و در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد.

شامگاه سه‌شنبه ۲۷ مردادماه، یک روز پس از این سوء قصد، خبرنگار کیهان لایف در بیمارستان با فوآد پاشایی و همسر وی گفتگو کرد. آنها گفتند که پلیس فدرال آمریکا به همراه ماموران نهادهای انتظامی محلی، تحقیقات درباره این حمله را آغاز کرده‌اند.

همچنین به کیهان لایف گفته شده است که حدود دو هفته پیش از این رویداد، به پاشایی هشدار داده شده بود که ممکن است هدف حمله قرار گیرد و به وی توصیه شده بود برای حفظ امنیت خود تدابیر حفاظتی بیشتری اتخاذ کند.

این حمله حدود ساعت ۷ و ۴۵ دقیقه شامگاه به وقت محلی (دوشنبه ۱۷ اوت / ۲۶ مرداد) روی داد. بر اساس اطلاعاتی که در اختیار کیهان لایف قرار گرفته، دوربین‌های امنیتی محل سکونت شخصی پاشایی پیش از وقوع حمله از کار انداخته شده بودند.

شاهزاده رضا پهلوی بر اساس بیانه‌ای که توسط دفتر ارتباطات ایشان منتشر شده، ضمن پیگیری اخبار مربوط به این حادثه ناگوار که برای دبیرکل حزب مشروطه ایران (لیبرال - دموکرات) روی داده، برای این فعال سیاسی باسابقه، آرزوی تندرستی و بهبودی کامل کرده است.

در این بیانه که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، آمده است: «ما همچنین از پلیس و مقام‌های مسئول لس‌آنجلس می‌خواهیم با انجام تحقیقاتی دقیق، جامع و شفاف، حقیقت و تمامی ابعاد این حادثه را روشن سازند.»

همچنین تأکید شده است: «عاملان و آمران این اقدام می‌بایست در اسرع وقت شناسایی شوند و تحت تعقیب قضایی قرار بگیرند.»

شیرین عبادی حقوقدان و مدافع حقوق بشر و برنده جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۰۳ نیز این حمله را به شدت محکوم کرده و جمهوری اسلامی را مستقیماً مسئول آن دانسته است. عبادی در بیانه‌ای با عنوان «سوء قصد در قلب آمریکا؛ جمهوری اسلامی‌تا کجا باید پیش برود تا جهان بیدار شود؟»

جمهوری اسلامی: آمادگی «کاملاً تهاجمی» داریم! آمریکا: اگر عمان دخالت کند، مبارانشان می‌کنیم!



دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان در حاشیه نشست رهبران جهان برای پایان دادن به جنگ غزه و آتش‌بس میان اسرائیل و حماس / شرم الشيخ / مصر / ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵

سنتی آمریکا، از پایان ژوئن آماده جمع‌آوری عوارض «داوطلبانه» از کشتی‌های عبوری، مشابه سیستمی است که در تنگه‌های مالاما و سنگاپور انجام می‌شود.

بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان گفته است، این عوارض برای حفظ ایمنی ناوبری ضروریست. ترامپ پیشتر در ماه مه نیز عمان را تهدید کرده بود که اگر «رفتار مناسبی» نداشته باشد، به آن حمله خواهد کرد. او همچنین جمعه ۱۴ اوت در یک گردهمایی حزبی در لانگ‌آیلند گفت: پس از شکست جمهوری اسلامی، تنگه هرمز را «قلمرو ایالات متحده» اعلام خواهد کرد!

دونالد ترامپ همچنین تاکید کرده، هدف اصلی وی جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای است و از آمریکایی‌ها خواسته برای ادامه‌ی قیمت‌های بالای سوخت آماده باشند.

در این میان، رژیم ایران از تنگه هرمز به عنوان اهرم فشار برای بالا بردن قیمت بنزین با امید تأثیرگذاری منفی علیه ترامپ در آستانه انتخابات میاندوره‌ای نوامبر در آمریکا استفاده می‌کند. در همین ارتباط، حملات حوثی‌های یمن که مورد حمایت جمهوری اسلامی هستند، علیه کشتی‌ها در منطقه بر نگرانی‌ها شدت بخشیده است.

یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها اعلام کرد که روز دوشنبه ۱۷ اوت موشک‌هایی را به یک کشتی نظامی عربستان سعودی و چهار کشتی اسکورت در تنگه باب‌المندب شلیک کرده‌اند.

از سوی دیگر، واشنگتن تهدید آتش‌بس موقت بر اساس «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» را رد کرده و دونالد ترامپ با تاکید بر این موضوع گفته است که جمهوری اسلامی باید پرچم سفید تسلیم را بالا ببرد.

درواقع مهلت شصت روزه‌ی «یادداشت تفاهم» که برای رسیدن به «توافق نهایی» با هیاهوی بسیار اعلام شده بود، روز دوشنبه ۱۷ اوت بدون هیچ نتیجه‌ای و با تداوم تهدیدها و درگیری‌ها نظامی به پایان رسید.

شدن این تفاهم‌نامه شد. جمهوری اسلامی ادعا می‌کند، طبق بند پنجم «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد»، در حق مدیریت این آبراه بین‌المللی با عمان به صورت برابر سهم است؛ اما واشنگتن این تفسیر را رد کرده است. رژیم ایران پس از آن به سوی کشتی‌ها آتش گشود و ترامپ در هفتم ژوئیه اعلام کرد تفاهم‌نامه «تمام‌شده» است.

یک «مقام ارشد» رژیم تهران به رویترز گفته است: «تمام نهادها باید آمادگی تشدید تنش‌ها در تنگه‌ی هرمز و سطح وسیع‌تری در منطقه باشند زیرا جمهوری اسلامی آمادگی اتخاذ تصمیمات دشوار و اقدام خواهد بود.» او افزوده است که جمهوری اسلامی در صورت شکست دیپلماتی، دست به حمله نظامی «به‌موقع و دقیق» برای شکست محاصره‌ی دریایی آمریکا خواهد زد.

اینهمه در حالیست که بقایای جمهوری اسلامی مهلت چند هفته‌ای بنا بر شروط خود تعیین کرده بودند تا پس از آنکه همه آنها، به عنوان «پیش‌شرط توافق»، توسط آمریکا اجرا شد، به پشت میز مذاکره برگردند. مذاکرات جداگانه‌ای نیز میان عمان و جمهوری اسلامی برای مدیریت تنگه هرمز در جریان است که پیشرفت آن مثبت ولی کند توصیف شده است.

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرده است که دوشنبه هفته گذشته با عمان «درک مشترکی» رسیده‌اند تا ساز و کاری ایجاد شود که هم جمهوری اسلامی و هم عمان با حفظ حاکمیت ساحلی، عبور ایمن کشتی‌های تجاری را تضمین کنند. جمهوری اسلامی اصرار دارد تنگه هرمز تنها با اعمال سیستم عوارض جدید بازگشایی شود، چیزی که واشنگتن آن را نمی‌پذیرد.

در همین ارتباط، ترامپ در مصاحبه با فاکس‌نیوز هشدار داد: «اگر عمان سر راه قرار بگیرد، حسابی مبارانشان می‌کنیم.» این تهدید در حالی مطرح‌شده که عمان، متحد

● مهلت شصت روزه‌ی «یادداشت تفاهم» که برای رسیدن به «توافق نهایی» با هیاهوی بسیار اعلام شده بود، روز دوشنبه ۱۷ اوت بدون هیچ نتیجه‌ای و با تداوم تهدیدها و درگیری‌ها نظامی به پایان رسید.

● یک «مقام ارشد» رژیم تهران به رویترز گفته است: «تمام نهادها باید آمادگی تشدید تنش‌ها در تنگه‌ی هرمز و سطح وسیع‌تری در منطقه باشند زیرا جمهوری اسلامی آمادگی اتخاذ تصمیمات دشوار و اقدام خواهد بود.» او افزوده است که جمهوری اسلامی در صورت شکست دیپلماتی، دست به حمله نظامی «به‌موقع و دقیق» برای شکست محاصره‌ی دریایی آمریکا خواهد زد.

● در همین ارتباط، ترامپ در مصاحبه با فاکس‌نیوز هشدار داد: «اگر عمان سر راه قرار بگیرد، حسابی مبارانشان می‌کنیم.»

جمهوری اسلامی در میانه‌ی بن‌بست دیپلماتیک از آمادگی «کاملاً تهاجمی» خود در تنگه هرمز خبر داد. ترامپ هم در مقابل اعلام کرد که اگر عمان دخالت کند، آمریکا آن کشور را مبارانشان خواهد کرد.

در میانه‌ی بن‌بست دیپلماتیک، جمهوری اسلامی از آمادگی «کاملاً تهاجمی» خود در تنگه هرمز خبر داد و دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا نیز صراحتاً گفت که اگر عمان دخالت کند، آمریکا آن کشور را مبارانشان می‌کند. مذاکرات جمهوری اسلامی و عمان برای مدیریت این آبراه ادامه دارد اما واشنگتن هرگونه عوارض و تهدید آتش‌بس را رد کرده است. همزمان حوثی‌ها به حملات خود در باب‌المندب در جنوب دریای سرخ ادامه می‌دهند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، همزمان با تنش‌های فزاینده در خاورمیانه، جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۷ اوت ۲۰۲۶ تهدید کرد که در صورت شکست دیپلماتی و مذاکرات با ایالات متحده، به موضع نظامی «کاملاً تهاجمی» در تنگه هرمز روی خواهد آورد.

همزمان دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا هشدار داد اگر عمان در درگیری‌های مربوط به این تنگه دخالت کند، واشنگتن با «مبارانشان» آن را هدف قرار خواهد داد. این اظهارات در شرایطی مطرح شده که توافق آتش‌بس میان آمریکا و رژیم ایران در عمل فرو پاشیده و نگرانی‌ها درباره‌ی تداوم اختلال در تجارت جهانی و انتقال جریان نفت از این منطقه افزایش یافته است.

پس از حملات آمریکا به اهداف هسته‌ای- نظامی در ایران، جمهوری اسلامی به عنوان حمله به پایگاه‌های آمریکایی، زیرساخت‌ها و مناطق غیرنظامی کشورهای عربی از جمله اردن، کویت، بحرین، امارات و عمان را هدف قرار داد. این در حالی بود که طرفین در هفدهم ژوئن ۲۰۲۶ به یک «یادداشت تفاهم» دست یافته بودند تا در مهلتی ۶۰ روزه به یک «توافق نهایی» برسند. بر اساس «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» که با میانجیگری پاکستان و قطر شکل گرفت، می‌بایست عملیات نظامی در همه‌ی جبهه‌ها فوری و بطور دائم متوقف شده و طی ۶۰ روز برای رسیدن به «توافق نهایی» درباره‌ی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و رفع تحریم‌های آمریکا تلاش می‌شد. اما بستن تنگه هرمز توسط رژیم ایران و اختلاف بر سر کنترل این منطقه، باعث ناکار

آرایش جدید اجرایی در قوه قضاییه؛ جابجایی همزمان ۹ مدیر ارشد توسط محسنی اژه‌ای



علیه شهروندان، دادرسی عجولانه و صدور احکام سنگین اعدام و زندان طولانی مدت، و اجرای سریع احکام اعدام صادر شده از جمله سرکوب‌های تشدید شده در قوه قضاییه است. غلامحسین محسنی اژه‌ای بارها طی ماه‌های گذشته خواستار عدم مداخلات با شهروندان معترض از سوی قضات، و صدور و اجرای سریع احکام شده بود.

غلامحسین محسنی اژه‌ای دو روز پیش در سخنانی از تغییر شماری از مدیران قوه قضاییه خبر داده و گفته بود هدف این اقدام «تحرك بیشتر» و «تزریق خون بیشتر» به مجموعه دستگاه قضا است.

وبسایت «رویداد ۲۴» با اشاره به تغییرات اساسی در صدر مدیران قوه قضاییه نوشته «اهمیت این تغییرات فقط در تعداد احکام نیست، چنین جدید، چند حوزه حساس و اثرگذار قوه قضاییه را همزمان درگیر کرده است؛ از زندان‌ها و بازرسی گرفته تا دادگستری تهران، حفاظت اطلاعات و نحوه ارتباط دستگاه قضا با افکار عمومی. به همین دلیل، می‌توان این جابه‌جایی را بیش از یک تغییر اداری معمول ارزیابی کرد.»

در این گزارش آمده اژه‌ای در حال بازچینی بخش قابل توجهی از تیم مدیریتی قوه قضاییه است؛ بازچینی‌ای که سه حوزه را همزمان هدف گرفته است: مدیریت قضایی، نظارت و بازرسی، و ارتباط با جامعه و افکار عمومی.

«رویداد ۲۴» افزوده از سوی دیگر، این تغییرات در فضای انجام می‌شود که رئیس قوه قضاییه از «مشورت گسترده» برای انتخاب مدیران سخن گفته و تأکید کرده است که پیشنهادهایی حتی از بیرون دستگاه قضایی، از جمله سپاه، وزارت اطلاعات و مسئولان سابق قضایی، دریافت شده است. این بخش از سخنان اژه‌ای از این جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد انتخاب مدیران ارشد قوه قضاییه صرفاً در یک فرآیند درون‌سازمانی تعریف نشده و برای رئیس دستگاه قضا، استفاده از نظر نهادهای مختلف حاکمیتی نیز بخشی از فرآیند انتخاب بوده است.

ذبیح‌الله خداییان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، با حکم جدید به ریاست حوزه ریاست قوه قضاییه منصوب شده است. رئیس حوزه ریاست قوه قضاییه یکی از مقامات بسیار نزدیک با محسنی اژه‌ای خواهد بود.

ذبیح‌الله خداییان سال‌ها در مناصب مختلف قضایی و مدیریتی فعالیت داشته و از جمله سابقه ریاست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ریاست سازمان بازرسی کل کشور را در کارنامه دارد. او در دوره ریاست بر سازمان بازرسی، درباره ورود این سازمان به پرونده‌های مرتبط با ارز، تعهدات ارزی و حتی قصور برخی مسئولان در تأمین مایحتاج عمومی نیز موضع‌گیری کرده بود.

نورالله سلطانی به عنوان معاون قضایی قوه قضاییه منصوب شده است. امیری اصفهانی، معاون دادستان کل کشور، به عنوان معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم منصوب شده است. محسن موسوی نیز به ریاست مرکز حل اختلاف منصوب شده است.

همچنین قرار است ریاست دیوان عالی کشور و دادستانی انتظامی قضات نیز تغییر کنند. حمزه خلیلی، معاون اول قوه قضاییه، اعلام کرده است که رئیس دیوان عالی کشور پس از انجام مشورت با قضات دیوان عالی تعیین خواهد شد و درباره رئیس دادرسی انتظامی قضات نیز قرار است تصمیم‌گیری شود.

در مورد دادستان انتظامی قضات نیز نام سیدرضا سیدکریمی، معاون قضایی دیوان عالی کشور، به عنوان گزینه جایگزین جعفر قدیانی مطرح شده است.

تغییر مدیران ارشد قوه قضاییه یک ماه پس از آن صورت گرفته که مجتبی خامنه‌ای، رهبر غایب جمهوری اسلامی، طی حکمی ریاست غلامحسین محسنی اژه‌ای بر قوه قضاییه را برای یک دوره پنج ساله دیگر تمدید کرد.

از سوی دیگر قوه قضاییه جمهوری اسلامی طی ماه‌های گذشته و پس از اعتراضات دی ۴۰۴ روند سرکوب خود را شدت داده است. موج گسترده بازداشت‌ها، پرونده‌سازی

● غلامحسین محسنی اژه‌ای با صدور احکامی ۹ مدیر ارشد قوه قضاییه را تغییر داد. معاون اجرایی قوه قضاییه با اعلام این خبر گفته، در ۱۴ استان نیز تغییراتی در ریاست دادگستری‌ها انجام خواهد شد؛ تغییراتی که به گفته او در سطح استان‌ها حتی «بیش از جابجایی» خواهد بود.

● حیدر آسیابی که پیش از این رئیس کل دادگستری استان گلستان بود، با حکم رئیس قوه قضاییه به ریاست سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور منصوب شد.

● ناصر عتباتی از ریاست دادگستری آذربایجان غربی به ریاست کل دادگستری استان تهران منصوب شده است. ● اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضاییه و معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، به عنوان رئیس سازمان بازرسی کل کشور منصوب شده است.

● تغییر مدیران ارشد قوه قضاییه یک ماه پس از آن صورت گرفته که مجتبی خامنه‌ای، رهبر غایب جمهوری اسلامی، طی حکمی ریاست غلامحسین محسنی اژه‌ای بر قوه قضاییه را برای یک دوره پنج ساله دیگر تمدید کرد.

غلامحسین محسنی اژه‌ای با صدور احکامی ۹ مدیر ارشد قوه قضاییه را تغییر داد. معاون اجرایی قوه قضاییه با اعلام این خبر گفته، در ۱۴ استان نیز تغییراتی در ریاست دادگستری‌ها انجام خواهد شد؛ تغییراتی که به گفته او در سطح استان‌ها حتی «بیش از جابجایی» خواهد بود.

حیدر آسیابی که پیش از این رئیس کل دادگستری استان گلستان بود، با حکم رئیس قوه قضاییه به ریاست سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور منصوب شد. آسیابی پیش از ریاست دادگستری گلستان، سابقه فعالیت در دادرسی و مسئولیت‌های قضایی در استان‌های مختلف را داشته و در سال‌های گذشته نیز در پرونده‌ها و مسائل مرتبط با حوزه قضایی استان گلستان حضور رسانه‌ای داشته است.

ناصر عتباتی از ریاست دادگستری آذربایجان غربی به ریاست کل دادگستری استان تهران منصوب شده است؛ یکی از مهم‌ترین و پرمسئولیت‌ترین جایگاه‌های مدیریتی دستگاه قضایی. عتباتی پیش از این نیز در استان اردبیل در مسئولیت‌های قضایی از جمله دادستانی و ریاست دادگستری فعالیت داشته و سال‌ها در مدیریت قضایی استان‌ها حضور داشته است.

اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضاییه و معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، به عنوان رئیس سازمان بازرسی کل کشور منصوب شده است. جهانگیر چهره‌ای باسابقه در ساختار قضایی است و در کارنامه او ریاست سازمان زندان‌ها، ریاست دفتر بازرسی ویژه قوه قضاییه، قاضی دیوان عالی کشور و معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دیده می‌شود. سمت قبلی او سخنگویی قوه قضاییه بود.

همچنین علی کاظمی، رئیس پژوهشگاه قوه قضاییه، با حفظ سمت به عنوان سخنگوی قوه قضاییه منصوب شده است. کاظمی پیش از ریاست پژوهشگاه، مستشار دادگاه تجدیدنظر و معاون وزیر دادگستری بوده و دبیری مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک را نیز در کارنامه داشته است. او در آبان ۱۴۰۴ به ریاست پژوهشگاه قوه قضاییه منصوب شده بود.

هشدار وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به دولت فرانسه در مورد «دخالت» و «نفوذ»

در این بیانیه آمده، در جریان اجرای دستور قضایی برای بازداشت دو متهم یک پرونده «نفوذ و مداخله خارجی»، دو دیپلمات فرانسوی بازداشت شده‌اند.

وزارت اطلاعات ادعا کرد، در بررسی اسناد کشف‌شده از محل قرار دو دیپلمات با دو عنصر بازداشتی، مدارکی درباره طراحی پروژه‌ای با هدف «نفوذ، مداخله خارجی و بسترسازی برای اقدام فرانسه علیه استقلال کشور» به دست آمد. این وزارتخانه همچنین گفته است که در قراردادهای کشف‌شده، امضای سفیر سابق فرانسه در ایران دیده می‌شود و دولت فرانسه باید درباره این اقدامات توضیح دهد.

حدود سه هفته پیش از این دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی دو کارمند سفارت فرانسه در تهران را بازداشت کرد.

وزیر خارجه فرانسه اعلام کرد که دو دیپلمات فرانسوی در ایران هدف «اقدامی بسیار جدی و ارباب‌آمیز» از سوی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند و یکی از آنها مورد تعرض فیزیکی قرار گرفته است.

ژان نوئل بارو در بیانیه‌ای که برای خبرگزاری فرانسه ارسال شد گفت که این دو دیپلمات شامگاه یکشنبه [۱۹ ژوئیه] از سوی مقام‌های ایرانی مورد هجوم قرار گرفتند؛ اقدامی که به گفته او «نقض آشکار مصونیت دیپلماتیک» به شمار می‌رود.



باروت وزیر خارجه فرانسه

● وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای که ۲۴ مرداد ۱۴۰۵ منتشر شده اعلام کرد که در جریان بررسی پرونده دو عامل نفوذی مشخص شد که آنها با دو دیپلمات فرانسوی در ارتباط هستند. این وزارتخانه دولت فرانسه را متهم به اقدام برای «نفوذ»، «مداخله» و «اقدام علیه استقلال و امنیت جمهوری اسلامی» کرده است.

● در این بیانیه آمده، در جریان اجرای دستور قضایی برای بازداشت دو متهم یک پرونده «نفوذ و مداخله خارجی»، دو دیپلمات فرانسوی بازداشت شده‌اند.

● وزارت اطلاعات ادعا کرد، در بررسی اسناد کشف‌شده از محل قرار دو دیپلمات با دو عنصر بازداشتی، مدارکی درباره طراحی پروژه‌ای با هدف «نفوذ، مداخله خارجی و بسترسازی برای اقدام فرانسه علیه استقلال کشور» به دست آمد.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای که ۲۴ مرداد ۱۴۰۵ منتشر شده اعلام کرد که در جریان بررسی پرونده دو کارمند سفارت فرانسه در تهران مشخص شد که آنها با دو دیپلمات فرانسوی در ارتباط هستند. این وزارتخانه دولت فرانسه را متهم به اقدام برای «نفوذ»، «مداخله» و «اقدام علیه استقلال و امنیت جمهوری اسلامی» کرده است.

فرمانده ارتش جمهوری اسلامی: هرکسی یک نیروی آمریکایی را بکشد ۳۰ هزار دلار جایزه می‌گیرد

برابر با ۱۵ سال حقوق یک ارتشی است! پیش از این، ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی از تدوین طرحی با عنوان «اقدام متقابل نیروهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی» خبر داده بود که در آن پرداخت پاداش ۵۰ میلیون یورویی برای کشتن دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا پیش‌بینی شده است.

وعدۀ پرداخت پاداش ۳۰ هزار دلاری به پرسنل ارتش در ازای کشتن آمریکایی‌ها در حالی مطرح شده که ارتش به دلیل کمبود بودجه حتی در پرداخت حقوق و پاداش کارکنان و بازنشستگانش با مشکل روبروست.

با توجه به پایان مهلت ۶۰ روزه دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا طی «پادداشت تفاهم اسلام‌آباد» که برای دستیابی به یک «توافق نهایی» اعلام شده بود، احتمال از سر گرفتن مجدد درگیری‌ها و حتی حمله زمینی نظامی به جمهوری اسلامی بیش از پیش تقویت شده است.

بر اساس گزارش منابع میدانی، حکومت در محورهای مختلف برای مقابله با عملیات «هلی‌برن» نیرو یا عملیات آبی- خاکی آمریکا در سواحل جنوب کشور نیرو مستقر کرده است. بخشی از این نیروها بسیجی‌ها و هواداران حکومت هستند که رژیم آنها را نیروهای «مردم‌پایه» می‌خواند.



امیر حاتمی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی

با توجه به اینکه میانگین حقوق پرسنل ماهانه حدود ۳۰ میلیون تومان است، رقم پاداش اعلام‌شده از سوی حاتمی،

● امیر حاتمی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی در مراسمی به مناسبت روز خبرنگار اعلام کرده است: «هر ایرانی که یک نیروی آمریکایی را دستگیر کند یا بکشد ۳۰ هزار دلار از طرف مردم ایران جایزه دریافت خواهد کرد». این مبلغ با توجه به نرخ فعلی دلار حدود پنج و نیم میلیارد تومان می‌شود.

● با توجه به اینکه میانگین حقوق پرسنل ماهانه حدود ۳۰ میلیون تومان است رقم پاداش اعلام‌شده از سوی حاتمی، برابر با ۱۵ سال حقوق یک ارتشی است!

● پیش از این، ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی از تدوین طرحی با عنوان «اقدام متقابل نیروهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی» خبر داده بود که در آن پرداخت پاداش ۵۰ میلیون یورویی برای کشتن دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا پیش‌بینی شده است.

امیر حاتمی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی در مراسمی به مناسبت روز خبرنگار اعلام کرده است: «هر ایرانی که یک نیروی آمریکایی را دستگیر کند یا بکشد ۳۰ هزار دلار از طرف مردم ایران جایزه دریافت خواهد کرد». این مبلغ با توجه به نرخ فعلی دلار حدود پنج و نیم میلیارد تومان می‌شود.

ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی: از وضعیت سه خلبان نیروی هوایی اسیر شده در قطر اطلاعی نداریم!



سه خلبان نیروی هوایی ارتش که گفته می‌شود در قطر اسیر هستند

تلاش‌های دیپلماتیک و پیگیری‌های به‌عمل آمده، اجازه دیدار و مصاحبه و تماس اسرا با خانواده‌ها و مسئولان پیگیری کننده را نداده است.»

حدوداً سه ماه پیش از این نیز چهار پاسدار سپاهی در کویت اسیر شدند. گارد ساحلی کویت اواخر اردیبهشت ۱۴۰۵ چهار نیروی ویژه سپاه پاسداران را که قصد انجام عملیاتی در جزیره بوبیان داشتند، بازداشت کرد. این گروه شش نفره بود و دو نفر از اعضای آن موفق به فرار شدند.

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ گفته بود: «پیگیر بازداشت چهار تبعه ایرانی در کویت هستیم، اما اجازه دسترسی کنسولی به این افراد نداده‌اند.»

در نامه ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ آمده است: «سه خلبان دیگر به نام‌های جواد صالحی، عبدالمجید دشتیان و عمران بهروشیان بطور زنده توسط نیروهای قطری به اسارت گرفته شده‌اند که متأسفانه از آن تاریخ تا کنون دولت قطر اجازه دیدار، مصاحبه و تماس اسرا با خانواده‌ها و مسئولان پیگیری‌کننده را نداده است.»

در بخش دیگری از این نامه تأکید شده، با وجود سپری شدن ۶ ماه برخلاف همه قوانین و مقررات بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در خصوص ضرورت مراعات حقوق اسرای جنگی، «دولت قطر حقوق مسلم این اسرا را نادیده گرفته و نقض کرده است و با وجود همه

● محمدباقر باقرزاده، فرمانده «کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی»، ۲۴ مرداد ۱۴۰۵ در نامه‌ای به مریانا اسپولیاریک رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، خواستار پیگیری وضعیت سه خلبان ایرانی اسیر در قطر شد.

● دو فروند جنگنده «سوخو-۲۴» در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۴۰۴ برای هدف قرار دادن یک پایگاه آمریکایی در قطر اعزام شدند که هر دو فروند در جریان این عملیات هدف قرار گرفتند.

● یکی از خلبانان کشته شده، مجید کاظمی، بود که هویت وی با آزمایش DNA شناسایی شد؛ اما سرنوشت سه خلبان دیگر همچنان نامشخص است.

● در نامه ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ آمده است: «سه خلبان دیگر به نام‌های جواد صالحی، عبدالمجید دشتیان و عمران بهروشیان بطور زنده توسط نیروهای قطری به اسارت گرفته شده‌اند که متأسفانه از آن تاریخ تا کنون دولت قطر اجازه دیدار، مصاحبه و تماس اسرا با خانواده‌ها و مسئولان پیگیری‌کننده را نداده است.»

محمدباقر باقرزاده، فرمانده «کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی»، ۲۴ مرداد ۱۴۰۵ در نامه‌ای به مریانا اسپولیاریک رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، خواستار پیگیری وضعیت سه خلبان ایرانی اسیر در قطر شد. دو فروند جنگنده «سوخو-۲۴» در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۴۰۴ برای هدف قرار دادن یک پایگاه آمریکایی در قطر اعزام شدند که هر دو فروند در جریان این عملیات هدف قرار گرفتند.

یکی از خلبانان به نام مجید کاظمی کشته شد و هویت وی با آزمایش DNA شناسایی گشت؛ اما سرنوشت سه خلبان دیگر همچنان نامشخص است.



تشییع جنازه خلبان مجید کاظمی

موج واکنش‌ها به مصوبه مجلس شورای اسلامی درباره «نفوذ» برای تشدید سرکوب جامعه



● کامبیز نوروزی حقوقدان در یادداشتی خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی نوشت: «آدم‌های بی‌نفوذ نفوذی نمی‌شوند! سرویس‌های اطلاعاتی‌اند که باید با روش‌های پیچیده و دقیق خودشان مانع از نفوذ مأموران بیگانه شوند.»

● روزنامه «اطلاعات» هشدار داده، در شرایط جنگی، تصویب شتابزده چنین طرحی می‌تواند بجای تقویت امنیت و همبستگی، سرمایه اجتماعی را تضعیف کند. قانونی که با نام «مقابله با نفوذ» جامعه را بی‌اعتمادتر کند، ممکن است خود به بستی برای نفوذ تبدیل شود.

تصویب «طرح مقابله با نفوذ نهادهای بیگانه» در مجلس شورای اسلامی که به راحتی می‌تواند علیه هر شهروند به اتهام مشارکت در «پروژه نفوذ» جرم‌انگاری کند، با واکنش‌های زیادی روبرو شده است. برخی از مقامات و روزنامه‌های حکومتی نیز به این مصوبه واکنش نشان داده و آن را سبب عمیق‌تر شدن فاصله میان مردم و حکومت خواندند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه ۲۵ اردماد ۱۴۰۵ جریبائی از «طرح مقابله با نفوذ نهادهای بیگانه» را تصویب کردند. بر اساس این مصوبه، دامنه وسیعی از اقدامات شهروندان از جمله ساخت فیلم و فعالیت فرهنگی، ارتباط با سفارتخانه‌ها، گفتگو با رسانه‌های آمریکایی، سفر و شرکت در کنفرانس‌های علمی و... می‌تواند به عنوان اقدام در راستای «پروژه نفوذ» جرم‌انگاری شده و متهمان به حبس و جزای نقدی محکوم شوند.

این طرح که برای تشدید سرکوب جامعه به تصویب رسیده، با واکنش‌های گسترده‌ای روبرو شده است. «کانون حقوق بشر ایران» نیز این مصوبه را در تعارض با «شماری از اصول قانون اساسی و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر در زمینه آزادی بیان، گردش اطلاعات، آزادی تشکل و دادرسی عادلانه» ارزیابی کرده است.

«کانون حقوق بشر ایران» نوشته، این مصوبه در صورت تصویب نهایی بدون اصلاح اساسی، دامنه مقررات امنیتی می‌تواند از مقابله با جاسوسی و انتقال اسرار فراتر رفته و بخش‌هایی از رسانه، جامعه مدنی، دانشگاه، هنر و ارتباط شهروندان با جهان خارج را تحت تأثیر قرار دهد. از همین منظر، مهم‌ترین پرسش درباره مصوبه مجلس این است که آیا برای مقابله با تهدیدهای واقعی امنیتی، رفتار مجرمانه به‌طور دقیق و محدود تعریف خواهد شد، یا مفاهیم گسترده‌ای مانند «نفوذ»، «رسانه معاند»، «چهره سیاه»، «مخدوش کردن اعتماد مردم» و «زمان بحرانی» می‌توانند زمینه جرم‌انگاری فعالیت‌هایی را فراهم کنند که در اصل در حوزه آزادی بیان، گردش اطلاعات، فعالیت مدنی، علمی و فرهنگی قرار دارند.

کامبیز نوروزی حقوقدان نیز در یادداشتی خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی نوشت: «آدم‌های بی‌نفوذ نفوذی نمی‌شوند! سرویس‌های اطلاعاتی‌اند که باید با روش‌های پیچیده و دقیق خودشان مانع از نفوذ مأموران بیگانه شوند. اگر واقعا به دنبال آن هستید که مانع از تحرکات مأموران بیگانه در کشور باشید، با نقض آزادی‌های فردی و اجتماعی و حق آزادی بیان و واژگان کلی و نامفهوم کشتار

در اصل به ضرر آن است و باعث آسیب می‌شود. به نظر باید برویم در این حیطه کار کنیم. اینکه برویم یک قانونی تصویب کنیم که دستان برای برخورد با مردم باز باشد، به نظر خیلی جالب نیست.»

غلامحسین کرباسچی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب نیز نوشته: «امنیت امروز بسیار پیچیده‌تر از مفهوم سنتی «جاسوس» است. یک تلفن همراه، یک شبکه ارتباطی ناامن، یک نرم‌افزار آلوده یا مجموعه‌ای از داده‌های پراکنده می‌تواند اطلاعاتی تولید کند که از بسیاری از مصاحبه‌ها حساس‌تر باشد.»

کرباسچی افزوده: «محدود کردن رسانه‌ها هزینه دیگری نیز دارد. در جنگ امروز، روایت بخشی از میدان نبرد است. حضور رسانه‌های مستقل و خارجی می‌تواند تصاویر خسارات، کشته‌شدن غیرنظامیان و واقعیت‌های یک حمله را به مخاطبانی منتقل کند که الزاماً رسانه‌های رسمی ایران را دنبال نمی‌کنند. اگر با هدف جلوگیری از درز اطلاعات همه پنجره‌ها بسته شود، ممکن است صدای خودمان نیز از همان پنجره‌ها بیرون نرود.»

وبسایت «عصر ایران» نیز در مطلبی نوشته، مصوبه تازه مجلس درباره فعالیت‌های فرهنگی و هنری، بیش از آنکه پاسخی به این پرسش‌ها باشد، نشانه نوعی تغییر در شیوه مواجهه با فرهنگ است؛ تغییری از «مدیریت فرهنگی» به «نظارت امنیتی بر فرهنگ». در این مصوبه، از محرومیت دائمی از تولید و همکاری در آثار هنری سخن گفته شده و مفاهیمی چون «چهره سیاه از ایران»، «فرهنگ ضد اسلامی» و فعالیت تحت هدایت یا آموزش نهادهای بیگانه، در کنار مجازات‌های سنگین قرار گرفته‌اند.

در ادامه مطلب «عصر ایران» آمده: «بحث بر سر این نیست که آیا نفوذ خارجی وجود دارد یا نه، طبیعی است که هر کشوری نسبت به دخالت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه حساس باشد و با جاسوسی و عملیات سازمان‌یافته مقابله کند. مسئله از جایی آغاز می‌شود که «فرهنگ» در

علیه کارشناسان و دانشگاهیان و نویسندگان و فیلمسازان و موسیقیدانان و روزنامه‌نگاران کاری از پیش نمی‌برد.» این حقوقدان در ادامه نوشته: «بدون شناخت موضوع وعدم رعایت اصول قانونگذاری کیفری و سیاسی هر قانونی که تصویب شود، از ابتدا قابل اجرا و محکوم به شکست است. از این دست قوانین فراوان روی کاغذ داریم که خشکیده‌اند!»

مصوبه مجلس شورای اسلامی حتی سبب واکنش برخی مقامات و حامیان حکومت و رسانه‌های داخلی نیز شده است. روزنامه «اطلاعات» در شماره روز سه‌شنبه ۲۷ اردماد در واکنش به این مصوبه نوشت: «مشکل کشور کمبود قانون برای مقابله با نفوذ نیست، بلکه ضعف در اجرای قوانین موجود است؛ در حالی که طرح تازه مجلس بیش از مقابله با نفوذ، خطر محدودکردن رسانه‌ها، احزاب و آزادی‌های مشروع را به همراه دارد.»

این مطلب تأکید کرده حتی در مذاکرات مجلس نیز ایرادات جدی طرح مطرح شده و نظرات قوه قضائیه هم بطور کامل در آن لحاظ نشده است.

روزنامه «اطلاعات» همچنین هشدار داده، در شرایط جنگی، تصویب شتابزده چنین طرحی می‌تواند بجای تقویت امنیت و همبستگی، سرمایه اجتماعی را تضعیف کند. قانونی که با نام «مقابله با نفوذ» جامعه را بی‌اعتمادتر کند، ممکن است خود به بستی برای نفوذ تبدیل شود.

روزنامه «سازندگی» نیز مصوبه مجلس شورای اسلامی را آدرس اشتباهی از «نفوذ» خواند و نوشت که نفوذ در مطبوعات و رویدادهای فرهنگی صورت نمی‌گیرد بلکه به اعتبار دو جنگ اخیر، «نفوذ در نهادهای حکمرانی بوده است.» جلال رشیدی کوچی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی نیز گفته: «نفوذ امروز آنجایی است که تصمیمات به گونه‌ای رقم می‌خورد که باعث ایجاد ناراضیاتی مردم می‌شود. این می‌شود نفوذ. نفوذ آنجایی است که صحبت‌هایی می‌شود که در ظاهر به نفع حاکمیت و به نفع نظام هست، ولی

جمهوری اسلامی شهرام صادقی، از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ را «اعدام» کرد



چندین مأمور را زیر گرفت. این گزارش در ادامه ادعا کرده، این اقدام سبب «مصدومیت هفت مأمور فراجا از ناحیه سر، پا، دست و چشم» شد و یکی از مأموران به مدت سه ماه در کما بوده است. قوه قضاییه جمهوری اسلامی همچنین مدعی شده شهرام صادقی پس از تصادف، اتومبیل خود را آتش زده و در یک کمپ ترک اعتیاد بستری شده تا مخفی شود.

نکته قابل توجه در میان ادعاهای قوه قضاییه عدم پذیرش اتهام وارد شده توسط شهرام صادقی است. قوه قضاییه نوشته شهرام صادقی گفته است اتومبیل پراید او شامگاه هجدهم دی وقتی او به یک طبایخی برای خرید غذا مراجعه کرده سرقه شده و او نیز این سرقه را به پلیس ۱۱۰ اطلاع داده است. در سناریوی مطرح شده توسط قوه قضاییه آمده که تماسی از سوی این شهروند با پلیس ۱۱۰ ثبت نشده و شهرام صادقی پس از زیر گرفتن عمدی مأموران، اتومبیل را آتش زده و فرار کرده است.

شهرام صادقی در شرایطی سحرگاه روز یکشنبه ۲۵ امرداد اعدام شد که پیشتر هیچ گزارشی از وضعیت این شهروند بازداشت شده منتشر نشده بود و از روند بازجویی، دادرسی، حق دسترسی او به وکیل انتخابی و... اطلاعی در دست نیست.

جمهوری اسلامی پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا از هفته دوم اسفند ۱۴۰۴، فشارهای امنیتی و سرکوبها در ایران را بطور گسترده افزایش داده است. در این میان روند صدور و اجرای احکام اعدام علیه فعالان سیاسی و شهروندان بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴ با سرعت ادامه دارد.

بر اساس موارد گزارش شده از سوی فعالان حقوق بشر، بیش از ۵۰ شهروند با اتهامات سیاسی و امنیتی در این مدت اعدام شدند. همچنین دهها شهروند بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴ در شهرهای مختلف کشور با خطر صدور و یا اجرای حکم اعدام روبرو هستند.

● قوه قضاییه جمهوری اسلامی اعلام کرده، حکم «اعدام» شهرام صادقی از شهروندان بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴ سحرگاه یکشنبه ۲۵ امرداد ۱۴۰۵ اجرا شد.

● اتهام این شهروند «اقدام عملیاتی به نفع رژیم صهیونیستی و آمریکا و گروههای متخاصم موضوع ماده یک قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» اعلام شده است.

● خبرگزاری قوه قضاییه مدعی شده، شهرام صادقی در جریان اعتراضات شامگاه ۱۸ دی ۴۰۴ در شهر کرج، «پس از حمله به مأمورین با خودروی پراید چندین مأمور را زیر گرفت» که در پی این تصادف هفت مأمور مصدوم شدند. ● جمهوری اسلامی پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا از هفته دوم اسفند ۱۴۰۴، فشارهای امنیتی و سرکوبها در ایران را بطور گسترده افزایش داده است. در این میان روند صدور و اجرای احکام اعدام علیه فعالان سیاسی و شهروندان بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴ با سرعت ادامه دارد.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی اعلام کرده حکم «اعدام» شهرام صادقی از شهروندان بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴ سحرگاه یکشنبه ۲۵ امرداد ۱۴۰۵ اجرا شد.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی با اعلام خبر اجرای حکم اعدام شهرام صادقی در سحرگاه ۲۵ امرداد ۱۴۰۵، اتهام این شهروند را «اقدام عملیاتی به نفع رژیم صهیونیستی و آمریکا و گروههای متخاصم موضوع ماده یک قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» اعلام کرد.

خبرگزاری قوه قضاییه مدعی شده، شهرام صادقی در جریان اعتراضات شامگاه ۱۸ دی ۴۰۴ و در حوالی چهارراه گلزار کرج، «پس از حمله به مأمورین با خودروی پراید

همان دستگاه مفهومی «امنیت» تعریف شود و هنرمند بالقوه نه به عنوان یک شهروند خلاق، بلکه به عنوان یک مظنون فرهنگی دیده شود. فرهنگ با دستورالعمل ساخته نمی شود.»

بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، مصاحبه یا شرکت در گفتگو یا هرگونه ارتباط با رسانه های «معاند» از جمله رسانه های آمریکایی ممنوع و موجب محکومیت به حبس درجه شش است. این مصوبه بخشی از «طرح مقابله با نفوذ نهادهای بیگانه» است که با ۱۸۳ رأی موافق به تصویب رسید. همچنین ارتباط با سفارتخانه ها و سازمان های غیرایرانی بدون مجوز وزارت خارجه، و پیشنهادهای سیاستی تحت اشراف سرویس های اطلاعاتی بیگانه، مشمول جریمه های نقدی و حبس های طولانی مدت خواهد بود.

از سوی دیگر هرگونه همکاری علمی با دانشگاه ها، مؤسسات و سازمان های خارجی، از جمله دریافت بورسیه تحصیلی، که وزارت اطلاعات تأیید نکرده باشد، بین شش ماه تا دو سال حبس دارد.

در این طرح تأکید شده تمام تبادلات علمی، بورسیه ها، کنفرانس ها و حتی ارسال گونه های تحقیقاتی بدون تأیید سالانه وزارت اطلاعات ممنوع و مستوجب حبس درجه شش دانسته شده است!

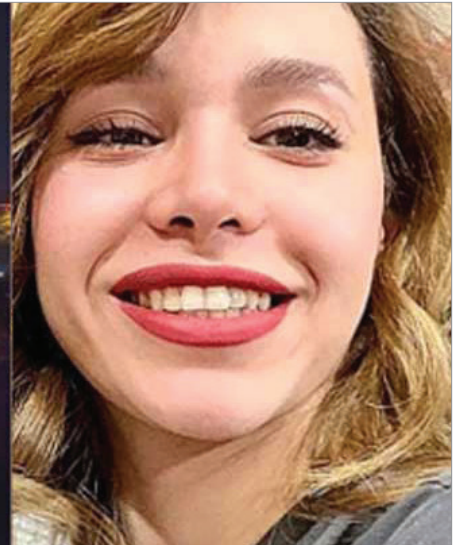
ماده ۵ این طرح می گوید: وزارت اطلاعات موظف است سالیانه فهرست دولت ها یا دانشگاه ها یا مؤسسات و نهادهای و سازمان های غیر ایرانی مجاز برای اخذ بورسیه یا کمک هزینه تحصیلی یا انعقاد قرارداد یا تفاهم نامه یا برگزاری کنفرانس یا رویدادهای علمی را منتشر نماید. هرگونه همکاری علمی با سرویس های اطلاعاتی بیگانه یا سایر موارد مندرج در ماده یک یا دانشگاه ها یا مؤسسات یا نهادهای یا سازمان های غیر ایرانی که نامشان در فهرست مذکور ذکر نمی شود همچنین ارسال نمونه های پزشکی و تحقیقاتی و باستان شناسی به آنها ممنوع و موجب حبس درجه شش خواهد بود.

بر اساس ماده ۱۵ این طرح، اگر اثر هنری یا فرهنگی «با فرهنگ ایرانی ناسازگار باشد یا علیه آن موضع گیری کند»، پدیدآورنده به محرومیت دائمی از فعالیت محکوم می شود. در ماده ۱۵ آمده است: «چنانچه مطابق مستندات ارائه شده توسط ضابط، اثر تولید شده تحت اشراف یا هدایت یا آموزش یا راهبری سرویس های اطلاعاتی بیگانه یا سایر موارد مندرج در ماده یک یا سازمان ها یا نهادهای بین المللی دولتی یا غیردولتی که با فرهنگ ایرانی ناسازگارند یا علیه فرهنگی ایرانی موضع گیری می کنند انجام شده باشد، مولف یا تهیه کننده یا کارگردان به محرومیت دائمی از تولید یا تهیه آثار هنری یا همکاری در آنها محکوم می گردد.»

در ادامه همین ماده، در تبصره ۲ شرکت کنندگان در کارگاه ها و دوره های آموزشی که از اهداف آن آگاه باشند را نیز از مستوجب حبس و جزای نقدی می داند. اما سؤال اصلی از واضعان این متن این است که «فرهنگ ایرانی» دقیقاً در کدام متن حقوقی تعریف شده است که اکنون عدم سازگاری با آن پایه و ملاک صدور احکام سنگین محرومیت و حبس قرار می گیرد؟

«طرح مقابله با نفوذ نهادهای بیگانه» که در ۱۹ ماده تدوین شده به امضای ۸۷ نماینده مجلس دوازدهم رسیده و روز یکشنبه با رأی موافق ۱۸۳ عضو این مجلس به تصویب رسید. این طرح پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل با جمهوری اسلامی و در ۲۵ تیرماه سال ۱۴۰۴ در صحن مجلس اعلام وصول شده بود. بر پایه مفاد این طرح، دامنه گسترده ای از همکاری های مستقیم یا غیرمستقیم با خارج از کشور جرم انگاری می شود.

کشتار و تروریسم؛ کارت نامزدی جمهوری اسلامی در کمیته حقوق بشر سازمان ملل!



روینا امینیان دانشجوی ۲۳ ساله که در ۱۸ دی ماه در محله ی خانی آباد تهران از پشت سر مورد شلیک گلوله قرار گرفت

به نام ارزش هایی چون حقوق بشر، دموکراسی، آزادی، برابری و حقوق زنان سخن می گوید، اما واقعیت این است که دست کم نیمی از اعضای آن را دیکتاتوری ها تشکیل می دهند. جمهوری اسلامی همچنان آزادی های اساسی را به شدت سرکوب می کند. در ماه ژوئیه دو مرد را به خاطر شرکت در تظاهرات سراسری ضد حکومتی در ملاء عام اعدام کرد و صدها نفر دیگر به دلیل درخواست تغییر رژیم زندانی یا کشته شده اند. در اعتراضات پیشین شهروندان زیادی مانند روینا امینیان دانشجوی ۲۳ ساله ی طراحی پارچه، کشته شدند. او از فاصله ی نزدیک در تهران مورد اصابت گلوله قرار گرفت.»

به گفته ی ناظر سازمان ملل، ناامیدترین جنبه ی این انتخاب احتمالی، تمایل دموکراسی های غربی به سکوت و پذیرش آن است. نویر توضیح داد: «پاسخ کوتاه به این مسئله، منافع، بدبینی، سیاست، معامله گری و فرهنگ «همراهی کن با هم کنار می آییم» است. اگر شما سفیر فرانسه، کانادا یا آلمان باشید، نمی خواهید با ده ها کشور کشور درگیر شوید یا اصطکاک با جمهوری اسلامی ایجاد کنید، پس ترجیح می دهند به سادگی از آن دوری کنند.»

فاکس نیوز برای دریافت نظر با نمایندگی دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل تماس گرفت، اما پاسخی دریافت نکرد. در مجموع، ناظران حقوق بشر این گزینش احتمالی را نماد وارونگی ارزش های سازمان ملل می دانند و هشدار می دهند که ادامه ی چنین روندهایی اعتبار نهادهای بین المللی را پیش از پیش تضعیف می کند. علاقه ی سازمان ملل برای انتصاب جمهوری اسلامی به کمیته ی برنامه ریزی حقوق بشر در حالی صورت می گیرد، که بعد از کشتار هزاران نفر از مردم معترض ایران در دی ماه سال گذشته، کماکان اسامی کشته شده ها و ویدئوهای تازه ای از آن فاجعه منتشر می گردد.

سازمان ملل متحد همچنین به دلیل رویکردهای یکجانبه علیه اسرائیل، به جانبداری از گروه تروریستی حماس متهم شده است. این سازمان اغلب از تصویب قطعنامه های رسمی یا صدور محکومیت علیه این گروه خودداری می کند.

در نحوه ی اجرای ابتکارات حقوق بشر، حقوق زنان و مبارزه با تروریسم در سراسر سیستم سازمان ملل دارد؛ هرچند معاهدات حقوق بشری را تدوین یا محکومیت های مستقیم صادر نمی کند. بر اساس گزارش فاکس نیوز که روز جمعه ۱۴ اوت منتشر شد، مجمع عمومی سازمان ملل قرار است در ماه نوامبر درباره ی پذیرش جمهوری اسلامی در این کمیته رای گیری کند. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در ماه آوریل با وجود سابقه ی مستند در نقض سیستماتیک حقوق بشر، سرکوب شدید حقوق زنان و کشتار گسترده ی مخالفان سیاسی توسط جمهوری اسلامی، آن را به عنوان نامزد این کمیته معرفی کرد.

هیل نویر در گفتگو با فاکس نیوز تاکید کرد: «جمهوری اسلامی آخرین حکومتی در جهان است که باید هیچگونه نفوذی داشته باشد.» او افزود: «متأسفانه امروز در سازمان ملل، سازمانی که پس از جنگ جهانی دوم با ایده آلیسم بزرگ برای ایجاد صلح بین المللی تاسیس شد، وضعیت به گونه ای است که دیوانگان آسایشگاه را اداره می کنند.»

جمهوری اسلامی در ایران رژیمی است که زنان را به خاطر ایستادن برای حقوق شان یا نشان دادن چند تار مو، کتک می زند، شکنجه و کور و زندانی می کند و آنها را مورد تجاوز قرار می دهد. رژیم تهران همچنین از سوی نهادهای بین المللی به عنوان حامی اصلی تروریسم دولتی شناخته می شود که گروه های نیابتی مسلح مانند حزب الله در لبنان و حماس در غزه و حشدالشعبی در عراق و حوثی ها در یمن را تأمین مالی می کند. در ماه های اخیر نیز در جریان درگیری با ایالات متحده ی آمریکا، به کشورهای همسایه ی خلیج فارس حمله کرده است.

البته انتخاب جمهوری اسلامی در جایگاه های بی مورد بی سابقه نیست؛ شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز ۴۷ عضو دارد و هم اکنون کشورهایی با سیاست های به شدت مورد انتقاد مانند چین، کوبا، پاکستان و اریتره را در خود جای داده است.

در همین ارتباط، نویر خاطرنشان کرد: «سازمان ملل

● هیل نویر مدیر اجرایی گروه ناظر سازمان ملل (UN Watch) انتخاب احتمالی جمهوری اسلامی برای «کمیته برنامه و هماهنگی» سازمان ملل را «آرولی» (ریاکارانه و ضد آزادی با اشاره به رمان «۱۹۸۴» از جرج آرول) و مانند اداره تیمارستان توسط دیوانگان توصیف کرد.

● بر اساس گزارش فاکس نیوز که روز جمعه ۱۴ اوت منتشر شد، مجمع عمومی سازمان ملل قرار است در ماه نوامبر درباره ی پذیرش جمهوری اسلامی در این کمیته رای گیری کند. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در ماه آوریل با وجود سابقه ی مستند در نقض سیستماتیک حقوق بشر، سرکوب شدید حقوق زنان و کشتار گسترده ی مخالفان سیاسی توسط جمهوری اسلامی، آن را به عنوان نامزد این کمیته معرفی کرد.

● ناظران حقوق بشر این گزینش احتمالی را نماد وارونگی ارزش های سازمان ملل می دانند و هشدار می دهند که ادامه ی چنین روندهایی اعتبار نهادهای بین المللی را پیش از پیش تضعیف می کند.

هیل نویر مدیر اجرایی گروه ناظر سازمان ملل (UN Watch) با احتمال گزینش جمهوری اسلامی در کمیته برنامه ریزی حقوق بشر، آن را مصداق سپردن «اداره ی تیمارستان به دیوانگان» دانست.

با احتمال گزینش جمهوری اسلامی در کمیته برنامه ریزی حقوق بشر، ناظر سازمان ملل با انتقاد و هشدار شدید، چنین انتخابی را مصداق سپردن «اداره ی تیمارستان به دیوانگان» عنوان کرد. رای گیری مجمع عمومی سازمان ملل قرار است در ماه نوامبر برگزار شود.

هیل نویر مدیر اجرایی گروه ناظر سازمان ملل (UN Watch) انتخاب احتمالی جمهوری اسلامی برای «کمیته برنامه و هماهنگی» سازمان ملل را «آرولی» (ریاکارانه و ضد آزادی با اشاره به رمان «۱۹۸۴» از جرج آرول) و مانند اداره تیمارستان توسط دیوانگان توصیف کرد. این کمیته با ۳۴ عضو که برای دوره های سه ساله انتخاب می شوند، نقش اداری تاثیرگذاری

مصوبه مجلس شورای اسلامی: شش ماه تا دو سال زندان برای مصاحبه با رسانه‌های آمریکایی



● بر اساس تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مصاحبه یا شرکت در گفتگو یا هرگونه ارتباط با رسانه‌های «معاند» از جمله رسانه‌های آمریکایی ممنوع و موجب محکومیت به حبس درجه شش است.

● هرگونه همکاری علمی با دانشگاه‌ها، مؤسسات و سازمان‌های خارجی، از جمله دریافت بورسیه تحصیلی، که وزارت اطلاعات تأیید نکرده باشد، بین شش ماه تا دو سال حبس دارد.

مجازات شش ماه تا دو سال حبس برای افرادی که با «رسانه‌های آمریکایی» مصاحبه می‌کنند، روز یکشنبه در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. بر اساس مصوبه، «ارتباط با سفارتخانه‌ها و سازمان‌های غیرایرانی بدون مجوز وزارت خارجه، و پیشنهادهای سیاستی تحت اشراف سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه» مشمول جریمه‌های نقدی و حبس‌های طولانی‌مدت خواهد بود.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست روز یکشنبه ۲۵ امرداد ۱۴۰۵ تصویب کردند که مصاحبه یا شرکت در گفتگو یا هرگونه ارتباط با رسانه‌های «معاند» از جمله رسانه‌های آمریکایی ممنوع و موجب محکومیت به حبس درجه شش است. این مصوبه بخشی از «طرح مقابله با نفوذ نهادهای بیگانه» است که با ۱۸۳ رأی موافق به تصویب رسید. همچنین بر اساس این مصوبه، ارتباط با سفارتخانه‌ها و سازمان‌های غیرایرانی بدون مجوز وزارت خارجه، و پیشنهادهای سیاستی تحت اشراف سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه، مشمول جریمه‌های نقدی و حبس‌های طولانی‌مدت خواهد بود.

از سوی دیگر هرگونه همکاری علمی با دانشگاه‌ها، مؤسسات و سازمان‌های خارجی، از جمله دریافت بورسیه تحصیلی، که وزارت اطلاعات تأیید نکرده باشد، بین شش ماه تا دو سال حبس دارد.

«طرح مقابله با نفوذ نهادهای بیگانه» در ۱۹ ماده تدوین شده و ۸۷ نماینده مجلس دوازدهم آن را امضا کرده‌اند. این

طرح پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل با جمهوری اسلامی و در ۲۵ تیرماه سال ۱۴۰۴ در صحن مجلس اعلام وصول شده بود. بر پایه مفاد این طرح، دامنه گسترده‌ای از همکاری‌های مستقیم یا غیرمستقیم با خارج از کشور جرم‌انگاری می‌شود. متن کامل لایحه مقابله با جنایات بین‌المللی که امروز در مجلس بررسی و تصویب شد به شرح زیر است:

«طبق ماده اصلاحی ۱۴، عطف به ماده ۵۶ قانون اساسی و صلاحیت دادگاه‌های ایران و دادگستری تهران در موارد زیر دارای صلاحیت رسیدگی به شکایات موضوع این قانون مطابق با قوانین جمهوری اسلامی ایران هستند.

۱- جنایات در قلمرو حاکمیت زمینی دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران

۲- جنایت که علیه امنیت ملی تمامیت ارضی استقلال و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران واقع شده باشد

۳- جنایت توسط اتباع ایرانی و یا علیه آنان و یا دارایی‌های آنان ارتکاب یافته باشد.

۴- عامر و مرتکب در ایران حضور داشته باشد و یا دستگیر شده باشد و به ایران مسترد شده باشد

تبصره ۱- در غیر موارد مذکور در این ماده در صورت پیشنهاد دادستان و پس از تصویب در شورای عالی امنیت ملی رسیدگی به پرونده در دادگاه‌های ایران انجام می‌شود. تبصره ۲- در صورتی که آمر و مرتکب به سبب هر یک از رفتارهای مجرمانه موضوع این قانون در دادگاه صالح خارجی محاکمه و حکم قطعی صادر شده باشد، تعقیب مجدد در دادگاه‌های ایران ممنوع است، مگر آنکه رسیدگی انجام‌شده به‌طور واقعی و مؤثر صورت نگرفته باشد یا حکم صادره صوری بوده و عدالت کیفری را تأمین ننموده باشد یا مجازات صادره با مجازات‌های این قانون متناسب نباشد. چنانچه در مواردی که حکم قطعی در مورد آمر و مرتکب اجرا شده باشد، به میزان مجازات اجراشده در حکم مرجع قضایی صالح داخلی احتساب خواهد شد.

تبصره ۳- در راستای مطالبه انواع خسارات و طرح دعاوی کیفری در هر وضعیت امکان طرح دعاوی گروهی وجود

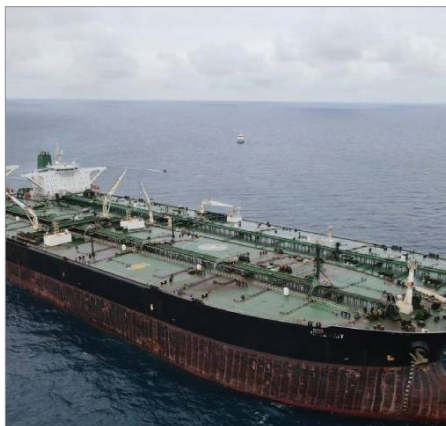
دارد تبصره ۴- در مورد تحقق جنایات این قانون در صورت ورود به رسیدگی کیفری مطالبه خسارت قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مستلزم اقدام متقابل نیست. همچنین بر اساس ماده ۳، ارتکاب هر یک از رفتارهای زیر به اعتبار هویت گروه یا عضویت در گروه، به قصد نابود کردن تمام یا بخشی از اعضای یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی نسل‌زدایی محسوب می‌شود و مرتکب و آمر در مورد بند (۱) این ماده، به مجازات حبس و جزای نقدی درجه یک و در مورد سایر بندها، به مجازات حبس و جزای نقدی درجه دو محکوم می‌شوند: ۱- قتل اعضای گروه. ۲- وارد کردن آسیب شدید جسمی یا روانی به اعضای گروه. ۳- تحمیل عمدی شرایط دشوار بر زندگی اعضای گروه. ۴- جلوگیری از زاد و ولد. ۵- انتقال اجباری افراد زیر هجده سال شسمی از آن گروه به گروهی دیگر.

همچنین بر اساس ماده ۶، مرتکب و آمر جنایت جنگی، حسب مورد به مجازات‌های زیر محکوم می‌شوند:

الف- در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، موضوع بند (الف) ماده (۵) این قانون: ۱- در مورد بندهای (۱) تا (۱۵)، به حبس و جزای نقدی درجه یک. ۲- در مورد بندهای (۱۶) تا (۲۱)، به حبس و جزای نقدی درجه دو. ۳- در مورد بندهای (۲۲) تا (۲۶)، به حبس و جزای نقدی درجه سه. ۴- در مورد بندهای (۲۷) تا (۳۲)، به حبس و جزای نقدی درجه چهار. ب- در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، موضوع قسمت (ب) ماده (۵) این قانون: ۱- در مورد بند (۱)، حسب مورد به همان مجازات مقرر در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی. ۲- در مورد بند (۲)، به مجازات حبس و جزای نقدی درجه یک. ۳- در مورد بند (۳)، به مجازات حبس و جزای نقدی درجه دو. تبصره- چنانچه فرمانده یا آمر با کسی که توانایی کنترل نیروهای تحت امر خود را دارد، مرتکب جنایت موضوع ماده (۵) این قانون شود؛ به حداکثر مجازات محکوم می‌شود.

مقام ارشد پیشین در وزارت خزانه‌داری آمریکا: صادرات نفت ایران تقریباً به صفر رسیده است

● روزنامه «نیویورک پست» به نقل از یک مقام ارشد سابق وزارت خزانه‌داری آمریکا گزارش داد، صادرات نفت ایران در پی محاصره دریایی آمریکا تقریباً به صفر رسیده است؛ این مقام پیش‌بینی می‌کند پیامدهای اقتصادی این وضعیت ظرف دو تا سه ماه می‌تواند به حکومت ضربه بزند و آن را بی‌ثبات کند.



جمهوری اسلامی ایران عمده نفت صادراتی خود را زیر قیمت و به صورت قاچاق به شرق آسیا می‌فروشد

● در این گزارش که ۲۶ مرداد ۱۴۰۵ منتشر شد آمده، توانایی جمهوری اسلامی ایران برای انتقال نفت از طریق تنگه هرمز و جبران مشکلات اقتصادی کنونی، تحت تأثیر محاصره جدید آمریکا به شدت محدود شده. تصاویر ماهواره‌ای نیز نشان می‌دهد که فعالیت در پایانه نفتی جزیره خارک تقریباً متوقف شده است.

● میعاد مالکی رئیس پیشین دفتر هدف‌گذاری جهانی تحریم‌ها در اداره کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC) وزارت خزانه‌داری آمریکا و پژوهشگر ارشد در مؤسسه دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) معتقد است، حکومت ایران سرانجام در پاییز سال ۲۰۲۶ دیگر فضای چندانی برای مانور نخواهد داشت.

روزنامه «نیویورک پست» به نقل از یک مقام ارشد سابق وزارت خزانه‌داری آمریکا، گزارش داد صادرات نفت ایران در پی محاصره دریایی آمریکا تقریباً به صفر رسیده است؛ این مقام پیش‌بینی می‌کند پیامدهای اقتصادی این وضعیت ظرف دو تا سه ماه می‌تواند به حکومت ضربه بزند و آن را بی‌ثبات کند.

در این گزارش که ۱۷ اوت (۲۶ مرداد) منتشر شد آمده، توانایی جمهوری اسلامی ایران برای انتقال نفت از

دیدار کوشنر و نتانیاهو در اورشلیم درباره وضعیت غزه

فرستاده هیئت صلح ترامپ در امور غزه، نیز در دیدار کوشنر با نتانیاهو حضور داشت. این منابع به شرط ناشناس ماندن صحبت کردند، زیرا اجازه نداشتند درباره این موضوع بطور علنی اظهارنظر کنند.

دفتر نتانیاهو به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخ نداده است. ملادنوف، مقام پیشین سازمان ملل که روابط نزدیکی با امارات متحده عربی، یکی از کشورهای بانفوذ خاورمیانه، دارد، در میانجی‌گری برای توافق خلع سلاح ماه گذشته نقش داشت و بطور گسترده به عنوان فردی شناخته می‌شود که رهبری تلاش‌ها برای اجرای طرح اولیه ۲۰ ماده‌ای ترامپ برای پایان دادن به جنگ را بر عهده دارد؛ طرحی که اسرائیل و حماس سال گذشته با آن موافقت کردند. با این حال، تا کنون پیشرفت چندانی حاصل نشده است و اسرائیل

● جرد کوشنر فرستاده و داماد دونالد ترامپ دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵ در اورشلیم با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل دیدار کرد؛ این دیدار پس از مذاکرات با رهبران حماس در مصر با هدف پیشبرد طرح صلح غزه با حمایت آمریکا انجام شد.

● بخشی از طرح ترامپ در مورد غزه مورد موافقت نتانیاهو نیست؛ توافقی که بر اساس آن حماس در ازای خروج اسرائیل از غزه، سلاح‌های خود را تحویل می‌دهد. ترامپ گفته بود این توافق به صورت مرحله‌ای اجرا خواهد شد؛ به این ترتیب که همزمان با پیشرفت روند خلع سلاح، نیروهای اسرائیلی از غزه عقب‌نشینی می‌کنند و یک «نیروی تثبیت بین‌المللی» نیز در همکاری با یک نیروی پلیس جدید فلسطینی، مسئول تأمین امنیت این منطقه خواهد بود.



دیدار نتانیاهو و کوشنر در اسرائیل

همچنان به حملات خود در غزه ادامه داده، هرچند در چارچوب طرح ترامپ با آتش‌بس موافقت کرده بود. حماس نیز ماه گذشته با یک نقشه راه ۱۵ ماده‌ای جدید، مورد حمایت آمریکا، برای پیشبرد طرح ترامپ موافقت کرد. اسرائیل این نقشه راه را رد کرد.

پیشتر یک منبع گفته بود، خلیل الحیه رهبر حماس در برخی از نشست‌هایی که میانجی‌ها روز یکشنبه در قاهره با کوشنر و ملادنوف برگزار کردند، حضور داشته است. این دومین دیدار شناخته‌شده کوشنر با نمایندگان حماس محسوب می‌شود؛ گروه شبه‌نظامی فلسطینی که ایالات متحده آن را یک سازمان تروریستی می‌داند.

کوشنر پیشتر در اکتبر ۲۰۲۵، همراه با استیو ویتکاف فرستاده آمریکا، با مقام‌های حماس دیدار کرده بود. این مذاکرات به دستیابی به توافقی کمک کرد که به برقراری آتش‌بس در غزه و آزادی گروگان‌های باقی‌مانده‌ای انجامید که حماس در حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به اسرائیل روده بود. ترامپ در اواخر ژوئیه گفت، توافقی برای خلع سلاح کامل حماس و دیگر گروه‌های مسلح در غزه حاصل شده است. حماس گفته است با این طرح موافقت کرده، اما اجرای توافق به این بستگی دارد که اسرائیل ابتدا به تعهدات خود، از جمله عقب‌نشینی نیروها و توقف حملات، عمل کند.

جرد کوشنر فرستاده و داماد دونالد ترامپ دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵ در اورشلیم با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل دیدار کرد؛ این دیدار پس از مذاکرات با رهبران حماس در مصر با هدف پیشبرد طرح صلح غزه با حمایت آمریکا انجام شد.

بخشی از طرح ترامپ در مورد غزه مورد موافقت نتانیاهو نیست؛ توافقی که بر اساس آن حماس در ازای خروج اسرائیل از غزه، سلاح‌های خود را تحویل می‌دهد. ترامپ گفته بود این توافق به صورت مرحله‌ای اجرا خواهد شد؛ به این ترتیب که همزمان با پیشرفت روند خلع سلاح، نیروهای اسرائیلی از غزه عقب‌نشینی می‌کنند و یک «نیروی تثبیت بین‌المللی» نیز در همکاری با یک نیروی پلیس جدید فلسطینی، مسئول تأمین امنیت این منطقه خواهد بود.

امانتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل گفته‌ارتش اسرائیل تنها زمانی از غزه عقب‌نشینی خواهد کرد که حماس و دیگر گروه‌های مسلح در این منطقه بطور کامل خلع سلاح شده باشند. دیپلمات‌ها می‌گویند اسرائیل بعید است پیش از انتخابات ۲۷ اکتبر، امتیاز مهمی درباره غزه بدهد.

کوشنر به دنبال پیشبرد طرح متوقف‌شده در غزه رویترز می‌نویسد به گفته دو منبع، نیکولای ملادنوف

ملت» مدعی شده است که به دلیل نبود سفارت آمریکا در ایران، «عوامل اطلاعاتی» سایر کشورهای غربی مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات و اجرای طرح‌های آنها را بر عهده گرفته‌اند و فرانسه یکی از کشورهای فعال در این زمینه است.

بروجردی گفت، همه فعالیت‌های این کشورها زیر نظر نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی است و هرگونه اقدام در جهت آسیب به «امنیت ملی» با «برخورد جدی و قاطع» مواجه خواهد شد.

وی همچنین گفت که بر اساس کنوانسیون وین، افرادی که خارج از حیطه مسئولیت‌های رسمی و فعالیت‌های مجاز دیپلماتیک اقدام کنند، می‌توانند به عنوان «عنصر نامطلوب» از کشور اخراج شوند.

او در ادامه عنوان کرد، آمریکا و اسرائیل به دنبال ایجاد «آشوب‌های داخلی» هستند و افزود، طرح «مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌های بیگانه» خلأ قانونی موجود در برخورد با سازمان‌های جاسوسی را پوشش می‌دهد و به نهادهای امنیتی و قضایی برای پیشگیری و برخورد قاطع با «عوامل نفوذ و جاسوسی» کمک می‌کند.

عضو «کمیسیون امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی: فرانسه در جمع‌آوری اطلاعات و اجرای طرح‌های آمریکا در ایران فعال است

● **علاءالدین بروجردی** از اعضای «کمیسیون امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با وبسایت «خانه ملت» مدعی شده است که به دلیل نبود سفارت آمریکا در ایران، «عوامل اطلاعاتی» سایر کشورهای غربی مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات و اجرای طرح‌های آنها را بر عهده گرفته‌اند و فرانسه یکی از کشورهای فعال در این زمینه



سفارت فرانسه در تهران خیابان نوفل لوشاتو

کلیات این طرح ۲۵ مرداد ۱۴۰۵ در مجلس شورای اسلامی با ۱۸۳ رای موافق تصویب شد. یکی از مفاد این طرح ممنوعیت دریافت پول از سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه، نهادهای خارجی یا سفارتخانه‌ها توسط سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌ها، تشکله‌ها و احزاب است. بر اساس این طرح، وزارت اطلاعات نسبت به اعطای بورسیه تحصیلی خارج از کشور به دانشجویان، حضور دانشجویان در کنفرانس‌ها و مراکز علمی و آکادمی‌های خارج از ایران نیز نظارت خواهد داشت.

مخالفان این طرح می‌گویند که با اجرای آن «راه نفوذ بازتر می‌شود» و «از تمامی فعالیت‌های اقتصادی جلوگیری خواهد شد».

● **او در ادامه** عنوان کرد، آمریکا و اسرائیل به دنبال ایجاد «آشوب‌های داخلی» هستند و افزود، طرح «مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌های بیگانه» خلأ قانونی موجود در برخورد با سازمان‌های جاسوسی را پوشش می‌دهد و به نهادهای امنیتی و قضایی برای پیشگیری و برخورد قاطع با «عوامل نفوذ و جاسوسی» کمک می‌کند. کلیات این طرح ۲۵ مرداد ۱۴۰۵ در مجلس شورای اسلامی با ۱۸۳ رای موافق تصویب شد.

علاءالدین بروجردی از اعضای «کمیسیون امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با وبسایت «خانه

→ **طریق تنگه هرمز و جبران مشکلات اقتصادی کنونی، تحت تأثیر محاصره جدید آمریکا به شدت محدود شده. تصاویر ماهواره‌ای نیز نشان می‌دهد فعالیت در پایانه نفتی جزیره خارک تقریباً متوقف شده است.**

در حالی که جمهوری اسلامی و آمریکا در تلاش‌اند با فشارهای اقتصادی مشخص کنند کدام طرف زودتر عقب‌نشینی خواهد کرد، میعاد مالکی رئیس پیشین دفتر هدف‌گذاری جهانی تحریم‌ها در اداره کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC) وزارت خزانه‌داری آمریکا و پژوهشگر ارشد در مؤسسه دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) معتقد است، حکومت ایران سرانجام در پاییز سال ۲۰۲۶ دیگر فضای چندانی برای مانور نخواهد داشت. مالکی تأکید کرد: «این محاصره بزرگ‌ترین آسیب‌پذیری اقتصادی ایران را آشکار کرده است.»

او می‌افزاید: «ساعت نفتی ایران در حال شمارش معکوس است و شوک واقعی مالی در پاییز، زمانی که موعد پرداخت تمام تعهدات آنها فرا برسد، وارد خواهد شد.»

در این میان، فعالیت نفتکش‌ها در اطراف پایانه نفتی جزیره خارک به شدت کاهش یافته و در نتیجه صادرات نفت خود جمهوری اسلامی نیز آفت کرده است. این در حالیست که چندی پیش اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که واشنگتن فشارهای اقتصادی علیه جمهوری اسلامی را برای منزوی کردن آن افزایش خواهد داد.

خطر ناتوانی در پرداخت حقوق نیروهای نظامی به گفته مالکی، رژیم ایران به نیروهای نظامی، کارکنان دولت، نیروهای امنیتی و کارگران بخش‌های صنعتی در چرخه‌های زمانی مشخص حقوق پرداخت می‌کند و حدود ۶۰ درصد منابع مالی این پرداخت‌ها از صادرات نفت تأمین می‌شود.

او گفت، اگر صادرات نفت ایران در چرخه بعدی نیز با محدودیت مواجه شود، حکومت گزینه‌های بسیار محدودی برای محافظت از نیروهای نظامی و عوامل خود در برابر شوک اقتصادی خواهد داشت.

مالکی معتقد است، حکومت ایران تا کنون نشان داده که می‌تواند فشارهای اقتصادی وارد شده بر مردم عادی را تحمل کند، اما زمانی که اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ثروتمندان با مشکلات اقتصادی مواجه شوند، احتمالاً رویکرد حکومت تغییر خواهد کرد.

ترامپ نیز که پیشتر گفته بود حکومت ایران دیگر پول کافی برای پرداخت حقوق نیروهای نظامی خود ندارد، نشان داده که قصد دارد فشارهای اقتصادی حداکثری بر تهران را حفظ کند.

بسنت نیز تهدید کرده است که تحریم‌های بیشتری علیه جمهوری اسلامی اعمال خواهد شد.

او هشدار داده است که عملیات موسوم به «خشم اقتصادی» شامل اقدامات جدیدی خواهد بود؛ اقداماتی که پس از تشدید فشارها بر صرافی‌ها، ارزهای دیجیتال و سایر منابع درآمدی ایران اجرا خواهند شد.

وزیر خزانه‌داری آمریکا نیز هفته گذشته به «نیوزمکس» گفت، هدف آمریکا اعمال «انزوای اقتصادی در مقیاسی است که جهان تا کنون شاهد آن نبوده است».

قیمت نفت همچنان بالا مانده و به حدود ۹۰ دلار در هر بشکه رسیده است. «نیویورک پست» در ادامه می‌نویسد، حکومت ایران امیدوار است با فرسایشی شدن جنگ این مقطع را پشت سر بگذارد؛ جنگی که به اقتصاد آمریکا نیز آسیب زده و به واکنش‌های منفی علیه رئیس‌جمهور آمریکا دامن زده است.

روسیه با ارسال تسلیمات از دریای کاسپین در حال ترمیم زرّادخانه موشکی- پهپادی جمهوری اسلامی است

● بر اساس گزارش شبکه‌ی ان‌بی‌سی‌نیوز، برپایه‌ی یک سند دولتی اروپایی به‌دست‌آمده و تأییدشده توسط یک مقام غربی، این محموله‌ها که پیش از این گزارش نشده بودند، نشان‌دهنده‌ی تعمیق اتحاد استراتژیک میان مسکو و جمهوری اسلامی است.

● بیش از ۲۴ فروند کشتی روسی که بسیاری از آنها تحت تحریم‌های آمریکا و اروپا قرار دارند، از طریق دریای کاسپین به بندر امیرآباد در شمال شهرستان بهشهر در استان مازندران رفته‌اند تا این تسلیمات را تحویل دهند. کشتی‌های اعزامی از روسیه ظاهراً متعلق به شرکت دریایی «ام‌جی‌فلوت» هستند که در سال ۲۰۲۴ تحریم شده است.

● در اواخر مارس ۲۰۲۴، اسرائیل در تلاش برای قطع این زنجیره‌ی تأمین، اسکله‌ی بندر انزلی (پهلوی) ایران را در سواحل کاسپین هدف قرار داد و زیرساخت‌ها و کشتی‌های آن را نابود کرد. با این حال، پس از آن حمله، فعالیت‌های کشتیرانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نوار ساحلی این بزرگترین دریاچه‌ی جهان از سر گرفته شده است.

روسیه از مسیر امن دریای کاسپین در حال ارسال مواد منفجره، مهمات و قطعات پهپاد به بندر امیرآباد در سواحل شرقی استان مازندران است تا جمهوری اسلامی بتواند توان موشکی و پهپادی خود را بازسازی کند.

پس از حملات اسرائیل به بندر انزلی (پهلوی) در ماه مارس ۲۰۲۴، اینک روسیه در حال ارسال تی‌ان‌تی (مواد منفجره)، مهمات و قطعات پهپاد از مسیر امن دریای کاسپین (مازندران/ خزر) به بندر امیرآباد در سواحل شرقی استان مازندران برای بازسازی توان موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی است. این محموله‌ها به رژیم تهران کمک می‌کند تا ذخایر تسلیحاتی آسیب‌دیده در حملات هوایی آمریکا و اسرائیل را دوباره جایگزین کند.

بر اساس گزارش شبکه‌ی ان‌بی‌سی‌نیوز، برپایه‌ی یک سند دولتی اروپایی به‌دست‌آمده و تأییدشده توسط یک مقام غربی، این محموله‌ها که پیش از این گزارش نشده بودند، نشان‌دهنده‌ی تعمیق اتحاد استراتژیک میان مسکو و جمهوری اسلامی است.

این سند نشان می‌دهد، بیش از ۲۴ فروند کشتی روسی که بسیاری از آنها تحت تحریم‌های آمریکا و اروپا قرار دارند، از طریق دریای کاسپین به بندر امیرآباد در شمال شهرستان بهشهر در استان مازندران رفته‌اند تا این تسلیمات را تحویل دهند. کشتی‌های اعزامی از روسیه ظاهراً متعلق به شرکت دریایی «ام‌جی‌فلوت» هستند که در سال ۲۰۲۴ تحریم شده است. دریای کاسپین که توسط ایران، روسیه، آذربایجان،

قزاقستان و ترکمنستان احاطه شده، مسیر ایده‌آلی برای این نقل و انتقالات محسوب می‌شود. نیروهای دریایی کشورهای غربی، حضور دائمی در این دریا ندارند و از نظر حقوقی نیز نمی‌توانند به راحتی در آن به عملیات بپردازند. کشتی‌ها می‌توانند سیستم شناسایی خودکار خود را خاموش کنند تا ردیابی نشوند. این مسیر همچنین از گذرگاه‌های دریایی تحت کنترل کشورهای غربی نیز به دور است و امکان رهگیری را به شدت کاهش می‌دهد.

در اواخر مارس ۲۰۲۴، اسرائیل در تلاش برای قطع این زنجیره‌ی تأمین، اسکله‌ی بندر انزلی (پهلوی) ایران را در سواحل کاسپین هدف قرار داد و زیرساخت‌ها و کشتی‌های آن را نابود کرد. با این حال، پس از آن حمله، فعالیت‌های کشتیرانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نوار ساحلی این بزرگترین دریاچه‌ی جهان از سر گرفته شده است. این تحولات نشان‌دهنده‌ی تغییر نقش در همکاری نظامی میان روسیه و بقایای جمهوری اسلامی بعد از کشته شدن علی

اطلاعات و داده‌های هدف‌گیری برای عملیات علیه مواضع آمریکا در خاورمیانه را نیز در اختیار جمهوری اسلامی قرار داده است. مقامات اوکراینی نیز تأیید کرده‌اند که روسیه تصاویر ماهواره‌ای از پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج فارس را به رژیم ایران داده است.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا ماه گذشته ادعاهای مربوط به کمک نظامی روسیه به جمهوری اسلامی را کم‌اهمیت دانسته و گفته بود ولادیمیر پوتین به او اطمینان داده مسکو سلاحی به حاکمان تهران ایران نمی‌فروشد. با این حال، گزارش‌های اخیر این ادعا را زیر سؤال برده است. زمینه‌ی احیای تسلیحاتی جمهوری اسلامی به آتش‌بس شصت‌روزه برمی‌گردد که با پایان آن دونالد ترامپ گفت قصد تمدید آن را ندارد. هدف جمهوری اسلامی نه فقط جایگزینی تسلیحات از دست‌رفته بلکه بازسازی ظرفیت موشکی و پهپادی به حدی است که در صورت از سر گرفته شدن درگیری، بتواند به وسیله‌ی آنها برای نیروهای آمریکایی



نمایش موشک‌های «ذوالفقار» در میدان آزادی (شهید) ۱۲ مرداد ۱۴۰۵

و کشورهای منطقه هزینه ایجاد کند. انگیزه‌های مسکو در حمایت تسلیحاتی از جمهوری اسلامی فراتر از یک «متحد» است. هر پهپادی که از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بتواند اهداف آمریکایی را در خلیج فارس هدف قرار دهد، توجه و منابع نظامی آمریکا را از جنگ اوکراین منحرف می‌کند. بازسازی ذخایر سپاه پاسداران همچنین به آن امکان می‌دهد به تأمین تسلیحات برای حزب‌الله در لبنان و دیگر گروه‌های تروریستی نیابتی جمهوری اسلامی در عراق و یمن ادامه دهد و با ایجاد ناامنی بیشتر، فشار بیشتری بر آمریکا در منطقه وارد کند.

روسیه و جمهوری اسلامی تا کنون بطور رسمی درباره‌ی ارسال این محموله‌ها اظهار نظر نکرده‌اند. حجم دقیق تسلیحات و میزان موفقیت آنها در جبران خسارات جمهوری اسلامی نیز هنوز مشخص نیست و آژانس‌های اطلاعاتی غربی هم ارزیابی عمومی در اینباره منتشر نکرده‌اند. با اینهمه، این گزارش‌ها نشان می‌دهد که همکاری نظامی مسکو و بقایای جمهوری اسلامی به سطح جدیدی رسیده و می‌تواند معادلات امنیتی خاورمیانه و حتی جنگ اوکراین را تحت تأثیر قرار دهد.

خامنه‌ای رهبر سابق رژیم تهران است. از سال ۲۰۲۲ و پس از تجاوز روسیه به خاک اوکراین، جمهوری اسلامی یکی از مهمترین شرکای نظامی مسکو بوده و صدها پهپاد «شاهد» و قطعات آن را برای استفاده در جنگ اوکراین ارسال کرده است. روسیه این پهپادها را ارتقاء و تولید آنها را گسترش داده است. اکنون جریان تسلیحاتی معکوس شده و روسیه به تأمین‌کننده‌ی تسلیحات جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در ماه‌های گذشته نیز مسکو موافقت کرده بود هلیکوپترهای تهاجمی می‌۲۸- و سامانه‌های دفاع هوایی دوش‌پرتاب وربا (Verba) را به جمهوری اسلامی تحویل دهد.

جیم لامسون تحلیلگر سابق سازمان سیا به ان‌بی‌سی گفته است: «تهیه قطعات پهپاد و مهمات سبک از روسیه توسط جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که حملات نظامی اسرائیل و آمریکا به تأسیسات تولید این اقلام در ایران، قابلیت داخلی جمهوری اسلامی را به شدت تضعیف کرده است.» به گفته لامسون، این موضوع موفقیت نسبی حملات به اهداف نظامی رژیم تهران را اثبات می‌کند.

روسیه علاوه بر این محموله‌ها، تصاویر ماهواره‌ای،

همزمان، گزارش نیویورک پست حاکی از آن است که جمهوری اسلامی در حال بررسی حمله به اهداف نظامی آمریکا در اروپا در صورت تشدید جنگ است. بر اساس این گزارش، افراد نزدیک به رژیم تهران به فایننشال تایمز گفته‌اند که پایگاه هوایی «بزم» در بلغارستان که ماه گذشته برای استفاده‌ی هواپیماهای سوخت‌رسان آمریکا تأیید شد، یکی از اهداف احتمالی است. همچنین پایگاه هوایی سلطنتی بریتانیا در قبرس که در ماه مارس گذشته با پهپاد مورد حمله قرار گرفت، به عنوان هدف در نظر است.

هرچند تحلیلگران می‌گویند دقت و قدرت موشک‌های جمهوری اسلامی در فواصل طولانی پائین است اما، تهدیدهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقاطع مختلف شامل اروپا هم شده است. سپاه پاسداران به دنبال این تهدیدات، خرابکاری در فیبر نوری زیرآبی اروپا را نیز مد نظر قرار داده است. جمهوری اسلامی در اواخر فوریه موشک‌هایی را به سمت پایگاه مشترک آمریکا- بریتانیا در

جمهوری اسلامی به صورت «چراغ خاموش» اقدام خواهد کرد. بامداد پنجشنبه به وقت ایران (۲۹ امرداد) اما ترامپ در پستی در تروث‌سوشیال اعلام کرد که هر کشوری که از طریق مؤسسات مالی، کسب و کارها، فرودگاه‌ها یا نهادهای دولتی هرگونه «کمک حیاتی» به جمهوری اسلامی برساند، با مجازات‌های بسیار سنگین اقتصادی روبرو خواهد شد.

دونالد ترامپ این اقدام اقتصادی علیه جمهوری اسلامی را «روز دی اقتصادی» (Economic D-Day) نامیده که در زبان سیاسی به معنای روز سرنوشت‌ساز و عملیات بزرگ و قاطع به کار می‌رود چرا که در این روز (۶ ژوئن ۱۹۴۴) سربازان متفقین در سواحل نرماندی در شمال فرانسه فرود آمدند و یک سال بعد جنگ جهانی دوم با شکست قاطع رژیم هیتلری به پایان رسید.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا، هفته‌ی گذشته به نیوزمکس گفته بود که رئیس جمهور آماده است تحریم‌هایی را دستور دهد که اقتصاد جمهوری اسلامی را فلج کند. او

تهدید نظامی مقامات جمهوری اسلامی در مقابل جنگ اقتصادی آمریکا

● بر اساس گزارش ای‌بی‌سی‌نیوز، دولت ایالات متحده آمریکا در حال حاضر استراتژی جنگ اقتصادی در مقابل جمهوری اسلامی را ترجیح می‌دهد. این رویکرد شامل کنترل تنگه هرمز و محاصره دریایی ایران و اعلام تحریم‌های جدید است. ● «یادداشت تفاهم» با یک مهلت شصت روزه که میان آمریکا و جمهوری اسلامی برای ایجاد زمینه‌های پایان جنگ طراحی شده بود، ناکام مانده و هیچ توافق جایگزینی وجود ندارد. دونالد ترامپ گفته بود در این مقطع در مقابل جمهوری اسلامی به صورت «چراغ خاموش» اقدام خواهد کرد.

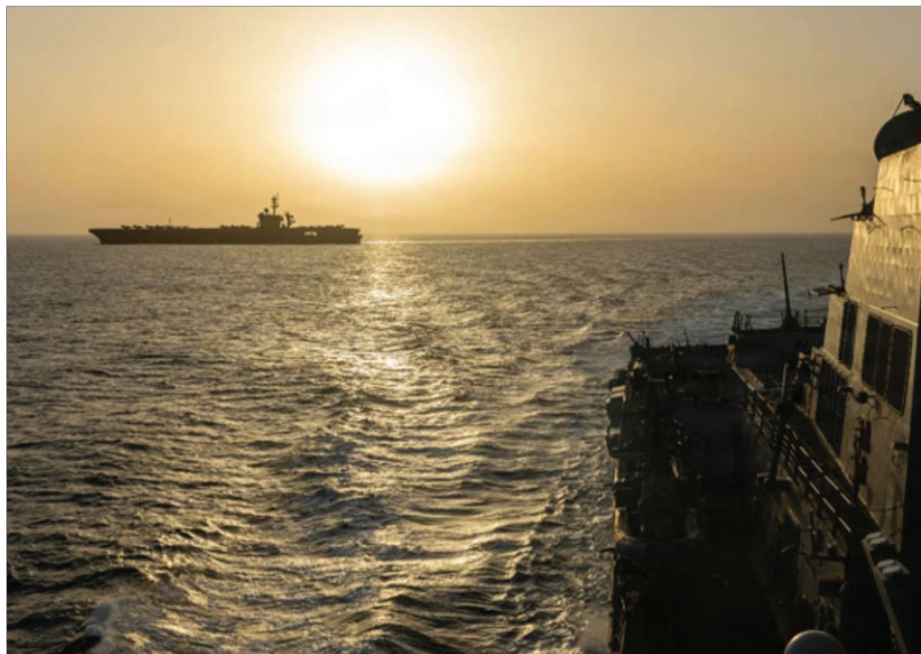
● افراد نزدیک به رژیم تهران به فایننشال تایمز گفته‌اند که پایگاه هوایی «بزم» در بلغارستان که ماه گذشته برای استفاده‌ی هواپیماهای سوخت‌رسان آمریکا تأیید شد، یکی از اهداف احتمالی است. همچنین پایگاه هوایی سلطنتی بریتانیا در قبرس که در ماه مارس گذشته با پهپاد مورد حمله قرار گرفت، به عنوان هدف در نظر است. سپاه پاسداران به دنبال این تهدیدات، خرابکاری در فیبر نوری زیرآبی اروپا را نیز مد نظر قرار داده است.

مهلت شصت روزه‌ی «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» تمام شد. آمریکا تهدید خود درباره شدیدترین جنگ اقتصادی علیه رژیم ایران را به اجرا در می‌آورد و جمهوری اسلامی ایالات متحده را به حمله علیه پایگاه‌های آن در کشورهای دیگر تهدید می‌کند!

با پایان یافتن توافق شصت‌روزه و شکست «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» و توقف مذاکرات، دولت ترامپ مسیر فشار اقتصادی شدید شامل محاصره دریایی و کنترل تنگه هرمز و تحریم‌های بی‌سابقه را در پیش گرفته است. همزمان مقامات جمهوری اسلامی با حمله علیه پایگاه‌های آمریکایی در بلغارستان و قبرس و حتی کابل‌های زیرآبی اروپا در صورت تشدید جنگ، ایالات متحده را تهدید می‌کنند.

بر اساس گزارش ای‌بی‌سی‌نیوز، دولت ایالات متحده آمریکا در حال حاضر استراتژی جنگ اقتصادی در مقابل جمهوری اسلامی را ترجیح می‌دهد. این رویکرد شامل کنترل تنگه هرمز و محاصره دریایی ایران و اعلام تحریم‌های جدید است.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا روز دوشنبه ۱۷ اوت در مصاحبه‌ای با فاکس‌نیوز گفته بود: «عجله‌ای برای رسیدن به راه حل» ندارد و به دنبال فشار بلندمدت علیه رژیم ایران است. «یادداشت تفاهم» با یک مهلت شصت روزه که میان آمریکا و جمهوری اسلامی برای ایجاد زمینه‌های پایان جنگ طراحی شده بود، ناکام مانده و هیچ توافق جایگزینی وجود ندارد. دونالد ترامپ گفته بود در این مقطع در مقابل



محاصره دریایی و کنترل تنگه هرمز توسط نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا

دیه‌گو گارسیا در اقیانوس هند با فاصله‌ی ۲۵۰۰ مایلی شلیک کرد که البته هیچکدام به هدف نرسیدند. مرحله تازه‌ی تنش‌ها که با فشار اقتصادی آمریکا و تهدیدات گسترده‌ی جمهوری اسلامی همراه شده است، به کنترل مسیر تحت نظر نیروی دریایی ایالات متحده در تنگه هرمز انجامیده است. رئیس جمهور آمریکا روز چهارشنبه در گفتگو با اکسیوس اعلام کرد: «حجم عظیمی از نفت از تنگه هرمز خارج می‌شود». ترامپ تأکید کرد که ایالات متحده در حال حاضر با جمهوری اسلامی مذاکره نمی‌کند زیرا مذاکره با آنها «اتلاف وقت» است. او همچنین اظهار داشت: «جمهوری اسلامی هنوز مقداری توان جنگیدن دارد اما در کل یک پوسته توخالی است.»

بنا بر همین گزارش به نقل از مقامات آمریکایی، جنگنده‌های آمریکا بر فراز تنگه هرمز پرواز می‌کنند و پهپادها و موشک‌های اخلاگر از سوی جمهوری اسلامی را رهگیری کرده و هدف قرار می‌دهند. یکی از این مقامات گفته، دوشنبه‌شب دو فروند موشک کروز و هشت پهپاد جمهوری اسلامی توسط نیروی هوایی ایالات متحده در تنگه هرمز سرنگون شده‌اند.

تأکید کرد: «ما اقداماتی را اعمال خواهیم کرد که در تاریخ انزوای اقتصادی یک کشور سابقه نداشته است». او این اقدامات را «ضربه‌ی یک-دو» همراه با محاصره دریایی توصیف کرد. در آنسو، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و مقام ارشد مذاکره‌کننده با آمریکا، روز سه‌شنبه در شبکه ایکس نوشته بود که اسکات بسنت «کاملاً خارج از لیگ خود» است و آمریکا «سعی دارد خرگوشی از کلاه [شعبده‌بازی] بیرون بیاورد». او همچنین افزوده بود: «آمریکایی‌ها فکر می‌کنند با فشار بیشتر [بر جمهوری اسلامی] ایران امتیازاتی به دست می‌آورند که هرگز بخشی از توافق نبوده است.»

در این میان، دغدغه‌ی بقایای جمهوری اسلامی حفظ و بقای نظام در این شرایط است. راهکار آنان برای تحمل بحران شدید اقتصادی، انتقال درد تحریم‌ها از طریق تورم به مردم است. با این حال، به نوشته ای‌بی‌سی‌نیوز، حتی فروپاشی کامل اقتصادی ممکن است به نتیجه مورد انتظار واشنگتن منجر نشود و سناریویی شبیه کره شمالی رخ دهد اما، این نیز به آستانه تحمل مردم خشمگین ایران در زیر فشارهای اقتصادی و سرکوب‌های اجتماعی بستگی دارد.

«کودک آزاری جنسی» در صدر پرونده‌های حقوقی «انجمن حمایت از حقوق کودکان»



● «انجمن حمایت از حقوق کودکان» در گزارشی از عملکرد سالانه خود اعلام کرده از ۲۷ مورد مراجعه برای مشاوره حقوقی به این انجمن در سال ۱۴۰۴، ۱۱ مورد مربوط به پرونده‌های آزار جنسی کودکان بوده است.

● بر اساس این گزارش، مراجعه نکردن فوری به کلانتری، اخذ نکردن گزارش پزشکی قانونی، استحمام پس از وقوع آزار جنسی، شستشوی لباس‌ها و در نهایت عدم اقدام مؤثر در ساعات حیاتی پس از وقوع آزار جنسی، مهم‌ترین مصادیقی بودند که منجر به فرار آزارگر از محکومیت و مجازات شد.

● «انجمن حمایت از حقوق کودکان» اعلام کرده، تمرکز بالای این نوع پرونده‌ها نشان‌دهنده دو مسئله مهم است: نخست، افزایش آشکارسازی خشونت جنسی علیه کودکان و دوم، فقدان ساز و کارهای حمایتی مؤثر و در دسترس برای خانواده‌ها در مراحل اولیه مواجهه با آسیب.

«انجمن حمایت از حقوق کودکان» در گزارشی از عملکرد سالانه خود اعلام کرده، از ۲۷ مورد مراجعه برای مشاوره حقوقی به این انجمن در سال ۱۴۰۴، ۱۱ مورد مربوط به پرونده‌های آزار جنسی کودکان بوده است. طبق اعلام این انجمن، در بسیاری از پرونده‌ها، خانواده‌ها به دلایل اقتصادی، ترس از انگ اجتماعی، فقدان دسترسی به وکیل متخصص یا فرسایش روانی ناشی از روند کیفری از ادامه پیگیری منصرف شده‌اند.

«انجمن حمایت از حقوق کودکان» اعلام کرده طی سال گذشته بیشتر مشاوره‌های حقوقی در پرونده‌های ثبت شده این انجمن بر «کودک آزاری جنسی» متمرکز بوده است. طبق این گزارش از ۲۷ مورد مراجعه به این انجمن، ۱۱ مورد مربوط به پرونده‌های آزار جنسی کودکان بوده است.

این موضوع، چه آزار توسط اعضای خانواده، چه توسط اشخاص ثالث و چه در بستر فضای مجازی، سهم قابل توجهی از مداخلات حقوقی انجمن را تشکیل داده است. مراجعه نکردن فوری به کلانتری، اخذ نکردن گزارش پزشکی قانونی، استحمام پس از وقوع آزار جنسی، شستشوی لباس‌ها و در نهایت عدم اقدام مؤثر در ساعات حیاتی پس از وقوع آزار جنسی، مهم‌ترین مصادیقی بودند که منجر به فرار آزارگر از محکومیت و مجازات شد.

«انجمن حمایت از حقوق کودکان» اعلام کرده تمرکز بالای این نوع پرونده‌ها نشان‌دهنده دو مسئله مهم است: نخست، افزایش آشکارسازی خشونت جنسی علیه کودکان و دوم، فقدان ساز و کارهای حمایتی مؤثر و در دسترس برای خانواده‌ها در مراحل اولیه مواجهه با آسیب.

بر اساس این گزارش، در بسیاری از پرونده‌ها، خانواده‌ها به دلایل اقتصادی، ترس از انگ اجتماعی، فقدان دسترسی به وکیل متخصص یا فرسایش روانی ناشی از روند کیفری، از ادامه پیگیری منصرف شده‌اند. دومین محور پرتکرار مراجعات، اختلافات خانوادگی مرتبط با حضانت بوده است. عمده دلیل تمایل والدین جهت سلب حضانت طرف دیگر (که این طرف دیگر در اکثریت قریب به اتفاق موارد پدر بوده است)، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و

همچنین فساد اخلاقی بوده است.

بخش دیگری از پرونده‌ها به مسائل هویتی و تابعیتی اختصاص داشته است؛ از جمله کودکان فاقد شناسنامه، کودکان دارای مادر ایرانی و پدر افغانستانی، و موارد مرتبط با رد مرز یا اخراج از کشور. این پرونده‌ها نشان می‌دهند که مسئله هویت حقوقی هنوز یکی از چالش‌های ساختاری کودکان مهاجر در ایران است. در چنین شرایطی، دسترسی کودک به آموزش، خدمات درمانی و حمایت‌های قانونی مختل می‌شود. مطابق قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و بر مبنای کنوانسیون حقوق کودک، وضعیت «بی‌تابعیتی» از بارزترین مصادیق حالت مخاطره‌آمیز برای کودک به شمار می‌آید.

در حوزه جرائم سایبری نیز پرونده‌هایی مرتبط با استثمار جنسی مجازی، تهدید به انتشار تصاویر و نقض حریم خصوصی کودکان مشاهده می‌شود. این دسته از پرونده‌ها بیانگر ضرورت توسعه دانش تخصصی وکلای و مددکاران در زمینه حقوق کودک در فضای دیجیتال و همکاری نزدیک‌تر با پلیس فتا و نهادهای تخصصی است. همچنین تعدادی از مراجعات مربوط به مسئولیت مدنی ناشی از حوادث و صدمات بدنی علیه کودکان بوده است؛ از جمله حمله حیوانات یا سوختگی ناشی از قصور شرکت حمل و نقل.

همچنین آماری از تماس‌هایی که با بخش مشاوره تلفنی این انجمن، «صدای یارا»، گرفته شده ارائه کرده است؛ تعداد تماس‌گیرندگان با صدای یارا در یک سال اخیر ۶۵۶ مورد بوده است. ۷۹ درصد تماس‌های سال ۱۴۰۴ متعلق به مادران، ۱۳ درصد کودکان، ۴ درصد پدران و مابقی مربوط خواهر، مادر بزرگ، معلم و مربی و بستگان کودک بوده است.

این گزارش افزوده، پرتکرارترین مسائلی که مادران

طی تماس‌ها به آن اشاره می‌کردند، مشکلات رفتاری شامل پرخاشگری و ناسازگاری، افسردگی، لجبازی، عدم مسئولیت‌پذیری، بی‌دقتی در کودکان، نگرانی از مشکلات اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی، نگرانی از دست دادن والدین به واسطه اتفاقاتی مانند جنگ و احساس ناامنی، اضطراب جدایی، قلدری مجازی، مشکلات مربوط به مدرسه و بی‌انگیزگی تحصیلی، مسائل ارتباطی با دوستان و همسالان، بی‌نظمی و عدم اعتماد به نفس بود.

در بخشی از این گزارش آمده، آمار ۶۵۶ تماس نشان می‌دهد که بحران‌های سیاسی و اجتماعی سال ۱۴۰۴ تأثیر مستقیمی بر وضعیت روانی کودکان داشته است. دو درصد از تماس‌های برقرار شده در زمان جنگ بوده است. شیوع بالای اضطراب و ترس، مشکلات خواب و مشکلات عاداتی می‌تواند مستقیماً با جنگ و حوادث تلخ سیاسی مرتبط باشد.

«انجمن حمایت از حقوق کودکان» تأکید کرده، جنگ نظامی علاوه بر تبعات روحی و روانی بسیاری که متوجه خانواده‌ها و کودکان کرد، موجب قطع سرور تلفن «صدای یارا» در چندین نوبت به علت قطع برق و اینترنت شد. قطع سیستم «صدای یارا» به علت قطع برق در روزهای دیگری از سال به ویژه در زمان بحران انرژی نیز ارتباط مستمر با کودکان و خانواده‌ها را در سال گذشته تحت تأثیر قرار داد.

این گزارش آسیب‌های روانی غیرمستقیم مانند استرس ناشی از اخبار جنگ، مشکلات اقتصادی و مالی خانوارها به علت تعطیلی کسب و کارها و اخراج نیروی کار، اختلال در تحصیل، اختلال در روابط دوستانه و اجتماعی را از جمله مهم‌ترین مشکلات عمده کودکان و خانواده‌ها در زمان جنگ اعلام کرده است.

از سرکوب اعتراضات دی ۴۰۴ تا جنگ؛ جامعه ایران دچار «مهاجرت ذهنی و اجتماعی» شده است



● امیرحسین جلالی ندوشن، روانپزشک و سخنگوی «انجمن روانپزشکان ایران»، در گفتگو با خبرگزاری «اپلنا» به مشکلات جامعه ایران در پی سالها تکرار بحرانهای پی در پی و حل نشده اشاره کرده و گفته جامعه ایران پس از اعتراضات دی ۴۰۴ و جنگی که بلافاصله رخ داده و ادامه دارد، در کنار بحران اقتصادی جاری دچار «تعطیل اجتماعی» شده است.

● سخنگوی «انجمن روانپزشکان ایران» همچنین از پدیدار شدن وضعیت «مهاجرت ذهنی و اجتماعی» در جامعه ایران خبر داده است؛ شرايطی که فرد از مسائل عمومی فاصله میگیرد، سرمایه و انرژی خود را از جامعه پس می کشد، به زندگی خصوصی پناه میبرد یا همه فعالیت های خود را در انتظار فرصتی برای خروج تنظیم می کند.

● این روانپزشک با اشاره به محو شدن قشر متوسط به علت بحران اقتصادی گفته، آنها به تدریج از بسیاری از اهداف و شیوه های زندگی خود نیز عقب نشینی می کنند: خرید مسکن، ادامه تحصیل، فرزندآوری، فعالیت فرهنگی، سفر، سرمایه گذاری حرفه ای و حتی مشارکت اجتماعی به تعویق می افتد یا کنار گذاشته می شود.

● «جامعه ممکن است به سمت انقباض بیشتر، مهاجرت، کاهش اعتماد، فردگرایی دفاعی و فاصله گرفتن مردم از یکدیگر حرکت کند... اما مسیر دیگری نیز ممکن است: بازسازی تدریجی اعتماد و بازگشت امکان برنامه ریزی. این مسیر فقط با درخواست از مردم برای صبوری یا مثبت اندیشی ایجاد نمی شود. مردم بیش از توصیه های روانشناختی به نشانه های واقعی ثبات نیاز دارند».

سخنگوی انجمن روانپزشکان ایران از شکل گیری نوعی «تعطیل اجتماعی» و «مهاجرت ذهنی و اجتماعی» در ایران در پی تداوم بحران های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی خبر داده است.

امیرحسین جلالی ندوشن، روانپزشک و سخنگوی «انجمن روانپزشکان ایران»، در گفتگو با خبرگزاری «اپلنا» به مشکلات جامعه ایران در پی سالها تکرار بحران های پی در پی و حل نشده اشاره کرده و گفته جامعه ایران پس از اعتراضات دی ۴۰۴ و جنگی که بلافاصله رخ داده و ادامه دارد، در کنار بحران اقتصادی جاری دچار «تعطیل اجتماعی» شده است. او در توضیح این شرایط گفته وضعیت موجود نه به معنای متوقف شدن کامل جامعه، بلکه به این معناست که بخش بزرگی از مردم نمی دانند تصمیم های مهم زندگی خود را بر چه تصویری از آینده بنا کنند.

به گفته این روانپزشک، هنگامی که بحران ها پی در پی رخ می دهند و پایان هیچ کدام روشن نیست، افق برنامه ریزی کوتاه می شود. زندگی از مسیر «ساختن آینده» به سمت «اداره کردن امروز» حرکت می کند. یکی از مهم ترین پیامدهای روانی این وضعیت، از کف رفتن تخیل نسبت به آینده است. منظور از تخیل، خیال پردازی غیرواقعی نیست؛ بلکه توانایی تصور یک آینده نسبتاً قابل پیش بینی و احساس امکان اثرگذاری بر آن است. وقتی این توانایی کاهش پیدا می کند، فرد ممکن است همچنان کار کند و زندگی روزمره را ادامه دهد، اما احساس کند زندگی او موقت، ناهم و در

خرید مسکن، ادامه تحصیل، فرزندآوری، فعالیت فرهنگی، سفر، سرمایه گذاری حرفه ای و حتی مشارکت اجتماعی به تعویق می افتد یا کنار گذاشته می شود.

در این میان هشدارهایی درباره پایان تاب آوری جامعه نیز مطرح شده است. جلالی ندوشن در اینباره گفته تاب آوری یک ذخیره ثابت ندارد. اگر بحران تکرار شود اما فرصت ترمیم، امنیت نسبی، حمایت اجتماعی و تجربه موفقیت جمعی وجود نداشته باشد، این ظرفیت به تدریج مصرف می شود. نشانه های این فرسایش را می توان در تحریک پذیری، خشم روزمره، اختلال خواب، نگرانی دائمی، تعارض های خانوادگی، کاهش تمرکز، افت بهره وری، بی اعتمادی و احساس بی تفاوتی نسبت به سرنوشت عمومی مشاهده کرد.

به عقیده این روانپزشک، موضوع مهم پاسخ به این پرسش است که هزینه اصلی را کدام بخش جامعه می پردازد: «فرسایش معمولاً تدریجی و نابرابر است. گروه های برخوردار می توانند با منابع مالی، ارتباطی و جغرافیایی خود را بیشتر محافظت کنند، اما گروه های کم درآمد، سالمندان، کودکان، زنان سرپرست خانوار، بیماران و افراد دارای مشاغل ناپایدار زودتر و شدیدتر آسیب می بینند».

امیرحسین جلالی ندوشن همچنین گفته قابل پیش بینی نیست که جامعه به چه سمتی حرکت می کند: «جامعه ممکن است به سمت انقباض بیشتر، مهاجرت، کاهش اعتماد، فردگرایی دفاعی و فاصله گرفتن مردم از یکدیگر حرکت کند. در این حالت هر فرد می کشد خود و خانواده اش را جداگانه نجات دهد و ظرفیت اقدام جمعی کاهش پیدا می کند. اما مسیر دیگری نیز ممکن است: بازسازی تدریجی اعتماد و بازگشت امکان برنامه ریزی. این مسیر فقط با درخواست از مردم برای صبوری یا مثبت اندیشی ایجاد نمی شود. مردم بیش از توصیه های روانشناختی به نشانه های واقعی ثبات نیاز دارند».

انتظار تعیین تکلیف است.

امیرحسین جلالی ندوشن تأکید کرده که انباشت بحران های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی نیز نوعی استرس مزمن ایجاد کرده است. در چنین شرایطی می توان گفت ایمنی روانی جامعه کاهش یافته است؛ یعنی آستانه تحمل پایین تر می آید و یک خبر، افزایش قیمت، شایعه یا تنش تازه می تواند واکنش هایی شدیدتر از اندازه ظاهری آن رویداد ایجاد کند. این واکنش ها حاصل همان حادثه آخر نیست، بلکه محصول انباشت تجربه های حل نشده قبلی است.

سخنگوی «انجمن روانپزشکان ایران» همچنین از پدیدار شدن وضعیت «مهاجرت ذهنی و اجتماعی» در جامعه ایران خبر داده است؛ شرايطی که فرد از مسائل عمومی فاصله می گیرد، سرمایه و انرژی خود را از جامعه پس می کشد، به زندگی خصوصی پناه می برد یا همه فعالیت های خود را در انتظار فرصتی برای خروج تنظیم می کند. به گفته این روانپزشک، وضعیت «مهاجرت ذهنی و اجتماعی» برای جامعه، کمتر از خروج فیزیکی نیروهای متخصص زیانبار نیست. او در توضیح بستری که به بروز وضعیت «مهاجرت ذهنی و اجتماعی» برای بخشی از جامعه منجر شده می گوید، طبقه متوسط را نباید تنها یک گروه درآمدی دید. این طبقه معمولاً حامل برنامه ریزی بلندمدت، آموزش، تخصص، پس انداز، مشارکت مدنی و امید به بهبود تدریجی زندگی است. تعطیل طولانی مدت دقیقاً همین قابلیت ها را تضعیف می کند.

امیرحسین جلالی ندوشن در ادامه گفته، وقتی درآمد ارزش خود را از دست می دهد، امنیت شغلی کاهش می یابد و امکان پیش بینی آینده وجود ندارد، خانواده های طبقه متوسط ابتدا از نظر اقتصادی کوچک تر می شوند؛ اما مسئله به اقتصاد محدود نمی ماند. آنها به تدریج از بسیاری از اهداف و شیوه های زندگی خود نیز عقب نشینی می کنند:

رئیس کل بانک مرکزی «توقف صادرات نفت ایران» را تأیید کرد



آمریکا با محاصره دریایی ایران اجازه پهلوگیری به کشتی‌ها در بنادر جنوبی را نمی‌دهد

موج گرانی کالاها در کشور عنوان کرد. او با اشاره به محاصره دریایی گفت، کالاهایی که پیشتر از مسیرهای مستقیم وارد ایران می‌شدند، اکنون باید از مسیرهای طولانی‌تری عبور کنند و این موضوع، هزینه تمام‌شده واردات را افزایش داده است.

در هفته‌های گذشته پیامدهای چند ماه محاصره دریایی ایران توسط جمهوری اسلامی نمایان شده است. بنادر جنوب ایران سهم عمده در تجارت خارجی کشور داشتند و با قطع شدن مسیر تجارت دریایی ایران صادرات به شدت کاهش یافته و درآمدهای جمهوری اسلامی به کمترین میزان در سالهای اخیر رسیده است. از سوی دیگر واردات کالاهای اساسی با اختلال جدی روبرو شده که بر تولید و توزیع برخی کالاها موثر بوده است.

فرود عسگری رئیس کل گمرک هفته گذشته اعلام کرد «از ابتدای سال تا ۲۵ مردادماه، صادرات کشور به حدود ۱۵ میلیارد دلار و واردات به نزدیک ۱۷ میلیارد دلار رسیده که صادرات نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۲۴ درصد کاهش داشته است.»

بر اساس آمارهای منتشر شده، ارزش تجارت غیرنفتی ایران در چهار ماه نخست سال ۱۴۰۵، در پی جنگ و اختلال در مسیرهای حمل و نقل دریایی، حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. ارزش تجارت غیرنفتی در این مدت نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار کمتر از دوره مشابه سال گذشته برآورد شده است.

پس از آغاز محاصره دریایی جمهوری اسلامی توسط ارتش ایالات متحده، مقامات دولت مدعی شدند دست‌کم ۴۰ درصد از سهم تجارت دریایی را به مرزهای زمینی

مرکزی جمهوری اسلامی توقف صادرات نفت ایران به علت محاصره دریایی را تأیید کرد.

عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی شامگاه چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ در گفتگوی ویژه خبری در صداوسیما «توقف کامل صادرات نفت ایران» را تأیید کرد.

رئیس بانک مرکزی همچنین با این ادعا که درآمد ناشی از صادرات کشورهایمانند قطر و عراق هم به علت مسدود بودن تنگه هرمز به صفر رسیده است گفت: «تفاوت ما با دولت‌هایی مانند قطر و عراق این است که آن‌ها به ذخایر خود دسترسی دارند، اما ذخایر ما توسط آمریکایی‌ها مسدود شده و اجازه برداشت از آنها را به ما نمی‌دهند.»

عبدالناصر همتی افزود به غیر از درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی نیز کاهش یافته و بر کل اقتصاد تأثیر گذاشته است. او همچنین گفت در حال حاضر ناترازی بودجه، تحریم‌ها، محاصره دریایی و ... به شدت کشور را تحت فشار قرار داده است.

او همچنین تورم و گرانی در سال جدید را ناشی از جنگ خوانده و گفته یکی از بندهای «تفاهمنامه اسلام‌آباد» به آزادسازی بخشی از پول‌های کشور مرتبط بود و «در قطر توافق شد ۱۲ میلیارد دلار در این چارچوب آزاد شود و تأیید هم شده بود، اما نیمه کاره ماند و فعلاً اتفاق خاصی نیفتاده است.»

مسعود پزشکیان رئیس دولت نیز روز جمعه ۲۳ مرداد در نشست با دبیران کل احزاب و فعالان سیاسی حکومتی اعلام کرد: «درآمدان کاهش یافته و نمی‌توانیم نفت بفروشیم، مسیر واردات طولانی‌تر شده است.» وی اینهمه را عامل

عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی شامگاه چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ در گفتگوی ویژه خبری در صداوسیما حکومت، «توقف کامل صادرات نفت ایران» را تأیید کرد.

عبدالناصر همتی افزود، به غیر از درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی نیز کاهش یافته و بر کل اقتصاد تأثیر گذاشته است. او همچنین گفت که در حال حاضر ناترازی بودجه، تحریم‌ها، محاصره دریایی و ... به شدت کشور را تحت فشار قرار داده است.

مسعود پزشکیان رئیس دولت نیز هفته گذشته گفته بود: «درآمدان کاهش یافته و نمی‌توانیم نفت بفروشیم، مسیر واردات طولانی‌تر شده است.» وی اینهمه را عامل موج گرانی کالاها در کشور عنوان کرد.

مهلت دو ماهه پیش‌بینی شده برای جمهوری اسلامی در «تفاهمنامه اسلام‌آباد» جهت رسیدن به یک «توافق نهایی» با ایالات متحده هفته جاری پایان یافت. اکنون دونالد ترامپ اعلام کرده که «شدیدترین عملیات اقتصادی» که تا کنون در مقابل هر کشوری انجام شده، علیه جمهوری اسلامی آغاز شده است.

داوود رنگی، نایب رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی، هشدار داده: «فکر نمی‌کنم که ما در یک محاصره شدید دریایی، توان مقابله بیش از سه ماه را داشته باشیم و این به معنی ایجاد کمبود کالا در کشور، به ویژه در حوزه مواد غذایی خواهد بود.»

در حالیکه دونالد ترامپ از آغاز «شدیدترین عملیات اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی خبر داده، رئیس کل بانک

برگزاری تجمع «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» مقابل دفتر نخست وزیری بریتانیا



جمعی از ایرانیان ساکن بریتانیا روز سه‌شنبه ۱۱ اوت ۲۰۲۶ برابر با بیستم مرداد ۱۴۰۵ در دور دیگری از تجمعات کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» مقابل دفتر نخست وزیری بریتانیا در لندن شرکت کردند. نادر فلاح یکی از بنیانگذاران کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در گفتگو با «کیهان لندن» درباره این کارزار توضیحاتی ارائه کرده است.

شده است. او با انتشار متنی در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «هیچکس بیش از من به جمهوری اسلامی ایران فرصت بزرگی برای رسیدن به یک توافق نداده است. به طرزی فاجعه‌بار برای خودشان، نتوانستند از آن استفاده کنند. بنابراین امروز اعلام می‌کنم که کوبنده‌ترین عملیات اقتصادی که تا کنون علیه هر کشوری انجام شده است، آغاز خواهد شد!»

ترامپ افزود: «این، جنگ اقتصادی و انزوا در مقیاسی بی‌سابقه خواهد بود». ترامپ سپس تکرار کرد: «نیروی دریایی جمهوری اسلامی از بین رفته، نیروی هوایی آنها نابود شده، کارخانه‌های نظامی‌شان اکنون به تلی از خاک تبدیل شده، پولشان بی‌ارزش است و کشورشان به مویی بند است.»

رئیس جمهوری آمریکا در ادامه نوشت: «هر کشوری که به مؤسسات مالی، کسب و کارها، فرودگاه‌ها یا نهادهای دولتی خود اجازه دهد هر نوع راه نجاتی برای ایران فراهم کنند، خود با پیامدهای اقتصادی عظیمی روبرو خواهد شد. قاچاق نفت، خطوط سوآپ، انتقال پول نقد، صرافی‌ها، ثبت کشتی‌ها، شرکت‌های پوششی، همه اینها باید همین حالا متوقف شوند. خودتان می‌دانید چه کسانی هستید!»

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد مقامات جمهوری اسلامی باید در انتظار تنگناهای شدیدتر مالی و عمیق‌تر شدن کسری بودجه باشند. تشدید فشارهای اقتصادی سبب افزایش نارضایتی عمومی می‌شود و احتمال بروز اعتراضات سراسر را افزایش می‌دهد؛ موضوعی که تهدیدی مضاعف برای جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

مدت افزایش پیدا کرده است، اما در نهایت شاید بتواند چیزی در حدود ۱۰ درصد نیاز کالاهای اساسی را از این مسیر تأمین کند. مضاف بر این، تشکیلات دولتی ما، به خصوص گمرک، دامپزشکی و استاندارد که دستگاه‌های نظارتی هستند، سیستم شان اجازه نمی‌دهد که این حجم از کالا به راحتی ترخیص شود.»

او همچنین گفته که تأمین نیازهای غذایی با تکیه بر توان تولید داخلی نیز ممکن نیست: «کشاورزی ما توان پوشش این حجم از نیاز کشور را ندارد؛ به این معنی که تولیدات کشاورزی ما در حدی نیست که در وضعیت فعلی و با همین مصرف فعلی، بتواند کالاهای ضروری ما از جمله گندم، جو و ذرت را تأمین کند. ما به شدت وابسته به واردات کالا از خارج از کشور هستیم و مسائل آب و هوایی، اقلیم و خشکسالی نیز این وابستگی را تشدید کرده است.» اینهمه در حالیست که کسری بودجه و کمبود کالا حتی پیش از محاصره دریایی نیز اقتصاد کشور و امنیت غذایی را تهدید می‌کرد. اکنون نیز بخش‌های مختلف اقتصاد ایران، از جمله تولید و کشاورزی، همچنان متأثر از مشکلات مزمن ساختاری و عملکرد ناکارآمد جمهوری اسلامی است.

از سوی دیگر دولت ایالات متحده سازوکار تشدید فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی را فعال کرده است. مهلت دو ماهه پیش‌بینی شده برای جمهوری اسلامی در «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» جهت رسیدن به یک «توافق نهایی» با ایالات متحده هفته جاری پایان یافت. اکنون دونالد ترامپ اعلام کرده که «شدیدترین عملیات اقتصادی» که تا کنون در مقابل هر کشوری انجام شده، علیه جمهوری اسلامی آغاز

→ منتقل خواهند کرد. در عمل اما وضعیتی بحرانی در مرزهای کشور ایجاد شد و هزاران کامیون یک تا دو هفته پشت مرزهای زمینی کشور معطل ماندند. نبود امکانات زیرساختی اداری در مرزها در کنار عدم هماهنگی نهادهای دولتی مسئول در ترانزیت کالا علت بلبشوی ایجاد شده در مرزهای زمینی بود.

داوود رنگی، نایب رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی، هشدار داده: «فکر نمی‌کنم که ما در یک محاصره شدید دریایی، توان مقابله بیش از سه ماه را داشته باشیم و این به معنی ایجاد کمبود کالا در کشور، به ویژه در حوزه مواد غذایی خواهد بود.»

داوود رنگی افزود: «اینکه ما فکر کنیم می‌توانیم از مسیرهای دیگری بجز بندر امام [شاهپور]، کالای مورد نیاز کشور و به خصوص کالاهای اساسی را تأمین کنیم، این امر شدنی نیست.»

عضو اتاق بازرگانی ادامه داده: «دروازه‌های گمرکی ما، چه در مرزهای شرقی و چه در مرزهای غربی، آمادگی و توان ورود این حجم از کالا را ندارند؛ چرا که نیاز کشور برای کالاهای اساسی و نهادهای چیزی در حدود ۲۳ میلیون تن در سال است. مضاف بر این، اخیراً بنادر شمالی ما نیز به دلیل حملاتی که اوکراین به کشتی‌های حامل کالا به مقصد ایران انجام داده است، دیگر مسیر امنی محسوب نمی‌شود.» داوود رنگی افزود: «تجربه‌ای که در شش ماه گذشته از مسیر دریایی ترکیه (بندر اسکندرون و مرز بازرگان) و همچنین مرزهای شرقی پاکستان داشتیم، به هیچ وجه تجربه موفق نبوده است. توان ریلی کشور هرچند در این

موج دیگری از افزایش قیمت دارو؛ قیمت آنتی‌بیوتیک‌ها بطور میانگین ۱۲۰ درصد گران‌تر شدند



با یکی از نزدیکانشان به اینجا آمده‌اند، این داروخانه جزء داروخانه‌های منتخب تهران است، اما عمدتاً همه اقلام نسخه را تأمین نمی‌کند و بیماران ناچارند راهی داروخانه‌های دیگر شوند تا شاید بتوانند چند قلم دیگر از داروهای مورد نیازشان را پیدا کنند. بعضی از آنها برای تهیه دارو، نسخه به دست، از شهرهای دیگر راهی این داروخانه‌ها شده‌اند اما تمام داروها را به دستشان نمی‌رسانند. مثل مرد سالخورده‌ای که در گرمای ظهر، عرق صورتش را با گوشه آستین پاک می‌کند و می‌گوید: «برای داروی بیماری خاص آمده‌ام. جواب درست که نمی‌دهند. هرجا می‌رویم، می‌گویند نداریم. این داروها برای بچه است. از شهرستان آمده‌ایم دنبال این داروها، ولی کسی جواب درستی به ما نمی‌دهد».

این گزارش افزوده، در دست بیشتر مراجعه‌کنندگان، چند برگ کاغذ و نسخه دیده می‌شود. زن میان‌سالی که برای تهیه داروهای دیابت منتظر ایستاده، از گرانی داروهایش می‌گوید: «سه ماه قبل، پنج عدد انسولین و چند داروی دیگر را با بیمه ۲۵۰ هزار تومان می‌گرفتم و الان شده یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان. از کجا بیاورم؟ از مامانم پاك‌دشت آمده‌ام. چندجا را گشتم، گفتند نداریم. با بیمه تأمین اجتماعی هم ندادند، چون تأیید نشد و مجبور شدم آزاد تهیه کنم. همین چند قلم دارو شده دو میلیون و ۲۸۰ هزار تومان. این فقط بخشی از داروهایم است. شما بگویید از کجا بیاورم؟ مستأجرم، سرپرست خانوارم، ندارم، ولی مجبورم این داروها را تهیه کنم».

در بخشی از گزارش روزنامه «شرق» آمده، پله‌های این داروخانه هیچوقت خلوت نمی‌شود. پسر جوانی همراه مادرش که همدند سفیدی به سر دارد، روی پله‌ها ایستاده‌اند. مقصد بعدی‌شان داروخانه هلال‌احمر است. می‌گوید: «داروی پوست و مو برای مادرم است. برای داروی ریزش موهایم اما چندجا را گشتم، هیچ‌جا پیدا نشد. باید باز هم بگردیم. از صبح درگیر دارو هستیم».

همچنین قیمت کلاریترومایسین حدود ۳۰۸ درصد، قیمت آموکسی‌کلاو حدود ۱۱۵ درصد، کولیک اسید حدود ۱۸۴ درصد و شربت استامینوفن و دیفن‌هیدرامین حدود ۱۳۵ درصد افزایش یافته است.

افزایش قیمت این داروها در حالیست که طی سال گذشته قیمت بیش از ۹۰۰ قلم دارویی با افزایش صد تا ۷۰۰ درصدی روبرو شده است؛ افزایش قیمتی که سبب شده بسیاری از بیماران کم‌درآمد در عمل روند درمان را متوقف کرده و از دسترسی به دارو محروم بمانند.

در آنسو اما کمبود دارو به ویژه در دسته داروهای بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج نیز سبب شده حتی خانواده‌هایی که توان پرداخت هزینه‌های نجومی دارو را دارند نیز برای دسترسی به دارو سرگردان باشند. هفته گذشته خانواده‌های بیماران مبتلا به فیروز کیستیک (CF) صبح شنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۵ در اعتراض به گرانی و کمبود دارو مقابل ساختمان وزارت بهداشت در تهران تجمع کردند. مسئولان انجمن‌های بیماری‌های خاص نیز بطور پیوسته نسبت به گرانی و کمبود دارو هشدار داده و می‌گویند عدم دسترسی بیماران به دارو سبب بروز مشکلات جسمی و تهدید جانی این بیماران شده است.

روزنامه «شرق» در گزارشی به بحران هزینه درمان و دارو پرداخته و نوشته با وجود وعده‌های مسئولان برای بهبود شرایط، کمبود دارو همچنان ادامه دارد؛ بحرانی که بیماران را برای یافتن دارو، میان داروخانه‌ها و بیمه‌ها سرگردان کرده است. «دارو نیست»؛ جمله‌ای تکراری که اغلب آنها که از داروخانه‌های مهم تهران خارج می‌شوند، به زبان می‌آورند. در این گزارش آمده، مقابل داروخانه «۱۳ آبان» بیشتر آدم‌ها به استیصال در رفت و آمدند. زنان و مردانی که برای تهیه دارو چند داروخانه را در سطح شهر زیر پا گذاشتند: «دارو نیست، دارو گران است». این جمله را بیشتر آنها تکرار می‌کنند؛ کسانی که برای تهیه داروی خود

قرص دنیزیل با افزایش نرخ حدود ۵۴۳ درصدی در صدر جدول افزایش قیمت‌ها قرار دارد. همچنین قیمت کلاریترومایسین حدود ۳۰۸ درصد، قیمت آموکسی‌کلاو حدود ۱۱۵ درصد، کولیک اسید حدود ۱۸۴ درصد و شربت استامینوفن و دیفن‌هیدرامین حدود ۱۳۵ درصد افزایش یافته است.

طی سال گذشته قیمت بیش از ۹۰۰ قلم دارویی با افزایش صد تا ۷۰۰ درصدی روبرو شده است؛ افزایش قیمتی که سبب شده بسیاری از بیماران کم‌درآمد در عمل روند درمان را متوقف کرده و از دسترسی به دارو محروم بمانند.

در آنسو اما کمبود دارو به ویژه در دسته داروهای بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج نیز سبب شده حتی خانواده‌هایی که توان پرداخت هزینه‌های نجومی دارو را دارند نیز برای دسترسی به دارو سرگردان باشند.

رئیس سازمان غذا و دارو با بیان اینکه «توقف و یا کندی انتقال ارز پس از جنگ ۱۲ روزه در سال ۱۴۰۴، عامل اصلی کمبود دارو ماه‌های فردوردین و اردیبهشت امسال بوده است» تأکید کرد: «گفته بودیم اگر ارز دارو و تجهیزات پزشکی به موقع منتقل نشود، کشور با چالش مواجه خواهد شد».

در حالی که افزایش قیمت و کمبود دارو دسترسی بسیاری از بیماران کم‌درآمد به دارو را مختل و روند درمان این بیماران را متوقف کرده، گزارش‌ها از موج جدیدی از گران شدن داروهای ساخت داخل حکایت دارد.

خبرگزاری «تسنیم» از افزایش قیمت ۸۲ قلم داروی تولیدی یکی از شرکت‌های دارویی خبر داده و نوشته که قیمت انواع آنتی‌بیوتیک بطور میانگین ۱۲۰ درصد افزایش یافته و بیش از دو برابر شده است.

بر اساس این گزارش، قرص دنیزیل با افزایش نرخ حدود ۵۴۳ درصدی در صدر جدول افزایش قیمت‌ها قرار دارد.

از اعتراض به حجاب اجباری تا بیمارستان روانی؛ بهای سنگین نافرمانی «آهو دریایی»



آهو دریایی

خشونت گرفتند. کشمکش و رفتار خشن آنان چنان بود که لباس‌هایش در حین درگیری از تنش کشیده و پاره شد. آنها سپس سعی کردند او را به اتفاقی ببرند که برای بازخواست و تنبیه دانشجویان زن مورد استفاده قرار می‌گرفت. در آن لحظه پراضطراب و از سر استیصال، آهو دریایی تصمیم گرفت ابتکار عمل را از کسانی که به او تعرض کرده بودند بازپس گرفته و با اقدامی غیرمنتظره آنان را در برابر رفتاری که با او کرده بودند، به چالش بکشد. او لباس‌های خود را از تن درآورد و تنها با لباس زیر، در محوطه دانشگاه قدم زد.

تصاویر این صحنه به سرعت در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و بازتابی گسترده، فراتر از مرزهای ایران، پیدا کرد. اما این حرکت اعتراضی کوتاه و بی باکانه، که به نمادی از سرپیچی در برابر اجبار بدل شد، برای این مادر دو فرزند، بهایی بس سنگین در پی داشت.

مقامات جمهوری اسلامی در آن زمان مدعی شدند که آهو دریایی «بیمار» بوده و همین مسئله، به ادعای آنان، علت رفتار او در محوطه دانشگاه آزاد اسلامی تهران بوده است. پس از آن نیز او را در بخش روانپزشکی بستری کردند.

اما آهو دریایی تأکید دارد که از سلامت کامل روانی برخوردار است و «بیمار» خواندن او چیزی جز تلاش حکومت برای سرپوش گذاشتن بر اعتراض و نارضایتی از شیوه اداره کشور نبوده است.

اکنون یکی از دوستان نزدیک آهو دریایی، در گفتگویی اختصاصی با روزنامه «دیلمیل»، از فشارها و آشفته‌گی‌هایی سخن گفته است که آهو در آن روز تجربه کرده است. فشارهایی که آثار آن تا امروز نیز در زندگی‌اش باقی مانده است.

دوست او در شرح آنچه رخ داده می‌گوید: «با خشونت با او رفتار می‌کردند و می‌کوشیدند به زور او را به داخل اتاقی بکشند. آهو بشدت عصبانی شده بود. می‌خواست

● نافرمانی آهو دریایی در دانشگاه، از یک اعتراض لحظه‌ای به نمادی جهانی علیه حجاب اجباری تبدیل شد؛ اما جمهوری اسلامی به جای پاسخگویی درباره خشونت مأموران، تلاش کرد این اقدام را ناشی از «اختلال روانی» معرفی کند.

● روایت دوست نزدیک آهو دریایی از بازداشت او، تصویری تکان‌دهنده از خشونت مأموران، انتقال اجباری به بیمارستان روانپزشکی، بازجویی و تزیق داروهای ارائه می‌دهد که به گفته او بارها موجب از دست رفتن هوشیاری آهو شده است.

● جمهوری اسلامی پس از انتشار گسترده تصاویر اعتراض آهو دریایی، خانواده او را تحت فشار قرار داد و با تهدید و فشار بر همسر سابقش کوشید روایت «بیماری روانی» را جایگزین روایت اعتراض به حجاب اجباری کند.

● پس از ۱۸ روز بستری، آهو دریایی آزاد شد اما بنا بر روایت دوستش، آزادی او با نظارت امنیتی، شنود تلفن و الزام به مصرف داروهای روانپزشکی همراه بود؛ فشاری که خانواده‌اش آن را بهایی سنگین برای در امان ماندن او از بازداشت و شکنجه می‌دانند.

● برای آهو دریایی، اعتراض تنها واکنشی به خشونت مأموران نبود؛ او می‌خواست نشان دهد اختیار بدن و زندگی‌اش متعلق به خودش است، پیامی که تصاویر آن به سرعت از مرزهای ایران عبور کرد و به نمادی جهانی از مقاومت زنان ایرانی بدل شد.

در نوامبر ۲۰۲۴، هنگامی که آهو دریایی، دانشجوی ایرانی، از پله‌های دانشگاه بالا می‌رفت، حجابش برای لحظاتی از سرش لغزید. او که متوجه این اتفاق نشده و سرگرم تلفن همراه خود بود، به راهش ادامه داد تا آنکه مأموران حراست و مسئولان اجرای حجاب اجباری به سراغش آمدند. چند مرد سر آهو دریایی فریاد کشیدند و او را با

➔ این جمعیت، مرد میانسالی که برای تأییدیه نسخه و داروهایش ساعت‌ها در داروخانه منتظر مانده، از روند دریافت دارو گلایه می‌کند: «خیلی اذیت می‌کنند و حتی همه اقلامی را که دکتر نسخه کرده، نمی‌دهند. همین داروها نسبت به قبل از جنگ، شش تا هفت برابر گران‌تر شده است. از طرفی، بین بیمه‌ها و داروخانه‌ها اصلاً هماهنگی وجود ندارد و باید یک روز کامل برای تأییدیه و تهیه دارو وقت بگذاریم». میان صحبت‌هایشان جمله «برای زنده ماندن دنبال دارو آمده‌ایم» را چند نفر با عبارت‌هایی متفاوت تکرار می‌کنند.

مهدی میرصالحی رئیس سازمان غذا و دارو، مدعی شده که توقف و یا کندی انتقال ارز پس از جنگ ۱۲ روزه در سال ۱۴۰۴، عامل اصلی کمبود دارو ماه‌های فروردین و اردیبهشت امسال بوده است. او گفته در این دوره انتقال پول برای کشور کند شد؛ به طوری که در یک بازه یک تا دو ماهه، این انتقال تقریباً متوقف و در چهار ماه بعدی نیز با سرعت بسیار پایینی انجام شد.

رئیس سازمان غذا و دارو افزوده این اختلال در روند انتقال ارز به شرکت‌های خارجی، باعث ایجاد زنجیره‌ای از مشکلات در بازه‌ای شش ماهه و کمبود دارو در فروردین و اردیبهشت ماه امسال شد. مهدی میرصالحی با اشاره به اینکه «از ماه‌ها قبل مکاتبات و هشدارهای لازم انجام شده بود»، اعلام کرد که «گفته بودیم اگر ارز دارو و تجهیزات پزشکی به موقع منتقل نشود، کشور با چالش مواجه خواهد شد».

محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی نیز هفته گذشته طی توضیحاتی درباره گرانی و کمبود دارو اعلام کرد پس از آغاز جنگ «هندوستان یک کشتی مواد اولیه دارویی را نیز به ایران صادر نکرد» و ارسال مواد دارویی به ایران را مشروط به عبور کشتی‌های مرتبط با هند از تنگه هرمز کرده است.

وزیر بهداشت افزوده بود «وقتی مواد اولیه با کشتی وارد می‌شود، اقلام و وزنی که وارد می‌شود، بیش از چند هزار تن است. اگر بخواهیم این مورد را با هواپیما وارد کنیم، ۲۰ تا ۴۰ تن می‌توان وارد کرد. حالا تصور کنید چقدر به هزینه‌ها اضافه می‌شود».

فعالان صنفی داروسازی نیز عدم تخصیص ارز برای واردات دارو و مواد اولیه مورد نیاز شرکت‌های داروسازی را مهمترین علت کمبود اقلام دارویی عنوان می‌کنند. در همین رابطه محمد عبده‌زاده، رئیس هیئت مدیره سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی، گفته مهمترین علت کمبود دارو تأخیر در ورود مواد اولیه دارویی است: «بخشی از این تأخیر عمدتاً به دلیل اختلال در حمل‌ونقل هوایی و دریایی، به‌ویژه در مسیرهای تأمین از هند و چین، ایجاد شده است. این اختلال‌ها از ماه‌های پایانی سال گذشته تشدید شده و پیامد آن اکنون به شکل کمبود برخی داروها در بازار نمایان شده است».

رئیس هیئت مدیره سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی افزوده «در حمل‌ونقل دریایی نیز تغییر مسیر کشتی‌ها و طولانی‌تر شدن فرایند انتقال کالا، ورود مواد اولیه را با تأخیر چندماهه مواجه کرده است».

او همچنین به کمبود نقدینگی شرکت‌های دارویی به عنوان یکی دیگر از دلایل اصلی کمبود دارو اشاره کرده و گفته «تأخیر هفت تا هشت ماهه سازمان‌های بیمه‌گر در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها، زنجیره تأمین مالی صنعت دارو را با اختلال مواجه کرده است؛ به‌گونه‌ای که داروخانه‌ها قادر به تسویه حساب با شرکت‌های پخش نیستند و این شرکت‌ها نیز در تأمین نقدینگی لازم برای خرید مواد اولیه با مشکل روبرو می‌شوند».

دست از سرش بردارند، اما آنها همچنان لباسهایش را می‌کشیدند و رهایش نمی‌کردند. سرانجام آن قدر خشمگین شد که خودش شروع به درآوردن لباسهایش کرد.»

او همه لباسهایش را از تن درآورد و آنها را مقابل مأموران روی زمین انداخت و گفت: «خب، حالا می‌خواهید چه کار کنید؟»

دوست نزدیکش درباره آن لحظات می‌گوید: «احساس آهو این بود که اگر قرار است شما لباس‌هایم را از تنم درآورید، خودم این کار را می‌کنم. اگر قرار است در آن اتاق همان کاری را با من بکنید که تصور می‌کنم، پس دست‌کم کاری می‌کنم که این نافرمانی و اعتراضی که کرده‌ام، ارزش مجازاتی را که به خاطرش خواهم دید، داشته باشد.»

آهو دریایی که تا لباس زیر برهنه شده بود، در محوطه دانشگاه روی دیواری نشست و همان جا ماند تا مأموران پلیس از راه رسیدند. سپس او را با خشونت به داخل یک ون پرتاب کردند. آنگونه که گفته می‌شود، در اقدامی که ظاهراً با هدف تحقیر هرچه بیشتر او صورت گرفت، در مسیر انتقال به بازداشتگاه، سر این مادر را به زور میان پاهای یک مأمور زن نگه داشتند. رفتاری خشونت آمیز که بنا بر روایت‌ها، او را تا آستانه خفگی پیش برده بود.

دوست نزدیک آهو دریایی در شرح آنچه بر او گذشته است، می‌گوید: «سر وی را میان زانوهای یکی از آن دو مأمور زن قرار داده بودند و موهایش روی صورتش ریخته بود.» او ادامه می‌دهد: «آهو نمی‌توانست نفس بکشد و وی را در وضعیتی نگه داشته بودند که گویی قصد داشتند به او آسیب برسانند. او مادر دو فرزند است و در آن لحظات با خود فکر می‌کرد: «اگر این زن رهایم نکند، خفه می‌شوم و بچه‌هایم یتیم خواهند شد.»

آهو دریایی در حالی که تلاش می‌کرد هوشیاری خود را از دست ندهد، دست مأمور زن را گاز گرفت. مأمور در واکنش زانوهایش را از هم باز کرد و آهو سرانجام توانست نفسی تازه کند. این دوست نزدیک می‌گوید: «او در اعتراض شروع به فریاد زدن و لگد زدن کرد. مأموران آمدند و تلاش کردند ماده‌ای را به وی تزریق کنند.»

او افزوده: «بار نخست، سوزن سرنگ شکست، اما بار دوم موفق شدند آمپول را به او تزریق کنند. تزریقی که باعث شد آهو هوشیاری خود را از دست بدهد.»

آهو دریایی زمانی به هوش آمد که دست‌ها و پاهایش را به تختی در بیمارستان بسته بودند. او نمی‌دانست کجاست و چگونه به آنجا منتقل شده است.

دوستش می‌گوید: «آهو درخواست کرد خانواده‌اش را ببیند، اما پزشکان پاسخی به او نمی‌دادند. وی حتی نمی‌دانست در کجا نگهداری می‌شود.»

دوست نزدیک آهو دریایی می‌گوید: «هر بار که تلاش می‌کرد اطلاعاتی به دست آورد و بفهمد چه بر سرش آمده و کجا نگهداری می‌شود، ماده دیگری به او تزریق می‌کردند. تزریقی‌هایی که باعث می‌شد دوباره به خواب فرو رود یا هوشیاری‌اش را از دست بدهد.»

او ادامه داده: «در همان زمان، افرادی از وی بازجویی می‌کردند و می‌پرسیدند چرا دست به چنین کاری زده است. از او می‌خواستند توضیح دهد در آن لحظه چه در سر داشته و حتی متهمش می‌کردند که قصد داشته ایران را ترک کند و در کشور دیگری پناهندگی بگیرد.»

به گفته دوست آهو دریایی، درست در همین مقطع بوده که او دریافت در چه موقعیت خطرناکی گرفتار شده است؛ در حالی که تصاویر اعتراض‌اش در شبکه‌های اجتماعی میلیون‌ها بار دیده شده بود و بازتاب گسترده آن، موجی از واکنش‌ها و اعتراض‌های بین‌المللی را برانگیخته بود.

دامنه واکنش‌ها به بریتانیا نیز رسید. جایی که گروهی از فعالان ایرانی در میدان پارلمان لندن، با پوشیدن لباس زیر و ردهای قرمز، دست به اعتراض زدند. پوششی نمادین با اشاره به رمان پاد آرمان شهری «سرگذشت ندیمه» از آثار بسیار مطرح نویسنده کانادایی مارگارت اتوود.

از سوی دیگر، سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرد آهو دریایی در اعتراض به «اجرای خشونت آمیز حجاب اجباری از سوی مأموران امنیتی» لباس‌های خود را از تن درآورده است. این سازمان همچنین خواستار «آزادی فوری و بدون قید و شرط» او شد.

همزمان با افزایش محکومیت‌ها و اعتراض‌های بین‌المللی نسبت به نحوه برخورد با آهو دریایی، تلاش جمهوری



اسلامی برای معرفی این «نافرمانی اعتراضی» به‌عنوان نشانه‌ای از «اختلال روانی» او نیز شدت گرفت.

پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی پوشاندن مو و گردن را برای زنان در ایران اجباری کرد.

اجرای مقررات مربوط به پوشش اجباری زنان بر عهده نیرویی ویژه است که با عنوان رسمی «گشت ارشاد» فعالیت می‌کند. دوست نزدیک آهو دریایی اضافه کرده: «پس از آن، مأموران به سراغ خانواده‌اش، از جمله فرزندان، رفتند و آنان را تهدید کردند. می‌خواستند به آهو نشان دهند که بر او و خانواده‌اش تسلط دارند و می‌توانند هر زمان که بخواهند آنان را تحت فشار قرار دهند.»

به گفته این دوست، مأموران سپس به سراغ همسر سابق آهو رفتند و او را وادار کردند اعلام کند که آهو با مشکلات روانی روبرو بوده است.

وی افزوده: «برنامه حکومت این بود که چون ویدیوی این ماجرا به سرعت در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شده و بازتاب گسترده‌ای پیدا کرده بود، باید آهو را وادار می‌کردند اعتراف کند که بیمار است و آنچه در دانشگاه رخ داده، نتیجه مشکلات روانی او بوده است.»

دوست نزدیک آهو می‌گوید: «آنها می‌توانستند با تحت فشار قرار دادن خانواده‌اش، وی را وادار کنند چنین اعتراضی بر زبان بیاورد.»

پس از آنکه همسر سابق آهو دریایی، تحت فشار، ادعای مقامات درباره مشکلات روانی او را «تأیید» کرد، دست‌ها و پاهای آهو را از تخت بیمارستان باز کردند و او پس از

۱۸ روز آزاد شد.

به گفته دوستش، مقام‌های جمهوری اسلامی هنگام آزادی به آهو هشدار دادند که «تحت نظر خواهد بود و تلفن او شنود خواهد شد». افزون بر این، وی موظف شده بود داروهای ضد روان پریشی مصرف کند. داروهایی که هزینه آنها نیز باید از طریق بیمه خود او پرداخت می‌شد.

به روایت دوست آهو، دامنه نظارت بر زندگی او تا آنجا پیش رفت که مأموران حتی متوجه شدند وی داروهای تجویزشده را مصرف نمی‌کند. زیرا او را در حال راه رفتن به شکلی کاملاً عادی دیده بودند. به گفته این دوست، داروها چنان قوی بودند که در صورت مصرف، می‌بایست آثار رخوت، گیجی و منگی در حرکات او آشکار می‌شد.

اکنون خانم دریایی ناگزیر است هر ماه آمپول «فلوپنتیکسول» تزریق کند. دارویی که از جمله برای درمان بیماری اسکیزوفرنی بکار می‌رود. این تزریق‌ها زیر نظر پزشکان انجام می‌شود تا مسئولین رژیم اطمینان حاصل کنند که وی داروی تجویزشده را دریافت می‌کند.

دوست نزدیک توضیح داد: «خانواده‌اش به این نتیجه رسیده‌اند که برای آهو بهتر است این تزریق‌ها را تحمل کند و برچسب «بیمار روانی» را بپذیرد، تا اینکه به دار آویخته شود، به زندان بیفتد یا شکنجه شود. در شرایط کنونی، این تنها راهی است که پیش رویش گذاشته شده است.»

«آهو از پزشک پرسیده بود اگر تزریق‌ها را متوقف کند چه اتفاقی خواهد افتاد. به وی گفته‌اند در آن صورت بازداشتش می‌کنند و بار دیگر به بیمارستان روانی باز می‌گردانند و او را به تخت می‌بندند.»

خانم دریایی که اکنون ۳۲ سال دارد و در دانشگاهی دیگر در رشته نساجی تحصیل می‌کند، بنا بر روایت دوستش، هنگامی که به انگیزه خود از آن اعتراض می‌انديشید، از دو منظر متفاوت به آنچه رخ داده نگاه می‌کند.

دوست او در توضیح انگیزه آهو از این اعتراض می‌گوید: «اصل ماجرا، پیش از هر چیز، این بود که آهو از نحوه‌ای که او را می‌کشیدند و تنها به خاطر یک روسری با او چنین رفتاری می‌کردند، بشدت خشمگین شده بود. همین رفتار باعث شد با خود فکر کند: «پس بگذار کاری فراتر از این انجام دهم تا این همه کشیدن، تحقیر کردن و آزاری که به من می‌رسانند، دست‌کم در برابر مقاومتی باشد که ارزش تحمل چنین رفتاری را داشته باشد. او می‌خواست به شکلی مقاومت کند که متناسب با آن چیزی باشد که بر وی تحمیل می‌کردند.»

دوستش ادامه می‌دهد: «پس از آن، اعتراض او معنای دیگری نیز پیدا کرد. اینکه نشان دهد اختیار بدنش و انتخاب‌هایش در زندگی متعلق به خود اوست. در نهایت، این همان پیامی بود که می‌خواست منتقل کند.»

وی در توصیف پیام آهو می‌افزاید: «گویی می‌گفت: می‌دانید چیست؟ این من هستم. این بدن من است. این زندگی من است. و اگر بخواهم با لباس شنا در خیابان راه بروم، این انتخاب خود من است.»

با این حال، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت جمهوری اسلامی، در آن زمان هم خشونت آمیز بودن بازداشت آهو دریایی و هم ارتباط این واقعه با مقررات حجاب اجباری را رد کرد.

او مدعی شد: «موضوع در واقع چیز دیگری بوده است!» و افزود که «چنین میزانی از برهنگی در هیچ کجا پذیرفته نیست.»

منبع: دلی میل آنلاین
ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

افزایش بی‌خاصیت رقم وام مسکن؛ کارشناسان می‌گویند قدرت خرید را افزایش نمی‌دهد!

افزایش قیمت مسکن نه تنها خرید خانه را برای مستأجران و جوانان به رویایی دست‌نیافتنی تبدیل کرده که در آنسو اجاره‌بهای مسکن را نیز افزایش داده بطوری که بخش زیادی از مستأجران حتی برای اجاره یک سرپناه مناسب نیز با مشکل روبرو هستند.

در این میان چندین طرح برای حل بحران مسکن از سوی دولت‌های مختلف تدوین و اجرایی شده اما همه این طرح‌ها در نهایت با شکست روبرو شده‌اند.

یکی از آخرین طرح‌های مطرح شده که با مشارکت دولت و شهرداری قرار است اجرا شود طرح «خانه ریز» است امکان خرید متری مسکن را برای متقاضیان فراهم می‌کند. این طرح در عمل در اصطلاح اقتصادی یک مدل «تأمین مالی خرد» یا «فروش متری مسکن» به شمار می‌رود. در این الگوریتم مالی، پروژه ساخت و ساز به دارایی‌های بسیار کوچک (حتی در حد چند سانتی‌متر یا چند دهم متر) تقسیم می‌شود. خریدار با پرداخت مبالغ خرد، مالک بخشی از ارزش ریالی آن پروژه می‌شود ولی قرار نیست الزاماً کلید یک واحد مسکونی را تحویل بگیرد!

بر اساس طرح شهرداری، هر «خانه‌ریز» معادل ۰/۰۱ مترمربع، یعنی ۱۰۰ سانتی‌مترمربع از یک مترمربع است. بنابراین با خرید ۱۰۰ خانه‌ریز، فرد از منافع تغییر ارزش یک مترمربع از پروژه برخوردار می‌شود. قیمت هر خانه‌ریز بر اساس ارزش‌گذاری پروژه تعیین می‌شود و قیمت اعلامی می‌تواند با تغییر ارزش پروژه تغییر کند.

در اطلاعات منتشرشده درباره پروژه نخست، قیمت حدود ۱۵۰ میلیون تومان برای هر مترمربع اعلام شده است. با این مبنا، قیمت یک خانه‌ریز ۰/۰۱ مترمربعی حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خواهد بود. اما یک گزارش دیگر در آستانه عرضه عمومی، قیمت هر خانه‌ریز پروژه را حدود ۲ میلیون و ۱۹۱ هزار تومان اعلام کرده است.

کارشناسان نسبت به ناکامی اهداف این طرح و عدم اثرگذاری آن بر بحران بازار مسکن تأکید دارند. هوشنگ فروغمند اعرابی، پژوهشگر حوزه معماری و شهرسازی، معتقد است «در طرح «خانه‌ریز» ابهام‌هایی درباره ماهیت حقوقی سرمایه‌گذاری، قیمت هر متر، مالکیت عرصه و اعیان و نسبت آن با قانون پیش‌فروش ساختمان مطرح شده است؛ از نگاه یک کارشناس بازار مسکن، مهم‌ترین ریسک‌هایی که یک سرمایه‌گذار خرد باید پیش از ورود به چنین طرح‌هایی بررسی کند چیست؟ آیا گسترش این مدل‌های سرمایه‌گذاری خرد می‌تواند به تأمین مالی ساخت‌وساز و افزایش عرضه مسکن کمک کند یا در صورت نبود شفافیت کافی، احتمال ایجاد بازارهای پرریسک و زیان برای سرمایه‌گذاران وجود دارد؟»

او افزوده «باید به صورت شعاری گمان کنیم که پروژه‌ای مثل خانه ریز می‌تواند به خانه‌دار شدن کمک بکند و تصور شود که خانه‌دار شدن هم یگانه کاری است که دولت باید انجام دهد؛ نه، این گونه نیست. دولت، ارکان دولتی و ارکان نیمه‌دولتی باید به انواع و سطوح مختلفی که می‌تواند به دسترسی مسکن کمک کند توجه داشته باشند؛ از جمله بحث اجاره، وام و خانه‌های کوچک‌مقیاس که همگی این مسائل در سطوح مختلف در کنار هم می‌تواند به وضعیت مسکن کمک کند.»

همچنین رقم وام ودیعه مسکن نیز افزایش یافته است؛ در تهران، سقف وام ودیعه از ۳۰۰ میلیون تومان به ۴۰۰ میلیون تومان رسیده است. در مراکز استان‌ها و شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت نیز این وام از ۲۲۵ میلیون تومان به ۳۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است. در سایر مناطق کشور نیز سقف وام ودیعه از ۱۵۰ میلیون تومان به



۲۰۰ میلیون تومان رسیده است.

این ارقام اگر چه در عدد بالا به نظر می‌رسند اما تناسبی با قیمت مسکن و ارقام اجاره‌بها در پایتخت و دیگر شهرهای کشور ندارند. همین موضوع سبب شده کارشناسان نسبت به اینکه ارقام افزایش یافته وام به حل بحران مسکن کمک، یا از مستأجران حمایت کند تردید دارند.

در همین رابطه هوشنگ فروغمند اعرابی، پژوهشگر حوزه معماری و شهرسازی، در گفتگو با «اقتصاد نیوز» گفته «افزایش سقف فعلی دو میلیاردی هنوز فاصله زیادی با قیمت مسکن در تهران دارد؛ چرا که اگر هزینه خرید اوراق را از آن کم بکنیم، آنچه باقی می‌ماند یک میلیارد و ۶۰۰ یا ۶۵۰ میلیون خواهد بود.»

این کارشناس افزوده «این مبلغ یعنی تقریباً هشت تا نه متر از قیمت مسکن متوسط تهران؛ به عبارتی یعنی هشت تا نه متر مسکن می‌توانیم در تهران بخریم بطور متوسط و این در واقع یعنی ماهی ۴۰ میلیون تومان. بنابراین، هدف این وام دو میلیاردی قطعاً معطوف به کسانی است که پولی در اختیار دارند؛ برای مثال پول ۴۰ متر خانه را دارند و می‌خواهند که ۲ میلیارد به آن اضافه کنند و این وام کمکی برای افرادی است که تا حدودی توانایی مالی را دارند.»

بحران رکود تورمی در بازار مسکن ایران از بیش از یک دهه پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد. صنعت ساختمان‌سازی در ایران متأثر از رکود بازار مسکن شده و با وجود نقش این صنعت بر ایجاد رونق اقتصادی و اشتغال اما همچنان رکود در آن عمیق‌تر شده است. از سوی دیگر

هیئت عالی بانک مرکزی ارقام وام مسکن را افزایش داد و هدف این اقدام را «حمایت از متقاضیان مسکن، افزایش قدرت خرید خانوارها، تقویت بخش مسکن و حمایت از مستأجران» اعلام کرده است. کارشناسان اما نسبت به تحقق این اهداف تردید دارند!

در شهر تهران، سقف وام خرید و ساخت مسکن برای متقاضی انفرادی به یک میلیارد تومان و برای زوجین به ۲ میلیارد تومان رسیده است. در مراکز استان‌ها و شهرهای با جمعیت بیش از ۲۰۰ هزار نفر، سقف این تسهیلات برای افراد به ۸۰۰ میلیون تومان و برای زوجین به یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

در تهران، سقف وام ودیعه از ۳۰۰ میلیون تومان به ۴۰۰ میلیون تومان رسیده است. در مراکز استان‌ها و شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت نیز این وام از ۲۲۵ میلیون تومان به ۳۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

هوشنگ فروغمند اعرابی، پژوهشگر حوزه معماری و شهرسازی، افزایش سقف فعلی دو میلیاردی هنوز فاصله زیادی با قیمت مسکن در تهران دارد؛ چرا که اگر هزینه خرید اوراق را از آن کم بکنیم، آنچه باقی می‌ماند یک میلیارد و ۶۰۰ یا ۶۵۰ میلیون خواهد بود که با آن می‌توان هشت تا نه متر مسکن در تهران خریداری کرد!

بحران رکود تورمی در بازار مسکن ایران از بیش از یک دهه پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد. همه طرح‌های دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی برای حل بحران مسکن با شکست روبرو شده‌اند.

بر اساس مصوبه بانک مرکزی رقم وام خرید مسکن در ایران تا سقف دو میلیارد تومان افزایش یافته است. کارشناسان معتقدند با توجه به قیمت‌های کنونی مسکن و همچنین هزینه و اقساط بالای وام مسکن، افزایش رقم وام نمی‌تواند قدرت خرید مستأجران را به شکل موثری افزایش دهد. هیئت عالی بانک مرکزی روز چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ با افزایش سقف تسهیلات مسکن موافقت کرد. هدف این اقدام «حمایت از متقاضیان مسکن، افزایش قدرت خرید خانوارها، تقویت بخش مسکن و حمایت از مستأجران» اعلام شده است. کارشناسان اما نسبت به تحقق این اهداف تردید دارند!

بر اساس جزئیات اعلام شده از سوی بانک مرکزی، در شهر تهران، سقف وام خرید و ساخت مسکن برای متقاضی انفرادی به یک میلیارد تومان و برای زوجین به ۲ میلیارد تومان رسیده است.

در مراکز استان‌ها و شهرهای با جمعیت بیش از ۲۰۰ هزار نفر، سقف این تسهیلات برای افراد به ۸۰۰ میلیون تومان و برای زوجین به یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

همچنین در سایر مناطق کشور، وام خرید و ساخت مسکن برای افراد ۶۰۰ میلیون تومان و برای زوجین یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان تعیین شده است.

بر اساس مصوبه جدید بانک مرکزی، سقف تسهیلات تعمیر و جعاله واحد مسکونی از محل اوراق گواهی حق تقدم از ۲۸۰ میلیون تومان به ۴۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

تله ساختاری، اقتصاد نه تنها از سمت عرضه (به دلیل گران شدن داده‌ها و ناترازی‌ها) آسیب می‌بیند، بلکه از ناحیه تقاضای داخلی نیز دچار ضعف و انقباض شدید می‌شود. اگر سیاست‌گذار تمام تمرکز خود را تنها بر مهار ظاهری و کنترل دستوری قیمت‌ها بگذارد، اما برای ترمیم درآمد واقعی، ثبات در عرضه کالاها، ایجاد امنیت شغلی و کاهش نااطمینانی‌های کلان برنامه‌ای نداشته باشد، تقاضای موثر خانوار احیا نخواهد شد و رکود تداوم خواهد یافت.

آنچه این اقتصاددان توضیح داده، همان تأکید فعالان کارگری و بازنشسته بر بی‌اثر شدن طرح‌های حمایتی دولت از جمله ارائه کالابرج است. فعالان صنفی و کارشناسان از بهار امسال و تنها سه ماه پس از اجرای طرح ارائه کالابرج یک میلیون تومانی توسط دولت تأکید کردند که این مبلغ یارانه هیچ کمکی به بهبود وضعیت معیشت شهروندان کم‌درآمد نکرده است. داوود کشوری، رئیس انجمن صنفی گچکاران استان قم، گفته: «وقتی هزینه خرید میوه برای یک خانواده کارگری می‌تواند تا ۴۰ درصد مزد پایه ماهانه را ببلعد، دیگر صحبت از یک گرانی ساده نیست؛ این یعنی فشار مستقیم گرانی بر سفره کارگر!»

این فعال کارگری گفته: «امروز کارگر مجبور است بین

کرده، حمایت‌های نقدی اگر متناسب با این افزایش نباشد، نمی‌تواند قدرت خرید ازدست‌رفته را جبران کند. در نهایت کارگر با دستمزدی مواجه است که ارزش واقعی آن روز به روز کمتر می‌شود.»

مسعود نیلی، اقتصاددان، تورم فزاینده در ایران را محصول «بیست سال خطای راهبردی سیاست‌گذاری» ارزیابی کرده و گفته اقتصاد ایران از اواسط دهه ۱۳۸۰ وارد دوره‌ای «پرحادثه» شد؛ دوره‌ای که با شوک‌های پی در پی سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی همراه بوده است. جنگ اخیر نیز کسری بودجه و تورم فزاینده را تشدید کرده و مسعود نیلی هشدار می‌دهد که کشور در سال جاری ممکن است «رکورد تاریخی رکود تورمی» را بشکند. او همچنین با اشاره به پیامدهای اقتصادی خروج آمریکا از برجام گفته که ۱۰/۵ میلیون نفر به زیر خط فقر مردم اضافه شدند!

تورم عمومی اقتصاد ایران به بیش از ۸۰ درصد و تورم مواد غذایی به بیش از ۱۲۰ درصد افزایش یافته است؛ درآمد‌ها اما سال‌هاست از نرخ تورم عقب افتاده و قدرت خرید خانوارها کاهش یافته. خانوارهایی که درآمد آنها تناسبی با تورم ندارد و همواره برای پوشش هزینه‌های زندگی با بحران روبرو هستند، ناچار به تغییر الگوی مصرف شده و هزینه‌های



غیرضروری خود را حذف یا به آینده موکول کرده‌اند. فاطمه عزیزخانی، اقتصاددان، درباره تغییر الگوی مصرف خانوار گفته، با کاهش قدرت خرید خانوارها کالاهای بادوام، خدمات فرهنگی و تفریحی، آموزش غیرضروری، پوشاک و حتی بخشی از هزینه‌های سلامت به تعویق می‌افتد و سهم هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر نظیر خوراک، مسکن، انرژی، درمان و حمل و نقل ضروری افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، مصرف از الگوی انتخاب و رفاه، به الگوی بقا و حداقل‌سازی انتقال پیدا می‌کند. این اقتصاددان افزوده: «در مرحله نخست، کاهش مصرف معلول تورم، افت درآمد واقعی و نااطمینانی است. خانواری که قدرت خریدش کاهش یافته، ناچار است خریدهایش را محدود کند. اما در مرحله بعد، همین کاهش خرید به بنگاه منتقل می‌شود. افت فروش، بنگاه را به کاهش تولید، توقف توسعه، تعویق سرمایه‌گذاری و در نهایت تعدیل [اخراج] نیروی کار یا کاهش دستمزد واقعی سوق می‌دهد. در نتیجه، درآمد خانوار باز هم کاهش می‌یابد و دور تازه‌ای از انقباض مصرف آغاز می‌شود. این همان «تله فقر- رکود- ضعف تقاضا» است.»

به گفته فاطمه عزیزخانی، در چنین شرایطی و در این

هزینه

«سبد معیشت»

دو برابر شد؛ هشدار درباره سال سخت اقتصاد ایران

● محسن باقری، فعال کارگری: فاصله میان دستمزد و هزینه‌های واقعی زندگی بیش از گذشته افزایش پیدا کرده است. سبد معیشتی که در دی‌ماه محاسبه کرده بودیم، امروز با توجه به افزایش قیمت کالاها و خدمات، عملاً با رشد بسیار قابل توجهی مواجه شده و برآورد ما این است که هزینه‌های زندگی نسبت به آن زمان تقریباً دو برابر شده است.

● مسعود نیلی اقتصاددان تروم فزاینده در ایران را محصول «بیست سال خطای راهبردی سیاست‌گذاری» ارزیابی کرده و هشدار داده که کشور در سال جاری ممکن است «رکورد تاریخی رکود تورمی» را بشکند.

یک فعال کارگری با اشاره به سقوط قدرت خرید کارگران گفته، رقم سبد معیشت که بیانگر هزینه‌های ضروری یک خانوار کارگری در ماه است اکنون نسبت به زمستان ۱۴۰۴ دو برابر شده است. یک اقتصاددان نیز نسبت به پیش رو بودن سال سخت اقتصاد ایران هشدار داده است.

محسن باقری، فعال کارگری، در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته: «فاصله میان دستمزد و هزینه‌های واقعی زندگی بیش از گذشته افزایش پیدا کرده است. سبد معیشتی که در دی‌ماه محاسبه کرده بودیم، امروز با توجه به افزایش قیمت کالاها و خدمات، عملاً با رشد بسیار قابل توجهی مواجه شده و برآورد ما این است که هزینه‌های زندگی نسبت به آن زمان تقریباً دو برابر شده است.»

این فعال کارگری تأکید کرده: «وقتی هزینه‌های زندگی چنین افزایشی پیدا می‌کند، طبیعی است که دستمزدی که در ابتدای سال تعیین شده، دیگر نتواند پاسخگوی نیازهای حداقلی یک خانوار کارگری باشد. آنچه اهمیت دارد قدرت خرید واقعی کارگر است.»

فعالان کارگری خواستار افزایش دستمزدها هستند و توضیح می‌دهند افزایش سریع قیمت خوراکی‌ها، مسکن، حمل و نقل، درمان و سایر هزینه‌های ضروری باعث شده کل درآمد خانوارهای کارگری حتی کفاف پوشش هزینه‌های ضروری مانند خوراک و اجاره مسکن را ندهد. این روند زندگی کارگران را وارد فاز کمبود تشدید شده کرده و قدرت برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی، پس‌انداز و بهبود رفاه را از آنها گرفته است. در همین رابطه محسن باقری گفته اجرای سیاست‌هایی مانند حذف ارز ترجیحی و افزایش قیمت برخی کالاهای اساسی از یکطرف و نتایج حاصل از جنگ از طرف دیگر، فشار مستقیمی بر هزینه زندگی خانوار وارد کرده است. اگر قرار است چنین سیاست‌هایی اجرا شود، باید ساز و کارهای جبرانی آن نیز به شکل مؤثر و واقعی پیش‌بینی گردد.

محسن باقری افزوده: «پرداخت یارانه و کالابرج به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی افزایش هزینه‌های زندگی باشد. وقتی هزینه‌های ضروری خانوار به شکل قابل توجهی افزایش پیدا

قیمت، کیفیت و مقدار مصرف یکی را انتخاب کند؛ میوه ارزان‌تر بخرد، تنوع را کم کند یا اساساً مقدار خرید را کاهش دهد؛ ادامه این روند، کارگران را به سمت حذف تدریجی اقلام ضروری از سبد خانوار سوق می‌دهد.»

داوود کشوری تأکید کرده: «سؤال روشن است: اگر دستمزد حتی از پس هزینه‌های ابتدایی یک زندگی معمولی بر نمی‌آید، کارگر چگونه باید با این گرانی دوام بیاورد؟ سفره کارگران نباید تاوان سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد را بدهد.»

فاطمه عزیزی نیز معتقد است: «خروج از تله مرکب کاهش مصرف و رکود اقتصادی، نیازمند طراحی و اجرای یک بسته سیاستی چندوجهی و منسجم است.»

او گفته: «درس‌های حاصل از تجارب بین‌المللی در مواجهه با اقتصاد بحران‌زده نشان می‌دهد که بازگشت مصرف خانوارها به مسیر طبیعی، فقط با توصیه اخلاقی به مردم برای خرید بیشتر یا اعطای تسهیلات اعتباری کوتاه‌مدت رخ نخواهد داد. خانوار تنها زمانی از حالت تدافعی و انقباضی خارج می‌شود که چشم‌اندازی معتبر و اطمینان‌بخش از ثبات قیمت‌ها، تداوم درآمد، دسترسی مطمئن به کالاهای ضروری و امنیت شغلی داشته باشد.»

رقم مورد نیاز برای حداقل‌های زندگی ماهانه ۹۰ میلیون تومان؛ دستمزد کارگران ۲۵ میلیون تومان!

● بر اساس داده‌های رسمی، حداقل هزینه خانوار برای تأمین ضروری‌ترین اقلام زندگی بطور متوسط به ۹۰ میلیون تومان در ماه رسیده است.

● حقوق ماهانه یک کارگر متأهل با یک فرزند به شرط پرداخت تمام مزایا ۲۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است.

● فرامرز توفیقی فعال کارگری: کارگران در گرداب هزینه‌های نجومی زندگی به سختی دست و پا می‌زنند و با وجود کار تمام وقت، دستمزدی که می‌گیرند برای ده روز ماه هم کافی نیست.

● روند سریع تورم در کنار دستمزدهایی که زندگی و کرامت اقشار کم‌درآمد از جمله کارگران و بازنشستگان را هدف قرار داده، سبب شده با وجود فشارهای شدید امنیتی، بازنشستگان و کارگران در هفته‌های گذشته بارها تجمعات اعتراضی برگزار کنند که در آنها شعارهایی با رنگ و بوی سیاسی نیز سر داده می‌شود.

تازه‌ترین محاسبات از رقم سبد معیشت نشان می‌دهد ضروری‌ترین هزینه‌های ماهانه زندگی یک خانوار کارگری به ۹۰ میلیون تومان رسیده است. در مقابل اما دستمزد کارگران و مستمری بسیاری از بازنشستگان ایران ماهانه در نهایت ۲۵ میلیون تومان است. مقایسه این دو رقم، تصویری گویا از بحران فقر در ایران را به نمایش می‌گذارد.

فرامرز توفیقی فعال کارگری بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران و دیگر نهادهای رسمی حکومت، رقم سبد معیشت برای یک خانوار ۳ نفره را محاسبه کرده که نشان می‌دهد حداقل هزینه خانوار برای تأمین ضروری‌ترین اقلام زندگی بطور متوسط به ۹۰ میلیون تومان در ماه رسیده است.

وی اختلاف رقم سبد معیشت با درآمد کارگران را «بی‌سابقه» عنوان کرده و گفته: «امسال حقوق ماهانه یک کارگر متأهل با یک فرزند و یکسال سابقه به شرط پرداخت تمام مزایا ۲۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است» او ادامه می‌دهد: «قدرت پوشش دستمزد در ابتدای سال، ۵۸/۲۴ درصد بوده که برای هزینه‌های ۱۷.۴۷ روز کفایت می‌کرد؛ اما در پایان تیرماه، قدرت پوشش دستمزد به ۲۷/۵۸ درصد تنزل یافته یعنی دستمزد فقط ۲۷/۵۸ درصد هزینه‌های حداقلی زندگی را کفاف می‌دهد و تنها برای ۸/۲۷ روز کفایت می‌کند. کارگران بیش از ۲۰ روز ماه، آه در بساط ندارند.»

این فعال کارگری تأکید کرده، محاسبات سبد معیشت و این اعداد و ارقام به وضوح نشان می‌دهد که «کارگران

در گرداب هزینه‌های نجومی زندگی به سختی دست و پا می‌زنند و با وجود کار تمام وقت، دستمزدی که می‌گیرند برای ده روز ماه هم کافی نیست.»

به گفته فرامرز توفیقی، «امروز یک خانواده کارگری باید ماهی ۹۰ میلیون درآمد داشته باشد تا بتواند سر پا بایستد و از پس خرج و مخارج زندگی بربیاید اما اکثر طبقه کارگر و مزدبگیر حتی نصف این رقم هم درآمد ماهانه ندارند. قطار تورم با شتاب بسیار به پیش می‌تازد و زندگی مزدبگیران، دچار یک عقبگرد تاریخی شده است. در این وانفسا با یکی دو درصد کاهش نرخ تورم، مشکلات حاد معیشتی حقوق‌بگیران حل نمی‌شود.»

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم نقطه به نقطه مواد خوراکی در تیرماه امسال به ۱۲۸/۱ درصد رسیده است؛ به این معنا که قیمت یک سبد مشخص از خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در تیرماه امسال به نسبت تیرماه سال قبل، ۲/۸ برابر گرانتر شده است؛ در عرض یکسال، قیمت حداقل ۸ قلم خوراکی، بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته است.

روند سریع تورم در کنار دستمزدهایی که زندگی و

بود. کاظم فرج‌اللهی فعال کارگری نیز در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» با بیان اینکه افزایش مستمر قیمت‌ها و تورم، فشار سنگینی بر زندگی کارگران و بازنشستگان وارد کرده، خواستار جبران ریزش قدرت خرید، اجرای کامل قانون کار و تأمین رایگان هزینه‌های درمان بر اساس مقررات تأمین اجتماعی شد.

این فعال کارگری تأکید می‌کند: «کارگر نباید تاوان مشکلات اقتصادی را با افت دستمزد واقعی، تأخیر در دریافت حقوق یا کاهش امنیت شغلی بپردازد. نظارت بر اجرای مقررات ایمنی، پرداخت به موقع مزد و حفظ فرصت‌های شغلی موجود در کنار حمایت از قدرت خرید، از مهم‌ترین موضوعاتی است که باید در اولویت قرار گیرد.»

کاظم فرج‌اللهی با اشاره به تجمعات هفته‌های گذشته اقشار بازنشسته نیز گفته: «حضور مداوم بازنشستگان در تجمع یکشنبه‌ها، پیامد بی‌توجهی‌هاست؛ سال‌ها پیگیری، مکانبه و مطالبه‌گری برای دریافت مطالبات معوق، افزایش متناسب مستمری، برخورداری از درمان مناسب و صیانت از استقلال صندوق تأمین اجتماعی به جایی



نرسیده است.»

از سوی دیگر اقتصاددانان معتقدند تداوم شرایط جنگ و محاصره دریایی، در کنار راهکارهای نادرست دولت برای جبران کسری بودجه سبب افزایش تورم در ماه‌های آینده خواهد شد. در این میان دولت اقداماتی را تحت عنوان اصلاحات اقتصادی در دست اجرا دارد که همگی بر افزایش تورم موثر خواهد بود.

برای نمونه موضوع افزایش قیمت بنزین در هفته‌های گذشته پررنگ شده است. کارشناسان اقتصادی و فعالان کارگری با اشاره به اثرات تورمی افزایش قیمت بنزین بر همه کالاها و خدمات، تأکید دارند افزایش قیمت سوخت سبب تشدید تورم بیشتر بر خانوارهای حقوق‌بگیر و کم‌درآمد می‌شود.

در آنسو، برنامه‌های ظاهراً حمایتی دولت برای کمک به معیشت مردم نیز کاملاً بی‌اثر است. مهم‌ترین اقدام حمایتی دولت توزیع یارانه یک میلیون تومانی در طرح کالا برگ الکترونیک بوده که با توجه به قیمت فزاینده مواد غذایی، این یارانه نیز حتی برای تأمین یک هفته مواد غذایی خانوار کافی نیست.

کرامت اقشار کم‌درآمد از جمله کارگران و بازنشستگان را هدف قرار داده، سبب شده با وجود فشارهای شدید امنیتی، بازنشستگان و کارگران در هفته‌های گذشته بارها تجمعات اعتراضی برگزار کنند. از جمله بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی که از اقشار «حداقل‌بگیر» به شمار می‌روند طی ماه گذشته دست‌کم سه بار تجمعات سراسری در شهرهای مختلف برگزار کردند.

بازنشستگان تأمین اجتماعی روز یکشنبه ۲۵ امرداد ۱۴۰۵ نیز دور دیگری از تجمعات سراسری در چند شهر کشور را در اعتراض به دستمزدهای ناچیز و اجرا نشدن قانون همسان‌سازی حقوق برگزار کردند.

شعارهای معترضان رنگ و بوی سیاسی نیز دارد: «ما دیگه جنگ نمی‌خوایم، فقر و گرونی نمی‌خوایم»، «جنگ و مذاکره بهانه است، زندگی‌مون نشانه است»، «نان گران، دارو گران؛ دولت شده دشمن جان»، «کارگر زندانی آزاد باید گردد»، «علیه حکم اعدام، ایستاده‌ایم تا پایان» و «فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون» از شعارهای بازنشستگان در تجمع سراسری روز یکشنبه بازنشستگان

تردید درباره «تاب‌آوری» نظام بانکی جمهوری اسلامی؛ بیش از نیمی از بانک‌ها «کفایت سرمایه» ندارند



اعلام می‌کرده‌اند. کارشناسان معتقدند ریشه از دست رفتن کفایت سرمایه در بیش از نیمی از بانک‌های ایران را باید در فرآیند ناسالم تأسیس و شبکه رانتهی شکل‌گیری برخی مؤسسات و بانک‌ها، و نفوذ مافیایا به روند فعالیت بانک‌ها جستجو کرد.

در همین رابطه وبسایت «اقتصاد ۲۴» گزارش داده، سال‌هاست که گروه‌های نفوذ، بنگاه‌ها و باندهای خاص با حداکثر رایزنی و حداقل سرمایه اولیه واقعی توانسته‌اند مجوز تأسیس بانک دریافت کنند. در این میان، نظارت بانک مرکزی غالباً شکلی، منفعلانه و فاقد ضمانت اجرایی قوی و قاطع بوده است. افراد با ارائه صورت‌های مالی تزئین‌شده، وثایق غیرواقعی و تعهدات کاغذی مجوز گرفته و وارد عرصه بانکداری شده‌اند؛ بی‌آنکه در طول مسیر، اصلاح ساختار دارایی‌ها یا افزایش سرمایه واقعی از آنها مطالبه شود. حاصل این رویکرد انفعالی، خلق بانک‌هایی است که در ظاهر سرپا هستند، اما در عمل مانند حباب‌های مالی بزرگ عمل می‌کنند.

این گزارش افزوده، ابعاد نابسامانی در شبکه بانکی تنها به بی‌کفایتی سرمایه محدود نمی‌شود و به بخش ارزی و حیاط خلوت آن نیز سرایت کرده است. یکی از مهم‌ترین محورهای سخنان ذبیح‌الله خداییان رئیس سازمان بازرسی کل کشور، مسئله «تراستی‌های بانکی» و کارگزاران ارزی است. در شرایط تحریم، تراستی‌ها به ابزاری برای دور زدن محدودیت‌ها و انتقال منابع ارزی تبدیل شدند، اما غفلت از نظارت بر آنها، این حوزه را به بستر امنی برای سوء استفاده‌های هنگفت بدل کرد.

ذبیح‌الله خداییان پنجم مرداد با حضور در یکی از برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی از دستور غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه برای پیگیری پرونده‌های ارزی توسط هیئتی ویژه خبر داد و گفت که بر اساس اطلاعات دریافتی از بانک مرکزی، ۲۰ هزار و ۶۷۶ شخص حقیقی و حقوقی دارای تعهدات ارزی ایفا ←

مؤسسات اعتباری است که برای ارزیابی وضعیت مالی آنها استفاده می‌شود. کفایت سرمایه نشان می‌دهد که بانک مربوطه تا چه اندازه در برابر ریسک‌های مالی احتمالی مقاوم است.

نداشتن کفایت سرمایه از سوی بانک‌ها بطور مشخص «محافظت از سپرده‌گذاران» را با ریسک روبرو می‌کند و سبب می‌شود بانک‌ها نتوانند سپرده بانکی مشتری‌ها را پرداخت کنند. به بیان دیگر در صورت درخواست مشتری برای برداشت وجه موجودی حساب، بانک پولی برای پرداخت به مشتری ندارد.

پایامدهای این شرایط را می‌توان در صف طولانی متقاضیان بانک‌ها دید. آمارهای رسمی نشان می‌دهد بیش از ۶۰۰ هزار متقاضی وام ازدواج و نیم میلیون نفر در صف وام فرزندآوری هستند و بانک‌ها پولی برای پرداخت این وام‌ها ندارند!

از سوی دیگر طی سال‌های گذشته بارها در مقاطعی، از جمله در شرایط جنگ اخیر، گزارش‌ها از عدم توانایی بانک‌ها در پاسخگویی به درخواست مشتری‌ها برای دریافت وجه نقد خبر می‌دادند.

به گفته کارشناسان اقتصادی، ریسک‌های بانک‌ها با مشکلاتی از جمله تورم، تحریم‌ها و دخالت مستقیم دولت بسیار بالاتر از میانگین جهانی است و بانک‌های ایران را در شرایط شکنندگی در برابر بحران‌ها قرار داده است.

اقداماتی از جمله قرض‌گرفته‌های ممتد دولت و شرکت‌های دولتی از بانک‌ها، نفوذ مافیای رانتهی به شبکه بانکی کشور، و تصمیمات «خلق‌الساعة» عوامل بیرونی هستند که وضعیت بانک‌ها را با بحران مواجه کرده‌اند. از سوی دیگر، فساد ساختاری، ناکارآمدی مدیران بانکی و ناتوانی برخی در مدیریت منابع و مصارف بانکی از مهم‌ترین علل درونی تشدید بحران در نظام بانکی هستند. تحلیلگران مالی و پولی سال‌هاست درباره عدم سلامت و شفافیت در نظام بانکی ایران هشدار داده و نفوذ مافیایا در ساختار بانکی و اقدامات رانتهی بانک‌ها را تهدیدی جدی

از میان ۲۷ بانک و مؤسسه اعتباری فعال در کشور، تنها ۱۳ بانک از حداقل نسبت «کفایت سرمایه» استاندارد (۸ درصد) برخوردارند، یعنی بیش از نیمی از شبکه بانکی ایران از نظر شاخص‌های پایه‌ای سلامت مالی در وضعیت قرمز یا هشدار قرار دارند.

نداشتن کفایت سرمایه از سوی بانک‌ها بطور مشخص «محافظت از سپرده‌گذاران» را با ریسک روبرو می‌کند و سبب می‌شود بانک‌ها نتوانند سپرده بانکی مشتری‌ها را پرداخت کنند.

کارشناسان معتقدند، ریشه از دست رفتن کفایت سرمایه در بیش از نیمی از بانک‌های ایران را باید در فرآیند ناسالم تأسیس و شبکه رانتهی شکل‌گیری برخی مؤسسات و بانک‌ها، و نفوذ مافیایا به روند فعالیت بانک‌ها جستجو کرد.

آمارهای رسمی از وضعیت بحرانی نظام بانکی جمهوری اسلامی حکایت دارد. در کنار پرونده‌های انباشته از فساد و تخلفات بانکی، از ۲۷ بانک کشور، ۱۴ بانک اصلاً کفایت سرمایه ندارند.

بر اساس آمارهای رسمی اعلام شده، از میان ۲۷ بانک و مؤسسه اعتباری فعال در کشور، تنها ۱۳ بانک از حداقل نسبت «کفایت سرمایه» استاندارد (۸ درصد) برخوردارند، یعنی بیش از نیمی از شبکه بانکی ایران از نظر شاخص‌های پایه‌ای سلامت مالی در وضعیت قرمز یا هشدار قرار دارند. طبق مقررات بانک مرکزی، نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها نباید کمتر از ۸ درصد باشد. بر اساس آخرین آمارها، بانک «آینده» با نرخ کفایت سرمایه ۱۵۶/۹ درصد پایین‌ترین نسبت را در بین بانک‌ها دارد و بانک‌های «دی»، «شهر»، «پارس‌بان»، «سرمایه»، «گردشگری» و «ایران‌زمین» نرخ کفایت سرمایه منفی دارند. «مؤسسه اعتباری ملل»، بانک‌های «صادرات»، «تجارت»، «اقتصاد نوین»، «پست بانک» و «رسالت» هم نرخ کفایت سرمایه کمتر از ۸ درصد را به ثبت رسانده‌اند. کفایت سرمایه یکی از شاخص‌های مهم برای بانک‌ها و

زمستان با بحران عمیق کمبود گاز فرا می‌رسد!



انرژی ترغیب کرد، آثار آن در مدیریت ناترازی انرژی و افزایش پایداری شبکه در ماه‌های پیش‌رو، به‌ویژه در فصل زمستان، قابل توجه خواهد بود.

محمدجعفر قائم‌پناه معاون اجرایی مسعود پزشکیان نیز کمبود گاز در پاییز و زمستان پیش رو را تأیید کرده و گفته این کمبود روزانه ۱۰۰ میلیون مترمکعب است.

پیشتر نیز کارشناسان نسبت به بحران کمبود گاز در ماه‌های آینده هشدار داده بودند. آرش نجفی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران اعلام کرده: «در سال‌های گذشته بطور متعارف حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب روزانه کسری گاز داشتیم که با حوادثی که در جنگ رمضان [جنگ ۴۰ روزه اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی] برای ما رخ داد، در حال حاضر بیش از ۴۵۰ میلیون مترمکعب کسری گاز داریم».

آرش نجفی افزوده، در ماه‌های آینده ضمن اینکه صنعت مواجهه با محدودیت مصرف گاز خواهد شد، احتمالاً بخش‌هایی از واحدهای مسکونی، تجاری و اداری در کشور نیز به طور منطقه‌بندی‌شده با قطع مودی و جایگزینی آن با سوخت مایع روبرو خواهند شد. سعید تاجیک، رئیس «کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق بازرگانی تهران»، نیز درباره تأمین گاز در زمستان امسال ابراز نگرانی کرده و با اشاره به جیره‌بندی برق گفته بود: «نگرانی اصلی اکنون به تأمین گاز در فصل سرما مربوط می‌شود، زیرا احتمال دارد بحران گاز حتی از ناترازی برق تابستان نیز جدی‌تر باشد».

ایران در حالی که دارنده دومین ذخایر طبیعی گاز جهان پس از روسیه است اما عدم سرمایه‌گذاری و توسعه صنعت گاز در چهار دهه گذشته سبب شده وزارت نفت حتی نتواند به میزان نیاز داخلی کشور گاز استخراج و تولید کند.

همچنین بر اساس ادعای مقامات حکومتی حدود یک سوم از ظرفیت تولید گاز ایران که معادل ۲۳۰ میلیون مترمکعب است در جریان جنگ آمریکا با جمهوری اسلامی کاهش یافته است. بر اساس این ادعا پیشتر ایران حدود ۷۵۰ تا ۷۶۰ میلیون مترمکعب گاز تولید می‌کرد اما این ظرفیت در حال حاضر به حدود ۵۰۰ میلیون مترمکعب کاهش یافته است.

● تابستان و بحران کمبود برق هنوز به پایان نرسیده که زنگ خطر کمبود گاز در پاییز و زمستان پیش رو به صدا درآمده است.

● مسعود پزشکیان با اشاره به کمبود انرژی برای فصل پاییز و زمستان گفت: «اگر بتوان جامعه را به اصلاح الگوی مصرف و کاهش تنها ۱۰ درصد مصرف انرژی ترغیب کرد، آثار آن در مدیریت ناترازی انرژی و افزایش پایداری شبکه در ماه‌های پیش‌رو، به‌ویژه در فصل زمستان، قابل توجه خواهد بود».

● حمید حسینی، سخنگوی «اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران»: دولت مسعود پزشکیان به دنبال اجرای طرح کارت انرژی برای هر خانواده است که شامل سهمیه بنزین، گاز و برق باشد.

● بر اساس ادعای مقامات حکومتی حدود یک سوم از ظرفیت تولید گاز ایران که معادل ۲۳۰ میلیون مترمکعب است در جریان جنگ آمریکا با جمهوری اسلامی کاهش یافته است.

● آریا صادقی‌نیت حقیقی، رئیس «کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی»: چشم‌انداز تأمین گاز برای زمستان چندان امیدوارکننده نیست. اصل وجود ناترازی قابل انکار نیست، اما انتظار فعالان صنعتی این است که دولت با برنامه‌ریزی، آثار منفی آن را تا حد امکان کاهش دهد، نه اینکه بار اصلی کمبود انرژی را بار دیگر بر دوش صنایع بگذارد.

تابستان و بحران کمبود برق هنوز به پایان نرسیده که زنگ خطر کمبود گاز در پاییز و زمستان پیش رو به صدا درآمده است. مسعود پزشکیان خواستار طراحی ساز و کارهای انگیزشی و جلب مشارکت مردم برای کاهش مصرف انرژی شده است.

مسعود پزشکیان در نشست «ستاد ملی مدیریت مصرف آب و انرژی» با اشاره به کمبود انرژی برای فصل پاییز و زمستان گفت: «اگر بتوان با فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی صحیح و ارائه شفاف داده‌ها و واقعیت‌های موجود، جامعه را به اصلاح الگوی مصرف و کاهش تنها ۱۰ درصد مصرف

نشده بودند که مجموع تعهدات رفع‌نشده آنان حدود ۹۴ میلیارد یورو برآورد شده است.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور افزود: «این افراد در سه گروه دسته‌بندی شدند؛ ۲۲۵ شخص دارای بیش از ۵۰ میلیون یورو تعهد رفع‌نشده، ۲ هزار و ۸۲۷ شخص دارای تعهد بین ۳ تا ۵۰ میلیون یورو بودند و ۱۷ هزار و ۶۲۴ شخص نیز کمتر از ۳ میلیون یورو تعهد رفع‌نشده ارزی داشتند».

او همچنین گفت: «۲۱۹ شخص حقیقی، حقوقی و شبه‌دولتی با مجموع حدود ۲۳/۵ میلیارد یورو تعهد رفع‌نشده، به اتهام اخلاص در نظام اقتصادی به مراجع قضایی معرفی شده‌اند» و «یک تراستی ۲۰۰ میلیون دلار از سرمایه کشور را برنگرداند و از کشور هم خارج شد».

اکنون وبسایت «اقتصاد ۲۴» با اشاره به آماری که از عدم کفایت سرمایه بیش از نیمی از بانک‌های کشور حکایت دارد نوشته: «رسوب طولانی‌مدت منابع ارز کشور نزد برخی کارگزاران، عدم اخذ وثایق کافی و کارشناسی‌نشده و تعلل در پیگیری‌های حقوقی و قضایی، باعث شده میلیاردها دلار از منابع ارزی کشور معطل یا در مخاطره قرار گیرد».

در این گزارش آمده: «چرا باید ناظر پولی کشور منتظر ورود دستگاه‌های بیرون از مجموعه مانند تا انضباط را به حوزه ارزی بازگرداند؟»

بر اساس این گزارش، ناترازی شبکه بانکی را نمی‌توان صرفاً یک مشکل حسابداری یا ضعف در صورت‌های مالی بانک‌ها دانست. وقتی بانکی سرمایه کافی ندارد، همزمان با افزایش مطالبات غیرجاری، دارایی‌های منجمد و تعهدات پرریسک، توان آن برای پرداخت تسهیلات سالم کاهش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، بانک برای جبران کسری خود ممکن است به خلق نقدینگی بیشتر، افزایش بنگاه‌داری، تکیه بر منابع بانک مرکزی یا سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی مانند ملک و شرکت‌ها روی بیاورد؛ چرخه‌ای که در نهایت هزینه آن به کل اقتصاد منتقل می‌شود.

در بخش دیگری از این گزارش به ارتباط میان بحران سرمایه بانک‌ها، انحراف تسهیلات، بنگاه‌داری و تورم اشاره شده است: «منابعی که باید به سمت تولید و سرمایه‌گذاری مولد بروند، در دارایی‌های کم‌تحرك یا فعالیت‌های سوداگرانه قفل می‌شود و در مقابل، بنگاه‌های واقعی و خانوارها برای دریافت تسهیلات با محدودیت بیشتری مواجه می‌شوند. نتیجه نیز چیزی جز کاهش قدرت وام‌دهی سالم بانک‌ها، تشدید فشار بر منابع پولی و افزایش شکنندگی اقتصاد نخواهد بود».

آمار زیان انباشته در بانک‌های ایران نیز قابل توجه است. بر اساس آماری که طی روزهای گذشته افشا شد، بانک «سرمایه» در حالی با سرمایه اسمی ۴۰۰ میلیارد تومانی فعال است که زیان انباشته آن به بیش از ۷۵ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان رسیده و نسبت کفایت سرمایه‌اش تا منفی ۲۵۷ درصد سقوط کرده است؛ اعدادی که از یک ناترازی معمولی فراتر رفته و نشانه‌های یک بحران تمام‌عیار را آشکار کرده‌اند.

کارشناسان تأکید دارند، بحران در نظام بانکی را نمی‌توان با افزایش صوری سرمایه یا واگذاری محدود چند شرکت و ملک حل کرد. اگر دارایی‌های مسئله‌دار، مطالبات معوق، تسهیلات مرتبط با اشخاص و شرکت‌های وابسته و تعهدات ارزی همزمان تعیین تکلیف نشوند، ناترازی تنها از یک ترازنامه به ترازنامه دیگر منتقل خواهد شد.

از سوی دیگر تأکید می‌شود که بحران در ساختار بانکی جمهوری اسلامی نه یک مشکل درون‌صنفي، بلکه یکی از مسیرهای اصلی انتقال این بحران به روند تورم، بازار ارز و سرمایه‌گذاری است.

علی فتحعلی‌زاده، مسئول «پروژه‌های مشارکت عمومی و خصوصی شرکت ملی نفت ایران»، معتقد است: «ناترازی گاز در ایران را باید در خارج جست‌وجو کرد»

و صنعتی کشور تحت فشار ناشی از قطعی انرژی و تورم سنگین قرار گرفته‌اند.»

با اینهمه بحران موجود در اقتصاد به ابزار جدل میان دولت و مجلس شورای اسلامی تبدیل شده است. غلامرضا نوری قزله وزیر جهاد کشاورزی هفته گذشته به نشست کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی فراخوانده شد. در نشست کمیسیون کشاورزی مجلس، حدود ۲۰ سوال از غلامرضا نوری قزله پرسیده که به دلیل عدم اقتناع نمایندگان، ۹ مورد از این سوالات جهت بررسی بیشتر به صحن علنی مجلس ارجاع گردید.

وزیر جهاد کشاورزی اکنون در معرض گرفتار کارت زرد از نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار دارد و طی روزهای آینده باید برای پاسخگویی به نمایندگان به صحن علنی مجلس شورای اسلامی برود. او اما سراسیمه امروز، دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵، نشستی خبری برگزار کرد تا مواضع خود

تورم را از کانال ۳۰ - ۴۰ درصد به ۸۰ درصد رسانده‌اند. در این میان چشم‌انداز اقتصاد کشور از بین رفته و سبب هجوم به بازارهای دارایی می‌شود.

در این میان شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز بطور پیوسته با نقد سیاست‌های اقتصادی دولت پزشک‌یان نسبت به پیامدهای تورم و فقر گسترده در جامعه هشدار می‌دهند.

حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی پیشتر با اشاره به بازار ارز چندنرخه در ایران توضیح داده بود که دولت ارز مورد نیاز واردات را به واردکنندگان اختصاص نمی‌دهد و در نتیجه واردات کالاها از طریق بازارهای ارزی که نرخ آنها به نرخ بازار آزاد نزدیک است صورت می‌گیرد. افزایش هزینه واردات با ارز گرانتر هم به معنای افزایش قیمت کالاهای وارداتی، یا کالاهای تولید داخل است که مواد اولیه آنها از طریق واردات عرضه می‌شود.

➔ رشد اقتصادی منفی و بیکاری گسترده‌تر شده، و جمعیت فقیر در کشور به صورت تصاعدی در حال افزایش است.

طی روزهای گذشته یک طرح سه فوریتی با عنوان «قانون اقتصاد مقاومتی» با هدف «نجات اقتصاد ایران» در مجلس شورای اسلامی به جریان افتاده است. پیمان فلسفی، نماینده تهران در مجلس شورای و کارشناس اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، درباره این طرح گفته که اقتصاد کشور نیازمند جراحی واقعی است و مسئله تورم و معیشت با شوک درمانی‌های مقطعی حل نمی‌شود.

این نماینده مجلس شورای اسلامی به خطر تثبیت نشدن نرخ ارز و تاثیر مستقیم گران شدن سوخت بر هزینه تولید غذا اشاره کرده و خواستار تصویب اضطراری قانونی برای نجات اقتصاد شده است.

جدا از اینکه طرح‌های مجلس شورای اسلامی و دولت



درباره مشکلات اقتصادی را روشن کند. وزیر جهاد کشاورزی اعلام کرد: «دولت طی دو سال گذشته هیچ روز آرامی نداشته و هر لحظه درگیر یک حادثه بوده است و در حال حاضر نیز با وجود محاصره دریایی، جنگ با شدت ادامه دارد.»

غلامرضا نوری قزله با این ادعا که جنگ عامل افزایش قیمت مواد غذایی است گفت: «در امنیت غذایی و موجودی کالاها مشکلی نداریم، اما قبول دارم به خاطر جنگ و محاصره دریایی هزینه‌ها بالا رفته است.»

نمایندگان مجلس شورای اسلامی تهدید می‌کنند که در برابر کابینه مسعود پزشک‌یان ابراهیمی چون تذکر شفاهی، تذکر کتبی، سوال و در نهایت استیضاح را در اختیار دارند و در صورت کم‌کاری وزرا این ابزار را به کار خواهند گرفت.

در آنسوی جدل قدرت میان جریان‌های سیاسی درون حکومت، وقتی شاخص فلاکت در اقتصاد یک کشور به نرخ بالای ۹۰ می‌رسد و فقر الگوی زندگی و فرهنگ مردم را متأثر می‌کند و طرح «سه فوریتی» برای نجات اقتصاد کشور در مجلس شورای اسلامی مطرح می‌گردد، یک پیام روشن مخابره می‌شود: اقتصاد ایران در وضعیتی شکننده قرار گرفته و بار اصلی این بحران بر زندگی و سفره خانوارها تحمیل شده است.

وی هشدار داده بود: «احتمالا در صورتی که این روند ادامه داشته باشد طی یک تا دو ماه آینده شاهد موج جدیدی از تورم خواهیم بود که دلیل اتفاق افتادنش هم عمدتاً تحت تأثیر نرخ ارزی است که الان افزایش پیدا کرده است و ربط چندانی به کسری بودجه و نقدینگی ندارد، چرا؟ چون افزایش نرخ ارز مستقیماً قیمت کالاها را بالا می‌برد.»

حسین صمصامی روز گذشته نیز در گفتگو با وبسایت «دیده‌بان ایران» بار دیگر با نقد عملکرد اقتصادی دولت پزشک‌یان گفت: «ما محاسبه کردیم با این افزایش نرخ‌های ارز رسمی و حذف ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، عملاً بیش از پنج میلیون تومان در ماه از جیب هر فرد ایرانی برداشته می‌شود، در حالی که یک میلیون تومان به عنوان کالابری به مردم داده می‌شود.»

حسین صمصامی افزوده، سیاست‌های اقتصادی که اکنون در دولت در حال اجراست، مشابه سیاست‌هایی است که دولت در دی‌ماه سال گذشته اجرا کرد و به اعتراضات ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه منجر شد.

در این میان مقامات دولت پزشک‌یان نیز به شرایط بحرانی اقتصاد اعتراف می‌کنند اما جنگ را عامل اصلی بروز بحران اعلام می‌کنند. مسعود پزشک‌یان هفته جاری با اشاره به بحران کمبود انرژی اعلام کرد: «بسیاری از واحدهای تولیدی

برای بهبود شرایط اقتصادی همواره بی‌حاصل بوده است اما «سه فوریتی» بودن این طرح اقتصادی با توجه به اینکه طرح‌های سه فوریتی برای مسائل حیاتی حکومت و در مقاطع بسیار حساس مطرح می‌شوند نشانه دیگری از وضعیت شکننده اقتصاد ایران است.

کارشناسان اقتصادی نیز طی هفته‌های گذشته با زبانی شفاف‌تر از پیش نسبت به شرایط اقتصاد ایران هشدار داده‌اند. فرشاد مومنی، اقتصاددان و استاد دانشگاه نزدیک به جریان کارگزاران، در اظهاراتی هشداردهنده عنوان کرده که ایران عملاً وارد مرحله «ابرتورم» شده و شاخص‌های معیشتی نشان‌دهنده ورود جامعه به دوره «فلاکت» است. مسعود نبلی اقتصاددان نیز هفته گذشته هشدار داد که کشور در سال جاری ممکن است «رکود تاریخی رکود تورمی» را پیشکند. او همچنین با اشاره به پیامدهای اقتصادی خروج آمریکا از برجام گفته که ۱۰/۵ میلیون نفر به زیر خط فقر مردم اضافه شدند!

محمد صادق الحسینی دیگر اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی نیز به تازگی در یک گفتگو اعلام کرده که تورم ماندگار است و تا پایان سال سه‌رقمی می‌شود. به عقیده او، دو موتور ایجاد تورم «ارز ترجیحی و کسری بودجه دولت» و «عدم انجام اصلاحات انرژی» همچنان روشن هستند و

تحمیل بار کمبود بنزین به تنگدستان با قطع سهمیه سوخت اتومبیل‌های فرسوده؛ مالکان اتومبیل: توان خرید اتومبیل نو نداریم!



● یکی از عجیب‌ترین اقدامات دولت پزشک‌پسندان برای حل بحران کمبود بنزین، قطع ناگهانی سهمیه سوخت اتومبیل‌های فرسوده بدون فراهم کردن ساز و کار نوسازی اتومبیل‌ها یا حمایت از مالکان برای تعویض اتومبیل‌های فرسوده است.

● بر اساس طرح جدید دولت، اتومبیل‌هایی که بیش از ۲۰ سال عمر دارند در دسته «خودروهای فرسوده» قرار می‌گیرند و از برخی خدمات از جمله سهمیه کامل بنزین محروم می‌شوند.

● این طرح با واکنش عمومی مردم به ویژه مالکان اتومبیل‌های فرسوده روبرو شده است. در شبکه‌های اجتماعی کارزاری به نام «اعتراض به طرح غیرمنطقی قطع سهمیه بنزین خودرو تولید سال ۸۵ و قبل آن» راه‌اندازی شده است.

● کارشناسان معتقدند سیاست حذف سهمیه سوخت ماشین‌های فرسوده بدون فراهم کردن امکان واقعی نوسازی، بیش از آنکه یک سیاست زیست محیطی باشد، فشار اقتصادی را بر گروه‌های کم‌درآمد و صاحبان اتومبیل‌های قدیمی افزایش می‌دهد.

● میزان اثرگذاری این طرح بر جبران کسری بنزین نیز مورد بحث است و به نظر نمی‌رسد طرح ضربتی قطع سهمیه بنزین اتومبیل‌های فرسوده بخش قابل توجهی از کسری روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین در ایران را جبران کند!

بحران کمبود بنزین در شرایطی که ظرفیت تولید در داخل محدود است و محاصره دریایی ایران توسط ارتش ایالات متحده امکان واردات بنزین را مختل کرده، وارد مرحله‌ای جدیدی شده است. دولت برای حل این بحران اقداماتی را در دستور کار قرار داده که یکی از عجیب‌ترین آنها قطع ناگهانی سهمیه سوخت اتومبیل‌های فرسوده بدون فراهم کردن ساز و کار نوسازی اتومبیل‌ها یا حمایت از مالکان برای تعویض اتومبیل‌های فرسوده است.

طرح جدید دولت اتومبیل‌هایی که بیش از ۲۰ سال عمر دارند در دسته «خودروهای فرسوده» قرار می‌دهد و از برخی خدمات از جمله سهمیه کامل بنزین محروم می‌شوند. بر اساس این طرح، اتومبیل‌های سواری بنزینی که بیش از ۲۰ سال از زمان تولید آنها گذشته باشد، «در گروه خودروهای فرسوده قرار می‌گیرند و با محدودیت‌های تازه‌ای مواجه خواهند شد.»

یکی از مهم‌ترین تغییرات پیش‌بینی‌شده، حذف سهمیه بنزین یارانه‌ای برای این اتومبیل‌ها است. بر این اساس، «خودروهای فرسوده سهمیه بنزین با نرخ اول و دوم را دریافت نخواهند کرد و صدور یا فعال‌سازی کارت سوخت آنها تنها در صورت ثبت‌نام در سامانه جایگزینی خودروهای فرسوده امکان‌پذیر خواهد بود.»

همچنین این اتومبیل‌ها اجازه مسافركشی و یا فعالیت در تاکسی‌های اینترنتی را نخواهند داشت. تردد اتومبیل‌های فرسوده در کلانشهرها نیز با محدودیت همراه خواهد شد. از سوی دیگر نقل و انتقال و تعویض پلاک این اتومبیل‌ها در شهرهای بزرگ ممنوع می‌شود و تخلفات آنها از طریق دوربین‌های نظارتی ثبت و مشمول جریمه خواهد شد. این طرح با واکنش عمومی مردم به ویژه مالکان

خودروهای فرسوده محقق نمی‌شود و عواملی مانند تعداد خودروها، جمعیت دارای گواهینامه و میزان سفرهای شهری و بین‌شهری نقش مهم‌تری در تعیین میزان مصرف دارند. وی با اشاره به اینکه «حدود ۱۳ درصد خودروهای سواری کشور بیش از ۲۰ سال عمر دارند و حدود ۲۲ درصد نیز در گروه سنی ۱۵ تا ۲۰ سال قرار می‌گیرند»، گفته: «هر دو گروه از محدودیت‌های جدید متأثر خواهند شد.» به اعتقاد او، برای ارزیابی این سیاست باید همزمان دو موضوع «صنعت خودرو» و «مصرف سوخت و صنعت پالایشگاهی» را بررسی کرد.

این پژوهشگر اقتصادی معتقد است: «پیش‌فرض سیاست‌گذار این است که صاحبان خودروهای فرسوده می‌توانند خودروی جدید بخرند؛ در حالی که بخش قابل توجهی از این خانوارها چنین توان مالی‌ای ندارند.» او گفته: «اگر سیاست‌گذار می‌داند صاحبان خودروهای فرسوده توان خرید خودروی جدید را ندارند، درواقع باید بپذیرد که اجرای چنین سیاستی می‌تواند وسیله معاش بخشی از مردم را از آنها بگیرد» و «افزایش هزینه سوخت خودروهای قدیمی در شرایطی که تورم و هزینه‌های زندگی بالاست، فشار بیشتری بر خانوارهای کم‌درآمد وارد می‌کند؛ به ویژه آندسته از صاحبان خودرو که از وسیله نقلیه برای امرار معاش استفاده می‌کنند.»

در آنسو میزان اثرگذاری این طرح بر جبران کسری بنزین نیز مورد بحث است. حمید حسینی، سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی، به تازگی کمبود روزانه بنزین در ایران را ۲۰ میلیون لیتر اعلام کرده و گفته: «حداکثر ظرفیت تولید پالایشگاه‌های کشور حدود ۱۱۰ میلیون لیتر در روز است، در حالی که مصرف روزانه بنزین به حدود ۱۳۰ میلیون لیتر می‌رسد.»

او افزود: «این اختلاف به معنای کسری روزانه نزدیک به ۲۰ میلیون لیتر بنزین است؛ شکافی که فشار زیادی بر نظام تأمین سوخت وارد کرده و مدیریت آن را با دشواری‌های فراوان همراه ساخته است.»

اتومبیل‌های فرسوده روبرو شده است. در شبکه‌های اجتماعی کارزاری به نام «اعتراض به طرح غیرمنطقی قطع سهمیه بنزین خودرو تولید سال ۸۵ و قبل آن» راه‌اندازی شده است. منتقدان می‌گویند، اجرای این طرح در شرایطی که بخش قابل توجهی از صاحبان ماشین‌های قدیمی توان مالی خرید اتومبیل جدید را ندارند، می‌تواند هزینه نوسازی ناوگان را بر دوش خانوارهای کم‌درآمد بگذارد.

قیمت اتومبیل در ایران طی دو سال گذشته با افزایش نجومی روبرو شده است. برای نمونه انتشار آگهی فروش یک دستگاه «پراید ۱۱۱» هاجیک با کارکرد صفر و قیمت یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان، نشان می‌دهد خانوارهای کم‌درآمدی که حقوق ماهانه آنها حتی کفاف تأمین هزینه‌های ضروری زندگی را نمی‌دهد، با سال‌ها انتظار هم توان پس‌انداز مبلغی برای تعویض اتومبیل فرسوده خود را نخواهند داشت. در چنین شرایطی نتیجه اجرای این طرح دولت در عمل به معنای گرفتن امکان استفاده از اتومبیل‌هایی ولو فرسوده از خانوارهای کم‌درآمد است.

اگرچه در بسیاری از کشورها اتومبیل‌های فرسوده از رده خارج می‌شوند اما در همه این کشورها ساز و کارهایی برای حمایت از مالکان جهت تعویض اتومبیل فرسوده اجرا می‌شود. جمهوری اسلامی اما در این زمینه هم بار و هزینه از رده خارج کردن اتومبیل‌های فرسوده را به خانوارهای کم‌درآمد تحمیل کرده و آنها را بیش از پیش به زیر خط فلاکت می‌راند.

کارشناسان نیز معتقدند سیاست حذف سهمیه سوخت ماشین‌های فرسوده بدون فراهم کردن امکان واقعی نوسازی، بیش از آنکه یک سیاست زیست محیطی باشد فشار اقتصادی را بر گروه‌های کم‌درآمد و صاحبان اتومبیل‌های قدیمی افزایش می‌دهد.

ابوالفضل گرمابی، پژوهشگر اقتصادی، در گفتگو با وبسایت «آتیه‌آتلاین» بر تبعات این تصمیم برای اقشار ضعیف تأکید کرده و گفته: «کاهش مصرف بنزین نیز لزوماً از مسیر افزایش قیمت سوخت یا حذف سهمیه

درگذشت توفیق ممتاز حامی پیگیر فعالیت‌های فرهنگی و هنری



بخش آتلیه آن هنر خود را در صفحه آرایی یک روزنامه نوین به نمایش گذاشت. علاقه توفیق به روزنامه و مجله و کتاب او را به تاسیس یک چاپخانه هرچند کوچک اما فعال در لندن سوق داد که پس از توقف فعالیت انتشاراتی، آن را به یک کافه مدرن و مد روز در منطقه توریستی کمدن تاون لندن تبدیل کرد.

توفیق از روز نخست برپایی کانون ایران در بیش از چهل سال پیش از اعضای دایم و موثر آن شد و کمتر گردهمایی آن بود که توفیق در آن شرکت نداشته باشد و بی پروا نظرات سیاسی و فرهنگی خود را در آن مطرح نکند.

او همواره متواضعانه در آخرین ردیف صندلی‌های سالن کتابخانه کزنیگتون مکان برگزاری این گردهمایی‌ها می‌نشست و صندلی ویژه خودش را داشت و با سخنرانی‌هایش هم مجلس را به شوق و شور و گاهی هم به آشوب دوستانه می‌کشید.

در سالهای اخیر توفیق تنها در محافل ادبی و تئاترها و نمایش فیلمهای ایرانی حضور می‌یافت و در پایان آنها با یادآوری و بیان خاطرات بیشمار خود از آنچه که ایرانیان از دوران پهلوی دوم در عرصه‌های هنری داشتند و آنچه امروز در این صحنه در کشورمان می‌گذرد تلخکامی خود را با نسل جوان در میان می‌گذاشت، اما فردای میهن را روشن می‌دید.

حوزه انرژی، بدینوسیله نگرانی عمیق خود را از زمره‌های افزایش قیمت بنزین ابراز می‌داریم. ما بر این باوریم که تحمیل هزینه‌های ناشی از ناکارآمدی ساختارهای مدیریتی در زنجیره تأمین و مصرف انرژی به اقشار کم‌برخوردار و سفره‌های مردم، نه تنها راه‌حلی برای برون‌رفت از بحران فعلی نیست، بلکه موجب تشدید فشارهای تورمی، تعمیق شکاف‌های طبقاتی و کاهش تاب‌آوری اجتماعی خواهد شد. لذا تأکید داریم که «اصلاح قیمت» نباید به عنوان نخستین و ساده‌ترین گزینه در دستور کار قرار گیرد، چراکه در غیاب اقدامات زیرساختی، تنها به تضعیف معیشت عمومی منجر می‌شود.»

احمد وحدت‌خواه - روز جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵ جامعه ایرانیان مقیم انگلستان یکی از چهره‌های محبوب فرهنگی و هنری خود را از دست داد.

توفیق ممتاز برادر تقی مختار روزنامه‌نگار و بازیگر ایرانی، پس از یک بیماری کوتاه اما شدید سرطان ریه، جهان را ترک کرد و هر ایرانی را که حتی لحظه‌ای با او دمخور و آشنا بود سوگوار ساخت. نوشتن در مورد توفیق و شخصیت اجتماعی و فرهنگی او کار آسانی نیست. نه به دلیل آنکه او فردی گوشه‌گیر و انزواطلب بود، بلکه برعکس، چون توفیق به نوعی در همه زمینه‌های زندگی جامعه ایرانیان ساکن لندن حضور داشت. توفیق ممتاز پیش از وقوع فاجعه انقلاب اسلامی در ایران شرکت تبلیغاتی «سبز ایران» را تأسیس کرده بود که بسیاری آگهی‌های تجاری رادیو و تلویزیونی آن دوران را تهیه می‌کرد. انتخاب این نام در روزگاری که «سبز» هنوز به عنوان نمادی از نوآوری و سازندگی در عصر نوین باشد گویای پیشگامی توفیق در آوردن ایده‌های جدید به دنیای اقتصادی ایران بود. او در کنار فعالیت‌های شرکتش، همچنان پرشور با نوشتن سناریو و نقدهای هنری در دنیای سینمای آوانگارد ایران حضور داشت.

پس از مهاجرت به انگلیس، توفیق همراه کادر برجسته نویسندگان و خبرنگاران ایرانی به کیهان لندن پیوست و در

محمد بهرامی، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به نرخ‌هایی بین ۴۰ تا ۷۰ هزار تومان برای بنزین در صورت اجرای طرح افزایش قیمت، اعلام کرده: «نرخ هزینه تولید خیلی بالاتر از این است. به نظر من نرخ واردات هم احتمالاً از ۵۰ هزار تومان بالاتر است و واقعیت من نرخ ۷۰ هزار تومان را هم شنیده‌ام. با این وجود نرخ بنزین باید طوری باشد که منافع ملت پایمال نشود.»

پیامدهای افزایش قیمت بنزین و تحمیل هزینه سوخت به خانوارهای کم‌درآمد سبب ایجاد کارزاری توسط شماری از کارشناسان انرژی و دیگر شهروندان شده است. در متن این کارزار آمده «به عنوان جمعی از دغدغه‌مندان و متخصصان

از سوی دیگر، وبسایت «فرارو» هفته گذشته در گزارشی اعلام کرد ادامه روند فعلی ناهمخوانی تولید و مصرف بنزین در ایران می‌تواند کمبود روزانه این سوخت را تا سال ۱۴۰۸ به بیش از ۳۰ میلیون لیتر برساند. وبسایت «فرارو» محاسبه کرده که تا سه سال دیگر مصرف روزانه بنزین به حدود ۱۶۲ میلیون لیتر خواهد رسید، در حالی که تولید، به شرط جبران خسارت‌های ناشی از جنگ، حدود ۱۲۹ میلیون لیتر در روز خواهد بود.

این گزارش با بررسی روند تولید و مصرف بنزین طی دو دهه گذشته نوشت سیاست‌هایی مانند سهمیه‌بندی و افزایش قیمت، تنها در مقطعی رشد مصرف را کاهش داده‌اند و نتوانسته‌اند تغییر پایداری در روند مصرف ایجاد کنند. با وجود افزایش ظرفیت پالایشی و بهره‌برداری از طرح‌هایی مانند پالایشگاه ستاره خلیج فارس، رشد مصرف بار دیگر از افزایش تولید پیشی گرفته است.

در چنین شرایطی به نظر نمی‌رسد طرح ضربتی قطع سهمیه بنزین اتومبیل‌های فرسوده بخش قابل توجهی از کسری بنزین در ایران را جبران کند!

در همین رابطه مهدی حسینی کارشناس حوزه نفت نیز در گفتگو با وبسایت «آتیه‌آنلاین» توضیح داده که این سیاست به تنهایی نمی‌تواند ناترازی سوخت را حل کند: «فرسودگی ناوگان علاوه بر مصرف بالای سوخت، به تشدید آلودگی هوا منجر شده و اصلاح این وضعیت نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ در حوزه تولید و کیفیت خودرو، واردات، مدیریت ترافیک و حمل‌ونقل عمومی و نحوه تخصیص یارانه سوخت است.»

او معتقد است نمی‌توان فقط به دلیل پایین بودن توان مالی بخشی از مردم، تداوم استفاده از اتومبیل‌های پرمصرف و آلاینده را پذیرفت؛ بلکه باید همزمان شرایطی برای دسترسی مردم به ماشین‌های باکیفیت‌تر فراهم شود: «اگر خودروهای فرسوده همچنان در خیابان‌ها تردد کنند، صرف حذف یارانه سوخت، مسئله ناترازی را برطرف نخواهد کرد. از سوی دیگر، یارانه پایین سوخت و افزایش مصرف، در شرایط محدودیت منابع ارزی می‌تواند کشور را به واردات بیشتر بنزین وابسته کند.»

محمدصادق مهرجو کارشناس حوزه نفت نیز گفته: «مسئله اصلی در سیاست سوخت، نه صرفاً حذف یا حفظ سهمیه خودروهای فرسوده، بلکه نحوه توزیع عادلانه یارانه بنزین است. اختصاص سهمیه به کد ملی به جای خودرو می‌تواند توزیع یارانه را عادلانه‌تر کند و تصمیم‌گیری درباره نگره داشتن یا تعویض خودرو را به خود مردم واگذار کند.»

در این میان طرح‌های مورد نظر مقامات دولت پزشکیان برای حل بحران کمبود بنزین همگی به تشدید فشارهای معیشتی منجر خواهد شد. برای نمونه از ششم مرداد نخستین گام عملی خود را در راستای افزایش قیمت بنزین برداشت و سهمیه دوم بنزین با نرخ سه هزار تومان را از ۷۰ لیتر به ۵۰ لیتر در ماه کاهش داد.

سهمیه دوم بنزین در بهار امسال و پس از آسیب به ذخایر سوخت در حملات نظامی اسرائیل و آمریکا در جنگ با جمهوری اسلامی نیز یکبار دیگر کاهش یافته بود. در اوایل جنگ دولت سهمیه را از ۱۰۰ لیتر به ۷۰ لیتر کاهش داده بود و به این ترتیب اکنون سهمیه دوم بنزین در کمتر از شش ماه نصف شده است.

همچنین خبرهایی درباره احتمال افزایش قیمت بنزین به ۴۰ تا ۷۰ هزار تومان مطرح شده است. مسعود پزشکیان چند روز پیشتر اعلام کرده بود نرخ واردات بنزین برای هر لیتر ۵۰ هزار تومان است و گفته بود دولت به دلیل محاصره دریایی امکان واردات بنزین ندارد.

یک عضو اتاق بازرگانی: ایران در صورت تشدید محاصره دریایی فقط سه ماه دوام می‌آورد



● داوود رنگی، نایب رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی: «فکر نمی‌کنم که ما در یک محاصره شدید دریایی، توان مقابله بیش از سه ماه را داشته باشیم و این به معنی ایجاد کمبود کالا در کشور، به ویژه در حوزه مواد غذایی خواهد بود.»

● «تجربه‌ای که در شش ماه گذشته از مسیر دریایی ترکیه و همچنین مرزهای شرقی پاکستان داشتیم، به هیچ وجه تجربه موفق نبوده است. توان ریلی کشور هرچند در این مدت افزایش پیدا کرده است، اما در نهایت شاید بتواند چیزی در حدود ۱۰ درصد نیاز کالاهای اساسی را از این مسیر تأمین کند.»

● مسعود دانشمند، رئیس کانون شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی: بخش عمده واردات کالاهای اساسی و صادرات محصولات معدنی و پتروشیمی همچنان متکی به بنادر جنوبی است و امکان جایگزینی کامل این مسیرها با بنادر شمالی یا کریدورهای زمینی وجود ندارد.

● مجیدرضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین: هزینه انتقال یک کانتینر از چین به ایران از مسیر دریایی حدود سه هزار دلار است، اما این رقم در مسیر زمینی به حدود ۱۲ هزار دلار می‌رسد.

در حالی که دولت آمریکا فشارها بر جمهوری اسلامی را تشدید و تأکید کرده ابزارهای بیشتری برای اعمال فشار علیه تهران در اختیار دارد، یک عضو اتاق بازرگانی ایران هشدار داده که به علت وابستگی شدید اقتصاد ایران به واردات کالاهای اساسی و مواد اولیه، کشور در برابر تشدید محاصره دریایی بیش از ۳ ماه توان مقابله ندارد.

پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا، بر توانایی نیروی دریایی این کشور برای ادامه محاصره دریایی بنادر ایران برای مدتی نامحدود تأکید کرده است. او در سفر خود به «پاناما» گفت که نیروی دریایی آمریکا می‌تواند با جابجایی و چرخش کشتی‌ها و نیروهای مستقر در منطقه، حضور مورد نیاز خود برای اجرای محاصره را حفظ کند.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری ایالت متحده نیز تهدید کرده که هفته آینده اقدامات اقتصادی بی‌سابقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران اعلام خواهد شد. او گفت: «هفته آینده منتظر اعلامیه‌های بیشتری باشید، چون ما قصد داریم اقداماتی را اعمال کنیم که در تاریخ انزوای اقتصادی یک کشور هرگز دیده نشده است.»

اسکات بسنت فشار جدید را «ترکیبی از انزوای اقتصادی که جهان هرگز مانند آن را ندیده» خوانده که «به همراه ادامه محاصره در تنگه هرمز که اجازه نخواهد داد هیچ چیز به بنادر ایران وارد یا از آن خارج شود.»

فرماندهی مرکزی آمریکا، «سنتکام»، نیز جمعه ۲۳ مرداد اعلام کرد که از زمان اعمال دوباره محاصره علیه بنادر ایران، مسیر ۶۲ کشتی تجاری را تغییر داده، ۳ کشتی را از کار انداخته و برای بازرسی و اطمینان از رعایت محدودیت‌های آمریکا، ۲ کشتی نیرو «هلی‌برن» کرده است.

این اظهارات ساعاتی پس از آن مطرح شده که جمهوری اسلامی دو فروند کشتی اماراتی در تنگه هرمز را هدف قرار داد.

خبرگزاری رویترز نیز روز گذشته گزارش داد که طی روز

غیرنفتی ایران در چهار ماه نخست سال ۱۴۰۵، در پی جنگ و اختلال در مسیرهای حمل و نقل دریایی، حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. ارزش تجارت غیرنفتی در این مدت نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار کمتر از دوره مشابه سال گذشته برآورد شده است.

برخلاف ادعاهای مقامات حکومتی که تلاش داشتند محاصره دریایی را بی‌اثر بر اقتصاد کشور نشان دهند در هفته‌های گذشته بحران‌های مختلفی در پی تداوم محاصره دریایی نمایان شده است. پیشتر گفته شده بود مسیرهای زمینی ترانزیت کالا توان پوشش ۴۰ درصد از بار تجارت بنادر جنوبی کشور را- که در پی محاصره دریایی متوقف شده است- دارد اما در هفته‌های گذشته ساختار اداری ناکارآمد و ناهماهنگی نهادهای مختلف دولتی سبب بروز ترافیک کامیون‌ها و معطلی یک هفته‌ای تا ۱۰ روزه آنها پشت مرزها شد.

مسیر ورود و خروج کالا از ایران در شرایطی نیمه‌مسدود است که فعالان تجاری نیز نسبت به پیامدهای تداوم محاصره دریایی کشور هشدار می‌دهند.

داوود رنگی، نایب رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی، هشدار داده: «فکر نمی‌کنم که ما در یک محاصره شدید دریایی، توان مقابله بیش از سه ماه را داشته باشیم و این به معنی ایجاد کمبود کالا در کشور، به ویژه در حوزه مواد غذایی خواهد بود.»

داوود رنگی افزوده: «اینکه ما فکر کنیم می‌توانیم از مسیرهای دیگری بجز بندر امام [شاهپور]، کالای مورد نیاز کشور و به‌خصوص کالاهای اساسی را تأمین کنیم،

جمعه ۲۳ مرداد تنها دو کشتی از گذرگاه آبی تنگه هرمز عبور کرده است. یک کشتی غلات که وارد آب‌های ایران شد و دیگری یک کشتی فله‌بر خالی که در مسیر مخالف حرکت می‌کرد. رویترز افزوده، یک نفتکش خالی نیز در حال ورود به خلیج فارس بود، اما هیچ محموله نفت خامی در آن نبود. بر اساس این گزارش، روز پنجشنبه نیز تنها ۹ کشتی از این مسیر گذشتند که هرچند نسبت به روز قبل بیشتر بود، اما همچنان بسیار کمتر از میانگین معمول ماه اوت و فاصله‌ای چشمگیر با بیش از ۱۳۰ کشتی روزانه پیش از آغاز جنگ اخیر دارد.

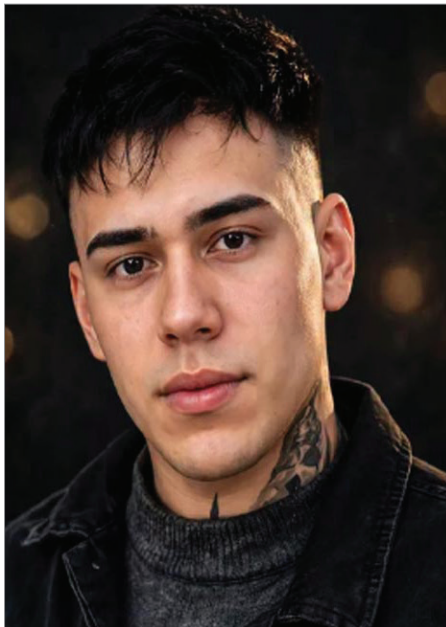
تهدید به تشدید فشارهای اقتصادی بر جمهوری اسلامی در شرایطی مطرح می‌شود که محاصره دریایی ماه‌های گذشته اثر خود را بر اقتصاد شکننده ایران نمایان کرده است. کمبود سوخت از جمله بنزین به مرحله بحرانی رسیده و مسعود پزشکیان به صراحت گفته به علت محاصره دریایی امکان واردات بنزین وجود ندارد.

رئیس دولت جمهوری اسلامی همچنین روز جمعه ۲۳ مرداد در نشست با دبیران کل احزاب و فعالان سیاسی حکومتی اعلام کرد: «درآمدان کاهش یافته و می‌توانیم نفت بفروشیم، مسیر واردات طولانی‌تر شده است.» وی اینهمه را عامل موج گرانی کالاها در کشور عنوان کرد.

او با اشاره به محاصره دریایی گفت، کالاهایی که پیشتر از مسیرهای مستقیم وارد ایران می‌شدند، اکنون باید از مسیرهای طولانی‌تری عبور کنند و این موضوع، هزینه تمام‌شده واردات را افزایش داده است.

همچنین بر اساس آمارهای منتشر شده، ارزش تجارت

جمهوری اسلامی آراین حسینی از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ را اعدام کرد



آراین حسینی

مشترک، معروف به پرونده «میدان علیخانی» تشکیل شد. از میان ۵۹ متهم این پرونده، ۲۳ نفر با وجود تبرئه از برخی اتهامات، همچنان به احکام پنج تا ۱۰ سال زندان محکوم شده‌اند.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی آراین حسینی را متهم کرده که شامگاه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ در میدان علیخانی «با سلاح سرد حضور فعال داشته» و به جسد یکی از مأموران کشته شده لگد زده است. او همچنین به مشارکت در آتش‌زدن یک خیریه متهم شده بود!

در این میان ۱۳ شهروند به اعدام محکوم شدند که حکم اعدام چهار تن از آنها شامل عرفان اسفندیاری، گل محمد محمدی، ابوالفضل سپاهی بادیجانی و امیرحسین صفری حسین‌آبادی پیشتر اجرا شده بود و قائم (آراین) حسینی پنجمین محکوم به اعدام در این پرونده بود که حکم او سحرگاه امروز اجرا شد.

حکم اعدام ابوالفضل سپاهی بادیجانی و امیرحسین صفری حسین‌آبادی سحرگاه سه‌شنبه ششم مرداد ۱۴۰۵ در ملاء عام در میدان علیخانی محله «ملک شهر» اصفهان اجرا شد.

علیرضا سپاهی ۲۵ ساله و از جمله محکومان به اعدام در این پرونده قرار بود به همراه ابوالفضل سپاهی بادیجانی و امیرحسین صفری حسین‌آبادی در ملاء عام اعدام شود اما پیش از اجرای حکم به علت استرس دچار سکته قلبی شد.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داد سخته علیرضا سپاهی همزمان با انتقال این شهروند به محل اجرای حکم رخ داد و مأموران او را به بیمارستان «الزهرا» اصفهان منتقل کردند. علیرضا سپاهی پس از انجام امور اولیه پزشکی بار دیگر به زندان دستگرد اصفهان منتقل شد و اجرای حکم اعدام او به تعویق افتاد.

● قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اجرای حکم اعدام قائم (آراین) حسینی از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ و از محکومان به اعدام در پرونده «میدان علیخانی» اصفهان خبر داد.

● آراین حسینی، تبعه افغانستان، متهم شده بود شامگاه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ در میدان علیخانی «با سلاح سرد حضور فعال داشته» و به جسد یکی از مأموران کشته شده لگد زده است. او همچنین به مشارکت در آتش زدن یک خیریه متهم شده بود!

● حکم اعدام چهار شهروند دیگر محکوم به اعدام در پرونده «میدان علیخانی» شامل عرفان اسفندیاری، گل محمد محمدی، ابوالفضل سپاهی بادیجانی و امیرحسین صفری حسین‌آبادی پیشتر اجرا شده بود.

● علیرضا سپاهی ۲۵ ساله و از جمله محکومان به اعدام در این پرونده قرار بود به همراه ابوالفضل سپاهی بادیجانی و امیرحسین صفری حسین‌آبادی در ملاء عام اعدام شود اما پیش از اجرای حکم دچار سکته قلبی شد و اجرای حکم اعدام او به تعویق افتاد.

● پرونده معروف به پرونده «میدان علیخانی» با اعتراضات شامگاه ۱۸ دی ۱۴۰۴ مرتبط است که در محدوده میدان علیخانی، میان ملک‌شهر و کاوه اصفهان رخ داد. در جریان این اعتراضات چهار نیروی سرکوبگر بسیج و یگان ویژه کشته شدند. قوه قضاییه ۵۹ شهروند را در ارتباط با این پرونده بازداشت و برای ۱۳ شهروند حکم اعدام صادر کرده است.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اجرای حکم اعدام قائم (آراین) حسینی از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ خبر داد. آراین حسینی از جمله شهروندان محکوم به اعدام در پرونده معروف به «میدان علیخانی» بود.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اجرای حکم اعدام قائم (آراین) حسینی در سحرگاه روز پنجشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۵ در زندان دستگرد اصفهان خبر داد.

در خبر منتشر شده از سوی قوه قضاییه، قائم (آراین) حسینی «تبعه خارجی» معرفی شده، اما ملیت او در اطلاعیه رسمی ذکر نشده است. منابع حقوق بشری اما گزارش دادند که این شهروند تبعه افغانستان بوده است.

خبرگزاری «میزان» بدون ارائه اسناد معتبری صدور حکم اعدام علیه آراین حسینی را بر مبنای اعترافات این شهروند اعلام کرده است. این در حالیست که حقوقدانان بارها گزارش داده‌اند که اعتراف‌گیری از شهروندان معترض زیر شکنجه و آزار جسمی و جنسی و روانی به عنوان مستند در پرونده برای صدور حکم اعدام کافی نیست.

پرونده معروف به پرونده «میدان علیخانی» با اعتراضات شامگاه ۱۸ دی ۱۴۰۴ مرتبط است که در محدوده میدان علیخانی، میان ملک‌شهر و کاوه اصفهان رخ داد. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی مدعی شدند در جریان این اعتراضات چهار نیروی بسیج و یگان ویژه به نام‌های حسین رضانی، محمد همتی، سیدعلی خشوعی و ولی‌الله صفری کشته شدند.

پس از این حادثه، ۵۹ نفر بازداشت و برای آن‌ها پرونده‌ای

این امر شدنی نیست.

عضو اتاق بازرگانی ادامه داد: «دروازه‌های گمرکی ما، چه در مرزهای شرقی و چه در مرزهای غربی، آمادگی و توان ورود این حجم از کالا را ندارند؛ چرا که نیاز کشور برای کالاهای اساسی و نهادهای چینی در حدود ۲۳ میلیون تن در سال است. مضاف بر این، اخیراً بنادر شمالی ما نیز به دلیل حملاتی که اوکراین به کشتی‌های حامل کالا به مقصد ایران انجام داده است، دیگر مسیر امنی محسوب نمی‌شود.» داوود رنگی افزود: «تجربه‌ای که در شش ماه گذشته از مسیر دریایی ترکیه (بندر اسکندرون و مرز بازرگان) و همچنین مرزهای شرقی پاکستان داشتیم، به هیچ وجه تجربه موفق نبوده است. توان ریلی کشور هرچند در این مدت افزایش پیدا کرده است، اما در نهایت شاید بتواند چیزی در حدود ۱۰ درصد نیاز کالاهای اساسی را از این مسیر تأمین کند. مضاف بر این، تشکیلات دولتی ما، به خصوص گمرک، دامپزشکی و استاندارد که دستگاه‌های نظارتی هستند، سیستم شان اجازه نمی‌دهد که این حجم از کالا به راحتی ترخیص شود.»

او همچنین گفته که تأمین نیازهای غذایی با تکیه بر توان تولید داخلی نیز ممکن نیست: «کشاورزی ما توان پوشش این حجم از نیاز کشور را ندارد؛ به این معنی که تولیدات کشاورزی ما در حدی نیست که در وضعیت فعلی و با همین مصرف فعلی، بتواند کالاهای ضروری ما از جمله گندم، جو و ذرت را تأمین کند. ما به شدت وابسته به واردات کالا از خارج از کشور هستیم و مسائل آب و هوایی، اقلیم و خشکسالی نیز این وابستگی را تشدید کرده است.» مجیدرضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین، نیز پیشتر هشدار داده بود که انتقال زمینی کالاهای وارداتی از چین می‌تواند سالانه حدود ۱۸ میلیارد دلار هزینه اضافی به اقتصاد ایران تحمیل کند. به گفته او، هزینه انتقال یک کانتینر از چین به ایران از مسیر دریایی حدود سه هزار دلار است، اما این رقم در مسیر زمینی به حدود ۱۲ هزار دلار می‌رسد.

مسعود دانشمند، رئیس کانون شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی، اول خردادماه امسال درباره امکان توسعه مرزهای زمینی تأکید کرده بود: «بخش عمده واردات کالاهای اساسی و صادرات محصولات معدنی و پتروشیمی همچنان متکی به بنادر جنوبی است و امکان جایگزینی کامل این مسیرها با بنادر شمالی با کرایدورهای زمینی وجود ندارد.»

وی همچنین گفته بود، نباید درباره ظرفیت تجاری مرزهای زمینی شعار داد: «مرز افغانستان باری برای ایران ندارد. در مرز ترکمنستان نیز تنها یک مرز جاده‌ای در لطف‌آباد وجود دارد و در بخش ریلی نیز مرز سرخس فعال است که ایران برای عبور کامیون‌های خود هزینه‌هایی می‌پردازد تا بار به مرو منتقل و توزیع شود.»

به گفته مسعود دانشمند، «به دلیل کاهش مداوم سطح آب دریای خزر، امکان ورود کشتی‌های با ظرفیت بزرگ به بنادر شمالی وجود ندارد و تنها کشتی‌هایی با ظرفیت ۲۰۰۰، ۲۵۰۰ و در موارد استثنایی ۴۰۰۰ تن می‌توانند به این بنادر پهلو بگیرند. اگر در هر یک از این اسکله‌ها همت لازم صورت گیرد، می‌توان روزانه ۱۰۰۰ تن عملیات تخلیه یا بارگیری انجام داد که مجموع آن ۳۵ هزار تن در روز خواهد بود. با احتساب ۳۰۰ روز کاری در سال، این ظرفیت به ۱۰ میلیون تن می‌رسد؛ یعنی ظرفیت ۷ میلیون تنی فعلی را می‌توان تا ۵۰ درصد افزایش داد، اما بیش از این مقدار امکان‌پذیر نیست. این تصور که بنادر شمالی بتوانند جایگزین بنادر جنوب شوند و بار آن‌ها را به عهده بگیرند، امکان‌ناپذیر است.»

آلودگی نفتی در سواحل قشم و هنگام: از مردم و جنگل «حرا» تا لاک‌پشت‌های پوزه عقابی و دلفین‌ها در خطرند!



آن مشخص نیست، ولی احتمال دارد بر اساس اصابت‌های ناشی از جنگ باشد. احتمال اصابت به مخازن نفتی کشتی‌ها و نشستی آن می‌تواند یکی از دلایل آلودگی باشد. این آلودگی می‌تواند به دلیل جزر و مد، وزش باد و تغییرات آب و هوایی گسترش پیدا کرده و تأثیراتی روی صید و صیادی و آبزیان منطقه داشته باشد.»

شاهمراد جعفری هم سرایت آلودگی به سواحل جزیره هنگام را تأیید کرده و گفته: «در سمت جنوب شرقی هنگام هم با توجه به اینکه زیستگاه دلفین‌هاست تعدادی لکه مشاهده کردیم که علاوه بر آبزیان روی صید و صیادی و معیشت مردم نیز تأثیر دارد.»

با گذشت یک هفته از بروز آلودگی در سواحل قشم و بخش‌هایی از نوار ساحلی در هرمزگان همچنان مقامات جمهوری اسلامی نتوانسته‌اند منشأ دقیق این آلودگی را شناسایی کنند و بر اساس شواهد و احتمالات نظر می‌دهند! اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه شب گذشته اعلام کرد که این آلودگی از خلیج فارس به سمت ساحل آمده و «شواهد اولیه نشان می‌دهد که منشأ آن یک کشتی فله‌بر خارجی است.»

اسماعیل بقایی همچنین با بیان اینکه «آلودگی در سه نقطه ساحلی و بخش‌هایی از سطح دریا گزارش شده است» گفت: «همه طرف‌های منتفع‌شونده از کشتیرانی تجاری در تنگه هرمز برای ترمیم آسیب‌های زیست‌محیطی وارده بر خلیج فارس و دریای عمان مسئولیت قانونی و اخلاقی دارند.»

در همین ارتباط، شینا انصاری رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست شب گذشته در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «عملیات پاکسازی توسط همکاران ما با مشارکت دستگاه‌های اجرایی و جوامع محلی در حال انجام است و تا کنون بخشی از نوار ساحلی سوزا پاکسازی شده است.»

در واکنش به انتشار گزارش‌ها درباره آلودگی نفتی سواحل جنوب ایران مسئولان صنعت نفت تأکید کردند که تأسیسات، خطوط لوله و سکوها فعال در محدوده خلیج فارس و دریای عمان در وضعیت مطلوب و تحت پایش پیوسته واحدهای HSE قرار دارند و هیچ نشانه‌ای از نشت یا اختلال عملیاتی در این حوزه ثبت نشده است.

شاهمراد جعفری، رئیس اداره حفاظت از محیط زیست قشم، در مورد لکه‌های نشستی مشاهده شده در نزدیکی روستای نقاشه در سواحل قشم به روزنامه «شرق» گفت که «تقریباً شب یکشنبه گزارشی مبنی بر مشاهده آلودگی آب در منطقه ساحل جنوبی قشم دریافت کردیم. بر این اساس صبح دوشنبه همکارانمان به محل در محدوده ساحل سوزا مراجعه و لکه‌ای را مشاهده کردند. این لکه در محدوده ساحل مشاهده و در محدوده دریا دیده نشد. نمونه‌گیری صورت گرفت، هم نمونه رسوب و هم نمونه آب.»

رئیس اداره حفاظت از محیط زیست قشم افزود: «عصر همان روز مجدداً بازدید میدانی توسط همکاران صورت گرفت و با توجه به اینکه آلودگی به نزدیکی ساحل روستای شیب دراز و سایت لاک‌پشت‌های پوزه عقابی نیز سرایت کرده بود، بررسی‌های مجدد صورت گرفت. این لکه چیزی حدود ۱۸۰۰ متر ساحل و دریا را در بر گرفته بود.»

به گفته وی، «همانگی‌ها با دستور دادستان و توسط فرماندار به عنوان شورای تأمین صورت گرفت. با توجه به اینکه متولی [مسئول] دریا اداره بنادر است قرار شد نسبت به پاکسازی این لکه نفتی در دریا اقدام کنند و هماهنگی‌های لازم استانی و شهرستانی صورت گرفت و با کمک شهرداری شهر سوزا رفع آلودگی ساحلی نیز شروع شده است. در شیب دراز نیز جذب آلودگی شروع شده است.»

او در مورد دلایل به وجود آمدن این لکه‌ها گفت: «منشأ

● در روزهای گذشته بخش‌هایی از سواحل روستاهای سوزا، شیب‌دراز و نقاشه در جزیره قشم و همچنین بخشی از سواحل جزیره هنگام تحت تأثیر آلودگی نفتی قرار گرفته است.

● حبیب مسیحی تازیانی مدیرکل محیط زیست هرمزگان از رصد آلودگی نفتی در ۳۲ هزار مترمربع از سواحل قشم خبر داده و گفته که در دریا محدوده‌ای به وسعت حدود ۹۰ هزار مترمربع آلوده شده است.

● رئیس اداره حفاظت از محیط زیست قشم از ورود آلودگی به محدوده زیستگاه دلفین‌ها و لاک‌پشت‌های پوزه عقابی خبر داده است.

● با گذشت یک هفته از بروز آلودگی در سواحل قشم و بخش‌هایی از نوار ساحلی در هرمزگان همچنان مقامات جمهوری اسلامی نتوانسته‌اند منشأ دقیق این آلودگی را شناسایی کنند و بر اساس شواهد و احتمالات نظر می‌دهند!

در روزهای گذشته گزارش‌هایی از آلودگی نفتی در سواحل جزایر قشم و هنگام، و ورود لکه‌های نفتی به جنگل‌های «حرا» در جزیره قشم منتشر شده است. مقامات جمهوری اسلامی هنوز منشأ دقیق این آلودگی را عنوان نکرده‌اند. فعالان محیط زیست نسبت به پیامدهای این آلودگی برای سلامت ساکنان جزایر جنوب ایران، حیوانات و پوشش گیاهی منطقه هشدار می‌دهند.

در هفته‌ای که گذشت بخش‌هایی از سواحل روستاهای سوزا، شیب‌دراز و نقاشه در جزیره قشم و همچنین بخشی از سواحل جزیره هنگام تحت تأثیر آلودگی نفتی قرار گرفته است. حبیب مسیحی تازیانی مدیرکل محیط زیست هرمزگان از رصد آلودگی نفتی در ۳۲ هزار مترمربع از سواحل قشم خبر داده و گفته که در دریا محدوده‌ای به وسعت حدود ۹۰ هزار مترمربع آلوده شده است.

سهم عملکرد دولت در گرانی مواد غذایی و کوچک شدن سفره‌های مردم



● مسعود پزشکیان در دیدار با شماری از فعالان بخش کشاورزی اعلام کرد: «کشور علاوه بر تبعات ناشی از جنگ، با مجموعه‌ای از ناترازی‌ها مواجه است». وی خواستار توجه به تولید و تأمین مواد غذایی شده است.

مسعود پزشکیان در دیدار با شماری از فعالان بخش کشاورزی اعلام کرد: «کشور علاوه بر تبعات ناشی از جنگ، با مجموعه‌ای از ناترازی‌ها مواجه است». وی خواستار توجه به تولید و تأمین مواد غذایی شده است. وی دیگر گزارش‌ها نشان می‌دهد در بسیاری از بخش‌های تولید مواد غذایی، افزایش هزینه تولید از یکسو سبب افزایش قیمت تمام‌شده مواد غذایی شده و از سوی دیگر توان ادامه فعالیت را از تولیدکنندگان گرفته است.

مسعود پزشکیان روز سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ در دیدار با شماری از فعالان اقتصادی بخش کشاورزی اعلام کرد: «کشور علاوه بر مسائل و تبعات ناشی از جنگ، با مجموعه‌ای از ناترازی‌ها و چالش‌های اقلیمی از جمله محدودیت منابع آبی مواجه است و سیاست‌های تولیدی و توسعه‌ای باید متناسب با این واقعیت‌ها طراحی و اجرا شود». رئیس دولت چهاردهم در بخش دیگری از سخنانش افزود: «باید به سمت تولید محصولات کم‌آب‌بر، ارتقای بهره‌وری از منابع و امکانات موجود، اصلاح الگوی کشت و فعال‌سازی ظرفیت‌های مغفول کشور حرکت کنیم و برنامه‌های توسعه‌ای را بر مبنای مزیت‌ها و محدودیت‌های واقعی سرزمینی سامان دهیم».

این سخنان در حالی مطرح شده که مشکلات بخش تولید محصولات کشاورزی و مواد غذایی بسیار عمیق است و زنگ خطر خروج بسیاری از فعالان از این بخش را به صدا درآورده است. برای نمونه پزشکیان در حالی بر تولید محصولات کشاورزی تأکید کرده که در شرایط جنگ و بحرانی که دولت به علت محاصره دریایی برای واردات کالاهای اساسی با آن روبروست، پول خرید گندم را به گندمکاران پرداخت نکرده است. شمار زیادی از کشاورزان ضمن درگیری با بحران معیشت، منابعی برای تأمین هزینه‌های کاشت پاییزه در دست ندارند.

بر اساس گزارش‌ها در حالی که دولت پیشتر به گندمکاران وعده داده بود پول خرید گندم را طی ۴۸ ساعت با آنها تسویه خواهد کرد، تا کنون فقط یک‌چهارم از مجموع مطالبات تقریبی ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی گندمکاران را به صورت «قطره‌چکانی» پرداخت کرده است.

بر اساس این گزارش، عدم تسویه با گندمکاران در کنار حذف ارز ترجیحی و جهش شدید و چندبرابری قیمت کود، سم، بذر و کاهش سهمیه سوخت، کشاورزان را با بحران حاد معیشتی، ناتوانی در بازپرداخت وام‌های بانکی و ناتوانی در پرداخت هزینه‌های کشت پاییزه روبرو کرده است.

فعالان صنفی نیز هشدار می‌دهند بحران کمبود نقدینگی کشاورزان سبب کاهش سطح تولید و تهدید امنیت غذایی کشور در شرایط جنگ و فلج شدن روند واردات به دلیل محاصره دریایی خواهد شد. از سوی دیگر مسعود بختیاری، رئیس هیئت مدیره سندیکای صنایع کسرو ایران، در گفتگو با وبسایت «دیدبان ایران» اعلام کرده «واحدهای تولیدی در حال حاضر با چالش‌های بسیار جدی در زمینه تأمین مواد اولیه مواجه هستند و این مشکلات هم در حوزه

دست‌رسی به مواد اولیه و هم در بخش قیمت، فشار زیادی به تولیدکنندگان وارد کرده است».

وی با تأکید بر اینکه تولیدکنندگان در شرایط فعلی با یک معادله دو سر بخت مواجه هستند، گفته «اگر تولیدکننده قیمت محصولات خود را متناسب با افزایش هزینه‌ها اصلاح نکند، ناچار است محصولاتش را با زیان به فروش برساند و اگر به سمت منطقی‌سازی قیمت حرکت کند، با توجه به کاهش قدرت خرید مردم، با کاهش تقاضا و افت شدید فروش مواجه خواهد شد. بختیاری تصریح کرد: تولید در شرایط اضطراری قرار گرفته و وضعیت موجود به دلیل همزمانی تورم و رکود، بسیار نگران‌کننده است. از یک سو تورم هزینه‌های تولید را افزایش داده و از سوی دیگر رکود حاکم بر بازار موجب شده قدرت خرید مردم کاهش پیدا کند».

روزنامه «شرق» نیز در گزارشی با اشاره به افزایش چشمگیر قیمت مواد غذایی از قول تولیدکنندگان مواد غذایی نوشته «کاهش مصرف مواد غذایی در کشور به علت گرانی در حدی بوده که در مواردی نیاز به واردات کالا را برطرف کرده و برنامه افزایش تولید را در واحدهای تولیدی فعلاً متوقف کرده است». گزارش روزنامه «شرق» نیز بر افزایش هزینه تولید به عنوان عامل اصلی افزایش قیمت‌ها در بازار تأکید کرده و نوشته افزایش قیمت برخی نهادهای تولید در بخش مواد غذایی به ۳۵۰ درصد هم می‌رسد. افزایش نرخ نهادهای تولید بطور مستقیم بر افزایش قیمت تمام‌شده کالاها موثر بوده و سبب گرانی مواد غذایی می‌شود.

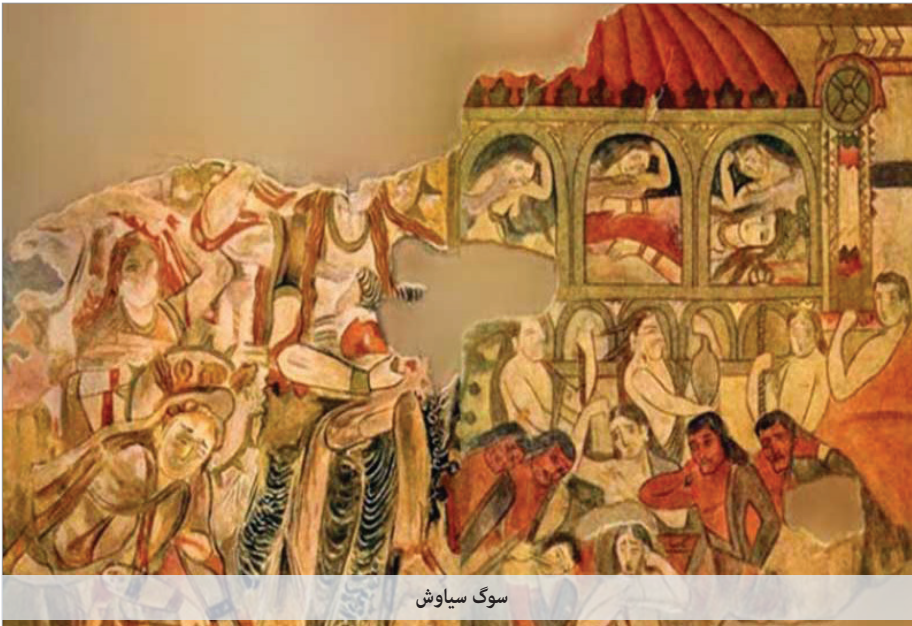
برای نمونه بر اساس گزارش‌ها آسیب به صنایع پتروشیمی در جنگ اخیر سبب کاهش تولید و افزایش قیمت مواد پلاستیکی مورد استفاده در بسته‌بندی مواد غذایی شده است. در این میان هزینه بسته‌بندی مواد غذایی بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش داشته است؛ به عنوان مثال هزینه هر بطری کوچک روغن قبل از جنگ پنج هزار تومان بوده و

هم‌اکنون به ۳۰ هزار تومان رسیده است. افزایش بخش زیادی از هزینه‌ها اما ارتباطی به جنگ نداشته و متأثر از شرایط متلاطم اقتصاد ایران است. تولیدکنندگان مواد غذایی می‌گویند افزایش ۶۰ درصدی دستمزد کارگران، افزایش ۴۰ تا ۴۰۰ درصدی هزینه انرژی و افزایش ۹۰ درصدی هزینه حمل و نقل در یک سال گذشته از جمله مواردی است که هزینه‌ها، و در نتیجه قیمت تمام‌شده محصولات، را افزایش داده است.

در بخش تولید محصولات کشاورزی نیز، که از سوی مسعود پزشکیان مورد تأکید قرار گرفته، نیز حذف ارز ترجیحی در زمستان سال گذشته سبب شده است که قیمت کودهای شیمیایی با افزایش چشمگیری روبرو شود. به عنوان مثال کودهای فسفاته و پتاسه حدود ۳۰۰ درصد افزایش قیمت داشته و کود اوره رشد ۱۵۰ درصدی قیمت را تجربه کرده است. رشد قیمت سموم کشاورزی هم پس از حذف ارز ترجیحی حدود ۱۵۰ درصد برآورد شده است. در بخش تولید پروتئین هم حذف ارز ترجیحی قیمت خوراک دام و طیور را حدود ۳۵۰ درصد افزایش داده است؛ در این بخش قیمت هر کیلوگرم ذرت از ۱۱ هزار و ۳۰۰ تومان به ۴۳ هزار تومان رسیده و بهای هر کیلوگرم کنجاله از ۲۰ هزار و ۳۰۰ تومان به ۸۵ هزار تومان رسیده است. حذف ارز ترجیحی همچنین قیمت هر کیلوگرم روغن خام را از ۵۵ هزار تومان به ۲۸۵ هزار تومان رسانده است.

اینهمه نشان می‌دهد برخلاف ادعاها و دستورات مقامات حکومتی، دولت هیچ برنامه‌ای برای حمایت از تولید مواد غذایی، کنترل قیمت‌ها و حمایت از سفره‌های شهروندان ندارد. همانطور که ارقام و آمارها نشان می‌دهد بخش زیادی از افزایش قیمت مواد غذایی حاصل سیاست‌های اقتصادی دولت پزشکیان از جمله حذف بی‌موقع ارز ترجیحی در زمستان گذشته است.

سوغ سرود شاعران؛ حضور در آینه‌ی پریشان تاریخ



سوغ سیاوش

به نیاک سوگند که در دفاع از شرف، درختم سست و چشمه‌ام ویران نیست
ریشه‌ای بزرگ دارم و شکوهم با دیگران همسجیدنی
نیست! و زبانم چون تیزی شمشیر زهرآگین است.
با این زبان از شرافت تبار ایرانی که همه از سروران بزرگ
و تاجدار بودند، پشتیبانی می‌کنم.
سرداران و سران گشاده‌روی، مرزبان، پیشتاز، برگزیده
بخشنده و مهمان نواز
چه کسی چون خسرو (انوشیروان) و شاپور و هرمزان
سزاوار ستایش و کرنش است!

بشار برد تخارستانی شاعر نابینای ایرانی بود که برای
سرودن همین چاهمه‌ها آنقدر اورا تازیانه زدند تا کشته شد.
او ده‌ها چاهمی جانانه در این میدان دارد:
فارسی:

من به این عربِ فخر فروش، حقیقت خود و او را بازگو
خواهم کرد؛
آن‌گاه که برای مفاخره روبروی هم می‌ایستیم.
من از سوی پدر و مادر، فرزند شریف‌ترین و کریم‌ترین
انسان‌ها هستم؛ و مرزبانان و بزرگان سرزمین تخارستان، بر
سر انتساب من به خود با یکدیگر نزاع دارند.
ما در اوج عزت و شکوه، از نان سفید و گندمگون خوراک
می‌ساختیم؛

و در ظرف‌های سیمین و زرین آب و باده می‌نوشیدیم.
رودکی بار دیگر شعر پارسی را پرچمی ساخت تا ایرانی
هماند و زار گریست بر ایران ویران:

مهربان جهان همه مردند
مرگ را سر همه فرو کردند
زیر خاک اندرون شدند آنان
که همه کوشک‌ها برآوردند
از هزاران هزار نعمت و ناز
نه به آخر بجز کفن بردند؟
بود از نعمت آنچه پوشیدند

یکی داستان است پر آب چشم!
هورمزگان رمید، آتش‌ها خاموشید

این نام سوگ‌سرودی کهن است که بر روی تکه‌ای پوست
آهو به خط پهلوی و به زبانی نزدیک به هورامی باستانی
در نواحی سلیمانیه در کردستان عراق به‌دست آمده است:
نیایشگاه‌ها ویران شدند، آتش‌ها خاموش گشتند
بزرگ بزرگان خود را پنهان نمودند.

عرب ستمکار دهات و شهرها را تا شهر زور خاپور و ویران
نمودند.
زنان و دختران را به اسیری گرفتند و دلبران به خون خود
غلطیدند.
روش و آیین زردشت بیکس ماند و هرمزد به هیچ کس
رحم نکرد.

پس از تازش تازیان و ویرانی ایران، بسیار شاعران تا
سده‌ها در شکوه ایران باستان سرودند اما بسیاری نیز بر
این ویرانی‌ها گریستند و اشک و خشم خویش را سرودی
جاودان ساختند تا درفش فردای ایرانیان باشد.

اسماعیل یسار از نخستین شاعرانی بود که خروشی
جاودانه را سرود کرده بود:
برگردان پارسی:

من دایی و عموی‌های تاجدار بسیاری دارم که همگی
بزرگوار و بخشنده و پاک‌نژادند.

واژه «فوارس» (اسواران) از نام ما (فُرس) گرفته شده است تا
با انتساب به نژاد ارجمند ما برتری یابند.
اینک ای امام تفاخر مکن و ستم به ما روا مدار و سخن
درست بگویی.

وگر از گذشته‌ی ما ایرانیان و خودتان ناآگاهی، بپرس تا
بدانی ما و شما چگونه بوده‌ایم.
ما دخترانمان را می‌پروردیم و شما دخترانتان را در خاک
می‌کردید.

و شعر دیگری از وی:
برگردان پارسی:

● شاعران ایرانی از نخستین سده‌های پس از فروپاشی
ساسانیان، ویرانی ایران و از دست رفتن شکوه گذشته را
در شعر خود به سوگ نشسته‌اند و این سوگ‌سرودها را به
بخشی از حافظه تاریخی و فرهنگی ایرانیان تبدیل کرده‌اند؛
از روایت کهن «هورمزگان رمید» تا سروده‌های شاعران
فارسی‌زبان، این آثار بازتابی از درد، خشم، حسرت و تلاش
برای زنده نگه داشتن یاد ایران باستان است.

● فردوسی در شاهنامه، روایت سقوط ایران را به یکی
از ماندگارترین سوگ‌سرودهای تاریخ ادبیات فارسی تبدیل
می‌کند؛ از خاموش شدن آتشکده‌ها و تیره شدن نوروز
و جشن سده تا پراکنده شدن گنج و فروپاشی شکوه
پادشاهی، اشعار او تصویری تراژیک از دگرگونی سرنوشت
ایران و بیم از چیره شدن نادانی و ستم بر این سرزمین
ارائه می‌دهد.

● ویرانه‌های تیسفون و ایوان مدائن قرن‌ها بعد نیز
شاعران ایرانی را به گریست بر شکوه از دست‌رفته ایران
واداشت؛ خیام، ابونواس، حافظ و به‌ویژه خاقانی هر یک با
زبان و جهان‌بینی خود به بازمانده‌های آن تمدن نگریستند
و از کاخ‌هایی گفتند که زمانی نشانه قدرت و آبادانی بودند
و اکنون تنها دیوارها و سنگ‌های خاموششان از گذر زمان
و دگرگونی روزگار حکایت می‌کرد.

● این سوگ‌سرود تاریخی در دوره‌های متأخر نیز ادامه
یافت و شاعرانی چون میرزاده عشقی، ویرانه‌های مدائن
و شکوه ساسانیان را دستمایه بازخوانی سرنوشت ایران
قرار دادند؛ در این روایت‌ها، ویرانی گذشته تنها خاطره‌ای
از یک شکست تاریخی نیست، بلکه هشدار دربار
پیامدهای ضعف، جهل و خودکامگی و دعوتی به بازسازی
ایران بر پایه آگاهی، آزادی و آبادانی است.

● روایت شاعران از ویرانی ایران در نهایت به
مجموعه‌ای از صداهای گوناگون تبدیل شده است که
هر یک بخشی از حافظه تاریخی این سرزمین را حفظ
کرده‌اند؛ از بحتری و سوگ او بر کاخ مداین تا فردوسی،
خاقانی و شاعران روزگار جدید، تصویر مشترک آنان از
ویرانه‌ها تنها حسرت گذشته نیست، بلکه آرزوی رهایی
از بیداد و نادانی و رسیدن دوباره به آزادی و آبادی ایران
است.

محمود کویر- آیا در هنگامه‌های تاریخی، هنرمندان و
بویژه شاعران ما که فرزانه، آموزگار و تاریخ‌نگاران ما هم
بوده‌اند، چه کردند؟ آن رویداد بزرگ در میدان خیال و هنر
ایشان چگونه بازتاب یافت؟ در کدام سوی میدان ایستادند؟
هرکدام چه نقشی از خیال بر تن این رویداد زدند؟ و چون
خشونت و ویرانی و جنگ پایان گرفت، آن را در کدام
سوگ‌سرود خویش جاودانه ساختند، تا کس نتواند قبیای
دروغ بر تن تاریخ کند!

اینان نیز روایان قصه‌های ما هستند. بخوانند یا نخوانند،
در کارگاه خیال و رویا و تصویرشان، در آینه خانه‌ی تو در
توی جانشان، آتشی، دودی، خاکستری خواهیم دید.
با این درآمد نگاهی بیفکنیم بر یک رویداد تلخ و شوم
در تاریخ ایران، تازش تازیان مسلمان که تیسفون و استخر
و ده‌ها شهر و روستای دیگر را ویران کرد و در آتش کین
سوزاند.

سخن در این میدان بسیار است و در یک رسانه تنها
می‌توان نیم‌نگاهی بر این داستان افکند.

➔ آنچه دادند و آنچه را خوردند

این سوگسرود ابدی فردوسی را باید بیانیه فردوسی برای تاریخ دانست. همان که فردوسی سروده بود:

همانا که آمد شما را خبر
که ما را چه آمد ز اختر به سر
ازین مارخوار اهرمن چهرگان
ز دانایی و شرم بی‌بهرگان
نه گنج و نه نام و نه تخت و نژاد
همی‌داد خواهند گیتی بباد
بسی گنج و گوهر پراگنده شد
بسی سر به خاک اندر آگنده شد
چنین گشت پرگار چرخ بلند
که آید بدین پادشاهی گزند
ازین زاغ‌ساران بی‌آب و رنگ
نه هوش و نه دانش نه نام و نه ننگ
که نوشین‌روان دیده بود این به خواب
کزین تخت بپراگند رنگ و آب
چنان دید کز تازیان صدهزار
هیونان مست و گسسته مهار
گذر یافتندی به ارون‌درو
نماندی برین بوم بر تار و پود
به ایران و بابل نه کشت و درود
به چرخ زحل بردی تیره‌دود
هم آتش مژدی به آتشکده
شدی تیره نوروز و جشن سده
از ایوان شاه جهان کنگره
فتادی به میدان او یکسره
کنون خواب را پاسخ آمد پدید
ز ما بخت گردن بخواهد کشید
شود خوار هر کس که هست ارجمند
فرومایه را بخت گردد بلند
پراگنده گردد بدی در جهان
گزند آشکارا و خوبی نهان
بهر کشوری در ستمگاه‌ای
پدید آید و زشت پتیاره‌ای
نشان شب تیره آمد پدید
همی روشنایی بخواهد پرید

خیام بر هر ویرانه‌ای که روزگاری گواه شکوه ایران بود
سوگسرودی سر کرد جاودانه:

آن قصر که جمشید در او جام گرفت
آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت
بهرام که گور می‌گفتی همه عمر
دیدي که چگونه گور بهرام گرفت؟

این فریاد دردبار خیام است بر ویرانی‌های تازیان مسلمان:
آن قصر که با چرخ همی زد پهلوی
بر درگاه آن شهان نهادندی رو
دیدیم که بر کنگره‌اش فاخته‌ای
بنشسته همی گفت که کوکو کو
ابونواس، شاعر شادی و باده نیز در این میدان چه نیکو
تاخته است و شکوه و شادی گذشته را به رخ می‌کشد:

«مرا با تازیانه ی تازیان، راهی به خانه نیست
دریغا ساغر گلرنگ!
مدارا کن، پارسزاده‌ی بیقرار؟
فروتنی، آخرین ترانه‌ی توست؟
چرا که این چکامه‌ی بیتا

چراغیست بازمانده از ملتني
که او را نه کسرا باز مانده و نه باریدي!»

و چون شکوه گذشته را به یاد می آورد:
بر کاخ متروک ندیمان قدم گذاشتیم
شب هنگام بود، پاره‌ای آبادان و پاره‌ای ویران.
هنوز اثر کشیدن خمها بر روی خاک پدیدار بود
و دسته‌های گل تازه و پژمرده این سوی و آن سوی افتاده بودند.

تا عهد قدیم تازه کنم، یاران را گفتم تا درنگی کنند
که من بر چنین ویرانه‌ها درنگ کنم.
من ندانم که ایشان چه کسان بوده‌اند
اما آثار خانه‌های ویرانشان در مداین در مشرق سابط
است.

یک روز، دو روز، سه روز، چهار روز
و با روزی که کوچ کردیم پنج روز در آنجا ماندیم.
در ساغرهای سیمین باده به ما دادند
ساغرهایی مصور به تصاویر سواران
در ته ساغر نقش کسرا بود و بر بدنه‌ی آن
گاوی وحشی که سواری تیرانداز بر او کمین گشاده بود،
و چون آب بر آن افزودیم/
کلاهش را در خود غرقه ساخت.

حافظ نیز که بسیار تازش‌ها و تاتار و تیمورها دیده است
هم چنان دیر مغان و جام جم و ایران بزرگ خویش را
می‌سراید:

بیا ساقی! آن می که عکسش ز جام
به کیخسرو و جم فرستد پیام
بده تا بگویم به آواز نی
که جمشید کی بود و کاووس کی
بیا ساقی! آن کیمیای فتوح
که با گنج قارون دهد عمر نوح
بده تا به رویت گشایند باز
در کامرانی و عمر دراز
بده ساقی! آن می کز او جام جم
زند لاف بینایی اندر عدم
به من ده که گرم به تأیید جام
چو جم، آگه از سر عالم تمام
دم از سیر این دیر دیرینه زن
صلای به شاهان پیشینه زن
همان منزل‌ست این جهان خراب
که دیده‌ست ایوان افراسیاب
کجا رأي پیران لشکرکشش؟
کجا شیده آن ترک خنجرکشش؟
نه تنها شد ایوان و قصرش به باد
که کس دخمه نیزش ندارد به یاد
همان مرحله‌ست این بیابان دور
که گم شد درو لشکر سلم و تور
بده ساقی! آن می که عکسش ز جام
به کیخسرو و جم فرستد پیام
چه خوش گفت جمشید با تاج و گنج
که «یک جو تیرزد سرای سپنج»
بیا ساقی! آن آتش تابناک
که زردشت می‌جویدش زیر خاک
به من ده که در کیش رندان مست
چه آتش‌پرست و چه دنیا‌پرست
بیا ساقی! آن پیکر مستور مست
که اندر خرابات دارد نشست

به من ده که بدنام خواهم شدن
خراب می و جام خواهم شدن
بیا ساقی! آن آب اندیشه‌سوز
که گر شیر نوشد، شود بیشه‌سوز
بده تا روم بر فلک، شیرگیر
به هم بر زخم دام این گرگ پیر

اما در میان شاعرانی که هنگام دیدار از بازمانده‌های
ویران شده کاخ‌های ساسانی به دست تازیان مسلمان، بر
ایوان کسرا یا ایوان مداین یا تیسفون گریسته‌اند. خاقانی
جایگاهی دیگر دارد. سوگسرود جاودانه‌ی خاقانی برگی از
تاریخ ایران است. بخشی از آن را بخوانیم:

هان! ای دل عبرت‌بین! از دیده عبر کن! هان!
ایوان مدائن را آیینۀ عبرت دان!
یک‌ره ز لب دجله منزل به مدائن کن
وز دیده دُوم دجله بر خاکِ مدائن ران
خود دجله چنان گرید صد دجله خون گویی
کز گرمی خونايش آتش چکد از مژگان
بینی که لب دجله چون کف به دهان آرد؟
گویی ز تَفّ آتش لب آبله زد چندان
از آتش حسرت بین بریان جگر دجله
خود آب شنیده‌ستی کاتش گندش بریان
تا سلسله ایوان بگسست مدائن را
در سلسله شد دجله، چون سلسله شد پیچان
که‌گه به زبان اشک آواز ده ایوان را
تا بو که به گوش دل پاسخ شنوی ز ایوان
دندانه هر قصری پندی دهدت نو نو
پند سر دندانه بشنو ز بُن دندان
ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما
بر قصر ستمکاران تا خود چه رسد خذلان
این است همان ایوان کز نقش رخ مردم
خاک در او بودی دیوار نگارستان
این است همان درگاه کاو را ز شهان بودی
دیلَم مَلِک بابل، هندو شه ترکستان
مست است زمین زیرا خورده‌ست به‌جای می
در کاس سر هُرمُز، خون دل نُوشِروان
کسری و ترنج زر، پرویز و به زَرین
بر باد شده یک‌سر، با خاک شده یک‌سان

یک هزار سال ایرانیان و شاعرانشان این داغ را بر دل
داشتند.

میرزاده عشقی، شاعر بزرگ روزگار خیزش ایرانیان نیز
چامه‌سرای شکوهی بر باد رفته است:

این بود گهواره ساسانیان
بنگه تاریخی ایرانیان
قدرت و علمش چنان آباد کرد
ضعف و جهلش این چنین بر باد کرد
ای مدائن از توای قصر خراب
باید ایرانی زخجلت گردد آب

این سوگسرود بر ویرانه‌های مداین را در نمایشی از
میرزاده عشقی بخوانیم:

گفت: آن قلعه که مخروبه آبادی ماست
دیگرگاه‌یست که ویران شده و باز پیاست
ارگ شاهنشاهی و بنگه شاهان شماست
این «مهاباد» بلند ایوان است

نمایش آثار راشین خیریه، هنرمند نقاش و تصویرگر نام آشنای ایرانی، در واشنگتن و لس آنجلس

آورد. در سال ۲۰۰۷ نیز به عنوان یکی از سی هنرمند نوظهور هنر معاصر ایران برای شرکت در نمایشگاهی سیار در ایالات متحده برگزیده شد. نمایشگاهی که با هدف گسترش تبادلات فرهنگی برگزار می‌شد.

آنچه در زیر می‌خوانید، بخشی از گفتگوی اخیر «کیهان لایف» با راشین خیریه است:

● شما از روایت‌های کلاسیک ایرانی الهام می‌گیرید و می‌کوشید میان تاریخ و روایت‌های متفاوت در سنت‌های ایرانی و غربی پیوند و سازگاری برقرار کنید. در آفرینش مجموعه تازه «شاهنامه» چه رویکردی داشتید؟

– من در ایران با «شاهنامه» بزرگ شدم. شاهنامه برای ایرانیان و نیز برای هر کسی که به فرهنگ، تاریخ و ادبیات ایران علاقه دارد، اثری بی‌نهایت مهم است. به باور من، فردوسی با آفرینش این شاهکار، نقشی اساسی در پاسداری از زبان فارسی، تاریخ، اسطوره‌ها و سنت‌های فرهنگی ایران ایفا کرد و آنها را برای نسل‌های آینده به میراث گذاشت.

برای من، شاهنامه هم شاهکاری که در ادبیات فارسی است و هم سرچشمه‌ای زنده و پایان‌ناپذیر برای الهام هنری. شاهنامه سرشار از داستان‌های شگفت‌انگیز، شخصیت‌های پیچیده، عشق، تراژدی، دلوری، کشمکش و دگرگونی است. من به عنوان یک هنرمند، شیفته روایت و داستان‌گویی هستم، اما می‌خواهم این داستان‌ها را با زبان تصویری ویژه خودم روایت کنم.

همچنین برایم اهمیت دارد که پیشینه فرهنگی ایرانی‌ام را با سنت‌های هنری غرب که در سال‌های زندگی و فعالیت حرفه‌ای در ایالات متحده با آنها آشنا شده‌ام، وارد گفتگو کنم. امیدوارم بتوانم با تخیل و نگاه هنری خود، به این حماسه کهن حیاتی تازه ببخشم.

● دو نمایشگاه شما در واشنگتن و لس آنجلس از نظر مضمون و شیوه اجرا چه پیوندی با یکدیگر دارند؟

– این دو نمایشگاه از نظر دروغایه و زبان بصری با یکدیگر پیوند دارند. هر دو به رابطه من با ادبیات فارسی، اسطوره‌ها، خاطره و روایتگری می‌پردازند و به‌ویژه از «شاهنامه» الهام گرفته‌اند. اما همه این عناصر از دریچه نگاهی معاصر و شخصی بازآفرینی شده‌اند.

نقاشی‌هایی که در نگارخانه «هیلیر» در واشنگتن به نمایش درآمده‌اند، در آینده نزدیک به نگارخانه «ادووکارتسی» در لس آنجلس منتقل خواهند شد تا در برابر مخاطبانی تازه قرار گیرند. شاهنامه سرشار از داستان‌های شگفت‌انگیز، شخصیت‌های پیچیده، عشق، تراژدی، دلوری، کشمکش و دگرگونی است. من به عنوان یک هنرمند، شیفته روایتگری هستم، اما می‌خواهم این داستان‌ها را با زبان تصویری خاص خودم بازگو کنم.

من عناصری از نگارگری ایرانی (مینیاتور) را با سوررئالیسم درهم می‌آمیزم تا زبان بصری ویژه خودم را پدید آورم. در نگارگری ایرانی، از پرهیز از ژرف‌نمایی متعارف، نقش و نگارهای تزیینی، صورت‌های ساده شده و پیوند شاعرانه میان پیکره‌های انسانی، طبیعت و فضا الهام می‌گیرم. سوررئالیسم نیز به من امکان می‌دهد تخیل خود را آزاد بگذارم و جهانی بی‌افزینم که در آن هر چیزی می‌تواند رخ دهد، حتی اگر با منطق جهان واقعی سازگار نباشد. پیکره‌ها می‌توانند در فضا شناور شوند، اندازه‌ها و نسبت‌ها

● راشین خیریه، هنرمند، نویسنده و تصویرگر ایرانی، مجموعه‌ای از نقاشی‌های الهام‌گرفته از شاهنامه را در واشنگتن به نمایش گذاشته و بخشی از آثارش نیز در نمایشگاهی گروهی در لس آنجلس ارائه شده است؛ آثاری که پیوند ادبیات فارسی، اسطوره‌های ایرانی و نگاه معاصر هنرمند را به تصویر می‌کشند.

● خیریه می‌گوید شاهنامه برای او هم میراثی ادبی و فرهنگی و هم سرچشمه‌ای پایان‌ناپذیر برای الهام هنری است؛ او می‌کوشد داستان‌ها و شخصیت‌های این حماسه کهن را نه به صورت واژه به واژه، بلکه با تکیه بر احساسات، نمادها و تخیل شخصی خود بازآفرینی کند.

● این هنرمند با درهم‌آمیختن عناصر نگارگری ایرانی و سوررئالیسم، زبان بصری ویژه‌ای برای بازخوانی روایت‌های کلاسیک ساخته است؛ زبانی که در آن پیکره‌ها، طبیعت و اشیا از منطق جهان واقعی فاصله می‌گیرند و ادبیات به نقطه آغاز پرواز تخیل تبدیل می‌شود.

● خیریه که از سال ۲۰۱۱ در آمریکا زندگی می‌کند، تجربه زیستن میان دو فرهنگ را بخش مهمی از هویت هنری خود می‌داند؛ او معتقد است مهاجرت، نگاهش به مفاهیمی چون هویت، خاطره، احساس تعلق و روایتگری را عمیق‌تر کرده و امکان گفتگوی میان میراث ایرانی و سنت‌های هنری غرب را برایش فراهم آورده است.

● این هنرمند در ادامه مسیر خود قصد دارد کاوش در ادبیات فارسی و اسطوره‌های ایران، به‌ویژه شاهنامه، را دنبال کند و در نقاشی‌هایش «باغ ایرانی» را به عنوان فرهنگی زنده و پویا بازآفرینی کند؛ فضایی که مخاطب تنها تماشاگر آن نباشد، بلکه خود را درون جهان اثر احساس کند.

کنتی بیگلری – راشین خیریه، هنرمند، نویسنده و تصویرگر ایرانی و برنده‌ای جوایز متعدد هنری که تاکنون نویسندگی و تصویرگری یکصد کتاب کودک را در کارنامه حرفه‌ای خود دارد، در سال ۲۰۱۱ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد. او تابستان امسال مجموعه‌ای از نقاشی‌های خود را با الهام از «شاهنامه»، کتاب شعر پادشاهان و اثر جاودانه حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاعر بزرگ و حماسی قرن دهم، در نگارخانه «هیلیر» در واشنگتن، شهری که اکنون در آن زندگی می‌کند، به نمایش گذاشته است.

بخشی از آثار این هنرمند همچنین در یک نمایشگاه گروهی در گالری «ادووکارتسی» در لس آنجلس به نمایش درآمده است.

نقاشی‌های این مجموعه با الهام از جهان اسطوره‌ای و حماسی شاهنامه شکل گرفته‌اند. اثری که بیش از هزار سال است از مهمترین ستون‌های زبان، فرهنگ و هویت ایرانی به‌شمار می‌رود.

راشین خیریه در دانشگاه الزهرا («مدرسه عالی دختران» که در سال ۱۳۴۳ تأسیس شد و سپس در سال ۱۳۵۴ به «دانشگاه فرح پهلوی» و پس از انقلاب اسلامی ابتدا به نام سابق و سپس به نام الزهرا تغییر یافت) در تهران تحصیل کرد و مدرک کارشناسی ارشد هنرهای زیبا را در رشته طراحی گرافیک و تصویرگری از این دانشگاه دریافت کرد.

او در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ جایزه «بهترین کتاب سال» را که از سوی شورای کتاب تهران اعطا می‌شود، به دست

→ که سرش همسر با کیوان است نه گماندار؛ مهاباد، همین این بوده؟ نه مهاباد صد اینگونه به تخمین بوده! فصل دی خرم و گردشگه پیشین بوده قصر قشلاقی شاهان مه آئین بوده حجله و کامگه خسرو و شیرین بوده لیکن امروز مهابادی نیست دیگر این کوره ده، آبادی نیست!

و اما سخنم را به پایان برم با سوگ‌سرودی باشکوه از نخستین شاعری که بر ویرانه‌ها فریادی از درد برکشید؛ بحرّی شاعر بزرگ روزگار عباسی. بخشی کوتاه از چامه بلند او را بخوانیم:

آنان (ساسانیان) در کاخی پر ناز و نعمت آرمیده بودند که دیده به بلندی آن نمی‌رسد.

گویی بر قلّهی قاف بنا شده است و چندان از اقوام مختلف در آن بودند که دیگر نیازی به کسی نداشت و دروازه‌اش را بسته بودند!

منزل‌هایی آباد که چون ویرانه‌ی [بادیه‌نشینان] بی‌آب و علف و خالی از سکنه نبود.

اکنون کاخ‌مداین از ویرانی و خاموشی، به‌گورستانی می‌ماند! اگر آن را ببینی، درمی‌یابی که روزگار پس از عروسی و شادی، عزا در آن به پا کرده است.

آن کاخ به تو از شگفتی‌های قومی خبر می‌دهد که سخن در باره‌شان به اشتباه نمی‌آمیزد.

به نقش و نگار دیوارهای کاخ بنگر تا به چگونگی نبرد ایرانیان با رومیان در انطاکیه پی ببری.

آنجا که انوشیروان جامه‌ای سبز بر تن دارد که به زعفرانی می‌زند. با شکوه و جلال به آرامی در زیر درفش کاویانی از سپاهش سان می‌بیند

کاخ خسرو چندان شکوهمند و سربلند است که گویی کوهی سرفراز در آنجا قرار دارد.

از شرابی سیرابم کرد که پنداری ستاره‌ی شب‌افروز است یا پرتو خورشید.

و خیال کردم که خسرو پرویز هم‌پایه‌ی من است و باربد همدم من!

آیا آنچه می‌بینم، رؤیاست که چشمم را به تردید افکنده یا آرزوهایی است که گمانم را دگرگون ساخته؟

با این آرزو که بنیاد خودکامگی و بیداد، نادانی و خرافه از این سرزمین کنده شود و بسراییم آزادی و آبادی ایران را!

*آنچه نوشتم، روایت من بود از نگاه شاعران به این داستان. بی‌گمانی بر همگان هویداست که تاریخ روایت‌های بسیار دارد. هم چنان که مردمان گوناگونند و بر هیچ قوم و باورهای آنان به یکسره نمی‌توان داورى کرد. مرا با آنان در این نوشتار کاری نیست، سخن من از آن رویداد است و پیامدهایش. می‌دانیم که این تازیان مسلمان همراه با برخی قبایل و دیگر دشمنان ایران بودند که نخست به روزگار پیامبر با اقوام و قبایل دیگر جنگیدند و سرزمین‌هایشان را گرفتند و سپس جانشینان وی بودند که بر ایران تاختند و همگان دانند که این همه شهر را با مهربانی نگشودند و شمشیر فرمانروای میدان بود و کینه و خشم و خشونت بسیار روا داشتند که در کتاب‌های تاریخ بدان‌ها پرداخته شده است. این نوشتار تنها نیم‌نگاهی است از یک چشم‌انداز ویژه و بر آن نیست که به داورى در باره این رویداد بزرگ بپردازد و اگر انبوهی احساسات قلم را لختی گریانده است بر من ببخشایید.

تصویرگری آثار دیگران چه تفاوتی با داستان‌های خودتان دارد؟
-هنگامی که کتابی از نویسنده‌ای دیگر را به تصویر می‌کشم، پیش از هر چیز سعی می‌کنم به جوهر و جان داستان او پی ببرم و از نظر عاطفی با آن ارتباط برقرار کنم. به کلام و روایت نویسنده وفادار می‌مانم، اما در عین حال در پی آن هستم که بینم با زبان تصویر چه چیزی می‌توانم به داستان بیفزایم.

اما وقتی داستان‌های خودم را به تصویر می‌کشم، روند آفریدن آن متفاوت است. زیرا واژه و تصویر اغلب همزمان و در کنار یکدیگر شکل می‌گیرند. از همان آغاز آزادی

کشمکش‌ها و نمادی از دگرگونی‌هایی است که آنها برای رسیدن به یکدیگر ناگزیر باید از سر می‌گذرانندند. اژدهایی که در دل اقیانوس ظاهر می‌شود نیز به شیوه‌ای فراواقع‌گرایانه (سورئال) و نمادین، تجسم خطر است. موجودی که به ترس‌ها، موانع و ابهام‌هایی که این سفر را احاطه کرده‌اند، صورتی عینی و دیدنی می‌بخشد. بنابراین، نجات رودابه قرار نیست بازگامی رویدادی تاریخی یا روایتی برگرفته از متن شاهنامه باشد، بلکه استعاره‌ای است از جان به در بردن از خطر، عبور از دشواری‌ها و حرکت به سوی زندگی و سرنوشتی تازه.

➡ دگرگون شوند و موجودات یا اشیایی غیر قابل انتظار در تصویر پدیدار گردند.

رویکرد من به تصویرگری آثار ادبی نیز بر همین اساس است. علاقه‌ای به بازگامی واژه به واژه یا تفسیر تحت‌اللفظی متن ندارم. در عوض، به احساسات، نمادها و لایه‌های ژرف‌تر معنایی داستان واکنش نشان می‌دهم و آنها را به جهان تصویری خود منتقل می‌کنم.

به این ترتیب، ادبیات برای من نقطه‌ای آغاز پرواز تخیل است، نه مجموعه‌ای از دستورها که تعیین کند تصویر باید چگونه باشد.



تصویر هنرمند با اثر «بوستان شاهنامه»

بیشتری دارم تا داستان را تصویری بینم و گاه حتی یک تصویر می‌تواند مسیر نوشته و روایت را تغییر دهد. در این شیوه، خودم تصمیم می‌گیرم چه چیزی باید با واژه بیان شود و چه چیزی را می‌توان یکسره به تصویر سپرد. در هر دو شیوه، خود را یک روایتگر تصویری می‌دانم و از هر دو نوع کار به یک اندازه لذت می‌برم.

● **مشتاق هستید در آینده چه طرح‌ها و زمینه‌هایی را دنبال کنید؟**

-مشتاقم کاوش در ادبیات فارسی، اسطوره‌ها و روایت‌های کلاسیک ایران، به‌ویژه «شاهنامه»، را ادامه دهم. در این گنجینه هنوز داستان‌ها و شخصیت‌های شگفت‌انگیز بسیاری وجود دارند که هنوز فرصت پرداختن به آنها را پیدا نکرده‌ام. همچنین دوست دارم در نقاشی‌هایم فضاهایی آرامش‌بخش و تأمل‌برانگیز بیافرینم. فضاهایی همانند باغی برای خلوت و آرامش، جایی که آرزو کنید بتوانید وارد آن شوید، زمانی را در آن بگذرانید و احساس آسودگی و آرامش کنید. می‌خواهم مخاطب تنها به تابلو نگاه نکند، بلکه خود را درون جهان آن تصور کند و حضور در آن فضا را احساس کند.

اندیشه من این است که پاره‌ای از «باغ ایرانی» را به زندگی روزمره‌مان بیاورم. نه به‌عنوان یادگاری که تنها به گذشته ایران تعلق دارد، بلکه به‌مثابه فرهنگی زنده، پویا و همواره در حال تحول.

منبع: کیهان لایف

ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

● شما بیش از همه به‌عنوان تصویرگر کتاب‌های کودکان شناخته می‌شوید. از جمله کتاب «عمو نوروز خوش آمدی» که در سال ۲۰۲۶ منتشر شده است. نخستین کتاب کودکي که منتشر کردید چه بود؟ تجربه‌ها و مسیر زندگی شخصی شما چگونه الهام بخش داستان‌هایتان شده‌اند؟

-نخستین کتاب کودکي که از من منتشر شد «پیوند دو دریا» بود که در سال ۲۰۰۰ در ایران از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انتشار پیدا کرد. این کتاب روایتی مذهبی درباره ازدواج امام علی و فاطمه بود.

مسیر زندگی شخصی من همواره پیوندی نزدیک با فعالیت هنری‌ام داشته است. من در ایران و در فضایی آکنده از ادبیات و شعر فارسی، اسطوره‌ها، هنر و سنت‌های ایرانی بزرگ شدم. از همان نخستین کتاب، روایتگری و بازگویی داستان‌های برخاسته از فرهنگ و سنت، بخش مهمی از کار و تجربه هنری من بوده است.

مهاجرت به ایالات متحده چشم‌اندازی متفاوت پیش روی من باز کرد. زندگی میان دو فرهنگ بر نگاه من به مفاهیمی چون هویت، خاطره، احساس تعلق و روایتگری تأثیر عمیقی گذاشته است.

بسیاری از داستان‌هایم از امری شخصی آغاز می‌شوند. خاطره‌ای از دوران کودکی، یکی از سنت‌های ایرانی، اثری ادبی یا تجربه زیستن میان دو فرهنگ. از همین رو، ادبیات، روایت و داستان‌گویی همواره نقشی اساسی در شکل‌گیری و آفرینش آثار هنری من داشته‌اند.

● شما کتاب‌های نویسندگان دیگر را نیز تصویرگری کرده‌اید.

● **چرا پیکره‌های زنانه با گیسوان بلند و سیاه در نقاشی‌های شما برهنه به تصویر کشیده شده‌اند؟**

- پیکره‌های زنانه را برهنه به تصویر کشیده‌ام، زیرا می‌خواستم فارغ از زمان و در نهایت سادگی و خلوص جلوه کنند و ناب بنظر برسند. این برهنگی ماهیتی جنسی ندارد، بلکه زن را در بنیادی‌ترین و آسیب‌پذیرترین حالت وجودی‌اش نشان می‌دهد. بی‌آنکه پوششی داشته باشد که او را در زمانه‌ای خاص، طبقه‌ای اجتماعی یا دوره‌ای تاریخی قرار دهد.

گیسوان بلند و سیاه، این پیکره‌ها را به زبان تصویری ایرانی من پیوند می‌دهد. برای من، آمیزه این دو عنصر، سیمای زنی را می‌آفریند که هم کهن است و هم معاصر. هم آسیب‌پذیر است و هم نیرومند و می‌تواند فراتر از مرزهای زمان و مکان به حیات خود ادامه دهد.

● **داستان تلاش رودابه برای غرق کردن خود و نجات او به دست سرنشینان کشتی، در «شاهنامه» نیامده است. آیا این صحنه بازآفرینی داستان است یا استعاره‌ای هنری؟**

- بله، این صحنه بازآفرینی و برداشت شخصی من است و نه روایتی عینی و مستقیم از شاهنامه. کشتی و سفر در ادبیات کلاسیک فارسی، از جمله در شاهنامه، از مفاهیم نمادین ژرفی برخوردارند و می‌توانند نمادی از سرنوشت، دگرگونی و گذار از مرحله‌ای از زندگی به مرحله‌ای دیگر باشند.

رودابه و زال برای عشق و ازدواج شان با مخالفت‌های جدی روبرو بودند و عبور از موانعی که بر سر راه آنها قرار داشت آسان نبود. در برداشت من، این سفر بازتابی از همان

۱۵ سال زندان، مجازاتِ عکاسی از «دستاوردهای» جمهوری اسلامی!



یکی از عکس‌های یلدا معیری در تهران / محلی که هدف حملات اسرائیل قرار گرفته است

کار حرفه‌ای یلدا معیری عمدتاً بر زندگی زنان در زیر فشار و خفقان جمهوری اسلامی متمرکز است. او از جمله نخستین کسانی بود که بازداشت زنان توسط گشت‌های ارشاد اسلامی را مستند کرد؛ از جمله عکسی در سال ۱۳۸۵ که دو زن را با چشمان اشکبار در ون‌های سفید پلیس نشان می‌دهد. در سال ۱۳۹۵، تصویر دانشجوی معترض در دانشگاه تهران را ثبت کرد که در میان گاز اشک‌آور مشت گره‌کرده‌ی خود را بالا می‌برد؛ تصویری که دولت دونالد ترامپ در اظهارات خود درباره‌ی حقوق بشر در ایران از آن استفاده کرد و به پیگرد طولانی معیری منجر شد. او همچنین تصاویر اماکن مورد هدف قرار گرفته در تهران در اسفندماه گذشته را ثبت کرده که در رسانه‌های بین‌المللی منتشر شده است.

معیری در یک بیانیه تاکید کرده: «هیچیک از این احکام هرگز باعث نشده حتی برای لحظه‌ای از مسیرم دست بکشم. به مستندسازی و نشان‌دادن واقعیت‌های جامعه ایران ادامه داده‌ام. چیزی برای از دست دادن ندارم. جمهوری اسلامی همه چیز را از من گرفت و تنها چیزی که هنوز دارم، حقیقت و صداقت به عنوان یک ناظر است.» در همین ارتباط، گزارش‌ها از محکومیت یک عکاس ۱۸ ساله دیگر به نام شقایق افشارنجفی به ۹ سال زندان به دلیل ارسال عکس و ویدیو به رسانه‌های خارج از ایران حکایت دارد.

تشکیل این پرونده‌های قضایی در حالیست که بقایای جمهوری اسلامی پس جنگ با اسرائیل، قوانین سرکوبگرانه‌ی بیشتری علیه فعالیت‌های رسانه‌ای و همکاری با رسانه‌های خارجی وضع کرده‌اند. یلدا معیری که اکنون ممنوع از هرگونه فعالیت رسانه‌ای و فرهنگی شده و تجهیزات حرفه‌ای وی مصادره گردیده، به نماد مقاومت عکاسان ایرانی در برابر سانسور و سرکوب تبدیل شده است.

حکم ۱۵ سال زندان علیه این عکاس خبری، بار دیگر توجه جهانی را به آزادی مطبوعات در زندان جمهوری اسلامی جلب کرده و سازمان‌های حقوق بشری خواستار لغو فوری این حکم شده‌اند.

در نهایت به شعبه‌ی ۳۳ دادسرای امنیت و سپس انقلاب ارجاع شد. «سخنگوی نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخ نداده است.



یلدا معیری در مراسم اهدای جوایز شجاعت در روزنامه‌نگاری ۲۰۲۳

یلدا معیری که عضو انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران است و در سال ۲۰۲۳ جایزه‌ی ویژه‌ی شجاعت در روزنامه‌نگاری بنیاد بین‌المللی رسانه‌های زنان (IWMF) را دریافت کرده، پیشتر نیز توسط دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی دستگیر و زندانی شده بود. او دو سال در زندان قرچک ورامین بسر برده؛ زندانی که وی زمانی از بیرون از آن عکاسی کرده بود.

در سال ۱۴۰۱ در جریان پوشش خبرش سراسری پس از کشته شدن مهسا امینی در بازداشت پلیس امنیت اخلاق، سه ماه زندانی و به هشت سال حبس محکوم شد. عفو بعدی اگرچه حکم او را کاهش داد، اما پرونده همچنان به بهانه‌ای برای بازجویی‌های مکرر تبدیل شد. گزارشگران بدون مرز اعلام کرده‌اند که تنها در سال جاری ۱۶ روزنامه‌نگار در ایران بازداشت شده‌اند. فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران نیز حکم معیری را محکوم کرده و آن را بخشی از تشدید فشار بر خبرنگاران و منتقدان دانسته است.

● به گزارش نیویورک‌پست به نقل از خبرنگاری رویترز، یلدا معیری که بیش از دو دهه از زندگی حرفه‌ای خود را صرف مستندسازی لحظات اعتراض، زندگی زنان و واقعیت‌های جامعه ایران کرده، روز شنبه ۹ اوت از صدور حکم ۱۵ سال زندان علیه خود مطلع شد.

● یلدا معیری که عضو انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران است و در سال ۲۰۲۳ جایزه‌ی ویژه‌ی شجاعت در روزنامه‌نگاری بنیاد بین‌المللی رسانه‌های زنان (IWMF) را دریافت کرده، پیشتر نیز توسط دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی دستگیر و زندانی شده بود. او دو سال در زندان قرچک ورامین بسر برده؛ زندانی که وی زمانی از بیرون از آن عکاسی کرده بود.

● کار حرفه‌ای یلدا معیری عمدتاً بر زندگی زنان در زیر فشار و خفقان جمهوری اسلامی متمرکز است. او از جمله نخستین کسانی بود که بازداشت زنان توسط گشت‌های ارشاد اسلامی را مستند کرد؛ از جمله عکسی در سال ۱۳۸۵ که دو زن را با چشمان اشکبار در ون‌های سفید پلیس نشان می‌دهد.

دادگاه انقلاب اسلامی یلدا معیری که تصاویر اعتراضات و خسارات حملات هوایی را ثبت می‌کرده، به اتهام همکاری با «رسانه‌های متخاصم» بطور غیابی به ۱۵ سال حبس محکوم کرده است.

به گزارش نیویورک‌پست به نقل از خبرنگاری رویترز، این عکاس خبری که بیش از دو دهه از زندگی حرفه‌ای خود را صرف مستندسازی لحظات اعتراض، زندگی زنان و واقعیت‌های جامعه ایران کرده، روز شنبه ۹ اوت از صدور حکم ۱۵ سال زندان علیه خود مطلع شد. این حکم توسط شعبه‌ی ۲۹ دادگاه انقلاب تهران به صورت غیابی صادر شده و بر اساس قانونی است که پس از جنگ ۱۲ روزه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

بقایای جمهوری اسلامی این قانون را ابزاری برای مقابله با جاسوسی و همکاری با دولت‌های متخاصم توصیف می‌کنند، اما هدف آن سرکوب و جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات در میان مردم ایران است.

معیری هنگام مراجعه به دادگاه انقلاب تهران، اسناد رسمی پرونده را دریافت نکرد. دوست همراه او جزئیات برگه‌ی اتهام را با دست یادداشت کرد. بر اساس این یادداشت‌ها که رویترز آن را بررسی کرده، اتهامات شامل «مصاحبه با شبکه‌های متخاصم با نظام» و ارسال عکس به نهادهای وابسته به آمریکا و اسرائیل است.

یلدا معیری خود تأیید کرده که تصاویر اماکن مورد هدف حملات هوایی را در اختیار خبرنگاری سی‌ان‌ان قرار داده و در اسفندماه گذشته در مصاحبه‌ای درباره‌ی گزارش‌هایش حضور یافته است.

ماجرای حکم زندان این عکاس خبری به پورش‌های متعدد نیروهای امنیتی برمی‌گردد. معیری به رویترز گفته است که ماموران امنیتی سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در جریان اعتراضات دی‌ماه ۴۰۴ به منزل او پورش برده و تلفن همراه، لپ‌تاپ و تجهیزات الکترونیک وی را ضبط کردند. پس از حملات هوایی آمریکا به جمهوری اسلامی، نیروهای سپاه دوباره برگشتند و اینبار همه چیز را، حتی دوربین‌هایی که از کودکی در اختیار داشت، مصادره کردند. او افزوده است: «چندین بار بازجویی شده‌ام و پرونده‌ام

بحران کمبود بنزین؛ هزینه ناکارآمدی جمهوری اسلامی را مردم خواهند داد



● چند روز پس از آنکه طرح عرضه بنزین ۸۷ هزار تومانی در استان کرمان ساعاتی پیش از آغاز متوقف شد، یک نماینده مجلس شورای اسلامی از احتمال قیمت‌های ۴۰ تا ۷۰ هزار تومانی برای بنزین خبر داده است.

● مسعود پزشکیان چند روز پیشتر اعلام کرده بود نرخ واردات بنزین برای هر لیتر ۵۰ هزار تومان است و گفته بود دولت به دلیل محاصره دریایی امکان واردات بنزین ندارد. ● هاشم اروعی کارشناس ارشد انرژی: اقدام اخیر دولت در ارائه بنزین مازاد به قیمت لیتري ۸۷ هزار تومان در استان کرمان بیش از اینکه نشان‌دهنده عزم دولت در اصلاح ساختاری باشد، حاکی از دستپاچگی است و در سطحی بودن وعدم برخورداری از تحلیل کارشناسی همین بس که دولت مجبور به عقب‌نشینی شد.

چند روز پس از آنکه طرح عرضه بنزین ۸۷ هزار تومانی در استان کرمان ساعاتی پیش از آغاز متوقف شد، یک نماینده مجلس شورای اسلامی از احتمال قیمت‌های ۴۰ تا ۷۰ هزار تومانی برای بنزین خبر داده است. هاشم اروعی کارشناس انرژی معتقد است: «اقدام اخیر دولت در ارائه بنزین مازاد به قیمت لیتري ۸۷ هزار تومان در استان کرمان بیش از اینکه نشان‌دهنده عزم دولت در اصلاح ساختاری باشد، حاکی از دستپاچگی است، و در سطحی بودن و عدم برخورداری از تحلیل کارشناسی همین بس که دولت مجبور به عقب‌نشینی شد.»

طی روزهای گذشته و پس از آنکه طرح توزیع بنزین ۸۷ هزار تومانی در استان کرمان ساعاتی پس از اعلام خبر اجرا، متوقف شد، بار دیگر موضوع کمبود بنزین در ایران، دلایل و ریشه‌های آن و همچنین برنامه دولت برای افزایش قیمت بنزین را برجسته کرده است.

علی‌اصغر ذاکری‌هرندی، معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار کرمان، چهارشنبه گذشته اعلام کرده بود، از اامداد پنجشنبه ۲۲ امرداد در ۲۰۴ جایگاه سوخت استان با نرخ ۸۷ هزار تومانی آغاز خواهد شد. ساعاتی پس از انتشار این خبر مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه کرمان و استاندار کرمان در دو اظهارنظر جداگانه از توقف این طرح خبر دادند.

رمضانعلی سنگدوینی، نماینده کرمان و عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» درباره اعلام افزایش قیمت بنزین در کرمان و توقف اجرای آن گفت: «حتی نمایندگان استان کرمان نیز اطلاع دقیقی از این موضوع نداشتند و نمایندگان از این اتفاق غافلگیر شدند.» عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تأکید کرد که افزایش قیمت بنزین در شرایط فعلی و با توجه به تورم و گرانی کالاهای اساسی، راهکار مناسبی نیست. این در حالیست که دولت پزشکیان پیشتر اختیارات استانداران را برای برخی موارد اجرایی از جمله تعیین قیمت کالاها به استانداران سپرده بود و به نظر نمی‌رسد افزایش قیمت بنزین اقدامی «خودسرانه» از سوی استانداری بوده باشد. پیش از این قیمت نان نیز به عنوان یک کالای استراتژیک دیگر با نظر استانداران و در نرخ‌های متفاوت تعیین شده بود.

در آنسو اما خبر اجرا و بعد توقف طرح افزایش قیمت بنزین در استان کرمان بار دیگر موضوع کمبود بنزین در ایران را برجسته کرده است. دولت به دنبال حذف یارانه بنزین و عرضه آن با قیمت‌های واقعی است تا بتواند بخشی

چالش‌های موجود درباره آب و برق عمدتاً ناشی از رقابت منفی مستقیم وزارت نیرو با بخش خصوصی است. واقعیتی که متأسفانه دولت‌های بعد در راستای اصرار بر حفظ قدرت اقتصادی به آن توجه نکرده‌اند و کماکان به بنگاهداری در این حوزه ادامه می‌دهند.»

در ادامه این مطلب آمده: «نتیجه به تعویق انداختن تصمیمات سخت کار را به جایی رسانده که روزانه با بیش از ۲۰ میلیون لیتر کسری مواجهیم. نه امکان افزایش تولید داریم و نه واردات. اقدام اخیر دولت در ارائه بنزین مازاد به قیمت لیتري ۸۷ هزار تومان در استان کرمان نیز بیش از اینکه نشان‌دهنده عزم دولت در اصلاح ساختاری باشد، حاکی از دستپاچگی است و در سطحی بودن وعدم برخورداری از تحلیل کارشناسی همین بس که دولت مجبور به عقب‌نشینی شد.»

هاشم اروعی افزود: «سهم بنزین در هزینه خانوار تنها یک درصد و در حمل‌ونقل عمومی ۲ تا ۳ درصد است. طبق بررسی انجام‌شده توسط «مسعود نیلی» کشش تورمی بنزین حدود ۵ درصد برآورد می‌شود. یعنی چنانچه بهای بنزین دو برابر شود، حدود ۵ درصد به تورم افزوده خواهد شد. اما گلیم بر آب مانده اصلاحات بسیار سنگین شده و جو روانی حاصل به‌گونه‌ای مساله را در جامعه مطرح می‌کند که گویی اگر قیمت بنزین دو برابر شود، قیمت همه چیز دو برابر خواهد شد.»

به عقیده این کارشناس ارشد انرژی، «وضعیت نابسامان برق و بنزین تنها مشتی است از خروارها مطالبه از سوی مردم که دولت دیگر توان برآورده کردن آن را ندارد. پس از چند دهه، کار به جایی رسیده که دولت باید سالانه حدود ۱/۵ میلیارد دلار یارانه آرد و نان، ۶/۴ میلیارد دلار یارانه کالابری، ۷۰ میلیارد دلار یارانه سوخت مایع، ۱۸ میلیارد دلار یارانه برق، ۸۷ میلیارد دلار یارانه گاز، ۲ میلیارد دلار یارانه نقدی و ۱۵ میلیارد دلار یارانه برای آب؛ یعنی جمعا سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار یارانه، پرداخت کند؛ درحالی‌که کل تولید ناخالص داخلی کمتر از ۴۰۰ میلیارد دلار بوده و یک اقتصاد کشور در حال کوچک شدن است.»

از کسری بودجه انباشته در شرایط جنگی را جبران کند. مسعود پزشکیان چند روز پیشتر اعلام کرده بود نرخ واردات بنزین برای هر لیتر ۵۰ هزار تومان است و گفته بود دولت به دلیل محاصره دریایی امکان واردات بنزین ندارد. محمد بهرامی، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به نرخ‌هایی بین ۴۰ تا ۷۰ هزار تومان برای بنزین در صورت اجرای طرح افزایش قیمت، اعلام کرده: «نرخ هزینه تولید خیلی بالاتر از این است. به نظر من نرخ واردات هم احتمالا از ۵۰ هزار تومان بالاتر است و واقعیت من نرخ ۷۰ هزار تومان را هم شنیده‌ام. با این وجود نرخ بنزین باید طوری باشد که منافع ملت پایمال نشود.»

در این میان احمد مرادی نماینده بندرعباس در مجلس شورای اسلامی گفته: «نظر ما نمایندگان بر این است که در مقطع فعلی هیچ افزایشی در قیمت بنزین صورت نگیرد، چراکه واقعا تاب‌آوری مردم در برابر گرانی‌ها و گرانی‌هایی که به دنبال افزایش قیمت بنزین پیش خواهد آمد، محدود است.» احمد مرادی افزود: «دولت به سمت گسترش حمل‌ونقل عمومی برود، خودروهای بی‌کیفیت را از چرخه خارج کند و تولیدکنندگان خودرو را موظف کند خودرویی تولید کنند که مصرف بنزین کمتری داشته باشد.»

ریشه‌های کمبود بنزین در ایران اما به چهار دهه سیاستگذاری نادرست در توسعه صنعت نفت و پتروشیمی باز می‌گردد؛ چهار دهه ناکارآمدی مدیریتی جمهوری اسلامی اکنون شرایطی ایجاد کرده که تولید و عرضه بنزین در ایران را به کلافی سردرگم تبدیل کرده است. این روند در نهایت به افزایش قیمت بنزین و اثر تورم‌زای آن بر قیمت تمام شده همه کالاها و خدمات، و در نهایت تحمیل موج مضاعفی از گرانی بر بودجه خانوارها منجر خواهد شد.

در همین رابطه هاشم اروعی کارشناسان ارشد انرژی در روزنامه «دنیای اقتصاد» نوشته است: «در پایان دولت دوازدهم، هیات‌رئیس مجلس از کمیسیون اقتصادی خواست گزارشی در مورد عملکرد وزارت نیرو طی ۸ سال دولت یازدهم و دوازدهم ارائه کند. گزارش ۱۶ صفحه‌ای ارائه‌شده، به صورت صحیح و صریح به این نتیجه رسید که



معاون وزیر بهداشت کمبود ۱۰۰ هزار پرستار در ساختار درمانی را تأیید کرد



وزیر خزانه‌داری آمریکا: «تاکتیک‌های بی‌سابقه اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته خواهد شد



تراز آب دریای مازندران (کاسپین) به پایین‌ترین سطح در ۲۰۰ سال گذشته رسید



کشتار و تروریسم؛ کارت نامزدی جمهوری اسلامی در کمیته حقوق بشر سازمان ملل!



یک عضو اتاق بازرگانی: ایران در صورت تشدید محاصره دریایی فقط سه ماه دوام می‌آورد



از اعتراض به حجاب اجباری تا بیمارستان روانی؛ بهای سنگین نافرمانی «آهو دریایی»



افزایش مصرف قطعات پدکی دست‌دوم اتومبیل به علت گرانی ۸۰ درصدی



حمید حاج جعفر کاشانی زندانی سیاسی محروم از رسیدگی‌های پزشکی و درمانی



سرنگونی شش پهلپاد انتحاری در اربیل



محکومیت دانشجوی پزشکی بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴ به «اعدام»



سی‌ان‌ان: ترامپ با صدور دستور قطع مذاکره با جمهوری اسلامی، تغییریری اساسی در پیش گرفته است



سهم عملکرد دولت در گرانی مواد غذایی و کوچک شدن سفره‌های مردم



۴۰ درصد بازنشستگان در ایران «مستأجر» هستند



سوء قصد علیه فؤاد پاشایی دبیرکل «حزب مشروطه ایران»



افزایش قیمت نفت، ارز و طلا



تهدید نظامی مقامات جمهوری اسلامی در مقابل جنگ اقتصادی آمریکا



دونالد ترامپ: شدیدترین عملیات اقتصادی علیه جمهوری اسلامی آغاز شده است



موج دیگری از افزایش قیمت دارو؛ قیمت آنتی‌بیوتیک‌ها بطور میانگین ۱۲۰ درصد گران‌تر شدند



کبهان لایف: به فؤاد پاشایی هشدار داده شده بود که ممکن است هدف حمله قرار گیرد



افزایش شمار زنان سرپرست خانوار در ایران



تحمیل بار کمبود بنزین به تنگدستان با قطع سهمیه سوخت اتومبیل‌های فرسوده؛ مالکان اتومبیل: توان خرید اتومبیل نو نداریم!



ناو جرج واشنگتن به سمت خاورمیانه در حرکت است



رقم مورد نیاز برای حداقل‌های زندگی ماهانه ۹۰ میلیون تومان؛ دستمزد کارگران ۲۵ میلیون تومان!



مقام ارشد پیشین در وزارت خزانه‌داری آمریکا: صادرات نفت ایران تقریباً به صفر رسیده است



جیره‌بندی برق دست‌کم تا پایان مهرماه ادامه دارد



مديرعامل فرودگاه «امام»:
جنگ حمل و نقل هوایی ایران را
کاملاً زمین گیر کرده است



کشف یک ابزار سلاح متعلق به
حماس و حزب الله توسط اسرائیل؛
فاکس نیوز: سلاح ها ساخت ایران، چین،
روسیه و اتریش هستند



در پی تهدید مقامات آمریکا به تشدید فشار اقتصادی،
افزایش قیمت ارز و طلا در ایران



بلیت کنسرت هم قسطی شد!



تجمع بازنشستگان فولاد
در اصفهان



مناطق پاکسازی شده «قشم»
با ورود لکه های نفتی جدید دوباره
آلوده شد



از سرکوب اعتراضات دی ۴۰۴ تا جنگ؛
جامعه ایران دچار «مهاجرت ذهنی
و اجتماعی» شده است



بحران کمبود آب در استان
خراسان جنوبی؛
آبرسانی به ۴۰۰ روستا با تانکر!



شرکت گاز استان آذربایجان شرقی به صنایع:
سوخت دوم را پیش بینی کنید!



روسیه با ارسال تسلیحات از دریای
کاسپین در حال ترمیم رزادخانه موشکی-
پهپادی جمهوری اسلامی است



کشاورزان در بحران؛
دولت با گندمکاران تسویه نکرده است



دو ماه حقوق و شش ماه
حق بیمه کارگران شهرداری چابهار
پرداخت نشده است



شمار احکام اخراج دانشجویان
دانشگاه آریامهر (شریف) به ۱۰ مورد رسید



افزایش بی خاصیت رقم وام مسکن؛
کارشناسان می گویند قدرت خرید را
افزایش نمی دهد!



افزایش بی خاصیت رقم وام مسکن؛
کارشناسان می گویند قدرت خرید را
افزایش نمی دهد!



معاف بزرگسالان: نمی دانیم سود چندین
هزار میلیارد تومانی فروش فیلترشکن به جیب
چه کسانی می رود!



آرایش جدید اجرایی در قوه قضاییه؛
جایجایی همزمان ۹ مدیر ارشد توسط
محسنی اژه ای



وزیر خارجه لبنان:
سفیر جمهوری اسلامی عنصر نامطلوب است،
وزیر او تمدید نمی شود



امام جمعه اصفهان:
باید «ادبیات انتقامی» را تقویت کنیم



فرانسه نیلوفر شادمهری،
رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی را
اخراج کرد



مصوبه مجلس شورای اسلامی:
شش ماه تا دو سال زندان برای
مصاحبه با رسانه های آمریکایی



فرمانده ارتش جمهوری اسلامی:
هرکسی یک نیروی آمریکایی را بکشد
۳۰ هزار دلار جایزه می گیرد



ترامپ بر سر دوراهی:
تشدید فشار اقتصادی بر رژیم ایران
یا بازگشت به دام مذاکره و توافق؟!



آکسیوس: دولت ترامپ برای
تماس با فرماندهان سپاه از کانال
بازرانی استفاده کرد



اقتصاد ایران در لبه پرتگاه؛
وزیر جهاد کشاورزی:
جنگ با شدت ادامه دارد



عکس هفته | تنگه هرمز

تنگه‌ای در جنوب ایران که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌کند و در درازای تاریخ و از سده‌های گذشته در کتیبه‌ها و اسناد به نام «هرمز» شناخته می‌شده، این روزها به چالش جدی در جنگ میان آمریکا و جمهوری اسلامی تبدیل شده است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بستن تنگه هرمز از اسفندماه ۴۰۴ تا کنون، وضعیت این تنگه را به محور اصلی مذاکرات با ایالات متحده تبدیل کرده است؛ نام تنگه هرمز در شرایطی با سرنوشت جنگ و حیات جمهوری اسلامی گره خورده که در آنسو ممکن است به عامل تسلط ایالات متحده در منطقه تبدیل شود.